

دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

حِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ، لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى، وَ

نگاهدشتیم آسمان را نگاهداشتنی کامل از بالا رفتن هر شیطانی سرکش تا آن که گوش نیندازند ایشان به سوی سخنان گروه بلند مرتبه و

يُقَذِّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا. وَ لَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ إِلَّا مَنْ خَطِفَ

انداخته می شوند شیاطین از هر طرفی از جهت راندن و دور کردن و از برای ایشان است عقوبت ثابت و دایمی مگر کسی را از ایشان

الْخَطِيفَةَ، فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ. يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، إِنَّ

که بر باید و بدزدد دیگر بودن و سخنی را پس از پی او در آید آتشی درخشنده و سوزاننده، ای گروه جنیان و آدمیان اگر می توانید و

اسْتَعْتَمْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا، لَا

قدرت دارید آن که بیرون روید از اطراف و جوانب آسمانها و زمین پس بیرون روید و بگریزید بیرون نمی توانید

تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ. فَبِأَيِّ آيَةٍ رَبِّكُمْ تَكْذِبَانِ. يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ

رفت مگر به قدرت و توانایی پس به کدام یک از نعمتهای پروردگار خود انکار می کنید فرستاده می شود بر شماها که

شَوَاطِطٌ مِنْ نَارٍ وَ نُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

کافر باشید زیادهای از آتش و مس گداخته پس یاری کرده نمی شوید، آغاز به نام خدای بخشنده

الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ

مهربان همه ستایش برای خداست که خلق کننده آسمانها و زمین است و گرداننده فرشتگان است،

رُسُلًا أُولَى أَجْنِحَةٍ، مَثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ، يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا

فرستادگان بسوی پیغمبران که صاحب بالهای دو تادو تا و سه تا سه تا و چهار تا چهار تا هستند زیاده می کند خدا در آفریدگان خود

يَشَاءُ، إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ

آنچه را که می خواهد بدرستی که خدا بر همه چیز تواناست آنچه را که بگشاید خدا برای مردمان از در رحمت خود

فَلَا مُمْسِكَ لَهَا، وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ، وَ هُوَ الْعَزِيزُ

پس نیست بازگرندهای برای آن و آنچه را که بازگیرد، پس نیست فرستندهای برای او بعداً، و اوست غلبه کننده

الْحَكِيمُ. إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ، يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ، وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

درستکار، بدرستی که افزونبخشی به دست قدرت خداست، می دهد آنرا به هر کس که می خواهد و خدا بسیار رحمت کننده و داناست

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ، وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ. وَ نُنَزِّلُ

مخصوص می گرداند به رحمت خود آنرا که می خواهد و خدا صاحب زیادتی بخشش بزرگ است و فرود می آوریم

مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ. وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ

از قرآن آن چیز را که او شفا دهنده است بیماری را و بخشش است برای مؤمنان و هرگاه می خوانی (ای محمد) قرآن را

جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا. وَ

می گردانیم میان تو و میان آن جماعتی که ایمان نمی آورند به آخرت پردهای پوشیده شده، و

جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ، وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا. وَ إِذَا

گردانیدیم بر دلهای ایشان پوششها که مبادا بفهمد قرآن را و گردانیدیم در گوشهای ایشان گرائی را، و هرگاه

دعاهای حضرت امام جعفر صادق (ع)

ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ، وَلَوْ أَعْلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا. أَفَرَأَيْتَ

یادآوری نمایی پروردگار خود را در قرآن که یگانه است او و بازگردند کافران بر پشتهای خود در حالی که نفرت کنندگانند آیا پس

مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ، وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ، وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ

دیده‌ای آنرا که خدا را خود را از روی خواهش خود و واگذاشت در گمراهی او را خدا بر دانش لژی و مهر نهاد بر گوش او و

قَلْبِهِ، وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً، فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ، أَفَلَا

بر دل او و گردانید بر چشم او پرده‌ای پس کیست که راه نماید آن کس را بعد از باز گذاشتن خدا او را آیا

تَذَكَّرُونَ. أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ

پس یخند نمی گیرید شما ای کافران، کافران آن جماعتند که مهر نموده است خدا بر دلهای ایشان و بر گوشهای ایشان و

أَبْصَارِهِمْ، وَ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ. وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ

بر چشمهای ایشان و آن جماعت ایشانند بی خبران از عذاب خدا و گردانیدیم از پیش روی ایشان حاجبی را و

مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا، فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا

از عقب سر ایشان مانتی را پس پوشانیدیم چشمهای ایشان را پس ایشان نمی بینند چیزی را و نیست

بِاللَّهِ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ. وَ لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ، وَ لَا تَكُ فِي

تیهه اسباب من مگر بخدا بر او اعتماد کرده‌ام و به سوی او بازگشت می‌نمایم و مباش اندوهناک (ای محمد) بر اعراض کافران و مباش تو در

ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ. إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ

دلشنگی از آنچه حیل می‌کنند ایشان بدرستی که خدا با آن جماعتی است که پرهیزکارند و با آن جماعتی که

مُحْسِنُونَ. وَ قَالَ الْمَلِكُ انْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي، فَلَمَّا

ایشان نیکوکارانند و گفت پادشاه مصر که: بیاورید برای من یوسف را تا آن که خالص گردانم او را از برای مهمات خود پس

كَلَّمَهُ، قَالَ: إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ. وَ خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ

چون آمد و سخن گفت با او گفت عزیز بدرستی که تو امروز در نزد ما در نهایت تقرب و امین بر چیزها، و پست و ضعیف شود آوازه‌ها

لِلرَّحْمَنِ، فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا. فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ

در روز قیامت از جهت خوف از خدا پس نشنوی در آن روز مگر آوازی آهسته پس زود باشد که کفایت نماید از شر ایشان خدا و اوست شنوا

الْعَلِيمُ. إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ، مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ

و بسیار دانای بدرستی که من اعتماد نموده‌ام بر خدا که پروردگار من و پروردگار شماست نیست هیچ حرکت کنندهای مگر آن که خدا فرا گرفته است

بِمَنَاصِيَّتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. وَ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ، لَا إِلَهَ

پیش سر آنرا بدرستی که پروردگار من بر راه راست است و خدای شما خدای یگانه است نیست خدائی

إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، خَالِقُ كُلِّ

مگر آن خدا که بخشنده مهربان است این است آن خدا که پروردگار شماست نیست خدائی مگر او که آفریننده همه

شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ. قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا

چیز است پس بندگی و پرستش ننمائید او را و او بر همه چیز توانا و معتمد است بگو که اوست پروردگار من نیست خدایی مگر

دعاهای حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام)

هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ مَتَابُ. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ

او بر او اعتماد نموده‌ام و به سوی اوست بازگشت من ای جماعت مردمان یاد کنید به دل و زبان نعمت خدا را

عَلَيْكُمْ، هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، فَأَنْتَى تُؤْفَكُونَ. ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ، فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

که داده‌است بر شما آیا هست هیچ آفریننده‌ای به غیر از خدا که روزی دهد به شما از آسمان (به باریدن باران) و از زمین. نیست خدایی

مگر او پس به کجا برمی‌گردید. آن آفریدگار خداست که پروردگار شماست پس بزرگوار است خدا که پروردگار عالمیان است.

هُوَ الْحَيُّ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، فَاتَّخِذْهُ

اوست زنده دائمی که نیست که خدایی مگر او پس بخوانید او را به عبادت در حالی که خالص کننده باشید برای او دین خود را. همه ستایش

برای خداست که پروردگار عالمیان است او پروردگار مشرق و مغرب است. نیست خدایی مگر او پس فراگیر تو او را

وَ كَيْلًا. رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا، وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا

معتمد برای خود. ای پروردگار ما فرو ریز بر دلهای ما صبر و شکیبایی را و نگاهدار قدمهای ما را در روز جنگ و یاری ده ما را بر

مُكْرَهُ. كَافِرِينَ. لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا

مکرده. کافران اگر می‌فرستادیم این قرآن را بر کوهی می‌دیدند آنرا زاری کننده

مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ. هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ، هُوَ

شکافته شده باره باره گردیده از ترس خدا و این مثلها را می‌زنیم و بیان می‌کنیم آنها را برای مردمان شاید که ایشان

تَفَكَّرُونَ. هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ، هُوَ

تفکر نمایند. اوست خدائی که نیست خدایی مگر او دانای پنهان و آشکار است. اوست

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَلَمَلِكُ الْقُدُّوسُ

بخشنده مهربان. اوست خدایی که نیست خدایی مگر او پادشاه و پاکیزه‌است (از نقص و عیب)

السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِمِّنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ، سُبْحَانَ اللَّهِ

و سالم و امان دهنده‌است. حفظ کننده و غلبه کننده‌است. صاحب جبروت و متکبر است. منزّه است خدا

عَمَّا يُشْرِكُونَ. هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ

از آنچه شریک قرار می‌دهند او را مشرکان، اوست خدای تقدیر کننده آفریننده بخشنده. برای اوست نامهای

الْحُسْنَى، يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ، وَ هُوَ الْعَزِيزُ

نیکو. تسبیح می‌کند برای او آنچه در آسمانها و زمین است و اوست غلبه کننده

الْحَكِيمُ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ. اللَّهُ الصَّمَدُ. لَمْ

دانای با مصلحت. آغاز بنام خدای بخشنده مهربان بگو اوست خدای یگانه. خدای دائمی و بی‌نیاز است نزنیده

يَلِدُ وَ لَمْ يُولَدْ. وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

وزائیده نشده و نبوده و نیست برای او همتا و مانند هیچ کس. آغاز بنام خدای بخشنده مهربان

دعاهای حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام)

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ. مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ. وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ. وَ
 بگو که پناه می برم به پروردگار صبح از شر آنچه آفریده است و از شر شب تلریک هرگاه داخل شود و
مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ. وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ. بِسْمِ اللَّهِ
 از شر نفسهای سحر کننده و باد دهنده در گره ها و از شر حسودی هرگاه رشک برد، آغازه بنام خدای
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ. مَلِكِ النَّاسِ. إِلَهِ النَّاسِ. مِنْ
 بخشنده مهربان بگو پناه می برم به پروردگار آدمیان، پادشاه عالمیان، خدای آدمیان، از
شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ. الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ. مِنَ
 شر شیطان و وسوسه کننده بازگردیده پنهان شونده آن چنان که وسوسه می کند در سینه های مردمان از
الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ. اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَ بِي شَرًّا أَوْ بِأَهْلِي شَرًّا أَوْ بِأَسَا أَوْ
 جنیان و آدمیان، خداوند کسی که قصد نماید که رساند به من بدی یا آن که رساند به اهل من بدی یا
ضَرًّا، فَاقْصَعْ رَأْسَهُ، وَ اصْرِفْ عَنِّي سُوءَهُ وَ مَكْرُوهَهُ، وَ اعْقِدْ عَنِّي
 عقوبت و سختی را یا زبانی را پس بکوب سر او را و برگردان از من بدی او را و ناخوشی او را و ببند از من
لِسَانَهُ، وَ أَحْبِسْ كَيْدَهُ، وَ ارْزُدْ عَنِّي إِزَادَتَهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 زبان او را و بند کن مکر او را و برگردان از من قصد او را، خداوند رحمت فرست بر محمد
كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ مِنَ الْكُفْرِ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَ
 همچنان که راه نموده و نجات داده ای ما را به سبب او از کفر زیادت از آنچه رحمت فرستاده ای بر احدی از آفریدگان خود و
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا ذَكَرَكَ الذَّاكِرُونَ، وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لِأَبَائِنَا وَ
 رحمت فرست بر محمد همچنان که یاد نموده اند تو را یاد کنندگان و پیامر ما را و پدران ما را و
لِأُمَّهَاتِنَا وَ ذُرِّيَّاتِنَا، وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ
 مادران ما را و فرزندان ما را و همه مردان مؤمن را و زنان مؤمنه را و مردان مسلمان را و
وَ الْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ، تَابِعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ فِي
 و زنان مسلمان را از زنده های ایشان را و مرده های آنها را و پیرو گردان ما را به ایشان در
الْخَيْرَاتِ، إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ، وَ مُنْزِلُ الْبَرَكَاتِ، وَ دَافِعُ السَّيِّئَاتِ،
 خوبیها بدرستی که تو برآورنده دعاهایی و فرود آورنده برکتهایی و دفع کننده بدیهایی
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ بَيْنِي وَ دُنْيَايَ وَ
 بدرستی که تو بر همه چیز توانایی خداوند بدرستی که من می سپارم به تو دین خود را و دنیای خود را و
أَهْلِي وَ أَوْلَادِي وَ عِيَالِي وَ أَمَانَتِي، وَ جَمِيعَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فِي
 اهل خود را و فرزندان خود را و عیال خود را و امانت خود را و همه آنچه را که انعام کرده ای بر من در
الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ لَا يَضِيعُ صَنَائِعُكَ، وَ لَا تَضِيعُ وَدَائِعُكَ، وَ
 دنیا و آخرت پس بدرستی که ضایع نیست کارهایت و باطل نمی شود سپرده شده های در نزد تو و

دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ. اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي

اٰلَاخِرَةِ حَسَنَةً. وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ.

آخرت نیکوئی را و نگاهدار ما را از عذاب آتش.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: آخر دعا تا به اینجا است، ولیکن در نسخه‌ای که من این دعا را از آن نقل نمودم، زیادتى در آن بود و آن این است:

فَاِنِّىْ اَرْجُوْكَ وَ لَا اَرْجُوْ اَحَدًا سِوَاكَ، فَاِنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْغَفُوْرُ. اَللّٰهُمَّ

اَدْخِلْنِى الْجَنَّةَ وَ نَجِّنِى مِنَ النَّارِ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

داخل کن مرا در بهشت و خلاصی ده مرا از آتش به رحمت خود ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان.

سید رضی الدین، رکن اسلام و جمال عارفین نمونه علماء و سادات طاهرین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن محمد بن طاووس علوی فاطمی رحمه الله مصنف این کتاب می گوید که خدا دشمنان او را سرنگون کند و مبغضین او را خوار و ذلیل گرداند آنکه: از جمله تعجبها آن است که محبت دنیا بنده خلق شده از خاک و نطفه آب حقیر دنی را به آنجا می کشاند که با پروردگار عالمیان دشمنی نماید، چنانچه منصور کشتن مولای ما حضرت امام جعفر صادق بن امام محمد باقر علیه السلام را اراده نمود با وجود آن که مکرراً از آن حضرت معجزه ها و کرامتها مشاهده نمود، حتی آن که، آن حضرت را جهت قتل هفت مرتبه حاضر نمود، چنانکه سابقاً مذکور شد و هیچ مرتبه خدای تعالی او را فرصت نداد و برای او این امر میسر نشد. و عجیب تر و غریب تر آن که منصور چون این معجزه ها و کرامتها را از آن حضرت دیده بود، وقتی که خبر فوت آن حضرت به او رسید به حسب ظاهر بر آن حضرت گریه نمود و به کشتن وصی او حضرت امام موسی علیه السلام امر نمود، چنانچه محمد بن یعقوب کلینی در کتاب حجة از «اصول کافی» در باب نص بر امامت حضرت ابوالحسن امام موسی بن جعفر علیه السلام به سندهای خود روایت نموده است از داود بن زری، از ابی ایوب جوزی که گفت مرا ابو جعفر منصور در اثناء شبی طلبید، چون رفتم و داخل خانه او شدم، دیدم او را بر کرسی نشسته و پیش روی او شمعی می سوخت و در دست او نامه ای بود. چون من سلام کردم آن نامه را به نزد من انداخت و حال آن که می گریست. به من گفت که این نامه جعفر بن سلیمان، حاکم مدینه است که به ما نوشته است و ما را خبر داده است به آن که جعفر بن محمد صادق فوت شده. پس سه مرتبه گفت: «اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ»،

دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

کجاست مثل آن حضرت شخص دیگری. آنگاه به من گفت که جواب نامه جعفر بن سلیمان را بنویس.

من اول نامه را نوشتم. سپس گفت که بنویس: اگر چنانچه آن حضرت یک شخص را وصی خود قرار داده باشد، باید که او را بطلبی و گردن او را بزنی، زیرا که او نیز دعوی امامت خواهد نمود.

ابو ایوب گوید: بعد از مدتی از حاکم مدینه جواب آمد که آن حضرت به پنج نفر وصیت نموده است. یکی از آنها ابو جعفر منصور خلیفه است و دیگران محمد بن سلیمان و عبدالله و موسی و حمیده. و در روایتی دیگر وارد شده که آن حضرت به ابو جعفر منصور و عبدالله و به حضرت امام موسی و محمد دو فرزندان خود و به شخصی از آزاد کرده خود وصیت نمودند.

ابو ایوب گوید: منصور گفت: مرا راهی و قدرتی بکشتن همگی این جماعت نیست. سید بن طاووس رحمه الله گوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» سبحان الله محبت دنیا در قلب منصور به نهایت درجه خود رسیده بوده است! حتی آن که چشم دل او کور شده بود و این است مضمون آیه شریفه که فرموده اند: «أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ، ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ، مَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ».

«آیا دیده و دانسته ای که اگر برخورداری دهیم ایشان را سالهای بسیار در دنیا و در نعمتهای آن، پس بیاید به ایشان آن چه وعده داده شده، پس نفع نمی کند ایشان را آنچه بهره برده اند در دنیا و مانع ایشان نمی شود از عذاب آخرت، بلکه موجب ازدیاد گناه و عصیان ایشان می گردد.

پس چرا اعتماد به نعمتها دنیوی نمایند و از عاقبت کار خود غافل باشند.

باز سید بن طاووس رحمه الله گوید: عجیب تر از اینها، آن چیزی است که من بر آن مطلع شدم و آن را به خط صفی محمد بن معد رضوان الله علیه دیدم، روایت نمود: منصور با وجود این همه معجزات که از آن حضرت مشاهده نموده بود و چندین مرتبه خود آن حضرت را طلبیده و اراده قتل ایشان نموده و میسر نشده و خدای تعالی ایشان را از شر آن لعین محفوظ گردانیده بود، مع هذا ترک قتل آن حضرت ننمود، حتی آن که امر نموده بود که آن حضرت را شهید کنند، چنانچه راوی گوید: به خط عبدالسلام بصری در بغداد در سنه ششصد و سه (۶۰۳) هجری دیدم که در کتابی نوشته بود بر اول صفحه آن که صورتش این است: «در ذکر خبرها و شعرها» از آن جمله روایتی است که آن را روایت نموده است ابوالحسن محمد بن یوسف بن موسی ناقل شماعی عبد السلام بن حسین که خدای تعالی مردم را از او نفع دهد که گفته خبر داد به ما ابو غالب

دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

احمد بن محمد بن محمد بن سلیمان زراری و او نقل نموده که حدیث کرده به من جدم محمد بن سلیمان از ابی جعفر محمد بن حسین بن ابی الخطاب کوفی از محمد بن سنان از عبدالله بن مسکان و ابو سعید مکاری و از جمعی دیگر از اصحاب ما، از عبدالاعلی بن اعین، از رزام بن مسلم آزاد کرده خالد آن که: ابو جعفر منصور دوانیقی مرا فرستاد و جمعی را همراه من نمود به سوی حضرت ابی عبدالله امام جعفر صادق علیه السلام و حال آن که آن حضرت در حیره بود از جهت آن که آن حضرت را به قتل برسانم. پس ما بر آن حضرت داخل شدیم، آن حضرت را در فضای خانه یافتیم. و به حاجت خود رسیدیم و بر آن حضرت و بر پسرش اسمعیل، بجای آوردیم آنچه را که قصد نموده بودیم، پس به نزد منصور دوانیقی برگشتیم و گفتیم که از کاری که به ما فرموده بودی، فارغ شدیم.

چون صبح شد در فضای خانه آن حضرت دو شتری را یافتیم که کشته شده بود. ابوالحسن محمد بن یوسف گوید: یعنی در فضای خانه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در عوض آن حضرت و اسمعیل پسرش، دو شتر را کشته بودند و گمان داشتند که آن حضرت و پسر او را شهید نموده اند و خدای تعالی میان آن جماعت و میان آن حضرت حایل شده و چنان که مذکور شد دفع شر آن جماعت را از آن حضرت نموده بود. باز سید بن طاووس رحمه الله گوید: خطیب در کتاب «تاریخ بغداد» در شأن ابی عبدالسلام بصری روایت نموده است که این است ترجمه آن: عبدالسلام بن حسن بن ابو احمد بصری مردی لغت دان و ساکن بغداد بوده و آن روایت سابق را روایت نموده از محمد بن اسحق بن عباد نحّال و از جماعتی از اهل بصره و روایت کرده اند به من از عبدالسلام عبدالعزیز ازجی و غیر او، و عبدالسلام مردی راستگو و عالم و بسیار دانا و قاری قرآن و صاحب وقوف در علم قرائت بوده و کتابدار و ناظر کتاب خانه و در بغداد مشرف بوده است.

باز سید بن طاووس رحمه الله گوید: شنیدم از ابوالقاسم عبدالله بن علی رقی که می گفت: عبدالسلام بصری از بهترین مردم در خواندن قرآن و گفتن شعر بود و بسیار بخشنده بود و بسیار اتفاق می افتاد که از او سائلی چیزی را می طلبید و نداشت چیزی به او بدهد، به آن سائل بعضی از کتابهای نفیس بسیار قیمتی را می داد.

باز سید بن طاووس رحمه الله گوید: حدیث نمود به من علی بن عبدالمحسن تنوخی آن که عبدالسلام بصری در روز سه شنبه نوزدهم محرم از سنه چهارصد و پنج (۴۰۵) هجری فوت شد و دیگری روایت نمود که در مقبره شونیزی در پهلوی قبر ابی علی فارسی دفن شد و تولد او در سال سیصد و بیست و نه بوده (۳۲۹).

دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

باز سید بن طاووس رحمته الله علیه گوید: غرض من از نقل این سخنان آن است که بر همه مردم ظاهر شود که عبدالسلام راوی حکایت منصور با حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که چنانچه خطیب ذکر نموده، مردی بوده است راستگو و متدین و متصف به صفتهای خوبی بوده تا آن که خطیب را متهم نسازند در نقلی و حکایتی که مشتمل بر معجزات بسیار و کرامتهای غریب است که از عبدالسلام بصری نقل نموده چنانچه مذکور شد. باز سید بن طاووس رحمته الله علیه گوید: ما روایت می کنیم آنچه را که در «تاریخ خطیب» مسطور است به چندین طریق که آنها را در کتاب اجازه های خود ذکر کرده ایم و از برای ما طریقی دیگر به آن حکایتی است که آن را خطیب از عبدالسلام بصری نقل نموده است.

❁ دعای نهم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ❁

دعای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که آن حضرت بخواندن آن پناه بردند در هنگامی که منصور دوانقی جمعی را به مدینه مشرفه فرستاد از جهت آن که آن حضرت را شهید نمایند و این مرتبه نهم بود که اراده قتل آن حضرت را نموده بود. ما این دعا را از کتاب «خصایص» روایت می کنیم که مصنف آن، حافظ ابوالفتح محمداحمد بن علی نطنزی است که محمد بن نجار در شرحی که بر تاریخ خطیب نوشته به مقدار یک ورق او را مدح کرده است. پس از جمله تعریفات او این است که ابوالفتح محمد بن علی اصفهانی نطنزی است و نطنز بلدهای در حوالی اصفهان است و ابوالفتح نادر عصر خود و دور فلک بوده و کثیر النفع و بر اهل زمانه خود در پاره های از فضیلتها تفوق داشته است و ابوالفتح در آن کتاب مذکور نموده که این روایت را بر ابی منصور بن ابی شجاع خواندم و به او گفتم که شما را والد تو امام حافظ خبر داده است، پس اقرار نمود و گفت که به ما ابوالفضل عبدالواحد بن علی بن نوعه خبر داده است و او گفته که خبر داد به ما ابوالعباس احمد بن ابراهیم بن ترکان، و او گفته که حدیث نموده به من منصور محمد بن جعفر صیرفی، از ابوالحسن اسحق بن عبدالرب بن مفضل، از عبداللّه بن عبدالحمید، از محمد بن مهران اصفهانی، و او گفته که حدیث نمود به من خلاد بن یحیی، از قیس بن ربیع، از پدر خود ابوالربیع که گفت: روزی منصور دوانقی مرا طلبید و گفت: آیا می دانی آنچه را که از این شخص به من حبشی رسیده است؟ من گفتم: آن شخص کسیت ای سید من؟ منصور دوانقی گفت: جعفر بن محمد، واللّه که اصل و بنیاد او را از بیخ برمی کنم. سپس

دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

امیر و سرکرده‌ای از امرای خود را طلبید و گفت که هزار سوار از لشکر بردار و به مدینه برو و هجوم کن و بی خبر بر سر جعفر بن محمد بریز و سر او را با سر پسرش موسی کاظم علیه السلام را بیاور. آن شخص همان ساعت بیرون رفته متوجه مدینه شد تا به مدینه رسید و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مطلع گردیدند.

پس امر فرمودند تا دو سه نفر شتر آوردند و در در خانه خوابانیده آنها را بستند و فرزندان خود حضرت موسی و اسمعیل و محمد و عبدالله علیه السلام را طلب نمودند و همگی را جمع نموده در محراب نشستند و مشغول به خواندن دعا شدند.

ابونصر گوید: پس روایت نمود به من مولا و سید من حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام آن که پس آن امیر با لشکر خود هجوم آورد و من پدر خود را دیدم که به خواندن دعا مشغول بودند. پس آن امیر لشکر روی نمود به جماعتی که همراه او بودند، گفت که سر این دو نفر ایستاده را جدا سازید. پس آن جماعت سر آن دو شتر را بریدند و در توبره گذارده، به نزد منصور دوانقی روانه شدند.

چون آن امیر لشکر به منصور دوانقی رسید آن توبره را به نزد او نهاد. چون آن سرهارا از توبره بیرون آوردند، دید که سر دو شتر است.

منصور گفت: این چیست آورده‌ای؟

امیر لشکر جواب داد: ای سید من چون در نهایت سرعت داخل خانه آن حضرت شدم در سر من دواری بهم رسید و چشمم تاریک شد که پیش روی خود را نمی‌دیدم، پس ناگاه نظرم افتاد دیدم که دو شخص ایستاده‌اند. گمان کردم که جعفر بن محمد و موسی پسر اویند. پس سر هر دورا جدا ساخته و به نزد شما آوردم.

منصور دوانقی گفت: این حکایت را پنهان کن و به احدی اظهار مکن.

راوی گوید: من به احدی اظهار نکردم تا آن که منصور مُرد.

ربیع گوید: پس من از حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام سؤال نمودم از آن دعا که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آن را در وقتی که در محراب نشسته بودند، آن را می‌خواندند، آن حضرت فرمودند: به درستی که از پدرم پرسیدم فرمودند که آن دعای حجاب است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می‌کنم بنام خدای بخشنده مهربان

وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ

و هرگاه می‌خوانی (ای محمد) قرآن را می‌گردانیم میان تو و میان آن جماعتی که ایمان نمی‌آورند به آخرت

دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

حِجَاباً مَسْتُوراً. وَ جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ، وَ فِي

پردهای پوشیده نشود و گردانیدیم بر دلهای ایشان پوششها که مبادا بفهمند قرآن را و گردانیدیم در

أَذَانِهِمْ وَقَرَأْ. وَ إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ، وَلَوْ عَلَى

گوشه‌های ایشان گراتی را و هرگاه یاد نمایی پروردگار خود را در قرآن که یگانه است او بازگردند کافران بر

أَذْبَارِهِمْ نُفُوراً. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي بِهِ تَخْيِي وَ تُمِيتُ،

پشتهای خود در حال یکه نفرت کنندگانند. خداوند ا بدرستی که سوال می کنم تو را به آن نام که به برکت آن زنده می کنی و می میرانی

وَ تَرْزُقُ وَ تَعْطِي وَ تَمْنَعُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ. اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنَا

و روزی می دهی و بخشش می کنی و منع میکنی ای صاحب بزرگی و بخشش، خداوند کسی که قصد نماید ما را

بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ فَأَعْمِ عَنَّا عَيْنَهُ، وَ اصْمُمْ عَنَّا سَمْعَهُ، وَ

به بدی از همه آفریدگان تو پس کور کن از دیدن ما چشم او را و کمر گردان از ماموش او را و

اشْغَلْ عَنَّا قَلْبَهُ، وَ اغْلُلْ عَنَّا يَدَهُ، وَ اصْرِفْ عَنَّا كَيْدَهُ، وَ خُذْهُ مِنْ

مشغول گردان از یاد ما دل او را و ببند از مادت او را و برگردان از مامکر او را و فراگیر او را از

بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ مِنْ

پیش روی او و از پس سر او و از طـرف راست او و از طـرف چپ او و از زیر پای او و از

فَوْقِهِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ.

بالای سر او ای صاحب بزرگی و بخشش.

حضرت امام موسی علیه السلام فرمودند که پدرم علیه السلام گفتند: این دعائی که مذکور شد دعای

حجاب از جمیع دشمنان است.



دعای تضرع هنگام مشکلات



دعای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام معروف به دعای تضرع است که حضرت ابو عبد الله

امام جعفر صادق علیه السلام این دعا را در سختی ها و شدائد می خواندند و ذراعین خود برهنه

می کردند و صدای خود را بلند می کردند و با گریه و زاری بسیار این دعا را می خواندند:

اللَّهُمَّ لَوْ لَا أَنْ أُلْقِيَ بِيَدِي، وَ أُعِينَ عَلَى نَفْسِي، وَ أَخَالَفَ كِتَابَكَ، وَ

خداوند اگر نبود که انداخته می شدم به دست خود در هلاکت و یاری می نمودم بر ضرر رسانیدن نفس خود و مخالفت می کردم قرآن ترا به سبب

قَدْ قُلْتُ: أَدْعُوَنِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، فَإِنِّي قَرِيبٌ أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا

ترک نمودن. دعا و حال آنکه گفته ای که بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را، بدرستی که من نزدیکم، و بر می آورم حاجت طلب کننده را

دَعَانِ. لَمَّا انْشَرَحَ قَلْبِي وَ لِسَانِي لِدُعَائِكَ وَ الطَّلَبِ مِنْكَ. وَ قَدْ

هرگاه بخواند مرا، البته گشوده نمی شد دل و نه زبان من برای دعای و خواستن حاجتها از تو و حال آنکه به تحقیق که

دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

عَلِمْتُ مِنْ نَفْسِي فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَكَ مَا عَرَفْتُ. اَللّٰهُمَّ مَنْ اَعْظَمَ

دانسته‌ای از نفس من در میان من و میان تو آنچه را که شناخته‌ای از گناهان من خداوند اکیست که بزرگتر باشد

جُرْماً مِنِّي، وَ قَدْ سَاوَرْتُ مَعْصِيَتَكَ الَّتِي زَجَرْتَنِي عَنْهَا بِنَهْيِكَ

گناه از من و به تحقیق که جرأت نمودم بر نافرمانیت که بازداشتن مرا از آن به سبب منع کردن

اِيَّايَ، وَ كَاثَرْتُ الْعَظِيمَ مِنْهَا الَّتِي اَوْجَبْتَ النَّارَ لِمَنْ عَمِلَهَا مِنْ

تو مرا از آن و مرتکب شده‌ام گناه بزرگ و بسیار از گناهانی را که ثابت و واجب نمودهای آتش را برای کسی که بجای آورد آنها را از

خَلْقِكَ، وَ كُلُّ ذَلِكَ عَلَيَّ نَفْسِي جَنَيْتُ، وَ اِيَّاهَا اَوْبَقْتُ. اِلٰهِي

آفریدگان تو و همه اینها را بر نفس خود ستم نمودم و نفس خود را به هلاکت انداخته‌ام ای خداوند

فَتَذَارِكُنِي بِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا تَجْمَعُ الْخَيْرَاتِ لِاَوْلِيَاءِكَ، وَ بِهَا

پس تدارک کن مرا به شفقت خود که به برکت آن جمع می‌کنی و می‌رسانی نیکی‌ها را برای دوستان خود و به سبب آن

تَصْرِفُ السَّيِّئَاتِ عَنْ اَحِبَّاءِكَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ التَّوْبَةَ

رحمت برمی‌گردانی بدیها را از دوستان خود خداوند بدرستی که من سؤال می‌کنم از تو توفیق یافتن توبه

النَّصُوحَ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَ اَرْحَمْ عِبْرَتِي، وَ اَقْلِبْنِي عَثْرَتِي. اَللّٰهُمَّ

خالص را پس برآور حاجت مرا و رحم کن ریختن اشک چشم مرا و درگذر آن از من به سر در آمدن مرا خداوند

لَوْ لَا رَجَائِي لِعَفْوِكَ لَصِمْتُ عَنِ الدُّعَاءِ، وَ لَكِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ يَا

اگر نمی‌بود امید من به درگذشتن تو (از گناهان من) هر آینه گنگ بودم از دعا کردن ولیکن تو بر هر حالت ای

اِلٰهِي غَايَةُ الطَّالِبِينَ، وَ مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ، وَ اسْتِعَاذَةُ

خداوند من تونی نهایت سوال طلب کنندگان و تونی منتهای خواهش کنندگان و تویی منتهای پناه جستن

الْعَائِذِينَ. اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا اَسْتَغِيْذُكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ سُوءِ سَخَطِكَ وَ

پناه برندگان خداوند پس من پناه می‌رم به تو از شدت غضب تو و بدی خشم و

عِقَابِكَ وَ نَقِمَتِكَ، وَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ

از عذاب تو و از عقوبت تو و از بدی نفس خودم و از شر هر صاحب شری و طلب آمرزش می‌کنم ترا

مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ، وَ اَسْئَلُكَ الْغَنِيْمَةَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي

از همه گناهان من و سؤال می‌کنم از تو نفع بردن خود را در آنچه باقی است از زندگانی من

بِالْعَافِيَةِ اَبَدًا مَا اُبْقِيْتَنِي. وَ اَسْئَلُكَ بِالْجَنَّةِ وَ الرَّحْمَةِ اِذَا

به سبب سلامتی دایمی هر آنچه باقی گذارده‌ای مرا و سؤال می‌کنم از تو رسیدن به بهشت را و می‌طلبم از تو رحمت را هرگاه که

تَوْفَّقْتَنِي، فَاِنَّكَ لِذَلِكَ لَطِيفٌ وَ عَلَيْهِ قَادِرٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَشْكُو اِلَيْكَ

بمیرانی مرا پس بدرستی که تو بر این رحمت دانا و بر آن توانایی. خداوند بدرستی که من شکوه می‌آورم به سویت

كُلَّ حَاجَةٍ لَا يُجِيرُنِي مِنْهَا اِلَّا اَنْتَ، يَا مَنْ هُوَ عُدَّتِي فِي كُلِّ عُسْرٍ وَ

از هر مطلبی که زنده‌ها را نهدد مرا از آنها کسی مگر تو ای آنکه اوست تهنیه من در هر امر دشوار و

دعاهای حضرت امام جعفر صادق (ع)

يُسِّرْ، يَا مَنْ هُوَ حَسَنُ الْبَلَاءِ عِنْدِي، يَا قَدِيمَ الْعَفْوِ عَنِّي، إِنَّنِي لَا

آسانی ای آنکه اوست نیکو نعمتهای او در نزد من و قدیم است تجاوز او از گناهان من بدرستی که من

أَرْجُو غَيْرَكَ، وَ لَا أَدْعُو سِوَاكَ إِذَا لَمْ تُجِبْنِي. اَللّٰهُمَّ فَلَا تَحْرِمْ نِي

امید ندارم از غیر تو و نمی خواهم غیر ترا هرگاه بر نیآوری حاجت مرا. خداوند! پس محروم مکن مرا

لِقِلَّةِ شُكْرِي، وَ لَا تُؤَيِّسْنِي لِكَثْرَةِ ذُنُوبِي، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ

از جهت کمی شکرگذاری من و ناامید مگردان مرا از جهت بسیاری گناهان من بدرستی که تویی سزاوار به پرهیزکاری از عقوبت کردن و

أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ. إِلَهِي أَنَا مَنْ قَدْ عَرَفْتُ، بِئْسَ الْعَبْدُ أَنَا وَ خَيْرُ

تویی سزاوار به آمرزیدن خداوند! منم آنکه به تحقیق شناخته ای که بد بنده ام و نیکوترین

الْمَوْلَى أَنْتَ، فَيَا مَخْشِيَ الْإِنْتِقَامِ، وَ يَا مَرْهُوبَ الْبَطْشِ، يَا

آقایانی تـو پس ای ترسیده شدۀ از عقوبت او و ای آنکه خوف نموده اند مردمان از قهر او ای

مَعْرُوفًا بِالْمَعْرُوفِ، إِنَّنِي لَيْسَ أَخَافُ مِنْكَ إِلَّا عَذْلَكَ، وَ لَا أَرْجُو

شناخته شدۀ به احسان بدرستی که من می ترسم از هیچ چیز تو مگر از عدالت تو و امید ندارم زیادتیی

الْفَضْلِ وَ الْعَفْوِ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ، وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ لَا عَبْدُ لَكَ أَحَقُّ

احسان و درگذشتن از گناهان را مگر از نزد تو و من بنده توام و نیست بنده ای برایت که سزاوار باشد

بِاسْتِجَابِ جَمِيعِ الْعُقُوبَةِ بِذُنُوبِهِ مِنِّي، وَلَكِنِّي وَسَعْنِي عَفْوُكَ

به مستوجب بودن همه عقوبت به سبب گناهان خودش از من ولیکن من چنانم. فراح و شامل است مرا تجاوز تو و

وَ حِلْمُكَ، فَأَخَّرْتَنِي إِلَى الْيَوْمِ، فَلَيْتَ شِعْرِي يَا إِلَهِي الْأَزْدَادَ إِثْمًا

بردباریت پس مهلت داده ای مرا تا به روز قیامت پس کاشکی می دانستم ای خداوند من که آیا از جهت آنکه زیاد گردانم من

أَخَّرْتَنِي أَمْ لِيَتِمَّ لِي رَجَائِي مِنْكَ، وَ يَتَحَقَّقَ حُسْنُ ظَنِّي بِكَ، فَأَمَّا

گناه خود را مهلت داده ای مرا یا از جهت آنکه کامل و تمام شود برای من امید من از تو و ثابت و موجود گردد نیکویی اعتقاد من به رحمت تو

بِعَمَلِي فَقَدْ أَعْلَمْتُكَ يَا إِلَهِي إِنَّنِي مُسْتَحِقُّ جَمِيعِ عُقُوبِكَ

پس اما نظر به کردار من پس به تحقیق که آگاه نموده ام ترا رضای من آنکه من سزاوارم به همه عقوبت و عذاب تو سبب

بِذُنُوبِي، غَيْرَ أَنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ أَنْتَ بِي أَعْلَمُ مِنْ نَفْسِي، وَ

گناهان من لیکن بدرستی که تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی و تو به من داناتری از نفس من و

عِنْدَ أَرْحَمِ الرَّاحِمِينَ رَجَاءُ الرَّحْمَةِ، فَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ لَا تُشَوِّهْ

نزد رحم کننده ترین رحم کنندگان است امید رحمت پس ای رحم کننده ترین رحم کنندگان قبیح و کریه مگردان

خَلْقِي بِالنَّارِ، وَ لَا تَقْطَعْ عَصْبِي بِالنَّارِ، يَا إِلَهِي وَ لَا تُفَلِّقْ قِخْفَ

خلاقیت مرا به آتش و منبر تو بی مرا به آتش و مشکاف استخوان بالای دماغ مرا

رَأْسِي بِالنَّارِ، يَا رَحْمَنُ وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنَ أَوْصَالِي بِالنَّارِ، يَا كَرِيمُ وَ

به آتش ای بخشنده و جدایی مینداز میان پیوندهای من به سبب آتش ای کرم کننده، و مشکن

دعاهای حضرت امام جعفر صادق (ع)

لَا تَهْشِمَ عِظَامِي بِالنَّارِ، يَا عَفُوُّ وَ لَا تُصِلْ شَيْئاً مِنْ جَسَدِي بِالنَّارِ،

استخوانهای مرا به آتش ای درگذرنداز تقصیر و مسوزان چیزی از بدن مرا به آتش ای

يَا رَحْمَنُ عَفُوكَ عَفُوكَ، ثُمَّ عَفُوكَ عَفُوكَ، فَإِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ

بسیار بخشنده آمرزشت، آمرزشت، باز هم آمرزشت آمرزشت، پس به کسی که قادر نیست بر این

غَيْرُكَ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. يَا مُحِيطاً بِمَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَ

تجاوز نمودن احدی غیر از تو و تو بر همه چیز بسیار توانایی ای فراگیرنده به پادشاهی آسمانها و

الْأَرْضِ وَ مُدَبِّرَ أُمُورِهِمَا، أَوَّلِهَا وَ آخِرِهَا، أَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ وَ

زمین و ای تدبیر کننده امرهای این هر دو را اول خلق آنها را و آخر وجود آنها را نیکو گردان برای من دنیا مرا و

آخِرَتِي، وَأَصْلِحْ لِي نَفْسِي وَ مَالِي وَ مَا خَوَّلْتَنِي، يَا اللَّهُ خَلِّصْنِي

آخرت مرا و نیکو گردان برای من نفس مرا و مال مرا و آنچه را که دادهای ای خدایا کن

مِنَ الْخَطَايَا، يَا اللَّهُ مَنْ عَلَى بَئَرِكَ الْخَطَايَا، يَا رَحِيمٌ تَحَنَّنْ عَلَيَّ

مرا از گناهان ای خدا منت گذار بر من به ترک کردن من گناهان را ای مهربان ببخش بر من به زیادی

بِفَضْلِكَ، يَا عَفُوُّ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ، يَا حَنَّانُ جُدْ عَلَيَّ بِسَعَةِ عَافِيَتِكَ

احسان خود ای عفو کننده احسان نهای بر من ای شفقت کننده ببخش بر من به فراخی سلامتی از جانب تو ای

يَا مَنَّانُ أَمِّنْ عَلَيَّ بِالْعِتْقِ مِنَ النَّارِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، أَوْجِبْ

منت گذارنده منت گذار بر من به آزادی از آتش ای صاحب بزرگی و بخشندگی ثابت گردان

لِيَ الْجَنَّةِ الَّتِي حَشَوَهَا رَحْمَتُكَ، وَ سُكَّانُهَا مَلَائِكَتُكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ

برای من بهشت را که پر کننده آن است رحمت تو و قرار گرفته های در آن است فرشتگان تو ای صاحب کرم

وَ الْإِكْرَامِ أَكْرِمْنِي وَ لَا تَجْعَلَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ سَبِيلاً أَبَداً مَا

و بگشش، کرم نهای بر من و مگردان برای احدی از آفریدگان خود بر من راه تسلطی را هرگز مادام که

أَبْقَيْتَنِي، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

باقی و زنده گذاری مرا پس بتحقیق که نیست و حرکتی و نه قوتی مگر به تو و تو بر همه چیز بسیار توانایی

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَكَ الْأَسْمَاءُ

تسبیحه می کنم ترا تسبیحه کردنی نیست خدایی مگر تو که پروردگار عرش بزرگی برای توست نامهای

الْحُسْنَى، وَأَنْتَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ.

نیکو و تو دانایی به چیزهایی که در سینه هاست.

سید بن طاووس (ع) گوید: حاجت خود را از خدا سؤال کن که این شاء الله

برآورده می شود.

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

دعای جوشن صغیر

سید بن طاووس رحمه الله گوید: ما به چندین طریق تا به جدّ من شیخ ابو جعفر طوسی علیه السلام روایت کرده‌ایم و از کتابی نقل نمودم که عبارت او چنین بود:

بسم الله الرحمن الرحيم. حدیث نمود به ما شیخ مفید ابوعلی حسن بن محمد بن علی طوسی رحمه الله در صفة بزرگ، بالای سر مولای ما امیرالمؤمنین علیه السلام که بر او در ماه مبارک رمضان از سال پانصد و هفت (۵۰۷) از هجرت خواندیم.

و همچنین روایت نمود به ما شیخ الاسلام عزّ علما ابوالوفا عبدالجبار بن عبدالله بن علی رازی در مدرسه خود در بلد ری در ماه شعبان سنة پانصد و سه (۵۰۳).

و همچنین نقل نمود به ما سعید نیکبخت دانای پرهیزگار، نجم دین و کمال شرف و صاحب حسب، از جانب ابوبین ابوالفضل المثنی بن ابی زید بن کباکی حسینی در خانه خود به جرجان در شهر ذی حجة سنة پانصد و سه (۵۰۳).

و همچنین حکایت نمود به ما شیخ نیکبخت معتمد ابو عبدالله محمد بن احمد بن شهریار خزانه دار در مشهد مولای ما امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و اجازه داده در ماه رجب سنة پانصد و چهارده (۵۱۴) همه این جماعت روایت نموده‌اند از شیخ ابو جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی رحمه الله در مشهد مقدس غروی (که بر ساکن او بهترین صلوات باد) در ماه مبارک رمضان سنة چهارصد و پنجاه و هشت (۴۵۸) گفته که حدیث نمودند به ما ابو عبدالله حسین بن عبیدالله غضائری و احمد بن عبدون و ابوطالب بن غرور و ابوالحسن صفار و ابوعلی حسن بن اسمعیل بن اشناس، همگی نقل نموده‌اند از ابوالفضل محمد بن عبدالله بن مطلب شیبانی و او گفته که حدیث نمود به ما محمد بن یزید بن ابی‌الزهر بوشنجی نحوی و او نقل نمود از ابوالوضاح محمد بن عبیدالله بن زید نهشلی گفته: خبر داد مرا پدرم که گفت از حضرت ابوالحسن امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که فرمودند: حدیث کردن و نقل نمودن نعمتهای خدای تعالی، شکر الهی است و ترک آن کفران نعمت است. پس باید که نعمتهای پروردگار خود را به شکر کردن نگهدارید و دائم دارید و اموال خود را به زکوة دادن محافظت نمائید و بلارا به دعا دور نمائید. به درستی که دعا سپری است نجات دهنده که بلارا برمی گرداند ولو به نهایت محکمی رسیده باشد.

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

و ابوالوضاح گفت که خبر داده مرا پدرم به آن که وقتی که حسین بن علی بن حسن بن حسن، صاحب فخر در سر چاه فخر به فرموده موسی بن مهدی عباسی برادر هارون الرشید کشته شد و لشکر او پراکنده شدند و سر آن امامزاده و اسیران و اصحاب او به نزد آن ملعون بردند، چون نظر آن شقی بر آن سر و اسیران افتاد، این ابیات را که مشعر بر تسلط و غلبه خود و اظهار سرور از فتح و ظفر خود خواند:

بَنِي عَمِّنا لَا تَنْطِقُوا الشَّيْعَرَ بَعْدَ مَا	دَفَنْتُمْ بِصَخْرَاءِ الْغَمِيمِ الْقَوَافِنا
فَلَسْنَا كَمَنْ كُنْتُمْ تُصِيبُونَ نَيْلَهُ	فَنَقْبِلُ ضَيْمًا أَوْ نَحْكُمُ قَاضِيًا
وَ لَكِنَّ حُكْمَ السَّيْفِ فِينَا مُسْلَطٌ	فَنَرْضَى إِذَا مَا أَضْبَحَ السَّيْفُ رَاضِيًا
وَ قَدْ سَأَنْبِي مَا جَرَّتِ الْحَرْبُ بَيْنَنَا	بَنِي عَمِّنا لَوْ كَانَ أَمْرًا مُدَانِيًا
فَإِنْ قُلْتُمْ إِنَّا ظَلَمْنَا فَلَمْ نَكُنْ	ظَلَمْنَا وَ لَكِنَّ قَدْ أَسَانَا التَّقَاضِيًا

ای پسر عموهای ما دیگر شعر نخوانید بعد از آن که سرانجام در صحرای خشک دفن شدید.

ما نیستیم بسان آن که شما رسیدید به سرانجام (کار خود)، ما ستم را بپذیریم یا در مورد شما حکم کنیم.

ولیکن حکم شمشیر در میان ما مسلط است، ما راضی می شویم وقتی که شمشیر راضی شود.

ای پسر عموهای ما! مرا ناراحت می کند که جنگ میان ما افتاده اگر امر نزدیک باشد. اگر گوئید که ما ستم کردیم پس ما ستم نکردیم بلکه این حکم (بر قتل) ما ناراحت کرده است!

و یکی از اسیران را طلبیده سرزنش نمود، پس بعد از آن امر به قتل او نمود و بدین منوال یک به یک را طلبیده جمع کثیری از اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام را به قتل رسانید. بعد از آن شروع به بدگویی و ناسزا نسبت به اولاد ابوطالب نموده هر یک از ایشان را مذکور می ساخت و ناسزا می گفت تا آن که نوبت سخن به حضرت امام موسی جعفر علیه السلام رسید، آن حضرت را نیز مذکور ساخته بی ادبی چند گفت.

سپس گفت: قسم بخدا که حسین بر من خروج نکرد مگر به گفته و فرموده آن حضرت و پیروی نکرد مگر دوستی و محبت او را، از برای آن که اوست که در این روز وصیت و جانشینی پیغمبر صلی الله علیه و آله را در این خانواده دعوی می کند. خدا موسی بن مهدی عباسی را بکشد اگر چنانچه آن حضرت را باقی گذارد.

سپس ابویوسف یعقوب بن قاضی که مردی بود که جرأتی در سخن گفتن با او داشت، گفت: یا امیرالمؤمنین! اجازه می دهی سخنی بگویم یا ساکت باشم؟

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

آن ملعون گفت: خدا موسی عباسی را بکشد اگر از تقصیر موسی بن جعفر درگذرد و اگر نه آن بود که از مهدی پدر خود شنیده‌ام که به او منصور جدم در شأن جعفر محمد صادق از فضیلت بسیار خبر داد، مبنی بر آن که آن حضرت ممتاز از همه اهل زمان خود در دینداری و دانش و فضیلت بوده‌است و نه آن بود که به من از سفاح در شأن آن حضرت از مدح بسیار و فضیلت بی‌شمار رسیده‌است، هرآینه قبر آن حضرت را می‌شکافتم و جسدش را بیرون می‌آوردم و آن را می‌سوزانیدم.

پس ابویوسف گفت: زنان من همگی مطلقه باشند و جمیع کنیزان و غلامان آزاد باشند و همه اموال من در راه خدا صدقه باشد و تمام چهارپایان من در راه خدا وقف باشد و بر من حج خانه پیاده لازم باشد که اگر خروج حسین بن علی بن حسن بن حسن، به دستور موسی بن جعفر علیه السلام یا کسی از فرزندان او بر تو بود. و سزاوار نیست آن که این خیال در خاطر شما گذرد.

پس آنگاه موسی بن عباسی اولاد زید بن علی را و جماعت تابعان او را مذکور نمود. پس ابویوسف گفت: و از زیدیّه باقی نمانده بود مگر همین جماعتی که با حسین خروج نمودند و امیرالمؤمنین ظفر بر ایشان یافت و همگی ایشان را مستأصل نمود و از این قبیل سخنان همواره مذکور ساخت تا آن که شدت غضب او فرو نشست.

راوی گوید: پس علی بن یقطین همه این حکایت و صورت واقعه را نوشته، به خدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرستاد. چون کتابت به خدمت آن حضرت رسید و صبح گردید، آن حضرت اهل بیت و شیعیان خود را حاضر نمودند و همگی را از مضمون کتابت مطلع گردانیده، فرمودند: چه مصلحت می‌دانید و رأی شما چیست؟

همگی گفتند: خدای تعالی حال تو را و ما را اصلاح کند، چنین صلاح می‌دانیم که باید بدن خود را از این جبار لعین دور سازی و پنهان نمایی. به درستی که از شر او و دشمنی او و خشم او ایمن نمی‌توان بود. خصوصاً آن که شما و ما را تهدید نموده‌است. حضرت امام موسی علیه السلام تبسم فرموده به عنوان مثل شعر کعب بن مالک برادر بنی سلم را خواندند:

زَعَمْتُ سُخَيْفَةً أَنْ سَتَغْلِبَ رَبِّهَا فَلْيَغْلِبَنَّ مُغْلِبُ الْغَلَابِ

گمان کرد سخینه که به پروردگار خود غالب خواهد شد* البته که بر او کسی غالب می‌شود که غلبه کننده‌است بر هر صاحب غلبه‌ای. حاصل معنی آن که هر آینه خدای تعالی بر او غالب خواهد شد.

آنگاه آن حضرت روی به جماعت حضار از دوستان و اهل بیت خود نموده، فرمودند: باید که دل شما خوشحال و شاد باشد به درستی که اول کتابتی که از عراق وارد شود

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

کتابت خبر مرگ موس بن مهدی و هلاکت او خواهد بود. پس جماعت حضار گفتند که خدای تعالی حال شمارا اصلاح کند، از کجا این را دانستید و از چه جهت فرمودید؟ حضرت فرمودند: قسم به حرمت این قبر (به قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله اشاره نمودند) که در این روز موسی عباسی مُرد و به جهنم رفت. و الله که این سخن راست و حق است، همچنان که شما سخن می گوئید و جزم به آن دارید، من نیز جزم به این دارم. شمارا خبر دهم به اینکه از چه جهت این سخن را می گویم.

سپس آن حضرت فرمودند: در وقتی که در جای نماز خود نشسته بودم بعد از آن که از اذکار و تعقیب نماز خود فارغ شده بودم، چشمهایم به خواب رفت که ناگاه در خواب دیدم که جَدَم رسول خدا صلی الله علیه و آله بر من ظاهر شد. به خدمت آن حضرت از موسی مهدی عباسی شکایت نمودم و عرض نمودم آنچه را که از او در حق اهل بیت علیهم السلام از ظلم و ستم سر زده بود و آن که من نیز از کینه و عقوبات او خایف و ترسانم.

آن حضرت فرمودند: ای موسی خوش لب باش به درستی که خدای تعالی برای موسی عباسی بر تو راه تسلطی نگردانیده است. در اثناء آن که با من سخن می گفتند دست مرا گرفته فرمودند: که خدای تعالی دشمن تو را هلاک گردانید. باید که شکر خدا را نیکو بجای آوری.

راوی گوید: بعد از آن که حضرت امام موسی علیه السلام از نقل این حکایت فارغ شدند، روی مبارک به جانب قبله نموده، دستهای خود را به سوی آسمان برداشتند و دعا خواندند و شکر خدای تعالی بجای آوردند.

ابوالوضاح راوی گوید: از پدر خود شنیدم که می گفت در خدمت حضرت امام موسی علیه السلام جمعی از خواص و اهل بیت و شیعیان آن حضرت بودند که در مجلس آن حضرت حاضر می شدند و در آستین های ایشان، تخته های آبنوس بسیار نازک با میلها بود. پس هر وقت که آن حضرت به کلامی حکمت آمیز تکلم می نمودند، یا آن که در واقعه ای فتوایی می دادند، آن جماعت می نوشتند آنچه را که از آن حضرت شنیده بودند. پس از آن جماعت شنیدم که گفتند: آنچه ما از آن حضرت در مقام شکرگذاری شنیدیم، این دعا بود. و در دعای خود می فرمودند: «شُكْرًا لِلَّهِ جَلَّتْ عَظَمَتُهُ».

راوی گوید: بعد از آن که آن حضرت دعا را به اتمام رسانیدند، روی به جانب ما کرده و فرمودند: از پدر خود جعفر بن محمد علیه السلام شنیدم او از پدر خود از علی بن الحسین علیه السلام و او از پدر خود و او از جدّ خود امیرالمؤمنین علیه السلام حدیث فرمودند، که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: به نعمتهای پروردگار خود اعتراف کنید و اقرار نمائید و به

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

سوی خدای تعالی از همه گناهان خود توبه کنید. به درستی که خدای تعالی شکر کنندگان نعمتهایش را از بندگان خود، دوست دارد.

راوی گوید: پس از جهت نماز برخواستیم و قوم متفرق شدند. دیگر مجتمع نشدند و اجتماع ایشان اتفاق نیفتاد از برای خواندن کتابت مرگ موسی بن مهدی عباسی و بیعت نمودن مردم با هارون الرشید که از جانب عراق رسیده بود:

إِلَهِي كَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَى عَلَى سَيْفِ عَدَاوَتِهِ، وَ شَحَذَ لِي ظُبَّةَ

خداوند! بسا از دشمنی که کشید بر من شمشیر دشمنیت را و تند نمود برای من دم کارد بزرگ خود را و تنگ نمود برای من

مُذِيَّتِهِ، وَ أَزْهَفَ لِي شَبَاحِدَهُ، وَ دَافَ لِي قَوَاتِلَ سُمُومِهِ، وَ سَدَّدَ

کنار حربه زغفب خود را و غیبانید به آب برای من کشنده های از زهرهای خود را و راست کرد

نَحْوِي صَوَائِبَ سِهَامِهِ، وَ لَمْ تَنْمُ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ، وَ أَضْمَرَ أَنْ

به جانب من راست رونده های از تیرهای خود را و نخواستید از من چشم نگهبانی و پاسبانی او و در دل گرفت آن که

يَسْبُومَنِي الْمَكْرُوهَ، وَ يُجَرِّعَنِي دُعَافَ مَرَارَتِهِ، فَنَظَرْتُ إِلَى

برساند به من ناخوشی را و بیاشامد مرا زهر تلخی خود را پس نگاه کردم به سوی

ضَعْفِي عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَاحِشِ، وَ عَجَزِي عَنْ مُلِمَّاتِ الْحَوَائِجِ، وَ

سستی من از برداشتن بارهای گران و ناتوانی من از فرود آمدن مهلکات و

قُصُورِي عَنِ الْاِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ، وَ خَدَتِي فِي

کوتاهی مرا از انتقام کشیدن از کسی که قصد و اراده نموده است مرا به کارزار خود و به سوی تنهایی من در

كَثِيرٍ مَنْ نَاوَأَنِي، وَ اِرْضَادِهِمْ لِي فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِيهِ فِكْرِي فِي

میان عدو بسیار جماعتی که دشمنی کردند با من و در کمین نشستند ایشان برای من در حیلای چند که به کار نبردم در

الْاِرْضَادِ لَهُمْ بِمِثْلِهِ، فَأَيَّدَتْنِي بِقُوَّتِكَ، وَ شَدَّدْتَ اَزْرِي بِنَصْرِكَ، وَ

آنها آندیشه خود را در کمین نشستن من از برای ایشان به مثل آن، پس قوت دادی مرا به توانایت و محکم نمودی پشت مرا به یاریت و

فَلَلْتُ لِي شَبَاحِدَهُ، وَ خَذَلْتَهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِيدِهِ وَ حَشْدِهِ، وَ اَعْلَيْتَ

تند نمودی برای من دم تنندی او را و یاری نمودی او را پس از جمع کردن او بسیاری از گروه خود را و جماعت خود را و بلند کردی

كَعْبِي عَلَيْهِ، وَ وَجَّهْتَ مَا سَدَّدَ إِلَيَّ مِنْ مَكَائِدِهِ إِلَيْهِ، وَ رَدَدْتَهُ وَ لَمْ

کعب مرا بر او و برگردانیدی آنچه را که راست نموده بود بسوی من از تیرهای مکر خود را بسوی او و باز گردانیدی او را و حال آنکه

يَشْفِ غَلِيلَهُ، وَ لَمْ تَبْرُدْ حَرَارَاتُ غَيْظِهِ، وَ قَدْ عَضَّ عَلَى اَنَامِلِهِ، وَ

شفاندادی سوزش سینه او را و سرد نکردی گرمیهای خشم او را و به تحقیق که بدندان گزید سرانگشتان خود را و

أَدْبَرَ مُوَلِيًّا قَدْ أَخْفَقَتْ سَرَايَاهُ. فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا

پشت گردانیدی گریزنده در حالیکه به تحقیق که بگریختند لشکرهای او پس از برای توست ستایش ای پروردگارم از جهت آن بسیار توانایی که

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

يُغْلَبُ، وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي

مغلوب نمی شود و آن صاحب حلم و مدارائی که شتاب نمی کند رجعت فرست بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا

لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلَايِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ. إِلَهِي وَ كَمْ مِنْ بَاغٍ

از برای نعمتهای خود از جمله شکرگزاران و از برای نیکونیهات از یاد آورندگان ای خدای من و بسا از ستم کننده های که

بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ، وَ نَصَبَ لِي أَشْرَاكَ مَصَائِدِهِ، وَ كُلُّ بِي تَفَقَّدَ

ظلم کرد مرا به مکرهای خود و برپای کرد برای من دامهای شکارهای خود را و گماشت بر من جستجوی

رِعَايَتِهِ، وَ أَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ، أَنْتَظَاراً لِإِنْتِهَازِ

رعایت کردن خود را و در کمین نشست به سوی من کمین نشستن شیر از برای شکار خود به جهت انتظار برای یافتن فرصت خود

فُرْصَتِهِ، وَ هُوَ يُظْهِرُ لِي بِشَاشَةِ الْمَلَقِ، وَ يَبْسُطُ لِي وَجْهًا غَيْرَ

و حال آن که ظاهر می کند برای من شکفتگی چابلوسی را و می گشاید برای من روی ناخندان خود را چون دیدی

طَلْقَ، فَلَمَّا رَأَيْتَ دَغَلَ سَرِيرَتِهِ، وَ قُبِحَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ لِشَرِيكِهِ

تو فساد باطنی او را و زشتی آنچه را که در نور دیده شده است بر آن از برای شریک او

فِي مِلَّتِهِ، وَ أَصْبَحَ مُجَلِّباً إِلَيَّ فِي بَغْيِهِ، أَرْكَسْتَهُ لِأَمِّ رَأْسِهِ، وَ

در ملت او و داخل در صبح گردید لشکر کشنده به سوی من به سبب ظلم خود نگونسار کردی او را بر مغز سر او و

أَتَيْتَ بُنْيَانَهُ مِنْ أَسَاسِهِ، فَصَرَعْتَهُ فِي زُبَيْتِهِ، وَ أَرْدَيْتَهُ فِي

بر کندی بنای ظلم او را از بیخ و بنیادش پس انداختی او را در چاه دامگاه خودش و انداختی او را در

مَهْوَى حَفِيرَتِهِ، وَ جَعَلْتَ خَدَّهُ طَبَقاً لِتُرَابِ رِجْلِهِ، وَ شَغَلْتَهُ فِي

بانین و ته گودال او و گردانیدی پهلوئی روی او را چسبیده به خاک پایش و مشغول گردانیدی او را در

بَدَنِهِ وَ رِزْقِهِ، وَ رَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ، وَ خَنَقْتَهُ بِوَتَرِهِ، وَ ذَكَّيْتَهُ

بدنش و روزیش و انداختی بر او سنگ خودش را و گلوله کردی او را به زه کماش و ذبح کردی او را

بِمَشَاقِصِهِ، وَ كَبَبْتَهُ لِمَنْخَرِهِ، وَ رَدَدْتَ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ، وَ وَثَّقْتَهُ

به پشیمانیهای تیر خودش و به روی انداختی او را بر بینی خودش و برگردانیدی مکر او را در گودی گردنش و محکم بستنی او را

بِنِذَامَتِهِ، وَ فَتَنْتَهُ بِحَسْرَتِهِ، فَاسْتُخْذِلَ وَ اسْتُخْذِئَ وَ تَضَائِلَ بَعْدَ

به پشیمانی اش و مبتلا ساختی او را به حسرت و اندوهش پس بی یاور ماند و منقاد گشت و بسیار حقیر شد بعد از

نَحْوَتِهِ، وَ انْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ، ذَلِيلًا مَأْسُوراً فِي رَبْقِ حَبَائِلِهِ

تکبر او و برگشت پس از سرکشی خود خفیف و غوار بسته شده در ریسمانهای دامهای خودش از دامهایی که بود

الَّتِي كَانَ يُؤَمِّلُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا سَطْوَتِهِ، وَ قَدْ كِدْتُ يَا رَبِّ لَوْ لَا

او که آرزو داشت آن که بیندازد مرا در آنها در روز غمیش و به تحقیق که نزدیک بودم ای پروردگار من اگر نمی بود

رَحْمَتُكَ يَحُلُّ بِي مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ. فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا

شفقت تیر من آن که فرود آید بر من آنچه فرود آمده به میان خانه او (یعنی بلاها) پس برای توست حمد ای پروردگار من از بسیار توانایی

دعاهای حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)

يُغْلِبُ، وَ ذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي

که مغلوب نمی گردد و صاحب حلمی که شتاب نمی کند رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا

لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلَايِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ. إِلَهِي وَ كَمْ مِنْ

برای نعمتهای خود از جمله شکرگزاران و برای نیکنویهايت از جمله یادآورندگان ای خدای من و بسا از

حَاسِدٍ شَرِقَ بِحَسَدِهِ، وَ شَجَى بِغَيْظِهِ، وَ سَلَقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ، وَ

ریشک برندهای که گلوگیر شده بود به رشک خود و راه حلق بسته شده بود به سبب خشم خود و آزار کرد مرا به تندی زبان خود و

وَ خَزَنِي بِمُؤَقِّ عَيْنِهِ، وَ جَعَلَ عِرْضِي غَرَضاً لِمَرَامِيهِ، وَ قَلَدَنِي

طنین و زخم زد بر من به نگاه گوشه چشم خود و گردانید ناموس مرا نشانه از برای تیرهای افترای خود و انداخت به گردن من عیبهای را

خِلَالاً لَمْ يَزَلْ فِيهِ، فَنَادَيْتُكَ يَا رَبِّ مُسْتَجِيراً بِكَ، وَاثِقاً بِسُرْعَةِ

که پیوسته بود در خودش پس خواندم تو را ای پروردگار من در حالی که پناه آورنده بودم به تو اعتماد کننده بودم به زودی

إِجَابَتِكَ، مُتَوَكِّلاً عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَعْرِفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفَاعِكَ، عَالِماً

مستجاب گردانیدن تو توکل کننده بودم بر آنچه همیشه می شناختم او را از نیکو دفع کردن تو بلاها را و دانای بودم

أَنَّهُ لَنْ يُضْطَهَدَ مَنْ آوَى إِلَى ظِلِّ كَنْفِكَ، وَ أَنْ لَا تَقْرَعَ الْفَوَاحِشُ مَنْ

آن که ستم دیده نمی شود هرگز کسی که جای گرفت در سایه حمایت تو و این که نمی گوید بلاهای گران و سنگین در خانه کسی را

لَجَأً إِلَى مَعْقِلِ الْإِنْتِصَارِ بِكَ، فَحَصَّنْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ.

که پناه آورده باشد به سوی قلعه و حصار محکم یاری طلب کردن از تو پس نگاهداشتی مرا از شدت عقوبت او به توانایی خود.

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلِبُ وَ ذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ

پس از برای توست سپاس ای پروردگار من بسا از بسیار توانایی که مغلوب نمی شود و صاحب بردباری که شتاب نمی کند رحمت فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ

بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا از برای نعمتهای خود از جمله شکرگویان و

لِأَلَايِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ. إِلَهِي وَ كَمْ مِنْ سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلِيَّتْهَا وَ

از برای احسانهای خود از یاد آورندگان ای خدای من و بسا از ابرهای مکرره و ناخوشی که گشودی آنها را و

سَمَاءٍ نِعْمَةٍ أَمْطَرَتْهَا، وَ جَدَاوِلِ كَرَامَةٍ أَجْرَيْتَهَا، وَ أَعْيُنِ أَحْدَاثٍ

ابر نعمتی که بارانیدی آنرا، و جویهای بخششی که روان ساختی آنها را و چشمه های بلا و آفتهایی که

طَمَسَتْهَا، وَ نَاشِئَةِ رَحْمَةٍ نَشَرَتْهَا، وَ جُنَّةٍ عَافِيَةٍ أَلْبَسَتْهَا، وَ

پر کردی آنها را و تازه پدید آمده رحمتی که پهن کردی آنرا و سپر عافیت و فراغت که پوشانیدی آنرا یعنی آنرا بر من پوشانید و

غَوَامِرِ كُرْبَاتٍ كَشَفَتْهَا، وَ أُمُورٍ جَارِيَةٍ قَدَّرَتْهَا، لَمْ تُعْجِزْكَ إِذْ

فرومیرنده های غمهایی که برطرف کردی آنها را و فرمتهای جاری شده ای که تقدیر نمودی آنها را و عاجز نکردند آنها تو را چون که

طَلَبْتَهَا، وَ لَمْ تَمْتَنِعْ عَلَيْكَ إِذْ أَرَدْتَهَا. فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ

طلب نمودی آنها را و نافرمانی نکردند بر تو در وقتی که خواستی آنها را، پس مر تراست درود ای پروردگار من بسا از قادری

دعاهای حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)

لَا يُغْلِبُ، وَ ذِي أَنْاءٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ
 که مغلوب نمی شود و خداوند حلمی که شتاب نمی کند رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و
 اجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلَايِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ. إِلَهِي وَ
 بگردان مرا برای نعمتهای خود از شکرکنندگان و برای احسانهای خود از یادآورندگان ای خدای من و
 كَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقَتْ، وَ مِنْ عَدَمِ إِمْلَاقٍ جَبَرَتْ، وَ مِنْ مَسْكَنَةٍ
 بسا از گمان نیکویی که راست آوردی آنرا و بسا از نیستی بریشانی که اصلاح و تدارک نمودی آنرا و از درویشی
 فَادِحَةٍ حَوَّلَتْ، وَ مِنْ صَرْعَةٍ مُهْلِكَةٍ أَنْعَشَتْ، وَ مِنْ مَشَقَّةٍ أَرْحَتْ لَا
 گران باری که گردانیدی آنرا و از افتادن هلاک کننده ای که برداشتی صاحب آنرا و از آزار و تعب که برطرف نمودی آنرا. پرسیده
 تُسْأَلُ يَا سَيِّدِي عَمَّا تَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْأَلُونَ، وَ لَا يَنْقُصُكَ مَا أَنْفَقْتَ،
 نمی شوی ای مولای من از آنچه می کنی و مردمان سوال کرده نمی شوند (از کردار خود) و کم نمی کند خزانه تو را آنچه خرج و بخشش نموده ای.
 وَ لَقَدْ سُئِلْتَ فَأَعْطَيْتَ، وَ لَمْ تُسْأَلْ فَأَبْتَدَأْتَ، وَ اسْتَمِيحَ بَابُ
 و هر آینه و به تحقیق که سوال کرده شدی پس عطا فرمودی و سوال کرده نشدی پس آغاز نمودی به بخشش و طلب نوازش کرده شد درگاه
 فَضْلِكَ فَمَا أَكْذَبْتَ. أَبَيْتَ إِلَّا أَنْعَاماً وَ امْتِنَاناً، وَ إِلَّا تَطَوُّلاً يَا رَبِّ وَ
 فضل و احسان تو پس رد سوال ننمودی. نخواستی مگر نعمت دادن و عطا فرمودن را و مگر بخشش را ای پروردگار من و
 إِحْسَاناً، وَ أَبَيْتَ يَا رَبِّ إِلَّا أَنْتِهَاكَ حُرْمَاتِكَ، وَ اجْتِرَاءً عَلَى
 نیکی کردن را و ابا کردن و نخواستی ای پروردگار من مگر مرتکب شدن حرامهای تو را و جرأت نمودن بر
 مَعْاصِيكَ، وَ تَعْدِيّاً لِحُدُودِكَ، وَ غَفْلَةً عَنْ وَعِيدِكَ، وَ طَاعَةً لِعَدْوِي
 گناهان و نافرمانی های تو و درگذشتن از قرار داده های تو و بی خبر و بی پروا بودن از تهدید تو و فرمانبرداری
 وَ عَدْوِكَ لَمْ يَمْنَعْكَ يَا إِلَهِي وَ نَاصِرِي إِخْلَالِي بِالشُّكْرِ، عَنْ
 برای دشمن من و دشمن تو باز نداشت تو را ای خداوند من و یاری کننده من ترک کردن من و ضایع نمودن من شکر نعمتهای تو را از
 اِتِّمَامِ إِحْسَانِكَ، وَ لَا حَزَنِي ذَلِكَ عَنِ ارْتِكَابِ مَسَاحِطِكَ. اَللَّهُمَّ
 تمام کردن تو نیکوئی های خود را و مانع نشد مرا این شیوه تو از مرتکب شدن چیزهایی را که به خشم آورد تو را. خداوند ا
 وَ هَذَا مَقَامُ عَبْدٍ ذَلِيلٍ اعْتَرَفَ لَكَ بِالتَّوَجُّدِ، وَ أَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ
 و این جای ایستادن بنده بی مقدری است که اعتراف نموده است برای به یگانگی و اقرار کرده است بر نفس خود
 بِالتَّقْصِيرِ فِي أَدَاءِ حَقِّكَ، وَ شَهِدَ لَكَ بِسُبُوغِ نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ، وَ
 به تقصیر و کوتاهی در بجای آوردن حق تو و گواهی داده برای به تمامی و فراخی نعمت تو بر او و
 جَمِيلِ عَادَتِكَ عِنْدَهُ، وَ إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ. فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي
 نیکوی از طریقه تو در نزد او و احسان تو بسوی او پس ببخش به من ای خدای من و آقای من
 مِنْ فَضْلِكَ مَا أُرِيدُهُ سَبَباً إِلَى رَحْمَتِكَ، وَ اتَّخِذْهُ سُلْماً أَعْرُجُ فِيهِ
 از فضل خود آنچه را که اراده نمایم و بگردانم وسیله ای بسوی رحمت تو و فراگیرم آنرا نردبانی که بالا روم در آن

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

إِلَى مَرْضَاتِكَ، وَ آمَنْ بِه مِنْ سَخَطِكَ بِعِزَّتِكَ وَ طَوْلِكَ، وَ بِحَقِّ

بسوی خوشنودیت و ایمن شوم به سبب آن از غضب تو قسم می دهم تو را به عزت تو و به قدرت و به حق

نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَ الْأَئِمَّةِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. فَلَكَ

پیغمبر تو محمد و به حق امامان که رحمتهای خدا باد بر آن حضرت و بر ایشان همه پس مر تو را است

الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى

ستایش ای پروردگار من بسا از بسیار صاحب قدری که مغلوب نمی شود و صاحب حلمی که شتاب نمی کند رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلَايِكَ مِنَ

محمد و آل محمد و بگردان مرا برای نعمت های خود از جمله شکر کنندگان و از برای نیکنوی هایت از

الذَّاكِرِينَ. إِلَهِي وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ فِي كَرْبِ الْمَوْتِ وَ

جمله یاد آورندگان ای خداوند من و بسا از بندهای که شام کند و داخل در صبح شود در حالت سختی مرگ و

حَشَرَجَةِ الصَّدْرِ، وَ النَّظَرِ إِلَى مَا تَقْشَعِرُّ مِنْهُ الْجُلُودُ، وَ تَفْزَعُ

ترزد و تندی نفس (باصدای خرجر) در سینه و نگاه کردن به سوی چیزی که می لرزد از آن پوستهای او و جزع می نماید

إِلَيْهِ الْقُلُوبُ، وَ أَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ

بسوی او دلها و من اکنون در سلامتی از اینها همه پس از برای توست سپاس ای پروردگار من بسا از

مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ

بسا قدری که مغلوب نمی شود و صاحب حلم و بردباری که شتاب نمی نماید رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و

اجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلَايِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ. إِلَهِي وَ كَمْ

بگردان مرا برای نعمت های خود از جمله شکر گویان و بر احسانهای خود از جمله یاد آورندگان ای خدای من و بسا

مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ سَقِيمًا مُوجِعًا مُذْنِفًا فِي أَبْنِينَ وَ عَوِيلٍ،

از بندهای که شام کند و صبح نماید بیمار و دردناک نزدیک به هلاکت در ناله و فریاد می غلطد در اندوه خود

يَتَقَلَّبُ فِي غَمِّهِ وَ لَا يَجِدُ مُجِيسًا، وَ لَا يَسْبِغُ طَعَامًا، وَ لَا

و نمی یابد نجاتی و گوارا نمی کند بر خورود طعامی را و شیرین نمی گرداند

يَسْتَعِذُّ بِشَرَابٍ، وَ لَا يَسْتَطِيعُ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا، وَ هُوَ فِي حَسْرَةٍ وَ

در کام خود آبی را و توانایی زبان و نفع برای خود را ندارد و در حسرت و پشیمانی است و

نَدَامَةٍ، وَ أَنَا فِي صِحَّةٍ مِنَ الْبَدَنِ، وَ سَلَامَةٍ مِنَ الْعَيْشِ كُلِّ ذَلِكَ

الحاق من در تندرستی از بدنم و در سلامتی از زندگانی همه اینها از جانب توست

مِنْكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

پس تو را است درود ای پروردگار من بسا از بسیار توانگری که مغلوب نمی شود و صاحب صبری که تعجیل نمی کند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ

رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد، و بگردان مرا از برای نعمت های خود از شکر کنندگان و

دعاهای حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. إِلَهِي وَكَفِّ عَنِّي أَمْسِي وَأَصْبَحْ خَائِفًا

برای نوازشات خود از جمله زیاد کنندگان ای خداوند من و بسا از بندهای که شام کند و بامداد نماید ترسند

مَرْغُوبًا مَسْهُدًا مُشْفِقًا وَجِيدًا وَجَلًّا هَارِبًا طَرِيدًا، أَوْ مُنْجَزًا فِي

هراسنده خواب زده بیمناک تنها و ترسان و گریزان رانده شده (یا پنهان گشته) در تنگنایی یادر

مَضْبِقٍ، أَوْ مَخْبَأَةٍ مِنَ الْمَخَابِي، قَدْ ضَاقَتْ عَلَيْهِ الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا

گوشه ای پنهان از کنجهای نهان به تحقیق که تنگ شده است بر او زمین با وجود نهایت گشادگی اش

لَا يَجِدُ حِيلَةً وَلَا مَنَجًى وَلَا مَأْوًى وَلَا مَهْرَبًا، وَأَنَا فِي أَمْنٍ وَلَا

نمی یابد چاره ای را و نه پناهی را و نه جایگاهی را و نه گریزگاهی را و حال آن که من در امنیت و

طُمَأْنِينَةٍ وَ عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا

آرام و خاطر جمعی و خلاصیم از این بلاها و محنتها از همه آنها پس از برای توست سپاس ای پروردگار من بسا از بسیار توانایی که

يُغْلِبُ، وَ ذِي أُنَاةٍ لَا يَجْعَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي

مغلوب نمی شود و صاحب حلمی که شتاب نمی کند رحمت فرست بر محمد و برای آل محمد و بگردان مرا

لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِإِلَافِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ. إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ كَفِّ

از برای نعمتهای خود از شکرگزاران و برای احسانهای خود از یاد آورندگان ای خدای من و آقای من و بسا از

مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ مَغْلُوبًا مُكْبَلًا بِالْحَدِيدِ بِأَيْدِي الْعَدَاوَةِ، وَ

بندهای که شام کرد به صبح اول غل کرده شده دست و پا بسته شده به زنجیر آهن گرفتار به دست دشمنان

لَا يَرْحَمُونَهُ فَقِيدًا مِنْ أَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ، مُنْقَطِعًا عَنْ إِخْوَانِهِ وَ بَلَدِهِ،

که رحم نکنند او را دور افتاده از اهل خود و فرزندان خود جدا ساخته شده از برادران خود و دیار خود

يَتَوَقَّعُ كُلُّ سَاعَةٍ بِأَيِّ قَتْلَةٍ يُقْتَلُ، وَ بِأَيِّ مَثَلَةٍ يُمَثَّلُ بِهِ، وَأَنَا فِي

انتظار می کشد هر ساعتی که به چه کشتنی کشته خواهد شد و به کدام عیب عیبناک خواهد گشت و من در

عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلِبُ، وَ ذِي

رستگاری و عافیت از این بلاها همگی پس تو را است ستایش ای پروردگار من بسا از بسیار قادری که مغلوب نمی شود و صاحب

أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ مِنْ

مجبوری که شتاب نمی نماید رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا از برای نعمتهای خود از

الشَّاكِرِينَ، وَ لِإِلَافِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ. إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ كَفِّ

شکر کنندگان و از برای احسانهای خود از یاد آورندگان ای خدای من و مولای من و بسا از بندهای که

أَمْسَى وَ أَصْبَحَ يُقَاسِي الْحَرْبَ، وَ مُبَاشَرَةَ الْقِتَالِ بِنَفْسِهِ، قَدْ

شام کند و صبح نماید در مشقت کشیدن جنگ و مرتکب شدن کارزار به جان خود در حالی که

غَشِيَتْهُ الْأَعْدَاءُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ بِالرِّمَاحِ وَ السُّيُوفِ وَ آلَةِ الْحَرْبِ،

فرو گرفته اند او را دشمنان از هر طرف با تیرها و شمشیرها و آلاتهای جنگ.

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام.

يَتَقَعَّقُ فِي الْحَدِيدِ مَبْلَغَ مَجْهُودِهِ، وَ لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَ لَا يَهْتَدِي

که اضطراب و حرکت کنند در میان آهن به قدر طاقت و ندانند چارهای را و راه نیابد راهی را

سَبِيلًا، وَ لَا يَجِدُ مَهْرَبًا، قَدْ أَذِنَفَ بِالْجَرَاحَاتِ، أَوْ مُتَشَحِّطًا بِدَمِهِ

و نیابد گریزگاهی را به تحقیق که مشرف به هلاکت شدن باشد به سبب زخمهای بسیار یا غلطیده باشد به خون

تَحْتَ السَّنَابِكِ وَ الْأَرْجُلِ، يَتَمَنَّى شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ أَوْ نَظْرَةً إِلَى أَهْلِهِ

خود در زیر سیم اسبان و پاها و مردمان آرزو کنند یک شربت از آبی یا یک نگاه کردن بسوی اهل

وَ وَلَدِهِ، وَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا، وَ أَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا

و فرزند خود و نباشد قادر بر آن و من در رستگاری و عافیت از این بلاها همه پس از برای سپاس ای

رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

پروردگار من بسا از صاحب اقتداری که مغلوب نمی شود و صاحب حلمی که شتاب نمی کند رحمت فرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي لِأَنْعَمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلَايِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ.

محمد و بگردان مرا برای نعمتهای خود از جمله شکرکنندگان و برای احسانهای خود از یاد کنندگان

إِلَهِي وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ فِي ظُلُمَاتِ الْبَحَارِ وَ عَوَاصِفِ

ای خدای من و بسا از بندهای که شام کند و داخل در صبح شود در تاریکیهای دریاها و تندیهای

الرِّيَّاحِ وَ الْأَهْوَالِ وَ الْأَمْوَاجِ، يَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ وَ الْهَلَكَ، لَا يَقْدِرُ عَلَى

بادها و در بیم و ترسها و موجها و منتظر باشد غرق شدن و هلاکت را که قادر نباشد بر

حِيلَةٍ، أَوْ مُبْتَلًى بِضَاعِقَةٍ أَوْ هَدْمٍ أَوْ غَرَقٍ أَوْ شَرَقٍ أَوْ حَرَقٍ أَوْ

چارهای یا مبتلا گشته باشد به آتش آسمانی یا آبجوی یا غرق شدن یا به گلوگیر شدن یا سوختن یا

خَسَفٍ أَوْ مَسْخٍ أَوْ قَذْفٍ، وَ أَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ

به زمین فرو رفتن یا مسح شدن یا به سنگسار شدن و من در عافیت و رستگاریم از اینها همگی پس تراست سپاس

يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

ای پروردگار من بسا از بسیار قادری که مغلوب نمی شود و صاحب صبری که شتاب نمی کند رحمت فرست بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي لِأَنْعَمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلَايِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ.

بر آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای خود از شکرگذاران و برای نیکیهای خود از یاد کنندگان

إِلَهِي وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ مُسَافِرًا شَاحِطًا عَنْ أَهْلِهِ وَ

ای خدای من و بسا از بندهای که شام کند و باعداد نماید سفرکننده دور افتاده از اهل خود و

وَ طَنِهِ وَ وَلَدِهِ، مُتَحَيِّرًا فِي الْمَفَاوِزِ، تَأْتِيهَا مَعَ الْوُحُوشِ وَ الْبَهَائِمِ

و وطن خود و فرزند خود حیران در بیابانها راه گم کرده سرگردان هم نشین با وحشیان صحرا و حیوانات

وَ الْهَوَآءِ، وَ جِدًّا فَرِيدًا لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَ لَا يَهْتَدِي سَبِيلًا، وَ مُتَأَذِّيًا

و جانوران تنگنا و بسی کسی نمی شناسد چارهای را و راه نیابد به راهی و در آزار باشد

دعاهای حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)

بَبْرَدٍ أَوْ حَرٍّ أَوْ جُوعٍ أَوْ عَطَشٍ أَوْ عُرَى أَوْ غَيْرِهِ مِنَ الشَّدَائِدِ مِمَّا

به سبب سرما یا گرما یا گرسنگی یا تشنگی یا برهنگی یا غیر آنها از سختی‌ها از آنچه من

أَنَا مِنْهُ خَلَوْتُ وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ

از آن خالیم و در عافیت و راحتیم از آنها همه پس از برای توست حمد ای پروردگار من بسا از

مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ

صاحب اقتداری که مغلوب نمی‌گردد و صاحب حلمی که شتاب نمی‌نماید رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و

اجْعَلْنِي لِأَنْعَمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلَايِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ. إِلَهِي وَ كَمْ

بگردان مرا از برای نعمتهای خود از جمله شکرگویان و از برای نیکونی‌های خود از یاد کنندگان ای خدای من و بسا

مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ فَقِيرًا عَائِلًا عَارِيًا مُمْلِقًا مُخْفِقًا مَجْهُودًا

از بنده‌ای که شام کرد و صبح ؟ فرد پریشان عمالمند برهنه بی چیز کار بسته به مشقت افتاده

خَائِفًا جَائِعًا ظَمَانًا، يَنْتَظِرُ مَنْ يَعُودُ عَلَيْهِ بِفَضْلِ، أَوْ عَبْدٍ وَجِيهِ

ترسان گرسنه و تشنه که انتظار می‌برد آنرا که مهربانی نماید بر او به بخششی یا بسا از بنده با آبرویی

هُوَ أَوْجَهُ مِنِّي عِنْدَكَ أَوْ أَشَدَّ عِبَادَةً لَكَ، مَغْلُولًا مَقْهُورًا قَدْ حُمِلَ

که باشد نزدیکتر از من در نزد تو و بیشتر بندگی‌اش از برایت و حال آن که در غل و مظلوم باشد به تحقیق که بار کرده‌شده باشد

ثِقْلًا مِنْ تَعَبِ الْعَنَاءِ وَ شِدَّةِ الْعُبُودِيَّةِ وَ كُلْفَةِ الرِّقِّ وَ ثِقَلِ

بار گرانی را از محنت آزار کشیدن و سختی فرمانبرداری و مشقت بندگی و گرانی مال مقرز بر او

الضَّرِيَّةِ، أَوْ مُبْتَلًى بِبَلَاءٍ شَدِيدٍ لَا قِبَلَ لَهُ بِهِ إِلَّا بِمَنِّكَ عَلَيْهِ، وَ

یا بسا از بنده‌ای که مبتلا باشد به بلای سختی که نباشد مقاومتی او را به آن بلا مگر به احسان و شفقت تو بر او، و

أَنَا الْمَخْدُومُ الْمُنْعَمُ الْمُعَافَى الْمُكْرَمُ فِي عَافِيَةٍ مِمَّا هُوَ فِيهِ، فَلَكَ

منم خدمت کرده‌شده نعمت داده‌شده راحت بخشیده‌شده عزت داشته‌شده در نجاتم از آنچه آن بنده در آن است پس از برای توست

الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى

ستایش ای پروردگار من بسا از صاحب قدرتی که مغلوب نمی‌شود و صاحب حلمی که تعجیل ننماید رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي لِأَنْعَمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلَايِكَ مِنَ

محمد و بر آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای خود از جمله شکرکنندگان و برای احسانهای خود از

الذَّاكِرِينَ. إِلَهِي وَ مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ

یادآورندگان ای خدای من و مولای من و آقای من و بسای از بنده‌ای که شام کرده و به صبح آورده

طَرِيدًا شَرِيدًا حَيْرَانًا مُتَحَيِّرًا جَائِعًا خَائِفًا خَاسِرًا فِي الصَّحَارَى

رانده‌شده آواره گشته‌شده هوش شده‌راه گم کرده‌گرسنه ترسان برهنه در صحراها

وَ الْبَرَارَى، قَدْ أَحْرَقَهُ الْحَرُّ وَ الْبَرْدُ وَ هُوَ فِي ضَرٍّ مِنَ الْعَيْشِ، وَ

و بیابانها به تـحقیق که سوزانیده‌اورا گرما و سرما و او باشد در مشقت از تعیش و

دعاهای حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)

ضَنْكَ مِنَ الْحَيَاةِ، وَ ذُلٌّ مِنَ الْمَقَامِ، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا

زیستن و در تنگی از زندگانی و واری از مرتبه و منزلت نگاه کند به سوی نفس خود از روی حسرت که

يَقْدِرُ لَهَا عَلَى ضَرٍّ وَ لَا نَفْعٍ، وَ أَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَ

قادر نباشد برای خود بر دفع ضرری و نه بر نفعی و من خالی و فارغم از این محنتها همه به سبب بخشش تو

كَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَ ذِي أَنْاءٍ لَا

احسان تو پس نیست خدایی مگر تو تسبیح و تنزیه می کنم تو را تعجب است از بسیار توانایی که عاجز نمی شود و صاحب بردباری که

يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ مِنْ

شتاب نمی کند رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا بر نعمتهای خود از

الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلَّا تَكُ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَ ارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

شکرگذاران و برای احسانهای خود از یاد کنندگان و ترحم نمای مرا به شفقت خود ای رحیم کننده ترین

الرَّاحِمِينَ. مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي وَ كَمُ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ عَلِيلاً

رحیم کنندگان مولای من و آقای من و بسا از بنده ای که شام کند و بامداد کند در بیماری در دنیا

مَرِيضاً سَقِيماً مُدْنِفاً عَلَى فُرْشِ الْعِلَّةِ، وَ فِي لِبَاسِهَا يَتَقَلَّبُ يَمِيناً

خسته مشرف بر مری خوابیده بر بسترهای بیماری و افتاد در جامه خستگی می گردد به جانب راست

وَ شِمَالاً، لَا يَعْرِفُ شَيْئاً مِنْ لَذَّةِ الطَّعَامِ، وَ لَا مِنْ لَذَّةِ الشَّرَابِ،

و چپ نمی یابد چیزی را از لذت خوردنی و نه از لذت آشامیدنی.

يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرّاً وَ لَا نَفْعاً، وَ أَنَا خِلْوٌ

نگاه می کند به سوی خود از روی حسرت قدرت ندارد برای خود دفع ضرری را و نه جلب نفعی را و من خالی

مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ

و فارغم از این آزارها همه به سبب بخشش تو و احسان تو پس نیست خدایی مگر تو تنزیه می کنم تو را بسا از بسیار توانایی

لَا يُغْلَبُ، وَ ذِي أَنْاءٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ

که مغلوب نمی شود و صاحب حلمی که شتاب نمی کند رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و

اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْغَابِذِينَ، وَ لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلَّا تَكُ مِنَ

بگردان مرا برای از بسندگی کنندگان و برای نعمتهای خود از جمله شکر کنندگان و برای احسانهای خود از

الذَّاكِرِينَ، وَ ارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. مَوْلَايَ وَ

یاد آورندگان و رحیم نمای مرا به شفقت خود ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان مولای من و

سَيِّدِي وَ كَمُ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ قَدْ دَنَا يَوْمُهُ مِنْ حَقْفِهِ، وَ قَدْ

آقای من و بسا از بنده ای که شام کند و بامداد کند در حالی که نزدیک شده باشد روز او به مرگش و به تحقیق که

أَحْدَقَ بِهِ مَلَكُ الْمَوْتِ فِي أَغْوَانِهِ، يُعَالِجُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَ

احاطه نموده باشد به او ملک موت در اغوانه، یعالج سکرآت الموت و

احاطه نموده باشد به او ملک موت بسا مددکارانش چاره جویی کند سختی های مرگ را و

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

حِيَاضُهُ، تَدُورُ عَيْنَاهُ يَمِينًا وَشِمَالًا، يَنْظُرُ إِلَى أَحِبَّائِهِ وَأَوْدَائِهِ وَ

فرو رفتن در حوض های آن، می گردد چشمهای او به جانب راست و چپ، نگاه عجز می کند به سوی دوستان خود و

أَخْلَائِهِ، قَدْ مَنَعَ مِنَ الْكَلَامِ وَ حُجِبَ عَنِ الْخِطَابِ، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ

آشنایان خود و محبان خود در حالی که منع کرده شده است از گفتار و باز داشته شده است از گفتگوی نگاه می کند به سوی نفس خود

حَسْرَةً فَلَا يَسْتَطِيعُ لَهَا نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا، وَ أَنَا خَلَوُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ

از روی حسرت پس قدرت ندارد برای خود دفع ضرری را و نه نفعی را و من خالی و فارغم از اینها همه

بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَ

به سبب بخشش تو و احسان تو پس نیست خدایی مگر تو منزهی تو از نقصها و عیبها بسا از بسیار توانایی که مغلوب نمی شود و

ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنْ

صاحب حلمی که شتاب نمی کند رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا برای از

الْعَابِدِينَ، وَ لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلَيْكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَ

عبادت کنندگان و از برای نعمتهایت از جمله شکر کنندگان و از برای احسانتهایت از یاد کنندگان و

أَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي وَ بَكَمٍ مِنْ

ترخیم نمای مرا به شفقت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان مولای من و آقای من و بسا از

عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ فِي مَضَائِقِ الْحُبُوسِ وَ السُّجُونِ وَ كُرْهِيهَا

بنده ای که شام کند و صبح نماید در تنگی های بندخانه ها و زندانها و ناخوشی آنها

وَ كُرْبَتِهَا وَ ذُلِّهَا وَ حَدِيدِهَا، يَتَدَاوَلُهُ أَعْوَانُهَا وَ زَبَانِيَّتُهَا، فَلَا

و اندوه آنها و خواری آنها و در زنجیرهای آنها دست به دست می سپارند او را با عمله آنها و خدمتکاران آنها پس

يَذَرِي أَيُّ حَالٍ يُفَعَّلُ بِهِ وَ أَيُّ مَثَلَةٍ يُمَثَّلُ بِهِ، فَهُوَ فِي ضَرٍّ مِنْ

نمی داند که چه کار می کنند با او به چه سیاست و عقوبت سیاست کرده می شود او پس او در سختی و تعب است از

الْعَيْشِ وَ ضَنْكٍ مِنَ الْحَيَاةِ، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ

تعیش کردن و در تنگی است از زندگانی نمودن نگاه می کند به سوی نفس خود از روی حسرت قدرت ندارد

لَهَا ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا، وَ أَنَا خَلَوُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، فَلَا

از برای خود دفع ضرری را و نه جلب نفعی را و من خالی ام و فارغم از اینها همه به سبب بخشش تو و احسان تو پس

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ

نیست خدای مگر تو منزهی تو بسا از بسیار توانایی که عاجز نمی شود و صاحب بردباری که شتاب نمی کند، رحمت

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ وَ لِنِعْمَائِكَ

فرست بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا از برای خود از جمله عبادت کنندگان و برای نعمتهای تو

مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلَيْكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَ أَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ يَا

از شکر کنندگان و برای احسانتهایت از جمله یاد کنندگان و رحم نمای مرا به سبب شفقت خود ای

دعاهای حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي وَ كَمِ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ

رحم کننده ترین رحم کنندگان ای مولای من و ای آقای من و بسا از بندهای که شام کند و به صبح آورد

قَدْ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ، وَ أَحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ، وَ فَارَقَ أَوْدَاءَهُ وَ

در حالی که مستمر و دایمی شده است بر او قضای خدا و احاطه نموده باشد به او بلا و جدا مانده باشد از دوستان خود و

أَحِبَّائِهِ وَ أَخِلَّائِهِ، وَ أَمْسَى حَقِيرًا أَسِيرًا ذَلِيلًا فِي أَيْدِي الْكُفَّارِ وَ

محبان خود و آشنایان خود و گردیده باشد بی قدر و گرفتار و غول در دست کافران و

الْأَعْدَاءِ، يَتَذَاوَلُونَهُ يَمِينًا وَ شِمَالًا، قَدْ حُمِلَ فِي الْمَطَامِيرِ وَ ثَقُلَ

دشمنان دست به دست گردانند او را از راست و چپ به تحقیق که بسته شده باشد در ریسمانها و گران کرده شده باشد

بِالْحَبِيدِ، لَا يَرَى شَيْئًا مِنْ ضِيَاءِ الدُّنْيَا وَ لَا مِنْ رَوْحِهَا، يَنْظُرُ

زنجرهای آهنی نبیند چیزی را از روشنائی دنیا و نه از نسیم آن، نگاه کند

إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا، وَ أَنَا خَلُوءٌ مِنْ

بسوی نفس خود از روی حسرت و توانایی نداشته باشد برای خود دفع ضرری را و نه جلب نفعی را و من خالی و فارغ از

ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا

اینها همه به سبب بخشش تو و احسان تو پس نیست خدائی مگر تو منزهی تو بسا از صاحب قدرتی که

يُغْلِبُ، وَ ذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي

مغلوب نمی شود و صاحب حلمی که شتاب نمی کند رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا

لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ وَ لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ ارْحَمْنِي

برای خود از عبادت کنندگان و برای نعمتهای خود از شکرگزاران و رحم کن مرا

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي وَ كَمِ مِنْ عَبْدٍ

به سبب شفقت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان، ای مولای من و ای آقای من و بسا از بندهای که

أَمْسَى وَ أَصْبَحَ قَدْ اشْتَقَّ إِلَى الدُّنْيَا لِلرَّغْبَةِ فِيهَا إِلَى أَنْ خَاطَرَ

شام آورد و داخل در بامداد گردد در حالی که مشتاق باشد به سوی دنیا از جهت خواهش داشتن در آن تا آن که به خطر

بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ حِرْصًا مِنْهُ عَلَيْهَا، قَدْ رَكِبَ الْفُلْكَ وَ كُسِرَتْ بِهِ وَ

انداخته جان خود را و مال خود را از جهت حرصی که ناشی گشته از او بر دنیا به تحقیق که سوار شده کشتی را و شکسته شده است به او

هُوَ فِي آفَاقِ الْبَحَارِ وَ ظُلُمِهَا، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَقْدِرُ لَهَا

پس افتاده است او در اطراف دریاها و تاریکیهای آنها نگاه می کند به سوی نفس خود از روی حسرت و قدرت ندارد از برای خود

عَلَى ضَرٍّ وَ لَا نَفْعٍ، وَ أَنَا خَلُوءٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، فَلَا

بر دفع ضرری و نه بر جلب نفعی و من خالی و فارغ از اینها همه به سبب بخشش تو و احسان تو پس نیست

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلِبُ، وَ ذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ

خدائی مگر تو تسبیح و تنزیه می کنم تو را بسا از بسیار توانایی که عاجز نمی شود و صاحب حلمی که شتاب نمی کند، رحمت فرست

دعاهای حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَ لِنِعْمَائِكَ

بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا برای خود از جمله عبادت کنندگان و برای نعمتهای خود

مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ ارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. مَوْلَايَ وَ

از جمله شکرگزاران و رحم نما بر من به سبب شفقت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان، ای مولای من و

سَيِّدِي وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ قَدْ اسْتَمَرَ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ، وَ

آقای من و بسا از بندمای که شام کرد و داخل در صبح گردید در حالی که مستمر بود بر او قضای خدا و

أَخَذَ بِهِ الْبَلَاءُ وَ الْكُفَّارُ وَ الْأَعْدَاءُ، وَ أَخَذَتْهُ الرِّمَاحُ وَ السُّيُوفُ وَ

فرو گرفته باشد او را بلا و کافران و دشمنان و فرا گرفته باشد او را تیرها و شمشیرها و تیرها و

السِّبْهَامُ، وَ خُذِلَ صَرِيْعًا، وَ قَدْ شَرِبَتْ الْأَرْضُ مِنْ دَمِهِ، وَ أَكَلَتْ

خوار گردیده شده باشد بر خاک افتاده و به تحقیق که آشامیده باشد زمین از خون او و خورده باشند

السِّبَاعُ وَ الطَّيْرُ مِنْ لَحْمِهِ، وَ أَنَا خَلَوُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَ

درندگان و مرغان از گوشت او و من خالی و فارغ از اینها همه به بخشش تو و

كَرَمِكَ لَا بِاسْتِحْقَاقٍ مِنِّي، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا

احسان تونه به سبب آن که مستحق باشم ای آن که نیست خدایی مگر تو منزهی و بسا از بسیار توانایی که

يُغْلِبُ، وَ ذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي

مغلوب نمی شود و صاحب بردباری که شتاب نمی کند رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بگردان مرا

لِنُعْمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلَايِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَ ارْحَمْنِي

از برای نعمتهای خود از جمله شکرکنندگان و برای احسانهای خود از جمله زیاد آورندگان و رحمت نما بر

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. إِلَهِي وَ عِزَّتِكَ يَا كَرِيمٌ لِأَطْلُبَنَّ مِمَّا

بر من به رحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای خدای من قسم به عزت و بزرگواریت ای صاحب بخشش که هر آینه

لَدَيْكَ وَ لِأَلْحَنَ عَلَيْكَ، وَ لِأَلْجِئَنَّ إِلَيْكَ، وَ لِأُمِدَّنَّ يَدِي نَحْوَكَ مَعَ

سوال می کنم از آنچه در نزد توست و هر آینه العاج می کنم بر تو و پناه می آورم به سویت و هر آینه دراز می نمایم دست خود را به جانب تو

جُزْمِهَا إِلَيْكَ، فَبِمَنْ أَعُوذُ يَا رَبِّ وَ بِمَنْ أَلُوذُ، لَا أَحَدَ لِي إِلَّا أَنْتَ.

با وجود گناه کاری آن به سویت پس به چه کسی پناه برم ای پروردگار من و به که التجا برم نیست کسی که برای من سواي تو.

أَفْتَرُدُّنِي وَ أَنْتَ مُعَوِّلِي وَ عَلَيْكَ مُتَّكِلِي، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

آیا پس تو برمی گردانی مرا و حال آن که تو محل اعتماد منی. و بر توست تکیه من سوال می کنم تو را به حق نام تو که

وَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَاءِ فَاسْتَقَلَّتْ، وَ عَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ، وَ عَلَى

م گذاشتی آن را بر آسمان پس درست ایستاد و بر زمین پس قرار گرفت و بر

الْجِبَالِ فَارْسَتْ، وَ عَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ، وَ عَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ، أَنْ

کوهها پس تابست شدند و بر شب پس تاریک شد و بر روز پس روشن گردید، آنکه

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَقْضِيَ لِي جَمِيعَ حَوَائِجِي، وَ

رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آن که برآوری برای من همه مطلبهای مرا و

تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا صَغِيرَهَا وَ كَبِيرَهَا، وَ تُوَسِّعَ عَلَيَّ مِنْ

آن که بیاورزی برای من گناهان مرا همه آنرا کوچک آنها را و بزرگ آنها را و فراخ گردانی بر من از

الرِّزْقِ مَا تَبْلَغُنِي بِهِ شَرَفَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

روزی قدری را که برسانی مرا به برکت آن به شرف و عزت دنیا و آخرت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

مَوْلَايَ بِكَ اسْتَعِثْتُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْنِنِي، وَ بِكَ

ای مولای من از تو طلب فریادری می نمایم پس رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و فریادری مرا، و به تو

اسْتَجَرْتُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَجِرْنِي، وَ اغْنِنِي

پناه آورده ام پس رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و پناه ده مرا و بی نیاز گردان مرا به سبب

بِطَاعَتِكَ عَنْ طَاعَةِ عِبَادِكَ، وَ بِمَسْأَلَتِكَ عَنْ مَسْأَلَةِ خَلْقِكَ، وَ

فرمانبرداریت از فرمانبرداری بندگان تو و به سبب سؤال نمودن از تو از طلب کردن از مخلوقات تو، و

انْقُلْنِي مِنْ ذُلِّ الْفَقْرِ إِلَى عِزِّ الْغِنَى، وَ مِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ

بگردان مرا از خواری پریشانی به سوی عزت توانگری و از خواری گناهان به سوی عزت

الطَّاعَةِ، فَقَدْ فَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ جُوداً مِنْكَ وَ كَرَمًا لَا

فرمانبرداری پس به تحقیق که ترجیح داده ای مرا بر بسیاری از مخلوقات خود از روی بخشش که صادر شده از تو و احسانی از تو

بِاسْتِحْقَاقٍ مِنِّي. إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

نه به سبب استحقاقی که باشد ناشی از من، خداوندای پس تراست ستایش بر این نعمتها که مذکور شد همه، رحمت فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِأَلَيْكَ مِنْ

و بر آل محمد و بگردان مرا برای نعمتهای خود از جمله شکرگزاران و برای احسانهای خود از

الشَّاكِرِينَ، وَ ارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

یادآورندگان و رحم کن مرا به شفقت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

مخفی نماند که در بعضی از نسخه های این کتاب ابوطالب بن رجب بررسی روایتی نقل

نموده می گوید: این دعاء «جوشن صغیر» را یافتم و سند آن را و فضیلت آن را در

کتابی از کتابهای جد نیکبختم تقی الدین حسن بن داود رحمه الله که تفاوت داشت با آنچه در

کتاب «مهیج الدعوات» و غیر آن مذکور است و این روایت پیش از دعا مذکور بود، من

دوست داشتم که اثبات کنم آن روایت را در این مکان تا نگهداشته شود فضل دعائی

که مذکور شد.

مترجم گوید: از این سخن ظاهر می شود که این روایت را سید بن طاووس رحمه الله در کتاب

خود نیاورده بود و در اصل کتاب «مهیج الدعوات» نبوده بلکه از ملحقات ابوطالب رجب

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

برسی است ولیکن چون در بعضی نسخه ها بود این را نیز ترجمه نمود.

❁ دعای اعتقاد ❁

شیخ علی بن محمد بن یوسف حرّانی روایت نموده از شیخ ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی نویسنده علیه السلام که حدیث نموده به ما ابوعلی بن همام و او گفت که ابراهیم بن اسحق نهاوندی مرا حکایت کرده از ابی عبدالله حسین بن علی اهوازی، از پدر خود، از علی بن مهزیار که گفت: از مولای من امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که این دعا را می خواندند و این «دعای اعتقاد» است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می کنم بنام خدای بخشنده مهربان

إِلَهِي إِنَّ ذُنُوبِي وَ كَثْرَتُهَا قَدْ غَيَّرَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ، وَ حَبَبْتَنِي

ای خدای من بدرستی که گناهان من و بسیاری آنها به تحقیق که غبار آلود کرده است روی مرا در نزد تو و مانع شده است

عَنِ اسْتِيْهَالِ رَحْمَتِكَ، وَ بَاعَدْتَنِي عَنِ اسْتِنْجَازِ مَغْفِرَتِكَ، وَ

مرا از قسایت رحمت تو و دور نموده است مرا از بجای آمدن آمرزش تو، و

لَوْ لَا تَعَلَّقِي بِالْآيَاتِ، وَ تَمَسُّكِ بِالرَّجَاءِ لِمَا وَعَدْتَ أَمْثَالِي مِنْ

و اگر نمی بود چسبیدن من به نعمت های و دست زدن من به امیدواری به آنچه وعده نموده ای امثال مرا از

الْمُسْرِفِينَ وَ أَشْبَاهِي مِنَ الْخَاطِئِينَ، بِقَوْلِكَ: (يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ

بسیار ستم کنندگان بر خود و مانده های مرا از گناه کاران به گفته خود که فرموده ای بندگان من آن چنانی که

أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ، لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ

ستم نموده اند بر نفس های خود ناامید مشوید از رحمت خدای بدرستی که خدا می آمرزد

الذُّنُوبَ جَمِيعاً، إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ). وَ حَدَّثَتِ الْقَانِطِينَ مِنْ

گناهان را همه آنها را بدرستی که خدای تعالی است بسیار آمرزنده مهربان و ترساننده های ناامیدان از

رَحْمَتِكَ، فَقُلْتُ: (وَ مَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ). ثُمَّ

رحمت خود را پس گفتم و کیست که ناامید گردد از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان پس

نَدَبْتُنَا بِرَحْمَتِكَ إِلَى دُعَائِكَ فَقُلْتُ: (أَدْعُوْنِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، إِنَّ

خوانده ای مرا به سبب مهربانی خود به سوی خواندن تو پس فرموده ای که بخوانید مرا که اجابت می کنم شمارا بدرستی که

الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ ذَاخِرِينَ). إِلَهِي

آن جماعتی که تکبر می کنند و سرپیچی می کنند از بندگی من زود باشد که داخل شوند جهنم را خوار شدگان ای خدای من

دعاهای حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)

لَقَدْ كَانَ ذُلُّ الْأَيَّاسِ عَلَى مُشْتَمِلًا، وَ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ بِي

مر ایسه به تحقیق که می بود خواری ناامیدی بر من مشتمل و مایوس شدن از رحمت تو. می گردید به من

مُلتَحِقًا. إِلَهِي قَدْ وَعَدْتَ الْمُحْسِنَ ظَنَّهُ بِكَ ثَوَابًا، وَ أَوْعَدْتَ

لاحق ای خدای من به تحقیق که وعده نموده ای آنرا که نیکو گردانیده است اعتقاد خود به تو ثواب و وعید

الْمُسِيءَ ظَنَّهُ بِكَ عِقَابًا. اَللّٰهُمَّ وَقَدْ أَسْبَلَ دَمْعِي حُسْنَ ظَنِّي بِكَ فِي

و تهدید نموده ای آنرا که بد کرده است به تو گمان خود را به عذاب خداوند و به تحقیق که اشک چشم مرا نیکوئی گمان من بتو

عِتْقِي رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ تَغَمَّدِي زَلَلِي وَإِقَالَه عَثْرَتِي، وَقُلْتَ وَقَوْلُكَ

در آزاد شدن من از آتش و در پوشانیدن لغزش و گناهان مرا و در گذشتن از به روی درافتادن من از خطاها و گفته تو

الْحَقُّ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ وَ لَا تَبْدِيلَ: (يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ،

و گفتار حق است که نیست خلائی در آن و نه تغییری که روزی که می خوانیم هر طایفه را از مردمان به پیشوای ایشان

ذَلِكَ يَوْمَ النُّشُورِ، إِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ، وَ بُعِثَ مَا فِي الْقُبُورِ).

آن روز روز حشر و قیامت است وقتی که دمیده شود در صور و زنده می شود آنچه به آن در قبرها (یعنی آنچه از مردگان در گورها است)

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَقِرُّ وَ أَشْهَدُ وَ أَعْتَرِفُ وَ لَا أَجْحَدُ وَ أُسِرُّ، وَ أَظْهَرُ وَ أَعْلِنُ وَ

خداوندا بدرستی که اقرار می کنم و گواهی می دهم و اعتراف دارم و انکار نمی کنم و در پنهانی قائم و در آشکارا معترفم و نه به زبان می گویم و

أَبْطِنُ، بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ أَنَّ

به دل اعتقاد دارم به آن که تو تویی خدایی که نیست خدایی مگر تو در حالی که یگانه و تنهایی تو نیست شریکی برایت و آنکه

مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، وَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ

محمد بنده تو و فرستاده تو است و آن که علی بن ابی طالب که امیر و سرکرده مؤمنان و بزرگ

الْوَصِيِّينَ، وَ وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَ قَاتِلَ الْمُشْرِكِينَ، وَ إِمَامَ

جانشینهای و میراث برنده علم پیغمبران است و کشته کننده کافران و پیشوای

الْمُتَّقِينَ وَ مُبِيرَ الْمُنَافِقِينَ، وَ مُجَاهِدَ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ

پرهیزکاران است و هلاک کننده منافقان است و جهاد کننده با جماعتی که شکننده پیمانند و جمعی که جور نموده اند و

الْمَارِقِينَ، إِمَامِي وَ حُجَّتِي وَ صِرَاطِي وَ دَلِيلِي وَ مَحَجَّتِي، وَ مَنْ لَا

جمعی که بیرون رونده اند از دین، امام و پیشوای من است و دلیل من است و راه من است بسوی خدای تعالی و راهنمای من است و راه

أَتَقُّ بِالْأَعْمَالِ وَ إِن زَكَتْ، وَ لَا أَرَاهَا مُنْجِيَةً لِي وَ إِن صَلَّحْتُ، إِلَّا

واضح است برای من و آن کسی است که اعتقاد ندارم به کردهای خود و هر چند پاکیزه باشند و نمی بینم آنها را نجات دهنده برای من و اگر چه

بِوَلَايَتِهِ، وَ الْإِثْمَامِ بِهِ، وَ الْأَقْرَارِ بِفَضَائِلِهِ، وَ الْقَبُولِ مِنْ حَمَلَتِهَا وَ

نیکو باشند مگر به دوستی و محبت او و پیروی و متابعت به او و اقرار نمودن به فضیلت های او و قبول کردن آن فضیلت ها را از محتمل شوندگان

التَّسْلِيمِ لِرُؤَاةِهَا. اَللّٰهُمَّ وَ أَقِرُّ بِأَوْصِيَاءِهِ مِنْ أَبْنَائِهِ، أَيْمَةً وَ

و نقل کنندگان آنها و باور نمودن از روایت کنندگان آنها خداوند اقرار می کنم به جانشینان او از اولاد و فرزندان او که امامانند و

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

حُجَجًا وَ أُدِلَّةً وَ سُرُجًا وَ اَعْلَامًا وَ مَنَارًا وَ سَادَةً وَ اَبْرَارًا، وَ اُدِینُ

برهانهایند و راهنمایانند و چراغهایند و نشانه‌هایند و علامت‌هایند و بزرگان و نیکوکارانند و اطاعت می‌کنم

بِسِرِّهِمْ وَ جَهْرِهِمْ وَ ظَاهِرِهِمْ وَ بَاطِنِهِمْ، وَ حَیِّهِمْ وَ مَیِّتِهِمْ، وَ

به پنهان ایشان و آشکار ایشان و ظاهر ایشان و مخفی ایشان و زنده ایشان و مرده ایشان و

شَاهِدِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ، لَا شَكَّ فِیْ ذَٰلِكَ وَ لَا اَزْتِیَابَ، وَ لَا تَحَوَّلَ عَنْهُ

حاضر ایشان و غایب ایشان نیست شک در این و نه شکیبایی و نه تغییری از آن اعتقاد

وَ لَا اِنْقِلَابَ. اَللّٰهُمَّ فَادْعُنِیْ یَوْمَ حَشْرِی وَ حِینَ نَشْرِی بِاِمَامَتِهِمْ،

و نه برگشتنی از آن خداوند پس بخوان مرا روزی که محصور گردم و در هنگامی که برانگیخته شوم از قبر به امامت ایشان.

وَ اَحْشِرْنِیْ فِیْ زُمْرَتِهِمْ، وَ اَخْتَبِنِیْ فِیْ اَصْحَابِهِمْ، وَ اجْعَلْنِیْ مِنْ

و محصور گردان مرا در طایفه ایشان و بنویس مرا در جمله تابعان ایشان و بگردان مرا از

اِخْوَانِهِمْ، وَ اَنْقِذْنِیْ بِهِمْ یَا مَوْلَایْ مِنْ حَرِّ النَّیْرَانِ، فَإِنَّكَ اِنْ

جمله برادران دینی ایشان و رها کن مرا به سبب ایشان ای خدای من از گرمی آتش جهنم پس بدرستی که

اَعْفِیْتَنِیْ مِنْهَا کُنْتُ مِنَ الْفَائِزِیْنَ. اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ اَصْبَحْتُ فِیْ یَوْمِی

تو اگر نجات دهی مرا و از آن آتش خواهم بود من از جمله رستگاران خداوند و به تحقیق که داخل در صبح شدم در روز خودم

هَٰذَا لَا ثِقَةَ لِیْ وَ لَا مَفْزَعَ وَ لَا مَلْجَأَ وَ لَا مُلْتَجَاً، غَیْرَ مَنْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ

این روز در حال یکه نیست اعتمادی برای من و نه گریزگاهی و نه کسی که ملجعی گردم به او غیر آن کسانی که متوسل گشته‌ام به ایشان

اِلَیْكَ مِنْ آلِ رَسُوْلِكَ، صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ، عَلِیِّ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ

بسویت از آل رسول تو رحمت خدا باد بر او یعنی علی (علیه السلام) که پیشوای مؤمنان است و

سَیِّدَتِیْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ، وَ الْاَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِهِمْ

مولای من حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین و به امامان از فرزندان ایشان

وَ الْحُجَجِ الْمَسْتُورَةِ مِنْ ذُرِّیَّتِهِمْ، اَلْمَرْجُوِّ لِاَئِمَّةٍ مِنْ بَعْدِهِمْ، وَ

و برهانهای پنهان گردیده شده از اولاد ایشان که امید داشته شدگانند از برای امت از پس ایشان و

خَیْرَتِكَ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ. اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ حِصْنِیْ مِنْ

برگزیدگان تو است که بر او و بر ایشان باد سلام و درود، خداوند پس بگردان ایشان را حصار من که نگاهدارند مرا از

الْمَكَارِهِ وَ مَعْقَلِیْ مِنَ الْمَخَاوِفِ، وَ نَجِّنِیْ بِهِمْ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ طَاغٍ وَ

ناخوشیها و قلعه و پناه من که محافظت نمایند مرا از آنچه می‌ترسم از آنها و رهایی ده مرا به سبب ایشان از هر دشمنی از حد تجاوز کننده و

فَاسِقٍ بَاغٍ، وَ مِنْ شَرِّ مَا اَعْرِفُ وَ مَا اُنْکِرُ، وَ مَا اسْتَقَرَّ عَلَیَّ وَ مَا

از هر فاسق ستم کننده و از شر آنچه می‌شناسم آنرا و آنچه نمی‌شناسم آنرا و آنچه پوشیده است بر من و آنچه

اَبْصُرُ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّیْ اَخِذْ بِنَاصِیَّتِهَا، اِنَّ رَبِّیْ عَلَی

می‌بینم آنرا و از شر هر جانوری که پروردگار من گرفته است پیش سر او را بدرستی که پروردگار من بر

دعاهای حضرت امام موسی کاظم (ع)

صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ. اَللّٰهُمَّ بِتَوْسَلِيْ اِلَيْكَ بِهِمْ وَ تَقَرُّبِيْ بِمَحَبَّتِهِمْ،

راه راست است خداوند پس به حق توسل جستن من به سویتو به ایشان و نزدیکی جستن من به وسله دوستی ایشان

اِفْتَحْ عَلَيَّ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ، وَ حَبِّبْنِيْ اِلَى خَلْقِكَ، وَ

بگشای بر من درهای رحمت خود را و آمرزش خود را و دوست گردان مرا به سوی مخلوقات خود و

حَبِّبْنِيْ عِدَاوَتَهُمْ وَ بُغْضَهُمْ، اِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ وَ

دور گردان از من دشمنی ایشان را و کینه ایشان را بدرستی که تو بر همه چیز بسیار توانایی خداوند و

لِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ ثَوَابٌ وَ لِكُلِّ ذِي شَفَاعَةٍ حَقٌّ، فَاَسْئَلُكَ بِمَنْ جَعَلْتَهُ

از برای هر وسیله جوینده ثوابی است و برای هر صاحب شفاعتی حقی است پس سؤال می کنم ترا به حق آن کسی که گردانیدم

اِلَيْكَ سَبَبِيْ، وَ قَدَّمْتَهُ اَمَامَ طَلِبَتِيْ، اَنْ تُعَرِّفَنِيْ بَرَكَةِ يَوْمِيْ هَذَا وَ

اورا بسبب سبب خود و مقدم داشتی مرا پیش حاجت خود آن که بشناسی به من برکت روز مرا این روز و

شَهْرِيْ هَذَا وَ عَامِيْ هَذَا. اَللّٰهُمَّ فَهْمٌ مُّعْوَلِيْ فِيْ شِدَّتِيْ وَ رَخَائِيْ،

ماه مرا این ماه و سال مرا این سال خداوند پس ایشانند محل اعتماد من در سختی حال من و در رفاهیت حال من

وَ عَافِيَتِيْ وَ بِلَآئِيْ، وَ نَوْمِيْ وَ يَقْظَتِيْ، وَ ظَغْنِيْ وَ اِقَامَتِيْ، وَ

و در سلامتی من و در بلای من و در خواب من و بیداری من و در سفر من و در حضر من و

عُسْرِيْ وَ يُسْرِيْ، وَ صَبَاحِيْ وَ مَسَائِيْ، وَ مُنْقَلَبِيْ وَ مَثْوَايَ.

در دشواری من و آسانی من و در صبح من و در شام و در بازگشت من و مقام من.

اَللّٰهُمَّ فَلَا تُخْلِنِيْ بِهِمْ مِنْ نِعْمَتِكَ، وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِيْ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ

خداوند پس خالی مگردان مرا به سبب ایشان از نعمت خود و نبر امید مرا از رحمت و شفقت خود و

لَا تَفْتِنَنِيْ بِاِغْلَاقِ اَبْوَابِ الْاَرْزَاقِ وَ اَنْسِدَادِ مَسَالِكِهَا، وَ افْتَحْ لِيْ

ازمایش مکن مرا به بستن درهای روزیها و بند شدن راههای آن بر من و بگشای از برای من از نزد خود

مِنْ لَدُنْكَ فَتْحًا يَسِيرًا، وَ اجْعَلْ لِيْ مِنْ كُلِّ ضَنْكٍ مَخْرَجًا، وَ اِلَى

گشودن آسانی و بگردان برآی من از هر تنگی بیرون رفتن را و به سوی

كُلِّ سَعَةٍ مِنْهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ. اَللّٰهُمَّ وَ اجْعَلِ اللَّيْلَ

هر گشایشی را به حق رحمت خود ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان خداوند و بگردان شب

وَ النَّهَارَ مُخْتَلِفَيْنِ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَ مُعَافَاتِكَ وَ مِنْكَ وَ فَضْلِكَ، وَ

و روز را در عقب یکدیگر وارد شونده بر من در حالی که مختلف باشند به رحمت تو و عافیت دادن تو و نعمت تو و

لَا تُفْقِرْنِيْ اِلَى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ. اِنَّكَ

احسان تو و محتاج مگردان مرا به سوی کسی از مخلوقات خود به سبب رحمت خود ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان، بدرستی که

عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّجِيطٌ، وَ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ نِعْمَ

تو بر همه چیز بسیار توانایی و به هر چیز دانایی و بس است ما را خدا و نیکو

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

الْوَكِيلُ.

معتدلی است او.



دعای مستجاب



دعای مستجاب از مولای ما ابو ابراهیم حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام مروی است، که فرمودند: این دعا را هیچ غمناکی نمی خواند مگر آن که خدای تعالی او را از آن غم فرج دهد و هیچ اندوهناکی نمی خواند مگر آن که خداوند برطرف نماید اندوه را و از عذاب قبر نگاه می دارد و روزی او را فراخ می کند و در روز قیامت از جمله راستگویان و شهدا برمی انگیزاند و از برای او نزد خدای عزوجل ثواب خواهد بود به عدد هر کس که خدای سبحان را بخواند. و از خدای تعالی چیزی را سنوال نمی کند مگر آن که به برکت این دعا ببخشد و همه گناهانش را بیامرزد اگرچه مثل ریگ بیابان عالج باشد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می کنیم ب نام خدای بخشنده مهربان

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ، أَثْنَى عَلَيْكَ وَ مَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ مِنْ

تسبیح می کنیم تو را خداوند و به ستایش تو درود می گویم بر تو نیست نزدیک آن که برسد چیزی از

ثَنَائِي عَلَيْكَ وَ مَجْدِكَ، مَعَ قَلَّةِ عَمَلِي وَ قِصْرِ ثَنَائِي، وَ أَنْتَ

ستایش من بر کنه تو و بر شرف تو، و با وجود کمی کردار من و کوتاهی درود من، و تسوی

الْخَالِقُ وَ أَنَا الْمَخْلُوقُ، وَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا الْمَرْزُوقُ، وَ أَنْتَ الرَّبُّ

آفریدگار و منم آفریده شده و تسوی روزی دهنده و منم روزی داده شده و تسوی پروردگار

وَ أَنَا الْمَرْبُوبُ، وَ أَنَا الضَّعِيفُ إِلَيْكَ وَ أَنْتَ الْقَوِيُّ، وَ أَنَا السَّائِلُ

و منم پروریده شده، و منم ضعیف محتاج به سئویت و تسوی توانا و منم سئوال کننده

وَ أَنْتَ الْغَنِيُّ، لَا يَزُولُ مِنْكَ، وَ لَا يَبِيدُ عِزُّكَ وَ لَا تَمُوتُ، وَ أَنَا خَلْقٌ

و تسوی توانگر بر طرف نمی شود پادشاهیت و زایل نمی گردد عزت تو و نمی میری و منم آفریده شده ای که

أَمُوتُ وَ أَزُولُ وَ أَفْنِي، وَ أَنْتَ الصَّمَدُ الَّذِي لَا تُطْعَمُ، وَ الْفَرْدُ الْوَاحِدُ

می میرم و برطرف می شوم و نیست می گردم و تسوی همیشه بی نیاز که خورائیده نمی شوی و یگانه یکتای

بِغَيْرِ شَبِيهِ، وَ الْقَائِمُ بِلَا مُدَّةٍ، وَ الْبَاقِي إِلَى غَيْرِ غَايَةٍ، وَ الْمُتَوَحِّدُ

بدون مانند و بماند بر پای بی زمان اولی و باقی هستی بدون منتهانی و یگانه ای

بِالْقُدْرَةِ، وَ الْغَالِبُ عَلَى الْأُمُورِ بِلَا زَوَالٍ وَ لَا فَنَاءٍ. تُعْطَى مَنْ

به توانایی و غلبه کننده ای بر چیزها بدون برطرف شدن و بی زائل شدنی بخشش می نمایی کسی را

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

تَشَاءُ كَمَا تَشَاءُ. الْمَعْبُودُ بِالْعُبُودِيَّةِ، الْمَحْمُودُ بِالنِّعَمِ،

که می خواهی به قدر آنچه می خواهی تسبیح عبادت کرده شده به پرستش و بندگی و ستایش کرده شده به نعمتها.

الْمَرْهُوبُ بِالنِّقَمِ، حَتَّى لَا يَمُوتَ، صَمَدٌ لَا يُطْعَمُ، وَ قَيُّومٌ لَا يَنَامُ، وَ

تویی خوف کرده شده از تو به اعتبار عذابها تویی زنده ای که نمی میرد و دایم و بی نیازی که خورائیده نمی شود و به خود برپائی که نمی خوابد و

جَبَّارٌ لَا يَظْلِمُ، وَ مُحْتَجَبٌ لَا يُرَى، سَمِيعٌ لَا يَشْكُ، بَصِيرٌ لَا

صاحب جبروتی که ستم نمی کند و پنهانی که دیده نمی شود شنوایی که اشتباه نمی کند بینایی که

يَرْتَابُ، غَنِيٌّ لَا يَخْتَاجُ، عَالِمٌ لَا يَجْهَلُ، خَبِيرٌ لَا يَذْهَلُ، ابْتَدَأَتْ

شک نمی کند توانگری که محتاج نمی شود دانایی که نیست نادان، عالمی به حقیقت اشیا که غافل نمی شود

الْمَجْدُ بِالْعِزِّ، وَ تَعَطَّفَتْ الْفَخْرَ بِالْكَبْرِيَاءِ، وَ تَجَلَّلَتْ الْبِهَاءَ

ظاهر نموده ای شرف خود را به سبب عزت و غلبه خود و صاحب ردا گردانیده مباحثات خود را به بزرگی و پوشانیده عظمت خود را

بِالْمَهَابَةِ، وَ الْجَمَالَ بِالنُّورِ، وَ اسْتَشْعَرْتَ الْعُظْمَةَ بِالسُّلْطَانِ

به لباس هیبت و ترس از تو و نیکویت را به روشنی و شعار قرار داده ای بزرگی خود را

الشَّامِخَ، وَ الْعِزَّ الْبَازِخَ، وَ الْمُلْكَ الظَّاهِرَ، وَ الشَّرَفَ الْقَاهِرَ، وَ الْكَرَمَ

به قدرت بلند مرتبه و به غلبه عالی و به پادشاهی آشکار و به رفعت و مجد قهر کننده و به بخشش

الْفَاخِرَ، وَ النُّورَ السَّاطِعَ، وَ الْآلَاءِ الْمُتَظَاهِرَةَ، وَ الْأَسْمَاءِ

عظیم و نیکو و به روشنی درخشانده و به نعمتهای بسیار ظاهر و هویدا و بنامهای

الْحُسْنَى، وَ النِّعَمِ السَّابِغَةِ، وَ الْمِنْنِ الْمُتَقَدِّمَةِ، وَ الرَّحْمَةِ

نیکو و به نعمتهای تمام و بسیار و بخششهای پیشی گیرنده بر سؤال و به شفقت بزرگی و

الْوَاسِعَةِ. كُنْتَ إِذْ لَمْ يَكُنْ شَيْءٌ، وَ كَانَ عَرْشُكَ عَلَى الْمَاءِ، إِذْ لَا

فراخ. بوده ای موجود وقتی که بوده است چیزی موجود و بود (پیش از آفریدن زمین و آسمان) عرش تو بر آب وقتی که نبود

أَرْضٌ مَذْجِيَّةٌ، وَ لَا سَمَاءٌ مَبْنِيَّةٌ، وَ لَا شَمْسٌ تُضِيءُ، وَ لَا قَمَرٌ

زمین پهن گردیده شده و نه آسمان بنا گذاشته شده و نبود آفتابی که روشنی بخشد و نه ماهی که

يَجْرِي، وَ لَا نَجْمٌ يَسْرِي، وَ لَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ، وَ لَا سَحَابَةٌ مُنْشَأَةٌ، وَ لَا

دور نماید و نه کوکبی که حرکت کند و نه ستاره روشنی و نه ابری برانگیخته و نه دنیای دانسته شده و نه

دُنْيَا مَعْلُومَةٌ، وَ لَا آخِرَةٌ مَفْهُومَةٌ، وَ تَبَقَى وَحْدَكَ وَحْدَكَ كَمَا كُنْتَ

دنیای دانسته شده و نه آخرتی فهمیده شده و باقی می مانی در حالی که باشی یگانه و تنها چنان که بوده ای

وَحْدَكَ، عَلِمْتَ مَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ، وَ حَفِظْتَ مَا كَانَ قَبْلَ أَنْ

یگانه و تنها دانسته ای آنچه را که موجود شده است پیش از آن که موجود گردد و بیاد داشته ای آنچه را که بوده است

يَكُونَ، لَا مُنْتَهَى لِنِعْمَتِكَ، نَفَذَ عِلْمُكَ قُرَيْدٌ وَ مَا تَشَاءُ، وَ

پیش از آن که منتحق شود. نیست نهایی برای نعمتهایت جاری است دانش و فرمان تو در آنچه اراده نمایی. و

دعاهای حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)

سُلْطَانُكَ فِيمَا تُرِيدُ وَ فِي مَا تَشَاءُ، مِنْ تَبْدِيلِ الْأَرْضِ بَعْدَ
هر آنچه خواهی آنرا و روان است قدرت و حکمت در آنچه اراده کنی و در آنچه خواهی از به عوض آوردن زمین بعد
الْأَرْضِ وَ السَّمَوَاتِ وَ مَا ذَرَأَتْ فِيهِنَّ، وَ خَلَقْتَ وَ بَرَأْتَ مِنْ شَيْءٍ
از زمینی و آسمانی بعد از آسمانی و آنچه را که خلق نمودهای در آنها و آفریده‌ای و موجود نمودهای از هر چیزی
وَ أَنْتَ تَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ،
و تویی که می‌گویی هر چیزی را که موجود شو پس موجود می‌گردد نیست خدایی مگر تو. یگانه‌ای نیست شریکی از برای تو
أَنْتَ اللَّهُ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ
توئی خدا خدا خدای بلند مرتبه بزرگ زنده پایدار تویی خدا خدا خدای
الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ الْفَرْدُ الصَّمَدُ، اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ بَدِيعُ
بردار بخشنده تویی خدا خدا خدای بی‌همتای مقمود در حاجتها تویی خدا خدا خدای تازه بسدید آورنده
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَزُّكَ عَزِيزٌ، وَ جَارُكَ مَبِيعٌ، وَ أَمْرُكَ غَالِبٌ، وَ
آسمانها و زمین. عزت تو غلبه کننده است و پناه آورنده به تو قوی است و فرمان تو غلبه کننده است و
أَنْتَ مَلِكٌ قَاهِرٌ، عَزِيزٌ فَاجِرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَوْتَ فِي الْمَلَكُوتِ، وَ
پادشاهی قهر کننده با عزت فخر کننده. نیست خدایی مگر تو تنهایی و جدانی نمودهای از خلائق در پادشاهی خود و
اسْتَقَرَّتْ بِالْجَبَرُوتِ، وَ حَارَتْ أَبْصَارُ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ
پنهان گشته‌ای از نظر مردمان به سبب جبروت و بزرگی خود و حیران بازمانده‌اند چشمهای فرشتگان تو که نزدیکانند و
ذَهَلَتْ عُقُولُهُمْ فِي فِكْرِ عَظَمَتِكَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَرَى مِنْ بَعْدِ
برطرف و مدهوش شده‌است عقلهای ایشان در فکر بزرگی تو. نیست خدایی مگر تو می‌بینی از
ارْتِفَاعِكَ، وَ عَلَوْ مَكَانِكَ مَا تَحْتَ الثَّرَى، وَ مُنْتَهَى الْأَرْضِينَ
دوری بلند مرتبه خود و ارتفاع منزلت خود آنچه را که باشد زیر خاک و در آخر طبقه‌های زمین
السُّفْلَى، مِنْ عِلْمِ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى، وَ الظُّلُمَاتِ وَ الْهَوَى، وَ تَرَى
پست از علم آخرت و دنیا و آنچه را که باشد در تاریکی و در هوای روشن. و می‌بینی
بَثَّ الذَّرَّ فِي الثَّرَى، وَ تَرَى قِوَامَ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا، وَ تَسْمَعُ
تو روان شدن مورچه کوچک را در خاک و می‌بینی جای پای مورچه را بر سنگ هموار می‌شنوی
خَفَقَانَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَى، وَ تَعْلَمُ تَقَلُّبَ السَّارِ فِي الْمَاءِ. تُعْطَى
تو آواز بالهای مرغ را در هوا و می‌دانی گردیدن حرکت کننده در آب را. بخشش می‌نمایی
السَّائِلَ، وَ تَنْصُرُ الْمَظْلُومَ، وَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، وَ تُؤْمِنُ الْخَائِفَ،
سؤال کننده را و یاری می‌دهی ستم رسیده را و برمی آوری حاجت بیچاره را و امان می‌دهی ترسند را
وَ تَهْدِي السَّبِيلَ، وَ تَجْبِرُ الْكَسِيرَ، وَ تُغْنِي الْفَقِيرَ. قَضَاؤُكَ
و می‌نمایی به مردمان راه را و اصلاح و درست می‌کنی شکستگی حال را و توانگر می‌کنی درویش را حکمت جدا سازنده است (میان حق و باطل)

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

فَضْلٌ، وَ حُكْمُكَ عَدْلٌ، وَ أَمْرُكَ جَزْمٌ، وَ وَعْدُكَ صِدْقٌ، وَ مَشِيَّتُكَ

امر تو عدل است و فرمان تو جزم است و وعده تو راست است و اراده تو

عَزِيزَةٌ، وَ قَوْلُكَ حَقٌّ، وَ كَلَامُكَ نُورٌ، وَ طَاعَتُكَ نَجَاةٌ. لَيْسَ لَكَ

محکم و قوی است و گفتارت ثابت است و سخن تو روشن است و فرمانبرداری خلاصی از عقابت است. نیست از برای تو

فِي الْخَلْقِ شَرِيكٌ، وَ لَوْ كَانَ لَكَ شَرِيكٌ لَتَشَابَهَ عَلَيْنَا، وَ لَذَهَبَ

در مخلوقات شریکی و اگر می بود از برای شریکی هر آینه مشتبّه و نهان بود برای ما امور و هر آینه مستقل و منفرد بود

كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ، وَ لَعَلَّاءُ عُلُوءًا كَبِيرًا. جَلَّ قَدْرُكَ عَنْ مُجَاوَرَةِ

هر خدایی به آنچه آفریده بود و هر آینه غلبه نمودی بر دیگری غلبه عظیم، بزرگی است مرتبه تو از هم سهمی

الشُّرَكَاءِ، وَ تَعَالَيْتَ عَنْ مُخَالَطَةِ الْخُلَطَاءِ، وَ تَقَدَّسْتَ عَنْ مُلَامَسَةِ

شریکان و بلند است منزلت تو از مشارکت و هم صحبتی اختلاط کنندگان و منزهی تو از هم نشینی و رسیدن

النِّسَاءِ. فَلَا وَلَدَ لَكَ وَ لَا وَالِدَ، كَذَلِكَ وَ صَفَتْ نَفْسُكَ فِي كِتَابِكَ

به زنان. پس نیست فرزندی برایت و نیست زایندهای برای همچنین بیان نموده ای ذات خود را در کتاب خود

الْمَكْنُونِ الْمُطَهَّرِ الْمُنْزَلِ، وَ الْبُرْهَانِ الْمُضْبِيءِ الَّذِي أَنْزَلْتَ عَلَى

(یعنی قرآن) که پنهان کرده شده پاک گردانیده شده فرود آورده شده دلیل واضح و روشن است آن چنان کتابی که نازل ساختی از آرد تو بر

مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ الْقُرْشِيِّ الزَّكِيِّ النَّقِيِّ الْأَبْطَحِيِّ

محمد که پیغمبر رحمت توست از طایفه قریش پاک از صفات ذمیعه و پرهیزگار و پاکیزه برانگیخته در مکه است

الْمُضَرِّيِّ الْهَاشِمِيِّ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ وَ سَلَامٌ وَ رَحِمٌ

از قبیله مضر است منسوب به هاشم است رحمتهای خدا باد بر او و بر خاندانش و خدا ستایش نماید و شفقت

وَ كَرَمٌ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ. اللَّهُ الصَّمَدُ. لَمْ

و بخشش کند بر او. آغاز بنام خدای بخشنده مهربان، بگو ای محمد که خدا یکی است خاست دائمی و مقصود در حاجتها

يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ. وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذَلَّ كُلُّ عَزِيزٍ

نرزانیده و زانیده نشده و نیست از برای او شبیه و مانند کسی پس نیست خدایی مگر تو، خوار است هر صاحب عزتی

لِعِزَّتِكَ، وَ صَغُرَتْ كُلُّ عَظْمَةٍ لِعَظَمَتِكَ، فَلَا يُفْزِعُكَ لَيْلٌ دَامِسٌ، وَ

از جهت عزت تو و کوچک و حقیر است هر بزرگی در جنب بزرگیت پس به جزع و ترس نمی اندازد تو را شب بسیار تاریکی و

لَا قَلْبٌ هَاجِسٌ، وَ لَا جَبَلٌ بَادِحٌ، وَ لَا عُلُوٌّ شَامِخٌ، وَ لَا سَمَاءٌ ذَاتُ

نه دل و سوسه کننده ای و نه کوه بلند و نه بسیار مرتفعی و نه آسمانهای صاحب

أَبْرَاجٍ، وَ لَا بَحَارٌ ذَاتُ أَمْوَاجٍ، وَ لَا حُجُبٌ ذَاتُ أَرْقَاجٍ، وَ لَا أَرْضٌ ذَاتُ

برجها و نه دریاهای صاحب موجها و نه پرده ها و ماتمهای صاحب بستگی و نه زمین صاحب

فِجَاجٍ، وَ لَا لَيْلٌ ذَاتُ أَذْجٍ، وَ لَا ظِلٌّ ذَاتُ أَذْعَاجٍ، وَ لَا سَهْلٌ وَ لَا جَبَلٌ وَ لَا

دره و راهها و نه شب تاریکی و نه تاریکی های صاحب سیاهی و نه زمین هموار و نه کوهی و نه

دعاهای حضرت امام موسی کاظم (ع)

بَرٌّ وَلَا بَحْرٌ وَلَا شَجَرٌ وَلَا مَدَرٌ، وَلَا يَسْتَقِرُّ مِنْكَ شَيْءٌ، وَلَا يَحُولُ

بیابانی و نه دریایی و نه درختی و نه کلوخی و نیست پنهان از تو چیزی و حایل نمی شود

دُونِكَ سِتْرٌ، وَلَا يَفُوتُكَ شَيْءٌ. السِّرُّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةً، وَالْغَيْبُ

نزد تو پرده ای و فوت نمی شود از تو چیزی چیزهای پنهان در نزد تو ظاهر است و امرهای غائب

عِنْدَكَ شَهَادَةٌ، تَعْلَمُ وَهُمْ الْقُلُوبِ، وَرَجَمَ الْغُيُوبِ، وَرَجَعَ الْأَلْسُنِ،

در نزد تو حاضر است می دانی سهو و غلط دلهارا و گماتها و سخنان باطل انداخته شده در امور پوشیده از روی نادانی را و گفتگوی

و خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ، وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ، أَنْتَ رَجَاؤُنَا عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ،

زبانهارا و می دانی خیانت کننده از چشمهارا و آنچه را که پنهان می کنند آنرا سینه ها امید ما در نزد هر سختی و بلایی.

و غِيَاثُنَا عِنْدَ كُلِّ مَحَلٍّ، وَ سَنَدُنَا فِي كُلِّ كَرْيَهَةٍ، وَ نَاصِرُنَا عِنْدَ

و فریادرس ما نزد هر عذاب و عقی و تویی اعتماد ما در هر ناخوشی و تویی یاری دهنده ما در نزد

كُلِّ ظُلْمٍ، وَ قُوَّتُنَا فِي كُلِّ ضَعْفٍ، وَ بَلَاغُنَا فِي كُلِّ عَجْزٍ مِنْ كَرْيَهَةٍ

هر ستمی و قوت دهنده مانی در هر سستی و رسیده است به ما اعانت تو در هر ناتوانی بسا از ناخوشی و سختی

وَ شِدَّةٍ ضَعُفَتْ فِيهَا الْقُوَّةُ، وَ قَلَّتْ فِيهَا الْحِيلَةُ، أَسْلَمْنَا فِيهَا

که سست باشد در آن توانایی من و کم باشد در آن چاره من و وامدانت ما در آن سختی رفیق من و یاری نکرد ما در آنها

الرَّفِيقُ وَ خَذَلْنَا فِيهَا الشَّفِيقُ، أَنْزَلْتَهَا بِكَ يَا رَبِّ وَ لَمْ نَرْجُ

مهربان به من که نازل و عاض نمودم آنها را بسویت ای پروردگار من و نه داشتیم امید

غَيْرَكَ، فَفَرَّجْتَهَا، وَ خَفَّفْتَ ثِقَلَهَا، وَ كَشَفْتَ غَمَرَتَهَا، وَ كَفَيْتَنَا إِيَّاهَا

از غیر تو پس نجات دادی مرا از آنها و سبک گردانیدی سنگینی آنها را و برطرف نمودی شدت و سختی آنها را و کفایت و بی نیاز گردانیدی

عَمَّنْ سِوَاكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ. أَفْلَحَ سَائِلُكَ، وَ أَنْجَحَ طَالِبُكَ، وَ عَزَّ

مارا در آنها از غیر خود. پس از برای تو ست ستایش، رستگار است سؤال کننده از تو و برآورده شده است مطلب طلب کننده از تو و عزیز است

جَارُكَ، وَ رِبْحَ مُتَاجِرِكَ، وَ جَلَّ ثَنَّاؤُكَ، وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَ عَلَا

پناه آورنده به تو و فایده برده است تجارت کننده با تو بزرگ است سپاس تو و منزّه است نامها و بلند است

مُلْكُكَ، وَ غَلَبَ أَمْرُكَ، وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ. أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِأَسْمَائِكَ

پادشاهیت و غالب است فرمان تو و نیست خدایی غیر تو سؤال می کنم تو را ای پروردگار من به حق نامهای تو

الْمُتَعَالِيَاتِ الْمُكَرَّمَةِ الْمُطَهَّرَةِ الْمُقَدَّسَةِ الْعَزِيزَةِ، وَ بِاسْمِكَ

که بلند است مرتبه آنها و تعظیم کرده شده و پاک ساخته شده (ای عزیزها و نقصها) و پاکیزه و غلبه کننده عزیزانه و بحق آن نام

الْعَظِيمِ الَّذِي بَعَثْتَ بِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ قُلْتَ: إِنِّي أَنَا

بزرگ تو که فرستادمی به برکت آن نام موسی را که بر او پاد ستایش در هنگامی که گفته ای بدرستی که منم

اللَّهُ فِي الدَّهْرِ الْبَاقِي، وَ بِعِلْمِكَ الْغَيْبِ، وَ قُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ، وَ

خدای در همه اوقات باقی و به حق دانش پنهان تو و به حق تواناییت بر آفریدگان، و

دعاهای حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)

بِاسْمِكَ الَّذِي هُوَ مَكْتُوبٌ حَوْلَ كُرْسِيِّكَ، وَ بِكَلِمَاتِكَ الْقَامَاتِ، يَا
 به حق نام تو که آن نام نوشته شده است در دور کرسیت و به حق صفتهايت که تمام و کاملند، ای
 أَعَزَّ مَذْكُورٍ وَ أَقْدَمَهُ فِي الْعِزِّ، وَ أَدْوَمَهُ فِي الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ، يَا
 عزیزترین هر نام برده شده و ای بیشترین در عزت و دائمی تر آنها در پادشاهی و مملکت، ای
 رَحِيمًا بِكُلِّ مُسْتَرْحِمٍ، وَ يَا رَوْفًا بِكُلِّ مُسْكِينٍ، يَا أَقْرَبَ مَنْ دُعِيَ وَ
 رحم کننده به هر طلب رحم کننده ای و ای مهربان به هر درویشی و ای نزدیکترین کسی که خوانده شده است و
 أَسْرَعَهُ إِجَابَةً، وَ يَا مُفْرَجًا عَنْ كُلِّ مَلْهُوفٍ، وَ يَا خَيْرَ مَنْ طُلِبَ إِلَيْهِ
 زود رسیدن آن از برای برآوردن حاجت و ای گشایش دهنده از هر ستم رسیدهای و ای بهترین کسی که خواسته شده است از او
 الْخَيْرُ، وَ أَسْرَعَهُ عَطَاءً وَ نَجَاحًا، وَ أَحْسَنَهُ عَطْفًا وَ تَفَضُّلاً. يَا مَنْ
 احسان و ای زود بخشنده تر و برآورنده تر حاجتها را و ای نیکوتر از حیثیت مهربانی و بخشش ای کسی که
 خَافَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ نُورِهِ الْمُتَوَقِّدِ حَوْلَ كُرْسِيِّهِ وَ عَرْشِهِ
 ترسیده اند فرشتگان از روشنی برافروخته در دور کرسی او و عرش او
 صَافُونَ مُسَبِّحُونَ، طَائِفُونَ خَاضِعُونَ مُذْعِنُونَ. يَا مَنْ يُشْتَكَى
 که صف زندگان آن فرشتگان و تسبیح گویند و طواف کنندگان و فروتنی نمایندگاند و اقرار و اطاعت کنندگان ای کسی که شکوه می آورند
 إِلَيْهِ مِنْهُ، وَ يُرْغَبُ مِنْهُ إِلَيْهِ مَخَافَةً عَذَابِهِ فِي سَهْرِ اللَّيَالِي. يَا
 مردمان بسوی او از ترس عقبات او و می ترسند خلائق از او و پناه می آورند بسوی او از ترس عذاب او در بیداری شبها، ای
 فَعَالَ الْخَيْرِ وَ لَا يَزَالُ الْخَيْرُ فِعَالَهُ، يَا ضَايِحَ خَلْقِهِ يَوْمَ يَبْعَثُ
 کننده نیکوניהا و برطرف نمی شود سیکویی از کردار او ای آواز کننده مخلوقات خود در روزی که برانگیزاند
 خَلْقَهُ، وَ عِبَادَهُ بِالسَّاهِرَةِ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ. يَا مَنْ إِذَا هُمْ
 خلائق خود را و بندگان خود را در زمین محشر پس در آن هنگام ایشان بپا ایستادگان و نظر کنندگان ای کسی که هرگاه
 بِشَيْءٍ أَمْضَاهُ، يَا مَنْ قَوْلُهُ فِعَالُهُ، يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ كَيْفَ
 اراده نماید چیزی را بجای می آورد آنرا، ای کسی که گفتار او کردار اوست ای کسی که می کند آنچه را که می خواهد به هر نحو
 يَشَاءُ، وَ لَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ، يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالْخُلْدِ وَ
 که می خواهد و نمی کند آنچه را که می خواهد غیر او، ای کسی که مخصوص ساخته است نفس خود را به دانم بودن و
 الْبَقَاءِ، وَ كَتَبَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ الْمَوْتَ وَ الْفَنَاءَ، يَا مَنْ يُصَوِّرُ فِي
 باقی بودن و نوشته و لازم گردانیده است بر همه مخلوقات خود مردن و نیستی را، ای کسی که صورت می دهد در
 الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ
 شکمها آن صورتی را که خواهد ای کسی که فرا گرفته است به همه چیزها دانش او و شماره نموده است همه چیزها را
 عَدَدًا لَا شَرِيكَ لَكَ فِي مُلْكِكَ، وَ لَا وَلِيَّ لَكَ مِنَ الذَّلِّ، تَعَزَّزْتَ
 عدد آنها را نیست شریکی برای در پادشاهی و نیست دوستی برای از خواری بسیار عزیزی تو

دعاهای حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)

بِالْجَبَرُوتِ، وَتَقَدَّسَتْ بِالْمَلَكُوتِ، وَأَنْتَ حَيٌّ لَا تَمُوتُ، وَأَنْتَ عَزِيزٌ

به جبروت خود و بسیار منزهی تو به سبب پادشاهی خود و تویی زنده که نمی میری و تویی غلبه کننده صاحب عقوبت

ذُو انْتِقَامٍ، قَيُّومٌ لَا تَنَامُ، قَاهِرٌ لَا تُغْلَبُ وَلَا تُرَامُ، ذُو الْبَأْسِ لَا

به خود برپانی که نمی خوابی، قاهر و غلبه کننده ای که مغلوب نمی شوی و ست نمی گردی صاحب عقوبتی که

يُسْتَضَامُ. أَنْتَ مَالِكُ الْمُلْكِ، وَ مُجْرَى الْفُلْكِ، تُعْطَى مِنْ سَعَةِ وَ

ستم رسیده نمی شود تویی صاحب پادشاهی و روانه سازنده کشتی عطا می کنی از روی توانگری و

تَمْنَعُ بِقُدْرَةٍ، وَ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ، وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ،

منع می کنی از روی توانایی می دهی پادشاهی را به کس یکه خواهی و می ستی پادشاهی را از کسی که می خواهی

وَ تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ، وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

و عزیز می گردانی آن را که می خواهی و خوار می کنی آن را که می خواهی به دست قدرت توست نیکویی بدرستی که تو بر همه چیز

قَدِيرٌ. تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَ تُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَ تُخْرِجُ

توانایی. داخل می کنی شب را در روز و داخل می کنی روز را در شب و بیرون می آوری

الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ

زنده را از مرده و بیرون می آوری مرده را از زنده و روزی می دهی آن را که خواهی بی اندازه

حِسَابٍ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مَوْلَانَا وَ سَيِّدِنَا رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

سؤال می کنم تو را آن که رحمت فرستی بر مولای ما و آقای ما فرستاده از جانب تو که محمد است

حَبِيبِكَ الْخَالِصِ، وَ صَفِيكَ الْمُسْتَخَصَّصِ الَّذِي اسْتَخَصَّيْتَهُ

و دوست خالص توست و برگزیده توست مخصوص گردانیده شده است که مخصوص ساخته ای

بِالْحَبْوَةِ وَ التَّفْوِيضِ، وَ ائْتَمَنْتَهُ عَلَيَّ وَ حَيْكَ، وَ مَكْنُونِ سِرِّكَ، وَ

تو او را به عطیه و بخشش و امین گردانیده ای او را بر وحی خود و بر پنهان از راز خود و

خَفِيِّ عِلْمِكَ، وَ فَضَّلْتَهُ عَلَيَّ مَنْ خَلَقْتَ، وَ قَرَّبْتَهُ إِلَيْكَ، وَ اخْتَرْتَهُ

پوشیده از علم خود و زیاده گردانیدی مرتبه او را بر هر کسی که آفریده ای و نزدیک ساختی آن حضرت را بسوی خود و اختیار کردی

مِنْ بَرِيَّتِكَ، الْبَشِيرِ الْغَظِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ الَّذِي أَيْدَتْهُ بِسُلْطَانِكَ،

تو او را از مخلوقات خود بشارت دهنده و ترساننده است، چراغ روشنی است که قوت داده ای او را به قوت پادشاهی خود

وَ اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَ عَلَيَّ أَخِيهِ وَ وَصِيَّهِ وَ صِهْرِهِ وَ وَارِثِهِ،

و خالص و انتخاب کرده ای او را برای نفس خود و رحمت فرستی بر برادر آن حضرت و وصی او و داماد او و وارث او

وَ الْخَلِيفَةِ لَكَ مِنْ بَعْدِهِ فِي خَلْقِكَ وَ أَرْضِكَ، أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ

و جانشین برای از عقب او در خلق تو و زمین تو که پیشوای مؤمنان علی

بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَ عَلَيَّ ابْنَتِهِ الْكَرِيمَةِ الْفَاضِلَةِ الطَّاهِرَةِ الزَّهْرَاءِ

پسر ابوطالب است و رحمت فرستی بر دختر آن حضرت که نجیبه فاضله پاکیزه نورانی درخشنده فاطمه است

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

الْغُرَاءِ فَاطِمَةَ، وَ عَلِيَّ وَنَدَيْهِمَا الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ سَيِّدِي شَبَابٍ

و رحمت فرست بر دو فرزند ایشان امام حسن و امام حسین که آقایان جوانان

أَهْلِ الْجَنَّةِ، الْفَاضِلِينَ الرَّاجِحِينَ الزَّكِيِّينَ التَّقِيَّينَ الشَّهِيدِينَ

اهل بهشت اند و فاضلان ترجیح داده شدگان پاکیزه های پرهیزگاران شهید شدگان

الْخَيْرَيْنِ الْعَالَمِينَ، وَ عَلِيَّ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، وَ

نیکوکاران و داناتانند و رحمت فرست بر علی پسر حسین که زینت عبادت کنندگان و

سَيِّدِهِمْ ذِي الثَّفَنَاتِ، وَ عَلِيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ، وَ جَعْفَرِ بْنِ

مولای ایشان و صاحب پیینه هاست و بر محمد پسر علی که جامع همه علمهاست و بر جعفر پسر

مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكَاطِمِ، وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى

محمد راستگو و بر موسی پسر جعفر خشم فرو برنده و بر علی پسر موسی

الرِّضَا، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ، وَ عَلِيَّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ الْحَسَنَ بْنِ

که خوشنود است از او خدا و بر محمد پسر علی که بخشنده است و بر علی پسر محمد و بر حسن پسر

عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ، وَ الْمُنتَظِرِ لِأَمْرِكَ، وَ الْقَائِمِ فِي أَمْرِكَ بِمَا

علی که ساکن بلده عسکری است و بر انتظار کشیده شده برای فرمان تو و به پای ایستاده در بجا آوردن فرمان تو به

يُرْضِيكَ، وَ الْحُجَّةَ عَلَى خَلْقِكَ، وَ الْخَلِيفَةَ لَكَ عَلَى عِبَادِكَ،

آنچه خشنود گرداند تو را و دلیل تو بر آفریدگان تو و خلیفه گردانیده شده از جانب تو بر بندگان تو

الْمُهْدِيَّ بْنَ الْمُهْدِيَّينَ الْهَادِيَ الرَّشِيدِ بْنِ الرَّشِيدِينَ الْمُرْشِدِ بْنِ

هدایت یافته شده پسر هدایت یافتگان راهنمای بینای راه پسر بینایان است راهنمایانده پسر

الْمُرْشِدِينَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، صَلَوةً تَامَّةً عَامَّةً دَائِمَةً نَامِيَةً

راهنمایانده بندگان به سوی راه راست است رحمتی که تمام و شامل همیشه ای زیاد شونده

بَاقِيَةً شَامِلَةً مُتَوَاصِلَةً، وَ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَ تَرْحَمَنَا، وَ تَفَرِّجَ عَنَّا

باقی فرو گیرنده پیوسته و آن که بیامرزی ما را و رحمت نماید ما را و برطرف کنی از ما اندوه ما را

كَرْبَنَا وَ هَمَّنَا وَ غَمَّنَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ لَا أَسْأَلُ غَيْرَكَ، وَ

و همه ما را و غم ما را و غمنا. اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ وَ لَا اَسْأَلُ غَيْرَكَ، وَ

و همه ما را و غم ما را و غمنا. اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ وَ لَا اَسْأَلُ غَيْرَكَ، وَ

أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَ لَا أَرْغَبُ إِلَى سِوَاكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ مَسَائِلِكَ وَ

خواهش می کنم بسویت و خواهم نمی کنم بسوی کسی سواي و سوال می کنم تو را به همه سوال کردن هایت از تو و

أَحِبِّهَا إِلَيْكَ، وَ أَدْعُوكَ وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ، وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِأَحَبِّ

دوستدارترین آنها بسویت و می خوانم تو را و زاری می نمایم بسویت و متوسل می گردم بسویت به دوست ترین

أَسْمَائِكَ إِلَيْكَ، وَ أَحْظَاهَا عِنْدَكَ وَ كُلُّهَا حَظِّي عِنْدَكَ، أَنْ تُصَلِّيَ

نامهایت بسویت و بهره داشته ترین آنها در نزد تو و همه آنها صاحب بهره اند نزد تو آن که رحمت فرستی

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَرْزُقَنِي الشُّكْرَ عِنْدَ النِّعَمَاءِ، وَ
 بر محمد و آل محمد و آن که روزی نمایی به من شکر گذاری را نزد نعمتهای تو، و
الصَّبْرَ عِنْدَ الْبَلَاءِ، وَ النَّصْرَ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَ أَنْ تُعْطِيَنِي خَيْرَ
 صبر را نزد بلا، تو و یاری را بر دشمنان و آن که ببخشی به من بهترین
السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ وَ الْقَضَاءِ وَ الْقَدَرِ، وَ خَيْرَ مَا سَبَقَ فِي أَمِّ الْكِتَابِ،
 سفر و حضر را و حکم خود و تقدیر خود را و بهترین آنچه که پیش ثابت شده است در اصل کتاب
وَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ. اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي حُسْنَ ذِكْرِ الدَّاكِرِينَ يَا رَبَّ
 و بهترین شب و روز را، خداوند روزی کن به من نیکی بیاد آوری بیاد آورندگان را ای پرورنده
الْعَالَمِينَ، وَ ارْزُقْنِي خُشُوعَ الْخَاشِعِينَ، وَ عَمَلَ الصَّالِحِينَ، وَ
 عالمیان و روزی گردان مرا فروتنی فروتنی کنندگان و کردار صالحان و
صَبْرَ الصَّابِرِينَ، وَ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ، وَ سَعَادَةَ الْمُتَّقِينَ، وَ قَبُولَ
 صبر صابر کنندگان و ثواب نیکوکاران و نیکی بخشی به هر میزگران و قبول
الْفَائِزِينَ، وَ حُسْنَ عِبَادَةِ الْعَابِدِينَ، وَ تَوْبَةَ التَّائِبِينَ، وَ إِجَابَةَ
 اطاعت رسیدگان به رحمت تو و نیکی بیاندگی بیاندگان و بازگشت توبه کنندگان و اطاعت
الْمُخْلِصِينَ، وَ يَقِينَ الصِّدِّيقِينَ، وَ الْبِسْنَى مَحَبَّتِكَ، وَ اَلْهَمْنِي
 نمودن خالص کنندگان عبادت را و یقین راستگویان را و بسپوشان به من دوستیت را و بسینداز در دل من
الْخَشْيَةَ لَكَ، وَ اتِّبَاعَ أَمْرِكَ وَ طَاعَتِكَ، وَ نَجِّنِي مِنْ سَخَطِكَ، وَ
 ترس از تو را و پیروی فرمان تو را و فرمانبرداری تو را و خلاصی ده مرا از خشم و عذاب خود، و
اجْعَلْ لِي إِلَى كُلِّ خَيْرٍ سَبِيلًا، وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ عَلَيَّ سَبِيلًا وَ
 بگردان از برای من بسوی هر نیکی راهی را و مگردان برای شیطان بر من راه تسلط را و
لِلْإِسْلَامِ، وَ اكْفِنِي شَرَّهُمَا وَ شَرَّ ذَلِكَ كُلَّهُ، وَ عَلَانِيَتَهُ وَ سِرَّهُ.
 نه برای پادشاه ظالمی و نگهدار مرا از شر اینها و شر این سلطان جابر همه آن و ظاهر آن و پنهان آن
اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْأَسْتِعْذَادَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَ اكْتِسَابَ الْخَيْرِ قَبْلَ
 خداوند روزی کن به من تهی را نزد مرگ و تحمیل نمودن نیکی را پیش
الْفُوتِ، حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ عُدَّةً فِي آخِرَتِي، وَ أَنْسَأْ لِي فِي وَحْشَتِي،
 از فوت تا آن که بگردانی این را تهیه در آخرت من و مونس از برای من در تنهایی من،
يَا وَلِيَّ نِعْمَتِي، اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَ تَجَاوَزْ عَنِّي زَلَّتِي، وَ أَقْلِبْنِي
 ای صاحب نعمت من بیاور مرا برای من گناه مرا و درگذر از لغزش من و قبول کن به سر در آمدن مرا
عَثْرَتِي، وَ فَرِّجْ عَنِّي كُرْبَتِي، وَ أَبْرِدْ بِإِجَابَتِكَ حَرَّ غُلَّتِي، وَ اقْضِ
 و برطرف کن از من اندوه مرا و سرد نمای به سبب بر آوردن تو حاجت مرا گرمی تشنگی مرا، و برآور

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

لِي حَاجَتِي، وَ سُدَّ بِغِنَاكَ فَاقَتِي، وَ أَعْنِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ

برای من مطلب مرا و برطرف کن به سبب توانگری خود احتیاج مرا و یاری کن مرا در دنیا و آخرت و

أَحْسِنْ مَعُونَتِي، وَ اَرْحَمْ فِي الدُّنْيَا غُرْبَتِي، وَ عِنْدَ الْمَوْتِ

نیکی کردن یاریت را برای من و رحم کن در دنیا غریبی و بی کسی مرا و نزد مردن افتادن

صَرَغَتِي، وَ فِي الْقَبْرِ وَخَشَتِي، وَ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى وَحَدَّتِي، وَ

مرا و در میان قبرها تنهایی مرا و در مابین طبقه های خاک تنهایی و بی کسی مرا، و

لَقَبِي عِنْدَ الْمُسَائِلَةِ حُجَّتِي، وَ اسْتَرْ عَوْرَتِي، وَ لَا تُؤَاخِذْنِي عَلَى

بفهمان به من نزد سؤال کردن منکر و نکیر اماان مرا و ببوشان قبیح گناهان مرا و فرو مغیر مرا بر

زَلَّتِي، وَ طَيِّبْ لِي مَضْجَعِي، وَ هِنِّئْنِي مَعِيشَتِي، يَا صَاحِبِي

لفزش من و نیکی کردن برای من خوابیدن در قبر را و گوارا و نیکی ساز زندگانی مرا ای هم محبت

الشَّفِيقِ، وَ يَا سَيِّدِي الرَّفِيقَ، وَ يَا مُؤْنِسِي فِي كُلِّ طَرِيقٍ، وَ يَا

مهربان من و ای آقای شفیقت کننده بر من و ای همراه من در هر راهی و ای

مُخْرِجِي مِنْ خَلْقِ الْمَضِيقِ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَ يَا مُفَرِّجَ

بیرون آورنده من از حلقه های تنگ ای فریادرس فریادرس طلبان و ای برطرف کننده

كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ، وَ يَا حَبِيبَ الْقَائِمِينَ، يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْعَابِدِينَ، يَا

اندوهناکسان و ای دوستدار توبه کنندگان ای سردی چشم عبادت کنندگان ای

نَاصِرَ أَوْلِيَائِهِ الْمُتَّقِينَ، يَا مُؤْنِسَ أَحِبَّائِهِ الْمُسْتَوْحِشِينَ، وَ يَا

یاری دهنده دوستان خود که پرهیزکارانند ای همراه دوستان خود که وحشت و اجتناب کنندگانند از مردم و ای

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ بِكَ

صاحب روز جزا ای پروردگار عالمان ای خدای پیشینیان و پسینیان به تو

اعْتَصَمْتُ وَ بِكَ وَثِقْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ إِلَيْكَ أُنَبِّتُ وَ بِكَ

چنگ در زده ام و به تو اعتماد نموده ام و بر تو توکل کرده ام و بسوی تو

انْتَصَرْتُ، وَ بِكَ احْتَجَزْتُ، وَ إِلَيْكَ هَرَبْتُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

بازگشت می نمایم و از تو طلب یاری می کنم و به سبب تو منع دشمنان می کنم و بسویت می گریزم، پس رحمت فرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ، وَ أَعْطِنِي الْخَيْرَ فِيمَنْ أُعْطِيتَ، وَ اهْدِنِي فِي مَنْ هَدِيتَ، وَ

محمد و ببخش به من نیکنویی را در جمله کسانی که بخشیده ای به آنها و راهنمایی کن مرا در جمله کسانی که راهنمایی نمودهای ایشان را، و

عَافِنِي فِي مَنْ عَافَيْتَ، وَ اكْفِنِي فِي مَنْ كَفَيْتَ، وَ قِنِي شَرَّ مَا

سلامت بدر مرا در جمله کسانی که سلامت داشته ای ایشان را و کفایت کن مرا در جمله کسانی که کفایت نمودهای ایشان را و نگاهدار مرا از شر

قَضَيْتَ، فَإِنَّكَ تَقْضِي وَ لَا يُقْضَى عَلَيْكَ، لَا مَانِعَ لِمَا أُعْطِيتَ، وَ لَا

آنچه تقدیر نموده ای، بدرستی که حکم می کنی و حکم نمی کند کسی بر تو، نیست مانعی بر آنچه بخشیده ای آنرا و نیست همراه کننده ای

دعاهای حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)

مُضِلِّ لِمَنْ هَدَيْتَ، وَ لَا مُذِلِّ لِمَنْ وَالَيْتَ، وَ لَا نَاصِرٍ لِمَنْ عَادَيْتَ، وَ

برای کسی که راهنمایی کرده‌ای او را و نه خوار کننده‌ای برای کسی که متولی باشی او را و نه یاری کننده‌ای برای کسی که دشمنی نموده باشی او را و

لَا مُلْجَأَ وَ لَا مُلْتَجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، فَوَضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَ أَرْزُقْنِي

نیست بسایی و نه جای گریزی از تو مگر بسویت و گذاشتم کار خود را بسویت روزی کن به من

الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ وَزَرٍ، يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، يَا

نفع برده از هر نیکویی را و نگاهداشته‌ای از هر گناهی را ای شنونده هر آوازی، ای

مُخَيِّ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا مَنْ لَا يَخَافُ الْفَوْتَ، صَلِّ عَلَى

زنده کننده هر نفسی پس از مردن ای کسی که نمی‌ترسد بر طرف شدن رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَجْلِبْ إِلَى الرِّزْقِ جَلْبًا، فَإِنِّي لَا أَسْتَطِيعُ لَهُ طَلْبًا،

محمد و بر خاندانش و برسان برای من روزی را رسانیدنی کامل پس بدرستی که من قدرت ندارم بر طلب آن،

وَ لَا تَضْرِبْ بِالطَّلَبِ وَجْهِي، وَ لَا تَحْرِمْنِي رِزْقِي، وَ لَا تَحْبِسْ عَنِّي

و مزن به سبب طلب کردن روی مرا و محروم مکن مرا از روزی من و منع مکن از من

إِجَابَتِي، وَ لَا تُوقِفْ مَسْأَلَتِي، وَ لَا تُطِلْ حَيْرَتِي، وَ شَفِّعْ وَ لَا يَتِي وَ

بر آمدن حاجت مرا و موقوف مکن سؤال مرا و دراز مگردان زمان حیرانی مرا و جفت کن دوست داشتن من ترا

وَسَبِيلَتِي، بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ صَفِيِّكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ خَالِصَتِكَ، وَ

با متوسل شدن به محمد که پیغمبر تو و برگزیده تو و مخصوص گردانیده شده‌ای توست و منتخب تو و

رَسُولِكَ النَّذِيرِ الْمُنْذِرِ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ، وَ أَخِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ

فرستاده توست بسیار ترساننده و منذر است پاک و پاکیزه‌است و با متوسل گشتن به برادر او امیر مؤمنان و

قَائِدِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ، وَ بِفَاطِمَةَ الْكَرِيمَةِ الزَّهْرَاءِ

کننده مؤمنان به سوی بهشت‌های بر نعمت و به متوسل گردیدن به فاطمه که

الطَّاهِرَةِ، وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمُ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، صَلِّ عَلَيْهِمْ

شریفه و صاحب نور و پاکیزه‌است و متوسل شدن به امامان که از اولاد ایشان و پاکیزگان و نیکانند رحمت فرست بر ایشان

أَجْمَعِينَ، وَ أَرْزُقْنِي رِزْقًا وَاسِعًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاغِبِينَ، فَقَدْ قَدَّمْتُ

همه و روزی کن به من روزی گشاده را و تو بهترین روزی دهندگانی پس به تحقیق که پیش داشته‌ام

وَسَبِيلَتِي بِهِمْ إِلَيْكَ، وَ تَوَجَّهْتُ بِكَ إِلَيْكَ، يَا بَرُّ يَا رَوْفُ يَا رَحِيمُ، يَا

من متوسل شدن خود را به ایشان بسویت و روی آوردم به سبب تو بسویت ای نیکار ای رحم کننده‌ای مهربان ای

اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا ذَا الْمَعَارِجِ يَا ذَا الْمَعَارِجِ، فَإِنَّكَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ

خدا ای خدا ای صاحب مرتبه بلندی ای صاحب مرتبه‌های بلندی پس بدرستی که تو روزی می‌دهی آنرا که خواهی

بِغَيْرِ حِسَابٍ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَرْحَمْنَا وَ

بدون اندازه خداوند رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و رحم کن بر ما و

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

أَعْتَقْنَا مِنَ النَّارِ، وَ اخْتِمَ لَنَا بِخَيْرٍ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. آمِينَ

آزاد کن ما را از آتش جهنم و تمام کن امور ما را به خوبی بدرستی که تو بر همه چیز توانایی. مستجاب کن

آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

دعای مرا برآور دعای مرا ای پروردگار عالمان.



حرز امام موسی کاظم علیه السلام



حرز مولای ما حضرت امام موسی کاظم علیه السلام، وقتی که آن حضرت را در برکت جانوران درنده انداختند، می خواند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می کنم ب نام خدای بخشنده مهربان

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ،

نیست خدایی مگر خدا، یگانه و تنهاست او بجای آورده است وعده خود را و یاری کرده است بنده خود را و غالب گردانیده است سپاه خود را

وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَصْبَحْتُ وَ

و گریزانیده است گروه ها را به تنهایی، همه ستایش از برای خداست که پروردگار عالمان است داخل در صبح گردیدم و

أَمْسَيْتُ فِي حِمَى اللَّهِ الَّذِي لَا يُسْتَبَاحُ، وَ سِتْرِهِ الَّذِي لَا تَهْتِكُهُ

داخل در شام شدم در حال یکه در قورق خدایم که رخصت داده نشده است برای کسی و در پرده اویم که

الرِّيحُ، وَ لَا تَخْرِقُهُ الرِّمَاحُ، وَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تُخْفَرُ، وَ فِي عِزَّةِ

باده نمی کند آن را بادها و نمی درد آن را نیزه ها و داخل در عهد و امان خدایم که شکسته نمی شود و در غلبه

اللَّهِ الَّتِي لَا تُسْتَذَلُّ وَ لَا تُقَهَرُ، وَ فِي حِزْبِهِ الَّذِي لَا يُغْلَبُ، وَ فِي

خدایم که خوار نمی شود و مقهور نمی گردد و داخل در گروه اویم که مغلوب نمی گردد و داخل در

جُنْدِهِ الَّذِي لَا يُهْزَمُ. بِاللَّهِ اسْتَفْتَحْتُ وَ اسْتَنْجَحْتُ وَ تَعَزَّزْتُ وَ

سپاه اویم که گریخته نمی شود به خدا طلب فتح و گشایش می نمایم و طلب رستگاری می کنم و عزت می جویم و

انْتَصَرْتُ وَ تَقَوَّيْتُ وَ اخْتَرَزْتُ، وَ اسْتَعَنْتُ بِاللَّهِ، وَ بِقُوَّةِ اللَّهِ

انتقام می کنم از دشمنان و صاحب توانایی می گردم و اجتناب می نمایم از شر دشمنان و مددکاری می طلبم به خدا و به توانایی خدا

ضَرَبْتُ عَلَى أَعْدَائِي، وَ قَهَرْتُهُمْ بِحَوْلِ اللَّهِ، وَ اسْتَعَنْتُ عَلَيْهِمْ

طعن می زنم بر دشمنانم و غالب می شوم بر ایشان به قدرت خدا و یاری می طلبم بر مسلط شدن بر ایشان

بِاللَّهِ، وَ فَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ. وَ

از خدا و او را گذارم کار خود را بسوی خدا کافی است مرا خدا و نیکیو متعددی است او. و

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

تَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَ هُمْ لَا يُبْصِرُونَ. شَاهَتْ وُجُوهُ أَعْدَائِي

می بینی ای محفد ایشان را که نگاه می کنند بسویت و حال آن که تو را نمی بینند. قبیح و زشت است رویهای دشمنان من

فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. صُمُّ بِكُمْ عَمَى فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ. غَلَبْتُ أَعْدَاءَ

پس ایشان نمی بینند حقرا کردند و گنگ اند و کورند پس ایشان بر نمی گردند از اعتقادهای باطل غالب شدم بر دشمنان

اللَّهِ بِكَلِمِ اللَّهِ، أَيْنَ مَنْ يَغْلِبُ كَلِمَةَ اللَّهِ فَلَجَتْ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى

خدا به برکت نام خدا کجاست کسی که غالب شود بر حجت خدا ظفر یافته است و غالب شده حجت خدا بر

أَعْدَاءِ اللَّهِ الْفَاسِقِينَ، وَ جُنُودِ إِبْلِيسَ أَجْمَعِينَ. لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا

دشمنان خدا که فاسقان و ستمکارانند و بر سپاه شیطان همگی هرگز ضرر نمی توانند رسانند به شماها مگر

أَذَى، وَ إِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُولُوكُمْ الْأَذْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصِرُونَ. ضَرَبْتُ

اندکی و اگر کارزار نمایند با شما می گردانند به شما پشتهای خود را پس یاری کرده نمی شوند ایشان زده شده

عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَمَا تُقِفُوا، أُخِذُوا وَ قُتِلُوا تَقْتِيلًا، لَا يُقَاتِلُونَكُمْ

و قرار داده شده است بر ایشان خواری هر کجا که یافت شدند گرفته شدند و کشته شدند کشته شدنی خفیف و خوار. کارزار نمی کنند

جَمِيعًا إِلَّا فِي قَرْيٍ مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ، بِأَسْهُمٍ بَيْنَهُمْ

(یهودان) با شما در حال یکه متفق باشند مگر آن که در قریه های قلعه و حصار دار یا از عقب دیوارها حرب ایشان در میان خودها

شَدِيدٌ، تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَ قُلُوبُهُمْ شَتَّى، ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا

سخت است گمان می کنی ایشان را که متفقند با یکدیگر و حال آن که دلهای ایشان مختلف و پراکنده است این به سبب آن است که ایشان

يَعْقِلُونَ. تَخَصَّنْتُ مِنْهُمْ بِالْحِصْنِ الْحَصِينِ فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ

جماعتی اند که نمی یابند حقرا پناه می برم از شر دشمنان به قلعه بسیار محکم پس نتوانستند آنکه

يَظْهَرُوهُ، وَ مَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا. فَأَوَيْتُ إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ، وَ

بالا روند آنرا و قدرت نداشتند آنرا که سوراخ کنند پس جای گرفتم و متوجه شدم بسوی جاتی بسیار محکم و

الَّتَجَأْتُ إِلَى الْكَهْفِ الْمَنِيعِ الرَّفِيعِ، وَ تَمَسَّكْتُ بِالْحَبْلِ الْمَتِينِ، وَ

پناه بردم بسوی محل پناه قوی محکم بلند جاتی بسیار محکم و پناه بردم بسوی محل پناه قوی محکم بلند و

تَدَرَّعْتُ بِهَيْبَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. وَ تَعَوَّذْتُ بِعَوْدَةِ

چسبیدم ببدین محکم و زره خود قرار دادم هیبت امیرالمؤمنین علیه السلام و تعویذ خود قرار دادم دعای و عود

سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ احْتَرَزْتُ بِخَاتَمِهِ. فَأَنَا أَيْنَ كُنْتُ

سلیمان پسر داود را که بر او باد سلام و دوری جستم از شر دشمنان به انگشتری او پس من در هر کجا باشم

أَمِنًا مُطْمَئِنًّا، وَ عِدْوِي فِي الْأَهْوَالِ حَيْرَانٌ، قَدْ حُفَّ بِالْمَهَانَةِ ۝ ۷ وَ

هستم ایمن و در کمال آرام و دشمن من هست در هولها و ترسها سرگردان، به تحقیق که فرو گرفته شده است به خفت و

الْبَيْسَ الذِّلَّ، وَ قُمِعَ بِالصَّغَارِ، وَ ضَرَبْتُ عَلَى نَفْسِي سُرَادِقَ

پوشیده شده است به خواری و کوبیده شده است سر او به مذلّت و تکیدهم بر نفس خود سرافرده

دعاهای حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام)

الْحَيَاطَةِ، وَ عَلَّقْتُ عَلَى هَيْكَلِ الْهَيْبَةِ، وَ تَتَوَجُّتُ بِتَاجِ الْكَرَامَةِ، وَ
 محافظت را دلبسته و آویخته‌ام بر خود هیكل هیبت را و بر سر خود نهاده‌ام تاج کرامت و
تَقَلَّدْتُ بِسَيْفِ الْعِزِّ الَّذِي لَا يُفْلُ، وَ خَفِيتُ عَنِ الظُّنُونِ، وَ تَوَارَيْتُ
 شرف را و بر میان بسته‌ام شمشیر عز ترا که گذر نمی‌شود و پوشیده گشتم از گمان‌های ناپسندیده دشمنان و پنهان شدم
عَنِ الْعُيُونِ، وَ أَمِنْتُ عَلَى رُوحِي، وَ سَلِمْتُ مِنْ أَعْدَائِي وَ هُمْ لِي
 از چشم‌های بد ظالمان و ایمن گشتم بر نفس خود و سالم شدم از شر دشمنان خود و ایشان برای من
خَاضِعُونَ، وَ مِنِّي خَائِفُونَ، وَ عَنِّي نَافِرُونَ، كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ
 فرو می‌کنند گماند و از من ترسیده‌اند و از من گریزان و دور شوند گمانند گویا که ایشان خرهای وحشی رم‌کننده‌اند
فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ. قَصُرَتْ أَيْدِيهِمْ عَنْ بُلُوغِي، وَ صُمَّتْ آذَانُهُمْ عَنِ
 که گریخته‌اند از شیران کوتاه‌است دست‌های ایشان از رسیدن به من و کر است گوش‌های ایشان از
اسْتِمَاعِ كَلَامِي، وَ عَمِيَتْ أَبْصَارُهُمْ عَنْ رُؤْيَايَ، وَ خَرَسَتْ
 شنیدن سخن من و کور است دیده‌های ایشان از دیدن من و گنگ است
أَلْسِنَتُهُمْ عَنْ ذِكْرِي، وَ ذَهَلَتْ عُقُولُهُمْ عَنْ مَعْرِفَتِي، وَ تَخَوَّفَتْ
 زبان‌های ایشان از یادآوری من و غافل است عقل‌های ایشان از شناختن من و ترسیده‌است
قُلُوبُهُمْ، وَ ارْتَعَدَتْ فَرَائِصُهُمْ مِنْ مَخَافَتِي، وَ انْفَلَّ حَدُّهُمْ، وَ
 دل‌های ایشان و لرزیده و مضطرب است پهلوه‌های ایشان از ترس من و کند شد تنگی غضب ایشان و
انْكَسَرَتْ شَوْكَتُهُمْ، وَ نَكَسَتْ رُؤُسُهُمْ، وَ انْحَلَّ عَزْمُهُمْ، وَ تَشَتَّتْ
 شکسته شد شان و شوکت ایشان و به زیر افکاده سر‌های ایشان و گشوده شد عزم ایشان و پراکنده شد
جَمْعُهُمْ، وَ اخْتَلَفَتْ كَلِمَتُهُمْ، وَ تَفَرَّقَتْ أُمُورُهُمْ، وَ ضَعُفَ جُنْدُهُمْ، وَ
 جمعیت ایشان و مختلف گردید اتفاق ایشان و از هم پاشید اسباب مجتمع ایشان و سست شد سپاه ایشان و
انْهَزَمَ حَيْشُهُمْ، وَ وَلَّوْا مُدْبِرِينَ. سَيَهْزَمُ الْجَمْعُ وَ يُوَلُّونَ الدُّبُرَ،
 گریخت لشکر ایشان و برگشتند پشت کنندگان زود باشد که گریخته شوند همه کافران و برگردانند پشت‌های خود را
بَلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ وَ السَّاعَةُ أَذْهَى وَ أَمْرٌ. عَلَوْتُ عَلَيْهِمْ بِمُحَمَّدٍ
 بلکه روز قیامت وعده گاه عذاب ایشان است و عذاب قیامت سخت‌تر و تلخ‌تر است فایق آمدم و غلبه نمودم بر ایشان به یاری محمد
بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ بَعُلُوا اللَّهَ الَّذِي كَانَ يَعْلُوا بِهِ
 پسر عبدالله رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش و به استعانت بلندی خدا که بود آن که غالب می‌گردید بر دشمنان ایشان به
عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ صَاحِبِ الْخُرُوبِ، مُنْكَسِ الْفُرْسَانِ، وَ مُبِيدِ
 برکت آن امیرالمؤمنین علی بر او باد سلام که صاحب جنگ‌های عظیم و از پای درآورنده اسب سواران و هلاک‌کننده
الْأَقْرَانِ، وَ تَعَزَّزْتُ مِنْهُمْ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ الْحُسْنَى، وَ كَلِمَاتِهِ الْعُلْيَا، وَ
 سرکرده‌های دشمنان است و عزیز و غلاب گشتم بر ایشان به برکت نام‌های خدا که نیکویند و به برکت صف‌های او که بلندند و

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

تَجَهَّزْتُ عَلَى أَعْدَائِي بِبَأْسِ اللَّهِ بِأَسِ شَدِيدٍ، وَ أَمْرِ عَنِيدٍ، وَ

بیرون آمدم و ظاهر گشتم بر دشمنان خود به عقوبت خدا عقوبتی بسیار سخت و عذابهای بسیار شدید و

أَذَلَّتُهُمْ وَ قَمَعْتُ رُؤُسَهُمْ، وَ وَطِئْتُ رِقَابَهُمْ، فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لِي

خوار گردانیدم ایشانرا و کوبیدم سرهای ایشانرا و پیچیدم گردنهای ایشانرا پس گردید گردنهای ایشان برای من

خَاضِعِينَ، خَابَ مَنْ نَاوَانِي، وَ هَلَكَ مَنْ غَادَانِي، وَ أَنَا الْمُؤَيَّدُ

فروتنی کننده زیانمند و ناامید است کسی که مرا قصد بد نماید و هلاک شد است کسی که دشمنی نمود با من و منم قوت داده شده

الْمُخْبِرُ الْمُظْفَرُ الْمَنْصُورُ، قَدْ كَرَّمْتَنِي كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَ

نعمت داده شده ظفر یافته شده بار یکرده شده به تحقیق که کریم و عزیز ساخته است مرا کلمه تقوی و

اسْتَمْسَكْتُ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَ اغْتَصَمْتُ بِالْحَبْلِ الْمَتِينِ، فَلَنْ

دست زده ام به دسته محکم و چنگ در زده ام به دین اسلام قوی پس

يَضُرَّنِي بَغْيُ الْبَاغِينَ، وَ لَا كَيْدُ الْكَائِدِينَ، وَ لَا حَسَدُ الْخَاسِدِينَ

ضرر نمی رساند به من ظلم ستم کنندگان و نه مکر حیله ورزندگان و نه رشک رشک برندگان

أَبَدَ الْأَبْدِينَ، فَلَنْ يَصِلَ إِلَيَّ أَحَدٌ، وَلَنْ يَضُرَّنِي أَحَدٌ، وَلَنْ يَقْدِرَ عَلَيَّ

تا به آخر زمانه و همیشه پس نمی رسد بسوی من کسی و ضرر نمی رساند به من شخصی و توانایی ندارد بر

أَحَدٌ، بَلْ أَنَا أَدْعُو رَبِّي وَ لَا أَشْرِكُ بِهِ أَحَدًا. يَا مُتَفَضِّلُ تَفَضَّلْ عَلَيَّ

من هیچ کس بلکه من می خوانم پروردگار خودرا و شریک نمی گردانم با او کسی را ای بسیار بخشنده تفضل نما بر من

بِالْأَمْنِ وَ السَّلَامَةِ مِنَ الْأَعْدَاءِ، وَ حُلْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ بِالْمَلَأَيْكَةِ

به ایمن بودن و به سلامت بودن از دشمنان و حائل ساز میان من و میان ایشان فرشتگان

الْغَلَاطِ الشَّدَاةِ، وَ مَدِّنِي بِالْجُنْدِ الْكَثِيفِ، وَ الْأَزْوَاجِ الْمُطِيعَةِ

بسیار خشنماک و سخترا و یاری کن مرا به سپاه بسیار و انسبوه و به روحهای اولیاء

يُخَصِّنُونَهُمْ بِالْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ، وَ يَقْدِفُونَهُمْ بِالشَّهَابِ الثَّاقِبِ، وَ

و فرشتگان فرما بپردازان که متعین گردانند آن دشمنانرا به حجتی و دلیلی که برسد به ایشان و بیندازند به جانب ایشان ستاره های

الْحَرِيقِ الْمُلهِبِ، وَ الشُّوَاطِطِ الْمُحْرِقِ، وَ النَّخَاسِ النَّافِذِ، وَ يَقْدِفُونَ

سوراخ کنند مرا و آتش سوزان زیانناک کنند مرا و من گداخته فرو روند مرا و انداخته می شوند ایشان به تیرهای شهاب

مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا، وَ لَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ. ذَلَّلْتُهُمْ وَ زَجَرْتُهُمْ وَ

از هر طرفی از اطراف جهت راندن ایشان و آماده است برای ایشان عذاب ثابت و دائم خوار گردانیدم ایشانرا و

عَلَوْتُهُمْ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ بَطْهَ وَ يَسَ وَ الذَّارِيَاتِ وَ

منع کردم ایشانرا و غالب شدم بر ایشان به برکت نام خدای بخشنده مهربان و به حق طه و به حق یس و به حق پراکنده کننده ها و

الطَّوَاسِينِ، وَ تَنْزِيلِ وَ الْحَوَامِيمِ وَ كَهَيْعَصَ وَ حَمَقَسَقَ، وَ قَ وَ

به حق طسم ها و به حق قرآن فرستاده شده و به حق حم ها و به حق کهیمص و به حق حم عسق و به حق ق و

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

الْقُرْآنَ الْمَجِيدِ، وَ تَبَارَكَ وَ نَ وَالْقَلَمَ وَ مَا يَسْطُرُونَ، وَ بِمَوَاقِعِ

به حق قرآن بزرگوار و به حق تبارک و به حق قلم اعلا و به حق آنچه می نویسند فرشتگان و به حق محلهای

النُّجُومِ وَ بِالطُّورِ وَ كِتَابِ مَسْطُورٍ، فِی رَقٍّ مَنَشُورٍ، وَ الْبَيْتِ

غروب ستارگان و به حق کوه طور سینا و به حق کتاب نوشته شده در محیفه گشوده شده و به حق خانه

الْمَعْمُورِ، وَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ، وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ

آبادان (مراد خانه کعبه است) و به حق سقف بلند گردانیده شده (مراد آسمان است) و به حق دریای مملو و پر بدرستی که عقوبت پروردگار تو

لَوَاقِعٌ، مَا لَهُ دَافِعٌ، فَوَلُّوا مُذْبِرِينَ، وَ عَلَى أَعْقَابِهِمْ نَاكِصِينَ، وَ

هر آینه واقع می شود نیست برای او دفع کننده ای، پس برگردیند در حال پشت کنندگان و بر پاشنه های خود بازگشت کنندگان به قهقر و

انْقَلَبُوا صَاغِرِينَ، وَ أَلْقَى السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ، فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ

برگشتند در حالی که بودند خوار و ذلیل و افکنه شدند ساحران در حالی که بودند سجده کنندگان پس نگاه داشت خدا پیغمبر را از بدیهای

مَا مَكْرُوا، وَ مَكْرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ، وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ. الَّذِينَ قَالَ لَهُمْ

آنچه حيله نمودند کافران و یهودان و جزای مکر ایشان را داد خدا و خدا بهترین جزا دهندگان است مکاران را آن جماعتی که گفتند

النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ، فَزَادَهُمْ إِيمَانًا، وَ

ایشان را منافقان که کفار اتفاق نموده اند برای کشتن شما پس بترسید شما از ایشان پس زیاد گردانید این سخن ایمان ایشان را و

قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلِ

گفتند کافی است ما را خدا و نیکیو معتمدی است او پس بازگشتند با عافیت و سلامتی از جانب خدا و زیادتى ثوابی

لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ، وَ اتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ، وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ.

نرسید ایشان را مکر و بی پروای نمودند خشنودی خدای را و خدا صاحب بخشش بسیار و بزرگ است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ، وَ أَذْرَأُ بِكَ فِی نُحُورِهِمْ، وَ

خدایا بدرستی که من پناه می برم به تو از شر و بدیهای دشمنان و دفع می کنم و طعن می زنم به قوت تو در گودی سینه های ایشان و

أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ، فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ

سؤال می کنم تو را از بهترین آنچه در نزد توست پس زود باشد که نگاه دارد تو را از شر ایشان خدا و اوست شنوا

الْعَلِيمُ. جِبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِي، وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِي، وَ إِسْرَافِيلُ

و بسیار دانسا جبرئیل از طرف راست من است و میکائیل از طرف چپ من است و اسرافیل

مِنْ وَرَائِي، وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ شَفِيعِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ،

از عقب سر من است و محمد که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش عنبرخواه من است از پیش روی من

وَ اللَّهُ مُطَّلٌ عَلَيَّ. يَا مَنْ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا، أَحْجِزْ بَيْنِي وَ

و خدا مشرف و مطلع است بر من ای کسی که گردانیده ای میان دریای روم و فارس حائلی را حایل و مانع قرار ده میان من و

بَيْنَ أَعْدَائِي، فَلَنْ يَصِلُوا إِلَيَّ أَبَدًا، بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ سِتْرُ اللَّهِ الَّذِي

میان دشمنان من تا آن که نرسانند به سوی من بدی و ضرر را هرگز میان من و میان ایشان است پرده و حجاب خدا آن چنان

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

سَتَرَ بِهِ الْأَنْبِيَاءَ عَنِ الْفَزَاعِنَةِ، وَ مَنْ كَانَ فِي سِتْرِ اللَّهِ كَانَ

پرده‌ای که پنهان کرده‌است خدا به آن پیغمبران را از شر ظالمان و کافران و کسی که باشد در پرده پناه خدا خواهد بود

مَحْفُوظًا. حَسْبِيَ اللَّهُ الَّذِي يَكْفِينِي مَا لَا يَكْفِينِي أَحَدٌ مِنْ خَلْقِهِ، وَ

نگاهداشته شده از همه بلاها، کافی است مرا خدایی که کارگذاری می‌کند مرا آنچه را که کفایت نمی‌کند مرا کسی از آفریدگان او، و

إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ

هرگاه بخوانی ای محمد قرآن را می‌گردانیم میان تو و میان آن جماعتی که ایمان نمی‌آورند به عذاب آخرت

حِجَابًا مَسْتُورًا، إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا، فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ

پرده‌ای را پوشیده شده بدرستی که ما گردانیدیم در گردنهای کافران غلها و بندها پس آن غلها رسیدند تا به زنجادهای ایشان

فَهُمْ مُقْمَحُونَ. وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا

پس ایشان سر در هوا بازماندگانند و گردانیدیم از پیش روی ایشان حاجی و حائل را و از پسر سر ایشان مانع را

فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. اللَّهُمَّ أَضْرِبْ عَلَى سُرَادِقِ حِفْظِكَ

پس پوشانیدیم چشمهای ایشان را پس ایشان نمی‌بینند. خداوند! بزن بر من سراپرده نگاهدارنده

الَّذِي لَا تَهْتِكُهُ الرِّيحُ، وَ لَا تَخْرِقُهُ الرِّمَاحُ، وَ وَقِ رُوحِي بِرُوحِ

از جانب حلم خود را که پاره نمی‌کند آن را باده‌ها و نمی‌برد آن را نیزه‌ها و نگاهدار روح مرا به برکت روح

قُدْسِكَ الَّذِي مَنْ أَلْقَيْتَهُ عَلَيْهِ كَانَ مُعْظَمًا فِي أَعْيُنِ النَّاطِرِينَ، وَ

مهره خود که هرگاه کسی که بپندازی توجه آن را بر آن کن خواهد بود عظیم در نظر چشمهای ناظرین و

كَبِيرًا فِي صُدُورِ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، وَ وَفَّقْنِي بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى،

بزرگ خواهد بود در سینه‌های آفریدگان همگی و مهیا کن اسباب مرا به برکت نامهای نیکوی خود

وَ أَمْثَالِكَ الْعُلْيَا، لِصَلَاحِي فِي جَمِيعِ مَا أَوْمَلُهُ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ

و مصفهای بلند خود برای نیکویی من در همه آنچه آرزو دارم آن را از نیکویی دنیا و

الْآخِرَةِ، وَ اصْرِفْ عَنِّي أَبْصَارَ النَّاطِرِينَ، وَ اصْرِفْ عَنِّي قُلُوبَهُمْ

آخرت و برگردان از من چشمهای ناظرین و برگردان از من دلهای ایشان را

مِنْ شَرِّ مَا يُضْمِرُونَ إِلَيَّ مَا لَا يَمْلِكُهُ أَحَدٌ غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ أَنْتَ

از شر آنچه در خاطر دارند بسوی من نیکویی را که مالک نیست آن را کسی غیر تو. خداوند! تویی

مَلَاذِي فَبِكَ الْوُدُّ، وَ أَنْتَ مَعَاذِي فَبِكَ أَعُوذُ. اللَّهُمَّ إِنَّ خَوْفِي

ملجأ من به تو التجأ می‌برم و تسوی محل پناه من پس بسو پناه می‌آورم خداوند! بدرستی که ترس من

أَمْسَى وَ أَصْبَحَ مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي الَّذِي لَا يَبُلَى، يَا أَرْحَمَ

داخل گردانیده مرا در شام و صبح، در حالیکه پناه آورنده‌ام به وجه همیشه تو که کهنه نمی‌شود ای رحیم‌ترین

الرَّاحِمِينَ. سُبْحَانَ مَنْ أَلَجَّ الْبَحَارَ بِقُدْرَتِهِ، وَ أَطْفَأَ نَارَ إِبْرَاهِيمَ

رحم‌کنندگان تسبیح می‌کنم تسبیحی که عمیق گردانیده‌است دریاها را به قدرت خود و خاموش کرده‌است آتش را بر ابراهیم

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

بِكَلِمَتِهِ، وَ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ بِعَظَمَتِهِ، وَ قَالَ لِمُوسَى أَقْبِلْ وَ
 به فرمان خود و قدرت دارد بر عرش به بزرگواری خود و گفته است به موسی که روی آور و
لَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ، إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ، وَ لَا
 مترس بدرستی که تو از جمله امان یافتگانی بدرستی که نمی ترسند نزد من پیغمبران فرستاده شدگان مترس تو
تَخَفُ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، وَ لَا تَخَافُ دَرَكًا وَ لَا تَخْشَى،
 غلامی یافتی از گروه ستم کنندگان در حالی که نترسی رسیدن دشمن را و نترسی غرق شدن را
إِنَّكَ الْأَعْلَى، وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ. وَ
 بدرستی که تویی بلندتر و نیست تهیه شدن اسباب من مگر بخدا بر او اعتماد نموده ام و به سوی او بازگشت می کنم، و
مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ، وَ
 کسی که بپرهیزکاری نماید از نافرمانی خدا میسر کند خدا برای او بیرون آمدن از نقرها و روزی می دهد او را از جایی که گمان نداشته باشد و
مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ، إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ، قَدْ جَعَلَ اللَّهُ
 کسی که اعتماد نماید بر خدا پس او کافی است او را بدرستی که خدا رساننده است فرمان خود را به تحقیق که گردانیده است خدا
لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا. أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ. وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا
 برای هر چیز اندازه ای آید نیست خدا کفایت کننده برای بنده خود و نیست حرکتی و نه توانایی مگر
بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ.
 بخدای بلند مرتبه بزرگ آنچه خواست خدا آنرا موجود شد.

دعای نجات از حبس

دعائی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن را به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام تعلیم نموده اند در وقتی که در زندان بودند.

از عبدالله بن مالک خزاعی به سندهای صحیح مروی است که گفت: هارون الرشید مرا طلب نمود و گفت: یا ابا عبدالله تو با نگهداشتن اسرار و کتمان کردن رازها چگونه ای؟ گفتم: یا امیرالمؤمنین نیستم من مگر بنده ای از بندگان تو، تو هر چیز گویی اطاعت می کنم و سر تو را فاش نمی کنم. به من گفت که داخل این خانه شو و بگیر آن را که در این خانه است و او را نگاهدار تا وقتی که او را از تو طلب نمایم.

راوی گوید: پس من داخل آن خانه شدم، دیدم که حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام در آن خانه بود. چون نگاه آن حضرت بر من افتاد، من بر آن حضرت سلام کردم و ایشان را بر اسب خود سوار کرده به خانه خود بردم و در اندرون خانه خود در بیتی داخل نمودم و در آن خانه را قفل کردم و کلید آن را همراه خود داشتم و پیوسته متولی

دعاهای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

خدمت آن حضرت بودم تا آن که چند روز از این ماجرا گذشت. پس روزی شخصی از جانب هارون آمد و گفت که امیرالمؤمنین تورا می طلبد. پس بر او وارد شدم، دیدم هارون نشسته و در طرف راست او رخت خوابی افتاده و در طرف چپ او رخت خوابی دیگر گسترده. بر او سلام کردم، هنوز جواب سلام مرا نداده پرسید که چه کردی آن امانتی را که به تو سپرده بودم؟

مراد و منظور او را نفهمیدم. دوباره گفت: مصاحب تو در چه حال است؟ گفتم: حال او خوب است.

سپس گفت: برو و سه هزار درهم به او بده و بگو که به منزل خود بازگردد و بر سر اهل خود رود.

چون برخواستم که بروم، گفت: آیا می دانی که سبب خلاصی او چیست؟ گفتم: نه یا امیرالمؤمنین.

هارون گفت: بر رخت خوابی خوابیده بودم که بر جانب راست من است، در خواب شخصی را دیدم که به من می گفت: ای هارون موسی بن جعفر علیه السلام را رها کن.

چون بیدار شدم، گفتم این خواب از جهت آن است که موسی بن جعفر علیه السلام در خیال من بود. پس برخواستم و در آن رخت خواب دیگر خوابیدم. همان شخص را به عینه به خواب دیدم که می گفت: ای هارون تورا امر کردم که موسی بن جعفر علیه السلام را رها کنی، پس چرا نکردی؟

از خواب بیدار شدم و از شر شیطان پناه جست. پس باز برخواستم و به این رخت خوابی که الحال در آنم خوابیدم. باز آن شخص را به خواب دیدم نیزه در دست داشت که اول آن در مشرق و آخر آن در مغرب بود و به طرف من اشاره کرد و گفت: واللّٰهی هارون اگر موسی بن جعفر علیه السلام را رها نکنی هر آینه این نیزه را به سینه تو می زنم که سر از پشتت بیرون آورد. پس بیدار شده و کسی را به طلب تو فرستادم. برو الحال و بکن آنچه را که به تو امر کردم و این را به احدی اظهار مکن که تورا می کشم و به جان خود رحم کن.

عبدالله بن مالک گوید: من به خانه خود برگشتم و در آن حجره را گشودم که آن حضرت در آن بودند، آن حضرت را دیدم که در سجده به خواب رفته اند. پس نشستم تا آن که بیدار شدند و سر مبارک خود را برداشتند و گفتند: یا ابا عبدالله بعمل آور آنچه را که به آن مامور شدی.

پس من گفتم: ای مولای من تورا به خدا و به حق جدّ رسول الله سؤال می کنم که آیا امروز هیچ دعائی خوانده اید و فرج خود را از خدای تعالی خواسته اید؟

دعاهای حضرت امام رضا علیه السلام

آن حضرت فرمودند: بلی، چون نماز واجب خود را گذاردم و به سجده رفتم و روی خود را بر خاک مالیدم و به خواب رفتم. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که به من گفت: ای موسی آیا می خواهی که از حبس نجات یابی؟
گفتم: بلی یا رسول الله رحمت فرستد خدای تعالی بر تو باد.
پس فرمودند: این دعا را بخوان. پس آن حضرت فرمودند و من نیز این دعا را خواندم و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مرا تعلیم می نمود تا آن که آواز تورا شنیدم.
عبدالله گوید: گفتم که خدای تعالی دعای تورا مستجاب گردانید. به آن حضرت گفتم آنچه را که هارون به من فرموده بود و به آن حضرت آن مبلغ را دادم و الحمد لله:
يَا سَابِغَ النِّعَمِ، يَا دَافِعَ النِّقَمِ، يَا بَارِيَّ النَّسَمِ، يَا مُجَلِّيَّ الْهِمَمِ، يَا
ای کامل کننده نعمتها، ای دفع کننده عقوبتها، ای آفریننده خلایق، ای زائل کننده اندوهها، ای
مُغْشِيَّ الظُّلَمِ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْأَلَمِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ، وَ يَا
روشن گرداننده تاریکیها، ای برطرف کننده آزار و درد، ای صاحب بخشش و کرم، ای
سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، وَ يَا مُدْرِكَ كُلِّ قَوْتٍ، وَ يَا مُحْيِيَ الْعِظَامِ وَ هِيَ
شنوای هر آوازی و ای دریا بنده هر قوت شده و ای زنده کننده استخوانها و حال آن که هستند
رَمِيمٌ، وَ مُنْشِئُهَا بَعْدَ الْمَوْتِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،
پسوسیده و ای آفریننده آنها پس از مرگ رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد، و
وَ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجاً وَ مَخْرَجاً، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ.
بگردان برای من از امر من گشادگی و بیرون آمدن از سختیها را ای صاحب بزرگواری و بخشش.

دعاهای حضرت امام رضا علیه السلام

تعویذ حضرت امام رضا علیه السلام

راوی گوید: چون حضرت امام رضا علیه السلام رحلت نمودند، تعویذی پیدا شد که بر آن حضرت بسته شده بود و در آخر آن تعویض نوشته شده بود که پدر آن حضرت آقا موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: که جد ایشان حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به برکت این تعویذ از شر دشمنان پناه می جستند و دائماً این تعویذ را در بند شمشیر خود آویخته بودند. و در آخر این تعویذ نامهای خدای عزوجل ذکر شده است. و آن حضرت بر اولاد و اهل خود شرط کرده بودند که این تعویذ را هرگز بر هلاکت و ضرر مؤمنی نخوانند. چون هر کس این تعویذ را با اخلاص بخواند، دعای او نزد خدا عزوجل

دعاهای حضرت امام رضا (ع)

بر نمی گردد:

اَللّٰهُمَّ بِكَ اَسْتَفْتِحُ وَ بِكَ اَسْتَنْجِحُ، وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ

خداوندا بوسیله تو طلب فتح و نصرت می نمایم و بنو طلب فیروزی و رستگاری می کنم و به وسیله محمد که رحمت فرستد خدا بر او و

اِلَيْهِ اَتُوْجَّهٗ. اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ حُزُوْنَكَ وَ كُلَّ حُزُوْنَةٍ، وَ ذَلِّلْ صُعُوْبَتَهُ وَ

بر خاندانش روی می آورم خداوندا آسان گردان دشواری دشمن را و هر امر دشواری را و آسان و رام گردان سختی و سرکشی او را و

كُلَّ صُعُوْبَةٍ، وَ اكْفِنِيْ مَوْنَتَهُ وَ كُلَّ مَوْنَةٍ، وَ ارْزُقْنِيْ مَعْرُوْفَهُ وَ

هر امر سخت و دشواری را و کفایت کن مرا از تعمیل او و از هر تعمیلی و روزی گردان به من احسان او را

وُدَّهُ، وَ اصْرِفْ عَنِّيْ ضُرَّهُ وَ مَعْرَتَهُ، اِنَّكَ تَفْحُوْ مَا تَشَاءُ وَ تَثْبِيْتُ،

و دوستی او را، و بر گردان از من ضرر او را، بدرستی که تو بر طرف می کنی آنچه را که خواهی و ثابت می داری

وَ عِنْدَكَ اُمُّ الْكِتَابِ. اَلَا اِنَّ اَوْلِيَاءَ اللّٰهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ

آنچه را که خواهی و در نزد تو است اصل کتاب بدانی آن که دوستان خدا نیست ترسی بر ایشان و نیستند ایشان

يَحْزَنُوْنَ. اِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوْا اِلَيْكَ. طه. حم. لَا يُبْصِرُوْنَ.

آن که اندوهناک شوند بدرستی که ما فرستادگان پروردگار توایم نمی رسند دشمنان بسویت (ای لوط) به برکت طه و حم نمی بینند ایشان و

وَ جَعَلْنَا فِيْ اَعْنَاقِهِمْ اَغْلَالًا فَهِيَ اِلَى الْاَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُوْنَ.

گردانیدیم در گردنهای کافران غلها و بندها پس آنها رسیدند تابه زنجیرهای ایشان پس ایشان باز ماتندگاتند و

وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا، فَاَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ

گردانیدیم از پیش روی ایشان حاجبی و مانعی را و از پس سر ایشان مانعی را پس پوشانیدیم چشمهای ایشان را پس ایشان

لَا يُبْصِرُوْنَ. اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ طَبَعَ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ وَ سَمِعِهِمْ،

نمی بینند. کافران آن جماعتند که مهر نموده است خدا بر دلهای ایشان و بر گوشهای ایشان،

وَ ابْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ، وَ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْغَافِلُوْنَ. لَا جَرَمَ اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ

و بر چشمهای ایشان پرده است، و ایشانند همان غافلان. البته که راست است آن که خدا می داند

مَا يُسِرُّوْنَ وَ مَا يُعْلِنُوْنَ. فَسَيَكْفِيْكَهُمُ اللّٰهُ وَ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ.

آنچه را که پنهان می سازند و آنچه را آشکارا می کنند، از دشمنی پس زود باشد که کفایت کند خدا تو را از شر ایشان و اوست شنوای بسیار دانا،

وَ تَرَاهُمْ يَنْظُرُوْنَ اِلَيْكَ وَ هُمْ لَا يُبْصِرُوْنَ. صمُّ بكم عُمِّي

و می بینی ایشان را که نگاه می کنند بسویت و حال آن که نمی بینند تو را، در حقیقت کور و کنگ و کورند

فَهُمْ لَا يَرْجِعُوْنَ. طسم. تِلْكَ اٰیَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِيْنِ. لَعَلَّكَ بَاخِعٌ

پس ایشان بر نمی گردند، طسم. این سوره آیتهای قرآن روشن است. نزدیک است هلاک کنی

نَفْسَكَ اَلَّا يَكُوْنُوْا مُؤْمِنِيْنَ. اِنْ نَّشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ اٰیَةً،

نفس خود را از جهت آن که چنان نیستند کافران از گروندگان، اگر خواهیم فرو می فرستیم بر ایشان از آسمان علامتی را

دعاهای حضرت امام رضا علیه السلام

فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ.

تا بتردد به گردنهای ایشان تا فروتنی کنند.

(و نامهای خداوند متعال بعد از تعویذ این است):

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِالْعَیْنِ الَّتِیْ لَا تَنَامُ، وَ بِالْعِزِّ الَّذِیْ لَا یُزَامُ،

خداوند ابدی که من سوال می کنم تو را به حق آن چشمی که بخواب نمی رود و به آن عزت و غلبه ای که زایل نمی شود و

وَ بِالْمُلْكِ الَّذِیْ لَا یُضَامُ، وَ بِالنُّورِ الَّذِیْ لَا یُطْفَأُ، وَ بِالْوَجْهِ الَّذِیْ

به آن پادشاهی که ستم رسیده نمی گردد و به آن روشنی که خاموش نمی شود و به آن ذات دائمی که کهنه

لَا یَبْلَى، وَ بِالْحَیَاةِ الَّتِیْ لَا تَمُوتُ، وَ بِالصَّمَدِیَّةِ الَّتِیْ لَا تُقْهَرُ،

نمی شود و به آن زندگی که نمی میرد و به آن بی نیازی که مغلوب نمی گردد و

وَ بِالْاَدِیْمُومِیَّةِ الَّتِیْ لَا تَفْنَى، وَ بِالْاِسْمِ الَّذِیْ لَا یُرَدُّ، وَ بِالرُّبُوبِیَّةِ

به آن همیشه ای که برطرف نمی شود و به آن نامی که برگردانیده نمی شود و به آن پروردگاری که

الَّتِیْ لَا تُسْتَدَلُّ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تَفْعَلَ بِیْ

ذلیل و غوار نمی شود آن که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و آن که بعمل آوری به من

كَذَا وَ كَذَا.

فلان کار و فلان کار را.

پس حاجت خود را بگو که ان شاء الله تعالی برآورده می شود..



دعای امان از جانوران درنده



تعویذ حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است که آن حضرت بوسیله آن پناه جستند در

وقتی که در خانه ای انداخته شدند که در آن خانه جانوران درنده بسته شده بود.

فضل بن ربیع روایت کرده که روزی هارون الرشید صبح شراب خورده و مست گشته

بود پس دربان خود را طلبیده و به او گفت که به نزد علی بن موسی علوی برو و او را از

زندان بیرون آور و در برکه جانورن وحشی پیش شیران درنده بینداز. پس من شروع

به التماس و ملایمت نمودم که او را فرو نشانم. پس غضب او سخت تر و زیاده تر گردید تا

آن که به من امر کرد و گفت قسم بخدا که اگر او را به پیش شیران نیندازی، تو را به

عوض آن می اندازم!

راوی گوید: من به نزد حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام رفتم و چون داخل شدم گفتم که

امیرالمؤمنین به من چنین و چنین فرموده است.

دعاهای حضرت امام رضا (ع)

آن حضرت فرمودند: آنچه را به آن مأمور شده‌ای، به عمل آور. من از خدای تعالی طلب اعانت و یاری می‌کنم و شروع به خواندن این دعا نمودند و همراه من به راه افتادند تا آن که به برکه جانورن وحشی رسیدیم. پس در آن خانه را گشودم و آن حضرت را در آن خانه داخل نمودم و در آن خانه چهل حیوان درنده بود و من بسیار غمگین و در کمال اضطراب بودم که چرا سبب قتل چنین شخصی شدم و این ظلم با دست من ظاهر گردید!

به جای خود برگشتم، چون نصف شب یکی از ملازمان هارون آمد و گفت که امیرالمؤمنین تورا می‌طلبد. چون نزد او رفتم، به من گفت امشب خطای عظمی از من سر زده یا آن که کار قبیحی کرده‌ام، از جهت آن که امشب خواب هولناکی دیدم و خوابم این است که جمعی از مردم را دیدم که به نزد من آمدند و در دست ایشان انواع حربه‌ها است و در میان ایشان یک مردی بود که در حسن همچون ماه بود و از او هیبتی عظیم در دل من افتاد.

پس کسی گفت که این امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) است. پس آنگاه من پیش رفتم که روی مبارکش را ببوسم، روی مبارک از من گردانید و این آیه را به من خواند: «فَهَلْ عَسَيْتُمْ أَنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ».

دوباره روی از من گردانید و داخل خانه شد. و من از خواب بیدار شدم در کمال خوف و اضطراب از جهت این خوابی که دیدم.

راوی گوید: من گفتم یا امیرالمؤمنین به درستی که شما به من امر کردید آن که علی بن موسی الرضا را به پیش شیران و جانوران درنده بیندازم و این خواب اثر آن است. پس هارون گفت: وای بر تو، آن حضرت را در آن برکه انداختی؟! گفتم بلی به خدا که او را انداختم.

هارون گفت: برو و ببین که حال او چون است. پس من شمع‌ی که در نزد او بود برداشتم و به آن برکه رفتم. دیدم که آن حضرت ایستاده است و نماز می‌کند و جانوران درنده در حوالی اویند و دور او را فرا گرفته‌اند. پس برگشتم و خبر آوردم.

هارون این سخن را قبول نکرد و باورش نیامد. پس خود برخاست و همراه من آمد. چون مشاهده نمود، آن حضرت را دید که نماز می‌کند. گفت السّلام علیک یا بن عمّ. آن حضرت جواب او را نداد تا وقتی که از نماز فارغ شد. پس گفت: وَ عَلَیْكَ السّلام ای ابن عمّ. من امید از تو نداشتم که در چنین موضعی بر من سلام کنی.

هارون گفت: از تقصیر و گناه من درگذر و شروع به عذرخواهی نمود.

دعاهای حضرت امام رضا (ع)

آن حضرت فرمودند: خدای تعالی مرا از این شیران و درندگان به لطف خود نجات داد. پس شکر و سپاس از برای او است.

هارون امر کرد تا آن حضرت را بیرون آورند و برگشت و به جای خود رفت. چون آن حضرت بیرون آمدند قسم به خدا که شیران از جای خود حرکت نکردند تا آن که آن حضرت بیرون آمدند و نزد هارون الرشید رفتند.

هارون دست در گردن آن حضرت کرد و او را بر بالای تخت خود نشانید و گفت: ای ابن عم اگر خواهی که در پیش ما باشی پس در کمال رفاهیت و خوبی باش و اگر خواهی به وطن خود مراجعت نمائی پس اختیار با شماست و برای تو و اهل تو مقرر کردم که مالی بسیار و جامه‌ای چند بدهند.

آن حضرت فرمودند: مرا احتیاج به مال و جامه نیست ولیکن در میان قریش جمعی پریشان هستند و ایشان را نشان دادند. این مال را به ایشان بده. هارون برای آنها به صله و جامه‌ای چند امر کرد.

آن حضرت گفتند که من به خانه خود می‌روم. پس هارون امر کرد که آن حضرت را بر استری بسیار خوش راه سوار کند و به هر جا که خواهند بروند. پس چنان کردند.

فضل گوید: هارون به من گفت: حضرت را مشایعت کن و من ایشان را در مقداری از راه مشایعت کردم و در ضمن راه از آن حضرت سؤال نمودم که به من تعلیم نمائید آن تعویذی را که خواندید آن را در وقتی که به نزد شیران می‌رفتید.

آن حضرت فرمودند: ما ممنوعیم از اینکه تعویذ و تسبیح خود را به همه کس تعلیم نمائیم. لیکن چون تو بر من حق خدمت و رفاقت داری، لهذا تورا تعلیم می‌کنم. پس یاد بگیر.

فضل گوید: آن حضرت به من این تعویذ را تعلیم نمودند و من آن را در کاغذی نوشتم و در پارچه‌ای محکم بسته در آستین خود جای دادم و به برکت این تعویذ هیچ وقت به نزد هارون نرفتم مگر آن که او را نسبت به خود خوشحال و شکفته یافتم و هر حاجتی که از او طلب نمودم آن را برای من برآورد و در همه سفرها از برای من از هر کسی حرز و امان بود و در هر شدت و بلائی که افتادم به برکت این تعویذ و دعا نجات یافتم.

سید بن طاووس (ع) گوید: در شرح و سند این دعا گمان دارم که اشتباهی واقع شده باشد و ظاهر آن است که باید این دعا منسوب به حضرت امام موسی کاظم (ع) باشد و این واقعه بر ایشان گذشته باشد، زیرا که آن حضرت به امر هارون الرشید محبوس بودند و روایتی وارد نشده که هارون حضرت امام رضا (ع) را نیز حبس نموده باشند.

دعاهای حضرت امام رضا (ع)

لیکن چون در نسخه اصل که من از آنجا این تعویذ و دعا را نقل نمودم، بدین نحو بود که مذکور شد، لهذا من نیز به همان نحو که آن را یافتیم، ذکر نمودم. (مترجم گوید: بلکه ظاهر آن است که این دعا همان دعاء سابق باشد که از حضرت امام موسی (ع) در برکه جانورن وحشی منقول بود به روایتی دیگر، چون بسیار از فقرات این دو دعا با یکدیگر موافق اند و بعضی قدری اختلاف دارند.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می‌کنم بنام خدای بخشنده مهربان

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ،

نیست خدایی مگر خدا. یگانه و تنهاست او بجای آورده‌است وعده خود را و یاری کرده‌است بنده خود را و غالب گردانیده‌است سپاه خود را

و هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

و گریزانیده‌است سپاه‌ها را به تنهائی پس از برای اوست پادشاهی و برای اوست ستایش همه ستایش برای خداست که پروردگار

الْعَالَمِينَ. أَمْسَيْتُ وَأَصْبَحْتُ فِي حِمَى اللَّهِ الَّذِي لَا يُسْتَبَاحُ، وَ

عالمیان است. داخل در شام گردیدم و داخل شدم در صبح در حال یکه در حمایت خدایم که رخصت داده نشده‌است برای همه کس و

ذِمَّتِهِ الَّتِي لَا تُرَامُ وَلَا تُخْفَرُ، وَ فِي عِزِّ اللَّهِ الَّذِي لَا يُذَلُّ وَلَا يُقْهَرُ، وَ

داخل در عهد و امان خدایم که زایل نمی‌شود و شکسته نمی‌گردد و در عزت خدایم که ذلیل و خوار گردیده نمی‌شود و مقهور نمی‌گردد. و

فِي حِزْبِهِ الَّذِي لَا يُغْلَبُ، وَ فِي جُنْدِهِ الَّذِي لَا يُهْزَمُ، وَ حَرِيمِهِ الَّذِي

داخل در گروه‌اویسم که مغلوب نمی‌شود و داخل در سپاه‌اویسم که گریخته نمی‌شود و در حریم‌اویسم که

لَا يُسْتَبَاحُ، بِاللَّهِ اسْتَجَرْتُ وَ بِاللَّهِ أَصْبَحْتُ، وَ بِهِ اسْتَنْجَحْتُ وَ

رخصت داده نشده‌است برای همه کس. بخدا پناه بردم و به یاری خدا داخل در صبح شده‌ام و به خدا طلب رستگاری نموده‌ام و

تَعَزَّزْتُ وَ تَعَوَّذْتُ وَ انْتَصَرْتُ وَ تَقَوَّيْتُ، وَ بِعِزَّةِ اللَّهِ قَوَّيْتُ عَلَى

عزت یافته‌ام و پناه بردم و یاری کرده‌ام و توانا گشته‌ام و به غلبه خدا قوی گشته‌ام بر

أَعْدَائِي، وَ بِجَلَالِ اللَّهِ وَ كِبَرِيَّائِهِ ظَهَرْتُ عَلَيْهِمْ، وَ قَهَرْتُهُمْ بِحَوْلِ

دشمنان و به عظمت خدا و بزرگواری او غالب شدم بر دشمنان و مقهور ساختم ایشان را به قدرت

اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ، وَ اسْتَعَنْتُ عَلَيْهِمْ بِاللَّهِ، وَ فَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، وَ

خدا و توانائی او و طلب اعانت نمودم بر ایشان به خدا و واگذارستم کار خود را بسوی خدا و

حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ. وَ تَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَ هُمْ لَا

کافی است مرا خدا و نیکی معتمدی است او و می‌بینی (ای محفد) ایشان را که نگاه می‌کنند بسویت (به حسب ظاهر) و حال آنکه

يُبْصِرُونَ. أَتَى أَمْرُ اللَّهِ، فَلَجَتْ حُجَّةُ اللَّهِ، غَلَبَتْ كَلِمَةُ اللَّهِ عَلَى

ایشان نمی‌بینند تو را (به حسب حقیقت) آمد فرمان خدا به عذاب. ظفر یافته‌است حجت خدا غالب شده‌است قدرت و قوت خدا بر

دعاهای حضرت امام رضا (ع)

أَعْدَاءِ اللَّهِ الْفَاسِقِينَ، وَ جُنُودِهِ إِبْلِيسَ أَجْمَعِينَ. لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا

دشمنان خدا که بیرون رفتگان از ایمانند و پسر سپاه شیطان همگی هرگز ضرر نمی توانند رسانید به شماها مگر

أَذَى. وَ إِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُؤْلُوكُمْ الْأَذْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ. ضَرِبْتُ

آذی. و اگر کارزار نمایند با شما می گردانند به شماها پشتهای خود را پس یاری کرده نمی شوند ایشان زده باشد

عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَمَا تُقِفُوا أَخَذُوا وَ قَتَلُوا تَقْتِيلًا، لَا يُقَاتِلُونَكُمْ

و قرار داده باشد بر ایشان خورای هر کجا که یافت شوند گرفته شدند و کشته شدند ایشان کشته شدند. و جنگ نمی کنند

جَمِيعًا إِلَّا فِي قَرْيٍ مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ، بِأَسْهُمٍ بَيْنَهُمْ

یهودان با شما در حالی که متفق باشند مگر در قریه های قلعه و حصاردار یا از عقب دیوارها، حرب ایشان در میان خودشان سخت است

شَدِيدٌ، تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَ قُلُوبُهُمْ شَتَّى، ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا

کمان می کنی ایشان را که متفقند با یکدیگر و حال آن که دلهای ایشان پراکنده است، به سبب آن که ایشان گروهی اند که نمی یابند

يَعْقِلُونَ، تَحَصَّنْتُ مِنْهُمْ بِالْحِفْظِ الْمَحْفُوظِ، فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ

حق را، قلعه خود قرار دادم از شر ایشان نگاه داشتن تو را که محفوظ است کسی که پناه آورد به آن پس نتوانستند آن که بالا روند

يَظْهَرُوهُ وَ مَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا. أَوَيْتُ إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ وَ التَّجَاتُ

آن قلعه را و قدرت نداشتند آن را که سوراخ کنند متوجه شدم و جای گرفتم به سوی جانبی. چار محکم و پناه بردم

إِلَى كَهْفٍ رَفِيعٍ، وَ تَمَمَّكَتُ بِالْحَبْلِ الْمَتِينِ، وَ تَدَرَّعْتُ بِدِرْعِ اللَّهِ

به سوی محل یگانه بلند و دست زدم به دین محکم و صاحب زره شدم به سبب زره خدا

الْحَصِينَةِ، وَ تَدَرَّقْتُ بِدَرَقَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ تَعَوَّذْتُ بِعَوْذَةِ

بسیار محکم و سپر خود قرار دادم سپر امیرالمؤمنین علیه السلام را و پناه گرفتم به چیزی که پناه گرفت به آن

سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ، وَ تَخَتَّمْتُ بِخَاتَمِهِ، فَأَنَا حَيْثُمَا سَلَكَتُ آمِنٌ

سلیمان پسر داود و انگشتری خو. قرار دادم انگشتری او را پس من به هر کجا که روم هستم ایمن

مُطْمَئِنٌّ، وَ عَدَوِي فِي الْأَهْوَالِ حَيْرَانٌ، قَدْ خُفَّ بِالْمَهَانَةِ، وَ أَلْبَسَ

در کمال آرام و دشمن من هست در هولها و ترسها سرگردان به تحقیق که فرو رفته شده است او به خفت و مذلت و در بر کرده شده است او لباس

الذِّلَّ، وَ قَنَعَ بِالصِّغَارِ، وَ ضَرَبْتُ عَلَى نَفْسِي سُرَادِقَ الْحَيَاطَةِ، وَ

خورای را و پوشیده شده است سر او به مقنعه مذلت و کوچکی و زده ام (یعنی تکبیدم) بر نفس خود سرپرده محافظت را و

لَبِسْتُ دِرْعَ الْحِفْظِ، وَ عَلَّقْتُ عَلَى هَيْكَلِ الْهَيْبَةِ، وَ تَتَوَجَّهْتُ بِتَاجِ

در بر کرده ام زره نگاه داشتن را و بسته و آویخته ام بر خود هیكل هیبت را و بر سر خود گذاشتم تاج

الْكَرَامَةِ، وَ تَقَلَّدْتُ بِسَيْفِ الْعِزِّ الَّذِي لَا يُفْلُ، وَ خَفِيتُ عَنْ أَعْيُنِ

کرامت و شرف را و بر میان بستم شمشیر عزت را که نفل نمی شود و پنهان گشتم از چشمهای

الْبَاغِينَ، وَ تَوَارَيْتُ عَنِ الظُّنُونِ، وَ أَمِنْتُ عَلَى نَفْسِي، وَ سَلِمْتُ مِنْ

ظالمان و پوشیده شدم از گمانهای پند دشمنان و ایمن گشتم بر نفس خود و سالم شدم از

دعاهای حضرت امام رضا (ع)

أَعْدَائِي بِجَلَالِ اللَّهِ، فَهُمْ لِي خَاضِعُونَ وَ عَنِّي نَافِرُونَ، كَأَنَّهُمْ

سَرَدشمنان خود به بزرگواری خدا پس دشمنان برای من فروتنی کنندگانند و از من گریزان و دورشوندگان گویا که

حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ، فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ، قَصُرَتْ أَيْدِيهِمْ عَنْ بُلُوْفِي، وَ

ایشان خمرهای وحشی رم کنندگانند که گریخته اند از شیران، کوتاه است دستهای ایشان از رسیدن به من و

عَمِيَّتْ أَبْصَارُهُمْ عَنْ رُؤْيَيْتِي، وَ خَرِسَتْ أَلْسِنَتُهُمْ عَنْ ذِكْرِي، وَ

کور است دیده های ایشان از دیدن من و گنگ است زبانهای ایشان از یاد کردن من و

ذَهَلَتْ عُقُولُهُمْ عَنْ مَعْرِفَتِي، وَ تَخَوَّفَتْ قُلُوبُهُمْ، وَ ارْتَعَدَتْ

غافل است عقولهای ایشان از شناختن من و ترسیده است دلهای ایشان و لرزیده و مضطرب است

فَرَأَيْضُهُمْ وَ نَفُوسُهُمْ مِنْ مَخَافَتِي. يَا إِلَهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، يَا

پهلوهای ایشان و نفسهای ایشان از ترس من به برکت خدائی که نیست خدائی مگر او، ای خدای

هُوَ، يَا مَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَفْلَلْ جُنُودَهُمْ، وَ اكْسِرْ شُوكَتَهُمْ، وَ نَكِّسْ

کسی که نیست خدائی مگر او کند کن تندی حمله سپاه ایشان را و بشکن شان و شوکت ایشان را و سرنگون کن

رُؤُسَهُمْ، وَ أَعْمِ أَبْصَارَهُمْ، فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لِي خَاضِعِينَ، وَ انْهَزَمَ

سرهای ایشان را و کور کن چشمهای ایشان را پس گردید گردنهای ایشان برای من فروتنی کنندگان و گریخت

جَيْشُهُمْ، وَ وَلَّوْا مُدْبِرِينَ، سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ، وَ يُوَلُّونَ الدُّبُرَ، بَلِ

سپاه ایشان و برگشتند در حالی که بودند پشت کنندگان زود باشد که گریخته شوند همه کافران و برگردانند پشت های خود را بلکه

السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ، وَ السَّاعَةُ أَذْهَى وَ أَمَرٌ، وَ مَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا

روز قیامت وعده گاه عذاب ایشان است و عذاب قیامت سخت تر و تلخ تر است و نیست فرمودن قیامت مگر

كَلِمَحِ الْبَصَرِ، عَلَوْتُ عَلَيْهِمْ بِعُلُوِّ اللَّهِ الَّذِي كَانَ يَعْلُو بِهِ عَلِيٌّ

مثل نگاه کردن چشم، غلبه نمودم بر ایشان به برکت بلند مرتبگی خدا که غلبه می شود به برکت آن بر دشمنان حضرت علی که

صَاحِبُ الْحُرُوبِ، مُنَكِّسُ الرَّايَاتِ وَ مُبِيدُ الْأَقْرَانِ، وَ تَعَوَّذْتُ

صاحب جنگهای عظیم و سرنگون کننده علمهای کافران و هلاک کننده سرکرده های دشمنان است و پناه بردم

بِأَسْمَاءِ اللَّهِ الْحُسْنَى، وَ كَلِمَاتِهِ الْعُلْيَا، وَ ظَهَرْتُ عَلَى أَعْدَائِي

به نامهای خدا که نیکویند و به برکت صفت های او که بلندند و غلبه نمودم بر دشمنان خودم

بِبَاسٍ شَدِيدٍ، وَ أَمْرٍ رَشِيدٍ، وَ أَذَلَّتُهُمْ وَ قَمَعْتُ رُؤُسَهُمْ، وَ ظَلَّتْ

به عقوبت کردن بسیار سخت و عذابی بسیار شدید و ذلیل و خوار کردم ایشان را و کوبیدم سرهای ایشان را و گردید گردنهای ایشان

أَعْنَاقُهُمْ لِي خَاضِعِينَ، فَخَابَ مَنْ نَاوَانِي، وَ هَلَكَ مَنْ عَادَانِي، وَ

برای من فروتنی کنند پس زیانمند و ناامید باشد کسی که قصد نمود مرا و هلاک باشد کسی که دشمنی نمود با من، و

أَنَا الْمُؤَيَّدُ الْمَنْصُورُ، وَ الْمُظَفَّرُ الْمُتَوَجُّ الْمَحْبُورُ، وَ قَدْ لَزِمْتُ كَلِمَةَ

منم قوت داده شده یاری کرده شده و ظفر یافته شده و صاحب تاج کرامت و نعمت داده شده و به تحقیق که ملازم شدم کلمه

دعاهای حضرت امام رضا (ع)

التَّقْوَى، وَ اسْتَمْسَكْتُ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَ اغْتَصَمْتُ بِجَبَلِ اللَّهِ

تقوی و برهیزکاری را و دست زده‌ام به دسته محکم و چنگ در زده‌ام به دین اسلام که از جانب خدا

الْمُتَبِّينَ، فَلَنْ يَضُرَّنِي كَيْدُ الْكَائِدِينَ، وَ حَسَدُ الْخَاسِدِينَ أَبَدًا

و قوی است پس ضرر نمی‌رساند به من مکر مکرکنندگان و رشک رشک‌برانندگان تا به آخر زمانه

الْأَبَدِينَ، وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ، فَلَنْ يَرَانِي وَ لَنْ يُنْذِرَنِي أَحَدٌ، قُلْ إِنَّمَا

و منتهای روزگار پس نمی‌بیند مرا کسی تا آن که ضرر رساند به من و نمی‌تواند بترساند مرا کسی. بگو تو (ای محمد) که نمی‌خوانم

أَنَا أَدْعُو رَبِّي وَ لَا أَشْرِكُ بِهِ أَحَدًا. أَسْأَلُكَ يَا مُتَفَضِّلُ أَنْ تَتَفَضَّلَ

مگر پروردگار خود را و شریک نمی‌کنم بخدا کسی را سؤال می‌کنم تو را ای بسیار احسان کننده آن که احسان نمایی

عَلَيَّ بِالْأَمْنِ وَ الْإِيمَانِ عَلَى نَفْسِي، وَ رُوحِي بِالسَّلَامَةِ مِنْ

تو بر من بآرامی و ایمان بر نفس من و بر روح من به سلامت بودن از

أَعْدَائِي، وَ أَنْ تَحُولَ بَيْنِي وَ بَيْنَ شَرِّهِمْ بِالْمَلَائِكَةِ الْغَلَاطِ

شر دشمنان من و آن که حایل و مانع سازی میان من و میان شر ایشان فرشتگان بسیار خشنماک سخت گیرند مرا

الشَّيْطَانِ، لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ. وَ

که نافرمانی نمی‌کنند خدا را در آنچه فرموده است به ایشان و می‌کنند آنچه را که مأمور شدند به آن. و

أَيِّدْنِي بِالْجُنْدِ الْكَثِيرَةِ، وَ الْأَرْوَاحِ الْعَظِيمَةِ الْمُطِيعَةِ، فَيَجِيبُونَهُمْ

قوت ده مرا بسیاری کردن سپاه بسیار و به روحهای اولیا، بزرگان که فرمانبردارند تا آن که قطع نمایند ایشان دشمنان را

بِالْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ، وَ يَقْذِفُونَهُمْ بِالْحَجَرِ الدَّامِغِ، وَ يَضْرِبُونَهُمْ

به دلیل و برهانی که برسد به آنها و بپنداز تو بر آنها سنگهای به دماغ رسیده‌ها و بزنند آنها

بِالسَّيْفِ الْقَاطِعِ، وَ يَرْمُونَهُمْ بِالشَّهَابِ الثَّاقِبِ، وَ الْحَرِيقِ

به شمشیر برنده و بپندازند ایشان به جانب آنها ستاره‌های سوراخ کننده‌ها و آتش سوزان

الْمُلْتَهَبِ، وَ الشُّوَاطِطِ الْمُحْرِقِ، وَ يُقْذِفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا، وَ

زبانه کشنده‌ها و زبانه آتش سوزاننده‌ها و انداخته می‌شوند دشمنان به تیرهای شهاب از هر طرفی از اطراف جهت راندن و

لَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ، قَدْ قُتُّهُمْ وَ زَجَرْتُهُمْ بِفَضْلِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

آماده است برای آنها عاقبت ثابت و دائم انداختم ایشان را و منع کردم ایشان را به زیادتی استعانت نام خدای بخشنده

الرَّحِيمِ. وَ بَطْهٌ. وَ يَسٌ. وَ الذَّارِيَاتِ. وَ الطَّوَاسِينِ. وَ تَنْزِيلِ الْقُرْآنِ

مهربان و به حق طه و یس و به حق بادهای پراکنده سازنده ابرها و به حق طسم‌ها و بحق نازل شده که قرآن

الْعَظِيمِ. وَ الْحَوَامِيمِ. وَ بِكَهْيَعَصٍ. وَ بِكَافٍ كُفَيْتُ، وَ بِهَاءٍ هُدَيْتُ، وَ

بزرگ است و بحق حم‌ها و بحق کهیم و بحق کاف کفایت کرده‌شدم و به هاء هدایت یافته‌شدم و

بِيَاءٍ يَسَّرَ لِي، وَ بَعَيْنٍ عَلَوْتُ، وَ بِضَادٍ صَدَقْتُ، أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَ

به یا کلمه یسر یعنی آسان کن برای من و به عین علوت یعنی غالب گشتم و به صاد صدقت یعنی اقرار نمودم به آن که نیست خدائی مگر او. و

دعاهای حضرت امام رضا (ع)

بَنُونَ وَالْقَلَمَ وَ مَا يَسْطُرُونَ. وَ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ. وَ بِالطُّورِ وَ

به حق نون و قلم اعلا و به حق آنچه می نویسند فرشتگان و به حق محلای غروب ستارگان و به حق کور سینا و

كِتَابِ مَسْطُورٍ. فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ. وَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ. وَ السَّقْفِ

به حق کتاب نوشته شده در صحیفه گشوده شده و به حق خانه آبادان و به حق سقف

الْمَرْفُوعِ. وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ. إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ. مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ.

بلند کرده شده و به حق دریای مملو بدرستی که عقوبت پروردگار هر آینه واقع می شود نیست برای آن هیچ دفع کننده ای

فَوَلُّوا مُذْبِرِينَ عَلَى أَعْقَابِهِمْ نَاكِصِينَ. وَ فِي دِيَارِهِمْ خَائِفِينَ.

پس برگردیدند در حالی که پشت کنندگان و بر پاشنه های خود بودند بازگشتگان به قهر او داخل شدند در خانه های خود در حال ترس

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَ انْقَلَبُوا

پس ثابت شد حق و راستی و زایل گشت آنچه بودند که عمل می کردند از سحر پس مغلوب شدند ساحران در آن هنگام و برگشتند

صَاغِرِينَ. وَ أَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ. فَوَقَّيْهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا

در حالی که بودند خوار و ذلیل و افکنده شدند ساحران در حال یکه بودند سجده کنندگان پس نگاهداشت آن پیغمبر را خدا از بدیهای آنچه

مَكْرُوا وَ خَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءَ الْعَذَابِ. وَ مَكْرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ، وَ

حيله نمودند کافران و برگشت بقوم فرعون بدی عقوبت و حيله کردند جماعت يهودان و جزای حيله ایشان را داد خدا و

اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ. الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا

خدا بهترین جزادهندگان مکاران است آن چنان جماعتی که گفتند به ایشان منافقان که بدرستی که مردمان کفار به تحقیق که اتفاق نموده اند

لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ، فَزَادَهُمْ إِيمَانًا. وَ قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.

برای کشتن شما پس ترسید شما از ایشان پس زیاد گردانید این سخن ایمان ایشان را و گفتند کافی است ما را خدا و نیکی معتمدی است او

فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلِ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ، وَ اتَّبَعُوا

پس بازگشتند به خانه های خود با عافیت و سلامتی از جانب خدا و زیادتی ثوابی نرسید به ایشان مکر و پیروی نمودند

رِضْوَانِ اللَّهِ، وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ. رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ

خوشنودی خدا را و خدا صاحب بخشش بسیار و بزرگ است ای پروردگار من پناه می برم به تو از شر حيله های

الشَّيَاطِينِ، وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ. اَللَّهُمَّ اِنِّیْ اَعُوذُ بِكَ مِنْ

شیاطین و پناه می برم به تو ای پروردگار من از آن که حاضر شوند مرا شیاطین خداوند بدرستی که من پناه می برم به تو از

شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ، وَ أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ، فَسَيَكْفِيكَهُمْ

شر آنچه می ترسم و حذر می کنم از آن و سؤال می کنم تو را از بهترین آنچه در نزد توست پس زود باشد که نگاه دارد ترا

اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ

خدا از شر ایشان و اوست شنوای بسیار دانسا، نیست حرکتی و نه توانائی ای مگر بخدای بلند مرتبه

الْعَظِيمِ. جِبْرِئِلُ عَنْ يَمِينِي، وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِي، وَ مُحَمَّدٌ

بزرگ، جبرئیل از طرف راست من است و میکائیل از طرف چپ من است و حضرت محمد

دعاهای حضرت امام رضا (ع)

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أُمَامِي، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يُطِلُّ عَلَيَّ، يَمْنَعُكَ

که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش، پیش روی من است و خدای تعالی که عزیز و بزرگ است مشرف و مطلع است باز می دارد شر شمارا

مِنِّي وَ يَمْنَعُ الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ، يَا مَنْ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزاً،

از من منع می کند شیطان رانده شده از رحمت خود را از من ای کسی که گردانیده میان دریای روم و فارس حائلی را

أَحْجَزُ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَعْدَائِي، حَتَّى لَا يَصِلُوا إِلَيَّ بِسُوءٍ، سَتَرْتُ

حایل و مانع شو میان من و میان دشمنان من تا آن که نرسانند به سوی من بدی و ضرر را پرده ای و حایلی قرار دادم

بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ بِسِتْرِ اللَّهِ الَّذِي يُسْتَقَرُّ بِهِ مِنْ سَطَوَاتِ الْفَرَاغَةِ،

میان من و میان ایشان پرده و حجاب خدا را آن چنان پرده ای که پنهان شوند به سبب آن پیغمبران از حمله ها و خشمهای طالعان.

وَ مَنْ كَانَ فِي سِتْرِ اللَّهِ كَانَ مَحْفُوظاً، حَسْبِيَ اللَّهُ الَّذِي يَكْفِي مَا

و کافران و کسی که باشد در پرده پناه خدا خواهد بود نگاهداشته شده از همه بلاها کافی است مرا

لَا يَكْفِي أَحَدٌ سِوَاهُ، وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدّاً وَ مِنْ خَلْفِهِمْ

خدائی که کارگذاری می کند آنچه را که کفایت نمی کند مرا کسی غیر از او و گردانیدیم از پیش روی و از عقب سر ایشان

سَدّاً، فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. اَللّهُمَّ أَضْرِبْ عَلَيَّ سُرَادِقَاتِ

حاجبی را، پس پوشانیدیم چشمهای ایشان را پس ایشان نمی بینند چیزی را خداوند ایزن (یعنی بر پای کن) بر من سر پرده های

حِفْظِكَ الَّذِي لَا تَهْتِكُهُ الرِّيحُ، وَ لَا تَخْرِقُهُ الرَّمَا حُ، وَ اكْفِنِي شَرَّ مَا

نگاهدارنده از جانب خود را که پاره نمی کند آن را باده ها و نمی درد آن را نیزه ها و کفایت کن مرا از شر آنچه

أَخَافُهُ بِرُوحِ قُدْسِكَ الَّذِي مَنْ أَلْقَيْتَهُ عَلَيْهِ كَانَ مَسْتُوراً عَنْ

می ترسم از آن به برکت روح منزه خود که کسی که بیندازی توجه آن روح را بر آن کس خواهد بود پنهان از

عُيُونِ النَّاطِرِينَ، كَبِيراً فِي صُدُورِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، وَ وَفَّقْ لِي

چشمهای نظر کنندگان و بزرگ خواهد بود در سینه های آفریدگان همگی و مهیا کن برای من

بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى، وَ كَلِمَاتِكَ الْعُلْيَا، صَلاَحِي فِي جَمِيعِ مَا أَوْمَلْتُهُ

به برکت نامهای نیکوی خود و مفتیهای بلند خود اسباب نیکوئی را در همه آنچه آرزو دارم آنرا

مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ اصْرِفْ عَنِّي أَبْصَارَ النَّاطِرِينَ، وَ

از خوبی دنیا و آخرت و بگردان از من چشمهای نظر بسد کنندگان را و

اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ قُلُوبِهِمْ وَ شَرَّ مَا يُضْمِرُونَ إِلَيَّ خَيْرَ مَا لَا يَمْلِكُهُ

بگردان از من شر دلهای ایشان را و شر آنچه را که در خاطر پنهان می کنند به سوی اراده نیکی را که مالک نیست

غَيْرُكَ. اَللّهُمَّ إِنَّكَ أَنْتَ مَوْلَايَ وَ مَلَأْنِي بِكَ الْوَدَّ، وَ أَنْتَ مَعَاذِي

آنرا غیر تو خداوند بدرستی که تو تونی صاحب من و ملجأ من پس به تو ملتجی می شوم و تونی پناه من

فَبِكَ أَعُوذُ، يَا مَنْ دَانَ لَهُ رِقَابُ الْجَبَابِرَةِ، وَ خَضَعَتْ لَهُ عَمَالِيْقُ

پس به تو پناه می آورم ای کسی که اطاعت کرده اند برای او گردنهای صاحبان جبروت و فروتنی کرده اند برای او

دعاهای حضرت امام رضا علیه السلام

الْفَرَاعِنَةَ، أَجْزِنِي اللَّهُمَّ مِنْ خَزِيكَ، وَ كَشْفِ سِتْرِكَ، وَ نِسْيَانِ

جماعت عمالقه (کافران و ظالمان) پناه ده مرا خداوند از رسوا نمودن تو مرا و از برداشتن پرده خود از روی کار من و از فراموش نمودن

ذِكْرِكَ، وَ الْأَضْرَابِ عَنْ شُكْرِكَ، أَنَا فِي كَنْفِكَ لَيْلَى وَ نَهَارَى وَ

از یاد آوریت و از اعراض کردن از شکرگذاری تو، من در پناه محافظت توام در شب من و روز من و

نَوْمَى وَ قَرَارَى وَ انْتِبَاهَى وَ انْتِشَارَى، ذِكْرُكَ شِعَارَى وَ ثَنَاؤُكَ

در خواب و آرام و در بیداری من و در حرکت من به یاد آوردن تو را جامه پانینی من است و ستایش کردن من

دِثَارَى. اللَّهُمَّ إِنَّ خَوْفِي أَمْسَى وَ أَصْبَحَ مُسْتَجِيرًا بِكَ وَ بِأَمَانِكَ

ترا به زبان جامه بالانی من است، خداوند بدرستی که ترس من داخل در شام و صبح کرده است مراد در حالی که پناه آورنده ام به تو و به

مِنْ خَوْفِكَ، وَ سُوءِ عَذَابِكَ، وَ اضْرِبْ عَلَيَّ سُرَادِقَاتِ حِفْظِكَ، وَ

امان دادن تو مرا از ترس تو از بدی عذوبت تو بزن بر من سرپرده های نگاهدارنده ای از جانب خود را، و

ارْزُقْنِي حِفْظَ عِنَايَتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. آمِينَ يَا رَبَّ

روزی کن به من نگاهداشت توجه خود را به شفقت خود ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان مستجاب گردان دعای مرا ای پروردگار

الْعَالَمِينَ.

عالمیان.

❁ دعای حضرت امام رضا علیه السلام هنگام سختیها ❁

دعای مولای ما حضرت امام رضا علیه السلام که یافتیم آن را در کتاب اصل که از مصنفات

یونس بن بُکَیر است. یونس گفته که از مولای خود حضرت امام رضا علیه السلام سؤال نمودم که

به من دعائی را تعلیم نماید تا آن را در سختیها بخوانم.

آن حضرت به من فرمودند: محافظت کن آنچه را که آن را برای تو می نویسم و آن را در

هر سختی بخوان که حاجت تو برآورده می شود و آنچه را که آن را آرزو نمائی، عطا

کرده می شوی، پس برای من این دعا را نوشتند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می کنم بنام خدای بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي وَ كَثْرَتَهَا قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ، وَ حَبَبَتْني

خداوند بدرستی که گناهان من و بسیاری آنها به تحقیق که کهنه کرده است روی مرا در نزد تو و مانع شده است

عَنِ اسْتِجَابِ رَحْمَتِكَ، وَ بَاعَدَتْني عَنِ اسْتِجَابِ مَغْفِرَتِكَ، وَ لَوْ

مرا از قابلیت رحمت تو و دور نمودهاست مرا از استحقاق آمرزش تو، و اگر

دعاهای حضرت امام رضا (ع)

لَا تَعْلَقِي بِآلَائِكَ، وَ تَمَسَّكِي بِالْذُّعَاءِ وَ مَا وَعَدْتَ أَمْثَالِي مِنْ

نمی بود چسبیدن من به نعمت‌های تو و دست زدن من به دعا کردن و به آنچه وعده نموده‌ای به امثال من از

الْمُسْرِفِينَ، وَ أَمْثَالِي مِنَ الْخَاطِئِينَ بِقَوْلِكَ: «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ

بسیار ستمکاران و به شبیه‌های من از گناه‌کاران و آنچه وعده نموده‌ای ناامیدان را به گفته خود که فرموده‌ای: ای بندگان من آن چنان

أَسْرِفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ، لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ

که ستم نموده‌اید بر نفس‌های خود ناامید مشوید از رحمت خدا بدین‌روستی که خدا می‌آمرزد

الذُّنُوبَ جَمِيعاً. إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ». وَ حَذَرْتَ الْقَانِطِينَ مِنْ

گناهان را همه آن‌ها را بدین‌روستی که خدای تعالی است بسیار آمرزنده مهربان و ترساننده‌ای ناامیدان

رَحْمَتِكَ فَقُلْتُ: «وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ»، ثُمَّ

از رحمت خود را پس گفته تو و کیست که ناامید گردد از رحمت پروردگار خود مگر جماعت گمراهان، پس

نَدَبْتُنَا بِرَأْفَتِكَ إِلَى دُعَائِكَ، فَقُلْتُ: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، إِنَّ

خواننده‌های ما را به سبب شفقت و مهربانی خود به سوی خواندن تو پس فرموده‌ای که بخوانید مرا اجابت می‌کنم دعای شما را، بدین‌روستی

الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ». إِلَهِي

که آن جماعتی که تکبر و سرکشی می‌نمایند از بندگی و اطاعت من زود باشد که داخل شوند در جهنم در حالی که باشند خوار شدگان. ای خدای من

لَقَدْ كَانَ الْأَيَّاسُ عَلَى مُشْتَمَلٍ، وَ الْقَنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ عَلَى مُلْتَحِفٍ،

هر آینه به تحقیق که می‌بود ناامیدی بر من مشتعل و مایوس بودن از رحمت تو بر من می‌گردید پوشاننده‌ای

إِلَهِي وَ قَدْ وَعَدْتَ الْمُحْسِنَ ظَنَّهُ بِكَ ثَوَاباً، وَ أَوْعَدْتَ الْمُسِيءَ

خدای من و به تحقیق که وعده نموده‌ای آن‌را که نیکو گردانیده‌است اعتقاد خود را به تو به ثواب دادن و وعید و تهدید کرده‌ای آن‌را که

ظَنَّهُ بِكَ عِقَاباً. اَللَّهُمَّ وَ لَقَدْ أَمْسَكَ رَمَقِي حُسْنُ الظَّنِّ بِكَ فِي

بد کرده‌است گمان خود را به تو به عقوبت نمودن تو خداوند را به تحقیق که نگاه داشته‌است زندگانی مرا نیکوئی گمان من به تو در

عِتْقِي رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ تَغَمَّدِي زَلَّتِي وَ إِقَالَهِ عَثْرَتِي. اَللَّهُمَّ قُلْتُ

آزاد شدن من از آتش و در پوشانیدن لغزش مرا در گناهان و در گذشتن از به روی افتادن مرا در گناهان خداوند گفته‌ای

فِي كِتَابِكَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ وَ لَا تَبْدِيلَ: «يَوْمَ نَدْعُوا

تو در قرآن خود و گفتارت راست است و نیست خلافی در آن و نه تغییری آن که روزی که می‌خوانیم

كُلَّ أَنْاسٍ بِإِمَامِهِمْ، ذَلِكَ يَوْمُ النُّشُورِ إِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ وَ بُعِثَ

هر طایفه‌ای را از مردمان به پیشوای ایشان این روز حشر و قیامت است وقتی که دمیده شود در صور و برانگیخته و زنده شوند

مَا فِي الْقُبُورِ». اَللَّهُمَّ فَإِنِّي أَوْفَى وَ أَشْهَدُ وَ أَقِرُّ وَ لَا أَنْكِرُ وَ لَا أَجْحَدُ،

آنچه باشند در قبرها خداوند پس بدین‌روستی که وفا می‌کنم به عهد خود و گواهی می‌دهم و اقرار می‌کنم و امتناع نمی‌ورزم و انکار نمی‌کنم

وَ أَسِرُّ وَ أَعْلِنُ وَ أَظْهَرُ وَ أَبْطِنُ، بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

و در پنهانی قائم و در آشکارا معترفم و به زبان می‌گویم و بدان اعتقاد دارم به آن که تویی تو خدا که نیست خدائی مگر تو.

دعاهای حضرت امام رضا (ع)

وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ

در حالی که تنهایی تو نیست شریکی برایت و آن که حضرت محمد بنده تو و فرستاده توست که رحمت فرستد خدا

عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ، وَ وَارِثَ

بر او و بر خاندانش و آن که علی ابن ابی طالب امیر و سرکرده مؤمنان و بزرگ جانشینان و میراث برنده

عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ عِلْمِ الدِّينِ، وَ مُبِيرَ الْمُشْرِكِينَ، وَ مُفَيِّرَ الْمُنَافِقِينَ، وَ

علم و دانش پیغمبران و نشان راه دین اسلام است و هلاک کننده کافران و متفرق سازنده منافقان است و

مُجَاهِدِ الْمَارِقِينَ، إِمَامِي وَ حُجَّتِي وَ عُرْوَتِي وَ صِرَاطِي وَ دَلِيلِي

جهاد کننده است با جماعت از دین بیرون رفتگان امام و پیشوای من و دلیل من است و دست آویز من و راه راست من است و راهنمای

وَ مَحَجَّتِي، وَ مَنْ لَا أَثِقُ بِأَعْمَالِي وَ لَوْ زَكَّتْ، وَ لَا أَرَاهَا مُنْجِيَةً لِي وَ

من و راه واضح من است و آن کسی است که اعتماد ندارم به کردارهای خود و اگرچه پاکیزه باشند و نمی بینم آنها را نجات دهنده برای خود و

لَوْ صَلَّحْتُ إِلَّا بِوِلَايَتِهِ، وَ الْإِثْتِمَامِ بِهِ، وَ الْأَقْرَارِ بِفَضَائِلِهِ، وَ

هرچند که نیکو باشند مگر بدرستی و محبت او و پیروی و متابعت به او و اقرار داشتن به فضیلتهای او و

الْقَبُولِ مِنْ حَمَلَتِهَا، وَ التَّسْلِيمِ لِرُؤُوسَاتِهَا، وَ أَقْرُ بِأَوْصِيَائِهِ مِنْ

قبول کردن آن فضیلتها را از من حمل شوندگان و نقل کنندگان آنها و باور نمودن آنها را از روایت کنندگان آنها و

أَبْنَائِهِ، أَيْمَةً وَ حُجَجاً وَ أَدِلَّةً وَ سُرُجاً وَ أَعْلَاماً وَ مَنَاراً وَ سَادَةً وَ

اقرار می کنم به جانشینان او از فرزندان او که امامان و برهانهایند و راهنمایان و چراغهای روشنند و نشانها و علامتها و

أَبْرَاراً، وَ أَوْ مِنْ بَسِيرِهِمْ وَ جَهْرِهِمْ وَ ظَاهِرِهِمْ وَ بَاطِنِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ وَ

بزرگان و نیکوکارانند و اعتقاد دارم به پنهان ایشان و آشکار ایشان و ظاهر ایشان و مخفی ایشان و غائب ایشان

شَاهِدِهِمْ وَ حَيِّهِمْ وَ مَيِّتِهِمْ، لَا شَكَّ فِي ذَلِكَ وَ لَا أَرْتِيَابَ عِنْدَ تَحْوِيلِكَ

و حاضر ایشان و زنده ایشان و مرده ایشان نیست شک و تردید و نه شبهه ای و نه تغییری

عِنْدَهُ وَ لَا انْقِلَابَ. اَللّٰهُمَّ فَادْعُنِيْ يَوْمَ حَشْرِيْ وَ نَشْرِيْ بِإِمَامَتِهِمْ، وَ

از این اعتقاد و نه برگشتی از آن خداوندای پس بخوان مرا روزی که محسور شوم و روزی که برانگیخته شوم از قبر به امامت ایشان و

أَنْقِذْنِيْ بِهِمْ يَا مَوْلَايَ مِنْ حَرِّ النَّبِيرَانِ، وَ إِنْ لَمْ تَرْزُقْنِيْ رَوْحَ

رها کن مرا به سبب ایشان ای خداوند من از گرمی آتش جهنم و اگرچه روزی نگر دانی به من راحت

الْجَنَانِ، فَإِنَّكَ إِنْ أَعْتَقْتَنِيْ مِنَ النَّارِ، كُنْتُ مِنَ الْفَائِزِينَ. اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ

بهشت را پس بدرستی که تو اگر آزاد کنی مرا از آتش جهنم خواهم بودن از جمله رستگاران. خداوندای به تحقیق

أَصْبَحْتُ يَوْمِيْ هَذَا لَا ثِقَةَ لِيْ وَ لَا رَجَاءَ وَ لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَفْزَعَ وَ لَا

که داخل در صباح شدم در روز خود این روز در حال یکه نیست اعتمادی برای من و نه امید و نه پناهی و نه

مَنْجَا غَيْرَ مَنْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ، مُتَقَرِّباً إِلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

گریزگاهی و نه محل نجاتی سوای آن کسانی که متوسل شدم به ایشان بسوی نزدیکی جسته ام بسوی فرستاده تو یعنی حضرت محمد

دعاهای حضرت امام رضا (علیه السلام)

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ

که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش پس بعد از او پیشوای مؤمنان که حضرت علی است بر او بناد درود و

الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، وَ عَلِيَّ وَ

بعد از او حضرت فاطمه زهرا که برگزیده همه زنان عالمیان است و حضرت امام حسن و امام حسین و علی بن الحسین و

مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى، وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ مَنْ

امام محمد باقر و امام جعفر صادق و امام موسی و امام علی رضا و امام محمد تقی و امام علی نقی و امام حسن عسکری و کسی که

بَعْدَهُمْ مُقِيمُ الْمَحَجَّةِ إِلَى الْحُجَّةِ الْمَنْشُورَةِ مِنْ وَلَدِهِ الْمَرْجُوءِ

بعد از ایشان به پای دارنده است دین را تا به حجت و دلیل روز قیامت که از جمله اولاد پیغمبر است و امید داشته شده

لِلْأَمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. اَللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ فِي هَذَا

از برای امت است بعد از پیغمبر بر او و بر ایشان باد درود خداوند پس بگردان ایشان را در این روز و در پس این

الْيَوْمِ وَ مَا بَعْدَهُ حِصْنِي مِنَ الْمَكَارِهِ، وَ مَعْقِلِي مِنَ الْمَخَافِ، وَ

روز حمار من که نگاه دارند مرا از ناخوشیها و قلعه و پناه من که محافظت نمایند مرا از آنچه می ترسم از

نَجِّنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ وَ طَاغٍ وَ بَاغٍ وَ فَاسِقٍ، وَ مِنْ شَرِّ مَا أُعْرِفُ

آنها و رهائی ده مرا به سبب ایشان از هر دشمنی و از هر تجاوز کننده ای و از هر فاسقی و ستمکاری و از شر آنچه می شناسم

وَ أَنْكُرُ، وَ مَا اسْتَقَرَّ عَنِّي وَ مَا أَبْصِرُ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّ أَنْتَ

آنرا و نمی شناسم آنرا و آنچه پوشیده است از من و آنچه می بینم و از شر هر جاتور حرکت کننده ای که ای پروردگار من تو

أَخِذْ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. اَللَّهُمَّ بِتَوْسُلِي بِهِمْ

گرفته ای پیش سر او را بدرستی که تو بر راه راستی. خداوند پس به حق وسیله جستن من به ایشان

إِلَيْكَ، وَ تَقَرُّبِي بِمَحَبَّتِهِمْ، وَ تَخَصُّبِي بِإِمَامَتِهِمْ، افْتَحْ عَلَيَّ فِي هَذَا

بسویت و نزدیکی جستن من به وسیله دوستی ایشان و متحمن شدن من به اقرار به امامت ایشان بگشای بر من در این روز

الْيَوْمِ أَبْوَابَ رِزْقِكَ، وَ انْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ، وَ حَبِّبْنِي إِلَى خَلْقِكَ، وَ

درهای روزی از جاتب خود را و پهن کن بر من رحمت خود را و دوست گردان مرا به سوی مخلوقات خود و

جَنِّبْنِي بُغْضَهُمْ وَ عَدَاوَتَهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللَّهُمَّ وَ

دور گردان مرا از کینه ایشان و دشمنی ایشان بدرستی که تو بر همه چیز بسیار توانائی. خداوند

لِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ ثَوَابٌ، وَ لِكُلِّ ذِي شَفَاعَةٍ حَقٌّ، فَأَسْأَلُكَ بِمَنْ جَعَلْتَهُ

از برای هر وسیله جوینده ای ثوابی هست و از برای هر صاحب شفاعتی حقی هست پس سؤال می کنم تو را به حق آن کسی که گردانیده ام

إِلَيْكَ سَبَبِي، وَ قَدَّمْتَهُ أَمَامَ طَلِبَتِي، أَنْ تُعَرِّفَنِي بِرَكَّةِ يَوْمِي هَذَا، وَ

اورا بسویت سبب و وسیله خود و پیش داشته ام او را پیش حاجت خود آن که بشناسانی به من برکت روز مرا این روز و

شَهْرِي هَذَا وَ عَامِي هَذَا. اَللَّهُمَّ وَ هُمْ مَفْرَعِي وَ مَعُونَتِي فِي شِدَّتِي

این ماه و سال مرا این سال خداوند و ایشانند محل پناه من و محل یاری من در حال سختی من

دعاهای حضرت امام رضا علیه السلام

وَ رَخَائِي، وَ عَافِيَتِي وَ بِلَائِي، وَ نَوْمِي وَ يَقْظَتِي، وَ ظَعْنِي وَ

و در رفاهیت من و در حال سلامتی من و در بلای من و در خواب من و در بیداری من و در سفر من و

إِقَامَتِي، وَ عُسْرِي وَ يُسْرِي، وَ عَلَانِيَتِي وَ سِرِّي، وَ إِضْبَاجِي وَ

در حضر من، و در حال دشواری من و آسانی من، و در ظاهر من و در پنهانی من و در وقت صبح داخل شدن من و

إِمْسَايِي، وَ تَقَلُّبِي وَ مَثْوَايَ، وَ سِرِّي وَ جَهْرِي. اَللّٰهُمَّ فَلَا تُخَيِّبْنِي

در شام و در بازگشت و در قرار من در نهان من و آشکار من. خداوند! پس ناامید نگردان مرا به برکت

بِهِمْ مِنْ نَائِلِكَ، وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ تُؤَيِّسْنِي مِنْ

ایشان از بهر آنکه به تو رسد و امید مرا از رحمت خود و مایوس مکن مرا از راحت از

رَوْحِكَ، وَ لَا تَبْتَلِنِي بِإِنْغِلَاقِ أَبْوَابِ الْأَرْزَاقِ، وَ انْسِدَادِ مَسَالِكِهَا،

جانب خود و مبتلا و امتحان مکن مرا به بستن درهای روزیها و بند شدن راههای آنها بر من

وَ ارْتِجَاجِ مَذَاهِبِهَا، وَ افْتَحْ لِي مِنْ لَدُنْكَ فَتْحًا يَسِيرًا، وَ اجْعَلْ لِي

و مسدود شدن طریقههای آنها بر من و بگشای برای من از نزد خود گشودن آسانی و بگردان برای من

مِنْ كُلِّ ضَنْكٍ مَخْرَجًا، وَ إِلَى كُلِّ سَعَةٍ مَنَهِجًا، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

از هر تنگی و شدنی بیرون رفتنی را و به سوی هر گشادگی راهی را بدرستی که تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی.

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

و رحمت فرستد خدا بر محمد و بر خاندانش که پاکان و پاکیزگانند.

دعای مظلوم علیه ظالم

سید بن طاووس رحمه الله گوید: روایت می‌کنیم ما این دعا را به سندهای خود تا به شیخ ابو جعفر بن بابویه از کتاب «عیون اخبار الرضا» که حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: مردی به خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و به نزد آن حضرت از مردی شکوه نمود که بر او ظلم نموده بود. پس آن حضرت فرمودند: پس چرا تو دعائی را نمی‌خوانی که آن را پیغمبر صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تعلیم نمود و این دعا را مظلومی بر شخص ظالمی نمی‌خواند مگر آن که خدای تعالی آن مظلوم را یاری و کفایت کند.

اَللّٰهُمَّ بِالْبَلَاءِ طَمَآ، وَ غَمَّهٖ بِالْبَلَاءِ غَمَآ، وَ قُومَهُ بِالْأَذَى قَمَآ،

خداوند! فراگیر آن دشمن را به بلا فرو گرفتگی و ببوشان او را به بلا پوشانیدنی و مسلط کردن بر او آزار را مسلط کردنی.

وَ أَرْمِهِ بِيَوْمٍ لَا مَعَادَ لَهُ، وَ سَاعَةٍ لَا مَرَدَّ لَهَا، وَ أَبْحُ حَرِيمَهُ، وَ صَلِّ

و بسندار او را به روز بدی که نباشد راحتی برای او و ساعتی که نباشد بازگشت به آن، و مباح گردان حریم او را و رحمت فرست

دعاهای حضرت امام رضا (ع)

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ قَبِي شَرَّهُ، وَ
 بِرِ مَعْتَدٍ وَ بِرِ أَهْلِ بَيْتِ أَوْ كِه بِرِ أَوْ وَ بِرِ أَهْلِ بَيْتِ بَادِ دُرُودِ وَ نِگَاهِ دِلِ مِرَاثِ شَرِّ دُشْمَنِ وَ
 اكْفِنِي أَمْرَهُ، وَ اصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ، وَ اخْرِجْ قَلْبَهُ، وَ سُدِّ فَاةُ عَنِّي. وَ
 كِفَايَتِ كُن مِرَاثِ أَمْرِ أَوْ وَ بِرِ مِرَاثِ دِلِ مَن مَكْرِ دُشْمَنِ رَا وَ تَنَكُّ مِرَاثِ دِلِ أَوْ رَا وَ بِبِنْدِ دِهَانِ أَوْ رَا مَن وَ
 خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا، وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ
 بِسْتِ شَدَنَدِ أَوَاثِ هَا از بَرای خدای بَخْشَنده پَس نَمِ شَنُوی مَكْرِ أَوَاثِی آهَسْتِه وَ بِسْتِ رَا وَ ذَلِيلِ وَ غَوَارِ شَدَنَدِ رُوی هَا
 لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَ قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا. إِخْسَنُوا فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ.
 بَرای زَنده پایداری وَ بِه تَعْقِيقِ كِه نَاامید است كِسی كِه مَر تَكَبِ شَدِه است ظَلَمِ وَ سَتَمِ رَا دُور شُویِدِ وَ بِاَشیدِ دَر جَهَنمِ وَ سَخَنِ مَكُونِیدِ بِا مَن
 صَبِّهِ صَبِّهِ صَبِّهِ صَبِّهِ صَبِّهِ صَبِّهِ صَبِّهِ

ساکت شو خاموش باش.

دعای یوشع بن نون وصی حضرت موسی (ع)

از جمله دعای مولای ما حضرت امام رضا (ع) که ما این دعا را به سندهای خود نقل
 می کنیم تا به سعد بن عبدالله از کتاب او که سندش را تا به حضرت امام رضا (ع) نقل
 کردند، که آن حضرت فرمودند: در زمان پیغمبر (ص) مردی از صحابه یک صفحه ای را
 یافت که در آن چیزی چند نقش شده بود. آن صفحه را به خدمت رسول خدا (ص) آوردند.

آن حضرت امر فرمودند: منادی مردم را جهت حاضر شدن به نماز جماعت ندا کنند.
 پس همه مردم از مرد و زن حاضر شدند، بعد از فراغ نماز آن حضرت بر منبر رفتند و
 آن صحیفه را خواندند. در آن نوشته بود: این نوشته یوشع بن نون وصی حضرت
 موسی (ع) است که به آن وصیت نموده است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَوْفٌ رَحِيمٌ، أَلَا إِنَّ خَيْرَ
 آغَازِ مِی کُنَم بِنَامِ خدای بَخْشَنده مِهْرَبَانِ، بِدِرسْتی کِه پُروردگار شَمَا مِهْرَبَانِ وَ بِسِیَارِ رَحْمِ کُنننده است آگَاهِ بِاَشیدِ کِه بَهِتَرین
 عِبَادَ اللَّهِ التَّقِيُّ الْخَفِيُّ، وَإِنَّ شَرَّ عِبَادِ اللَّهِ الْمُشَارُ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ».

بندگان خدا کسی است که پرهیزگار و پنهان باشد از نظر خلاق، و بدترین بندگان خدا کسی است که به انگشتان اشاره کرده شود.
 پس هر کسی دوست دارد که اعمالش به ترازوی بزرگتر و بیشتر وزن شود و شکر
 حقّهائی را بجا آورد که خدای تعالی آنها را به او انعام کرده است، باید که این دعا را هر
 روز بخواند:

دعاهای حضرت امام رضا علیه السلام

سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، وَ لَا

تسبیح می‌کنم تسبیح کردنی خدا را همچنانی که سزاوار است برای خدا و همه ستایش برای خداست همچنان که سزاوار است برای خدا، و نیست

حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ عَلَى

خدائی مگر خدا اقرار می‌کنم به توحید همچنان که سزاوار است برای خدا و نیست حرکتی و نه توانائی مگر بخدا و رحمت فرستد خدا بر معتمد و بر

جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَ النَّبِيِّينَ، حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ.

همه فرستاده‌شدگان و پیغمبران تا آن که راضی شود خدا.

چون آن حضرت از منبر پائین آمدند، مردم در طلبیدن آن دعا ازدهام کردند. آن حضرت لحظه‌ای صبر نموده باز بر بالای منبر رفتند و فرمودند: هر کس که دوست دارد آن که ثواب او زیاده باشد و ثناء او بر ثنای جهاد کنندگان بلند شود، این دعا را در هر روز بخواند که مذکور شد که اگر از برای او حاجتی باشد، آن حاجت برآورده می‌شود و اگر او را دشمنی باشد منکوب و مقهور خواهد شد و اگر او را قرضی باشد، ادای می‌شود و اگر اندوهی داشته باشد، اندوه او زایل می‌شود و دعای او از آسمانها می‌گذرد تا آن که در لوح محفوظ نوشته شود.

❁ دعای حضرت امام رضا علیه السلام در سجده شکر ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: ما این دعا را به سندهای خود روایت می‌کنیم تا به سعد بن عبدالله در کتاب «فضل الدعاء» که روایت کرده است ابو جعفر از محمد بن اسمعیل بن بزیع، از حضرت امام رضا علیه السلام و همچنین بکیر بن صالح، از سلیمان بن جعفر جعفری، از آن حضرت علیه السلام نقل کرده است: ما بر آن حضرت داخل شدیم و حال آن که ایشان در سجده شکر بودند. پس سجده خود را طول دادند، چون سر مبارک از سجده برداشتند، ما گفتیم: آقا چه بسیار سجده خود را طول دادید.

آن حضرت فرمودند: هر کس این دعا را در سجده شکر بخواند، مثل کسی خواهد بود که در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله به جهاد رفته باشد و به دشمنان خدا در روز جنگ بدر تیر انداخته باشد. اسمعیل بن بزیع و سلیمان گویند که ما گفتیم: پس این دعا را بنویسیم. آن حضرت فرمودند: بلی این دعا را بنویسید و در سجده های خود بخوانید:

اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الَّذِيْنَ بَدَّلَا بَيْنَكَ، وَ غَيَّرَا نِعْمَتَكَ، وَ اتَّهَمَا رَسُوْلَكَ

خداوند لعن کن بر آن دو شخص که تغییر دادند دین تو را و بر طرف کردند نعمت تو را و تهمت زدند بر پیغمبر

دعاهای حضرت امام رضا علیه السلام

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَالَفَا مِلَّتَكَ، وَصَدَّا عَنْ سَبِيلِكَ، وَكَفَرَا

تو که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش و مخالفت ورزیدند ملت تو را و اعراض کردند از راه و طریقه حق تو انکار نمودند

الْأَنْكَ، وَرَدَّا عَلَيْكَ كَلَامَكَ، وَاسْتَهْزَءَا بِرَسُولِكَ، وَقَتَلَا بَنِيكَ،

نعمت های تو را و رد کردند بر تو سخن و قرآن تو را و استهزا نمودند بر پیغمبر تو و کشتند پسر پیغمبر تو را

وَ حَرَّفَا كِتَابَكَ، وَ جَحَدَا آيَاتِكَ، وَ سَخَرَا بِإِيَابِكَ، وَ اسْتَكْبَرَا عَنْ

و تغییر دادند قرآن تو را و انکار نمودند آیه های تو را و استهزا نمودند به روز معاد و حشر تو و سرپیچیدند

عِبَادَتِكَ، وَ قَتَلَا أَوْلِيَاءَكَ، وَ جَلَسَا فِي مَجْلِسٍ لَمْ يَكُنْ لَهُمَا بِحَقٍّ،

از بندگی و فرمانبرداریت و کشتند دوستان تو را و نشستند در مجلس خلافت که نبود آنها را در آن هیچ حقی.

وَ حَمَلَا النَّاسَ عَلَى أَكْتافِ آلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ الْعَن لَعْنًا يَتْلُو بَعْضُهُ

و سوار کردند مردمان را بر دوشهای آل محمد خداوند لعن کن آن دو شخص را لعنی که پی در پی آید بعضی از آن

بَعْضٌ، وَ احْشُرْهُمَا وَ اتَّبَاعَهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقًا. اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَقَرَّبُ

بعضی را و محشور گردان آنها را و تابعان آنها را بسوی جهنم در حالی که باشند کوران. خداوند بدرستی که ما نزدیکی می جوئیم

إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ لَهُمَا، وَ الْبِرَاءَةِ مِنْهُمَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ

بسویت به سبب لعنت کردن بر این دو شخص و به سبب بیزاری بودن از این هر دو در دنیا و در آخرت. خداوند

الْعَن قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ بِنْتِ

لعن کن بر کشتنده امیرالمؤمنین و بر کشتنده امام حسین پسر علی و پسر دختر

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ زِدْهُمَا عَذَابًا فَوْقَ

رسول خدا که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش خداوند از زیاد گردان عقوبت آن دو شخص را بالاترین

الْعَذَابِ، وَ هَوَانًا فَوْقَ هَوَانٍ، وَ ذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ، وَ خِزْيًا فَوْقَ خِزْيٍ. اللَّهُمَّ

عقوبتها و زیاد گردان خفت آنها را بالاترین خفتها و خوار گردان آنها را بالاترین خواریها و رسوا کن آنها را بالاترین رسوائی ها. خداوند

دُعَهُمَا فِي النَّارِ دَعَاً، وَ ارْكَسْهُمَا فِي أَلِيمِ عَذَابِكَ رَكْسًا. اللَّهُمَّ

ببنداز آن هر دورا در آتش جهنم انداختی شدید و سرنگون انداز آن هر دورا در عذاب دردناک از جانب خود سرنگون کردی. خداوند

احْشُرْهُمَا وَ اتَّبَاعَهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُمْرًا. اللَّهُمَّ فَرِّقْ جَمْعَهُمْ وَ

محشور کن آن هر دورا و تابعان آنها را بسوی جهنم در حالی که باشند مجتمع. خداوند پراکنده کن اجتماع آنها را و

شَبَّتْ أَمْرَهُمْ، وَ خَالَفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَ بَدِّدْ جَمَاعَتَهُمْ، وَ الْعَن

مستفزق ساز امر آنها را و مخالفت انداز میان اشیای آنها و جدا ساز جمعیت آنها را و لعن کن

أَيْمَتَهُمْ، وَ اقْتُلْ قَادَتَهُمْ وَ سَادَتَهُمْ وَ كِبَرَاءَتَهُمْ، وَ الْعَن رُؤَسَاءَهُمْ، وَ

بر پیشوای آنها و بکش سرکرده های آنها را و برگزیده های آنها را و بزرگان آنها را و لعن کن بر سرکرده های آنها و

أَكْسِرْ رَايَتَهُمْ، وَ أَلْقِ الْبَاسَ بَيْنَهُمْ، وَ لَا تَبْقَ مِنْهُمْ دَيَّارًا. اللَّهُمَّ

بشکن علم و نشانه بزرگی آنها را و ببنداز شدت عقوبت را میان آنها و باقی مگذار از آنها احدی را. خداوند

دعاهای امام محمد تقی علیه السلام

الْعَنَ أَبَا جَهْلٍ وَ الْوَلِيدَ لَعْنًا يَتْلُو بَغْضًا، وَ يَتَّبِعُ بَغْضُهُ بَغْضًا،

لعن کن بر ابوجهل و بر ولید لعنی را که بی در پی باشد بغضی از این بغضی را و تابع شود بغضی بغضی را.

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَلْعَنْهُمَا بِهِ كُلُّ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ، وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، وَ

خداوندا لعن کن آن هر دورا لعنی که لعن کند آنها را به آن لعن هر فرشته نزدیکی و هر پیغمبر فرستاده شده‌ای و

كُلُّ مُؤْمِنٍ امْتَحَنْتَ قَلْبَهُ لِإِيْمَانٍ. اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَتَعَوَّذُ مِنْهُ

هر شخص مؤمنی که خالص کرده باشی دل او را برای ایمان. خداوندا لعن کن آن هر دورا لعنی که پناه گیرند از آن

أَهْلُ النَّارِ مِنْ عَذَابِهَا. اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا لَمْ يَخْطُرْ لِأَحَدٍ بِهَا،

اهل آتش از عذاب آن. خداوندا لعن کن آن هر دورا لعنی که نرسیده باشد به خاطر کسی.

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا فِي مُسْتَسِرِّ سِرِّكَ، وَ ظَاهِرِ عَلَانِيَتِكَ، وَ عَذِبُهُمَا

خداوندا لعن کن آن هر دورا در پنهان از نهانی خود و در ظاهر از آشکار خود و عذاب کن آن

عَذَابًا فِي التَّقْدِيرِ وَ فَوْقَ التَّقْدِيرِ، وَ شَارِكُ مَعَهُمَا ابْنَتَيْهِمَا وَ

هر دورا عذابی که باشد در تقدیر تو و بالاتر از آنچه تقدیر نموده‌ای آن را و شریک گردان با این هر دو، دو دختر آنها را، و

أَشْيَاعُهُمَا وَ مُحِبَّيْهِمَا وَ مَنْ شَايَعَهُمَا، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ

بیروان آنها را و دوستداران آنها را و آن را که متابعت نماید آنها را بدرستی که تو شنونده دعائی

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.

و رحمت فرستد خدا بر محمد و بر خاندانش همگی.

دعاهای امام محمد تقی علیه السلام

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از دعاهای منسوب به آن حضرت کافی است آنچه من آنها را

در کتاب «زَهْرُ الرَّبِّيعِ» در دعاهای ایام هفته ذکر کردم و آن دعاهائی است که تعلیم

آنها را طلحی «تَعَمَّدَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ» نموده است.

به درستی که آن دعاها از اسرار خدای تعالی است که بر آنها خواص خود را مطلع

ساخته است، ولیکن ما در این کتاب نیز قدری را ذکر می‌کنیم که لایق به این کتاب بر

نهج صواب باشد.



دعاهای الوسائل الی المسائل



دعاهای «الوسائل الی المسائل» را روایت می‌کنیم به سندهای خود تا به ابو جعفر بن

بابویه رحمه الله از ابراهیم بن محمد بن حارث نوفلی و او گفته که حدیث نمود به من پدرم و

دعاهای امام محمد تقی علیه السلام

حال آن که خدمتکار از برای حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بود، آن که چون مأمون رشید دختر خود را به حضرت ابا جعفر امام محمد تقی بن علی بن موسی الرضا حضرت جواد علیه السلام تزویج نمود، آن حضرت به مأمون نوشتند: از برای هر زنی مهتری و کابینی از مال شوهر لازم است و خدای تعالی مالها و دارائیهای ما را در آخرت ذخیره گردانیده است، همچنان که در دادن اموال شما در دنیا تعجیل نموده و شمارا در دنیا صاحب ثروتها و خزانه ها گردانیده است.

لذا من دعاهای «الوسائل الی المسائل» را مهر دختر تو گردانیدم و آنها مناجاتی چند است که پدرم حضرت امام رضا علیه السلام به من داده است و او فرمودند: پدرم حضرت امام موسی علیه السلام به من داده است و ایشان فرمودند: پدرم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به من داده است و به ایشان پدر ایشان حضرت امام محمد باقر علیه السلام داده است و به ایشان پدر ایشان حضرت امام زین العابدین علیه السلام داده است و ایشان فرموده اند: پدرم حضرت امام حسین علیه السلام به من داده است و ایشان فرموده اند: برادرم حضرت امام حسن علیه السلام به من داده است و ایشان فرمودند: حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام به من داده است و ایشان فرموده اند: حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به من داده است.

آن حضرت فرموده اند: این دعاها را جبرئیل علیه السلام به من داده است و گفته که رب العزة بر تو ای محمد سلام می فرستد و می گوید: این دعاها کلیدهای گنجهای دنیا و آخرت است، اینها را وسیله به سوی مسئلتهای خود قرار ده تا به خواسته خود برسی و بر مطلب خود ظفریابی و این دعاها را در مطلبهای دنیوی بخوان. به درستی که بهره تو از آخرت کم می شود و این دعاها ده وسیله اند که به سبب این دعاها درهای خواسته ها کوبیده می شود، سپس آن درها گشوده می گردد و بوسیله این دعاها، حاجتها برآورده می شود و دعاها این است:

مناجات جهت استخاره در کارها

اَللّٰهُمَّ اِنَّ خَيْرَتَكَ فِيمَا اسْتَخَرْتُكَ فِيْهِ تَنْيْلُ الرِّغَائِبِ، وَ تَجَزُلُ

خداوند بدرستی که راهنمایی به خیر در آن چیزی که طلب خیر نمودم از تو در آن چیز می رساند مرا به عطیه های پر نفع و می دهد

اَلْمَوَاهِبِ، وَ تَغْنِمُ الْمَطَالِبِ، وَ تُطَيِّبُ الْمَكَاسِبِ، وَ تَهْدِيْ اِلَى

به من بخششهایی بزرگ را و می رساند به من حاجتهای سودمند را و نیکو می گرداند کسبهای مرا و راهنمایی می کند مرا به سوی

اَجْمَلِ الْمَذَاهِبِ، وَ تَسُوْقُ اِلَى اَحْمَدِ الْعَوَاقِبِ، وَ تَقِيْ مَخُوْفَ

نیکوترین راهها و می کشاند مرا به سوی بهترین عاقبتها و نگاه می دارد مرا از ترسیده شده

دعاهای امام محمد تقی علیه السلام

النَّوَائِبِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَخْرِکَ فِیْمَا عَزَمَ رَاٰی عَلَیْهِ، وَ قَادَنِیْ

از بلاها و مصیبتها. خداوند! بدرستی که طلب خیر و خوبی می‌کنم از تو در آنچه قصد کرده‌است رای من بر آن و در آنچه کشتاید‌است

عَقْلِیْ اِلَیْهِ، فَسَهِّلِ اللّٰهُمَّ فِیْهِ مَا تَوْعَّرَ، وَ یَسِّرْ مِنْهُ مَا تَعَسَّرَ، وَ

مرا عقل من بسوی آن چیز هموار گردان خداوند! در این عزم آنچه‌را که ناهموار است و آسان کن آنچه‌را که مشکل و دشوار است.

اَكْفِنِیْ فِیْهِ الْمُهْمَ، وَ اَدْفَعْ بِهِ عَنِّیْ کُلَّ مُلِمٍّ، وَ اجْعَلْ یَا رَبِّ

و کارگذاری کن مرا در این قصد آنچه‌را که اهتمام دارم به آن و دفع کن به آن از من هر بدی و پشیمانی‌را و بگردان ای پروردگار من

عَوَاقِبَهُ غُنْمًا، وَ مَخُوْفَهُ سِلْمًا، وَ بُعْدَهُ قُرْبًا، وَ جَذْبَهُ خِصْبًا، وَ

عاقبتهای آنرا به نفع و فایده من و آنچه‌را که می‌ترسم از آن سلامتی من و دوری آن از نزدیک و قعط آنرا فراوانی و لرزانی.

اَرْسِلِ اللّٰهُمَّ اِجَابَتِیْ، وَ اُنْجِحْ وَ اقْضِ حَاجَتِیْ، وَ اقْطَعْ عَنِّیْ

و بفرست خداوند! اجابت دعا مرا و برآور مطلب مرا و قضا کن حاجت مرا و برطرف کن از من

عَوَاقِبَهَا، وَ اَمْنَعْ مِنْیْ بَوَاقِئِهَا، وَ اَعْطِنِیْ اللّٰهُمَّ لِوَاءِ الظَّفَرِ، وَ

مانعهای آنرا و منع کن از من حادثه‌ها و مصیبتهای آنرا و بده به من خداوند! غلم نصرت و ظفر و

الْخِیْرَةَ فِیْمَا اسْتَخَرْتُکَ، وَ وُقُورَ الْمَغْنَمِ فِیْمَا دَعَوْتُکَ، وَ عَوَائِدَ

خیر و خوبی‌را در آنچه طلب خیر نمودم از تو و بسیاری نفع و فایده‌را در آنچه خواهم تور را بده به من

الْاَفْضَالَ فِیْمَا رَجَوْتُکَ، وَ اَقْرِنَهُ اللّٰهُمَّ بِالْاَنْجَاحِ، وَ خُصَّهُ بِالصَّلَاحِ،

کرامت‌های احسان‌را در آنچه امید دارم از تو و مقارن ساز آنرا خداوند! به رستگاری و مغموم گردان آنرا به نیکی

وَ اَرِنِیْ اَسْبَابَ الْخِیْرَةِ فِیْهِ وَاضِحَةً، وَ اَعْلَامَ غُنْمِهَا لَا یَحَةَ، وَ

و بسمایه من سببهای خیر و خوبی‌را در آن در حالیکه باشند ظاهر و نشانه‌های فایده آنرا در حالی که باشند هویدا و

اَشَدُّ خِیْنًا تَعْسِیْرَهَا، وَ اَنْعَشْ صَرِیخَ تَكْسِیْرِهَا، وَ بَیِّنِ اللّٰهُمَّ

سخت و محکم گردان ریسمان خفه کردن دشواری آنرا و بالا بر آواز ناله شکستگی آنرا و ظاهر گردان خداوند!

مُلْتَبِسَهَا، وَ اَطْلِقْ مُحْتَبِسَهَا، وَ مَكِّنْ اُسُسَهَا حَتّٰی تَكُوْنَ خِیْرَةً

منته و پنهان آنرا و رها کن بند کرده شده آنرا و قائم و محکم گردان اصل بنای آنرا تا آن که باشد آن خیر و خوبی

مُقْبِلَةً بِالْغُنْمِ، مُزِيلَةً لِلْعَزْمِ، عَاجِلَةً النَّفْعِ، بَاقِیَةَ الصُّنْعِ مَلِیُّ

خبری که روی آورده باشد به نفع و فایده‌ای و برطرف کننده باشد زیان‌را و شتاب کننده باشد به رسانیدن نفع و باقی گذارنده باشد احسان‌را

بِالْمَزِیْدِ، مُبْتَدِیُّ بِالْجَوْدِ.

بدرستی که تویی نیازی به سبب زیادتی احسان کردن و آغاز کننده‌ای به بخشش.



مناجات طلب گذشت از گناهان



اَللّٰهُمَّ اِنَّ الرَّجَاءَ لِسَعَةِ رَحْمَتِكَ اَنْطَقَنِیْ بِاسْتِقَالَتِكَ، وَ الْاَمَلُ

خداوند! بدرستی که امیدواری من به گنجایش رحمت گویا کرده مرا به طلب در گذشت از گناهاتم. و چشمداشت من به

دعاهای امام محمد تقی علیه السلام

لِأُنَاتِكَ وَرَفَقِكَ، شَجَّعَنِي عَلَى طَلَبِ أَمَانِكَ وَعَفْوِكَ، وَ لِي يَا رَبِّ

بردباریت و مداریت جراتمند کرده مرا بر طلب امانت و تجاوزت از تقصیرم، و از برای من است ای پروردگار من

ذُنُوبٌ قَدْ وَاجَهَتْهَا أَوْجُهُ الْإِنْتِقَامِ، وَ خَطَايَا قَدْ لَحَظَتْهَا أَغْيُنُ

گناهان بسیاری که رودر رو کرده با سختترین انتقامت و از برای من است مصیبت‌هایی که نگاه کرده‌است آنها را چشمهای

الْأَصْطِلَامِ، وَ اسْتَوْجَبْتُ بِهَا عَلَى عَذَابِكَ أَلِيمٍ الْعَذَابِ، وَ

مُلاکت و از بیخ بریدن، و مستحقم به سبب آن گناهان از روی عدالت بر عذاب دردناک، و

اسْتَحَقَقْتُ بِاجْتِرَاحِهَا مُبِيرَ الْعِقَابِ، وَ خِفْتُ تَعْوِيقَهَا لِاجَابَتِي، وَ

سزاوارم به از تکاب آنها بر عقاب هلاکت کننده، و می‌ترسم از عقب افتادن اجابت دعایم، و

رَدَّهَا إِيَّايَ عَنْ قَضَاءِ حَاجَتِي بِإِبْطَالِهَا لِطَلِبَتِي، وَ قَطْعِهَا

از برگرداندن آن گناهان مرا از برآمدن حاجت من به سبب باطل نمودن آن گناهان هر حاجت مرا و بریدن آنها

لِأَسْبَابِ رَغِبَتِي، مِنْ أَجْلِ مَا قَدْ أَنْقَضَ ظَهْرِي مِنْ ثِقَلِهَا، وَ بَهْظَنِي

مر سببهای خواهش مرا از جهت آنچه شکسته شده‌است پشت من از سنگینی آن گناهان و عاجز ساخته است

مِنَ الْأَسْتِقْلَالِ بِحَمْلِهَا، ثُمَّ تَرَاجَعْتُ رَبِّ إِلَى حِلْمِكَ عَنْ

مرا از قُدرت و توانائی برداشتن آنها پس برگشتم ای پروردگار من بسوی حلم کردن تو از

الْخَاطِبِينَ، وَ عَفْوِكَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ، وَ رَحْمَتِكَ لِلْعَاصِينَ، فَأَقْبَلْتُ

تقصیرکاران و تجاوز نمودن تو از گناه کاران و بازگشتم بسوی رحمت تو برای نافرمان برندگان روی آوردم

بِثِقَتِي مُتَوَكِّلاً عَلَيْكَ، طَارِحاً نَفْسِي بَيْنَ يَدَيْكَ، شَاكِياً بِثَنِي إِلَيْكَ،

به اعتماد خود بر تو در حالی که توکل کننده‌ام بر تو و به خاک اندازنده‌ام نفس خود را در نزد تو در حالی که شکوه کننده‌ام اندوه خود را بسوی تو

سَأِئِلاً مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ مِنْ تَفْرِيجِ الْهَمِّ، وَ لَا اسْتَحِقُّهُ مِنْ تَنْفِيسِ

و سؤال کننده‌ام آنچه را که سزاوار نیستم آنرا از برطرف کردن تو اندوه مرا و مستحق نیستم آنرا از زائل نمودن تو

الْغَمِّ، مُسْتَقْبِلاً لَكَ إِيَّاكَ، وَاثِقاً مَوْلَايَ بِكَ. اَللَّهُمَّ فَاْمُنْ عَلَى

غم مرا، و در حال طلب در گذشت از گناهان، و اعتماد ای صاحب من به تو. خداوند! منت گذار بر من

بِالْفَرَجِ، وَ تَطَوَّلْ عَلَى بِسُهُولَةِ الْمَخْرَجِ، وَ اذْلُلْنِي بِرَأْفَتِكَ عَلَى

به گشادگی در کارها، و ببخش بر من آسانی بیرون رفتن از اندوه‌ها، و رانمائی کن مرا به شفقت و مهربانی خود بر

سَمِّتِ الْمَنْهَجَ، وَ اَزْلِقْنِي بِقُدْرَتِكَ عَنِ الطَّرِيقِ الْأَعْوَجِ، وَ خَلِّصْنِي

سمت راه راست و حق و بلفزان پای مرا به قدرت و توانائی خود از راه کج و باطل و خلاص کن مرا

مِنْ سِجْنِ الْكَرْبِ بِإِقَالَتِكَ، وَ أَطْلِقْ أُسْرِي بِرَحْمَتِكَ، وَ طُلْ عَلَى

از زندان اندوه به سبب درگذشتن تو از گناهان من و رها کن بندگی مرا به سبب رحمت خود و احسان کن بر من

بِرِضْوَانِكَ، وَ جُدْ عَلَى بِإِحْسَانِكَ، وَ أَقْلِبْنِي عَثْرَتِي، وَ فَرِّجْ كُرْبَتِي

به خشنودیت از من و ببخش نعمای بر من به نیکنی خود و درگذر از به سر در آمدن من و برطرف کن اندوه مرا

دعاهای امام محمد تقی (ع)

وَ ارْحَمْ عِبْرَتِي، وَ لَا تَحْجُبْ دَعْوَتِي، وَ اشْدُدْ بِالْإِقَالَةِ أَزْرِي، وَ
 وَ رَحِمَ كُنْ اشك چشم مرا و مانع مشو خواسته شده مرا و محکم گردان به سبب درگذشتن توقوت مرا و
 قَوِّ بِهَا ظَهْرِي، وَ أَصْلِحْ بِهَا أَمْرِي، وَ أَطِلْ بِهَا عُفْرِي، وَ ارْحَفْنِي
 قوی گردان به سبب آن پشت مرا و نیکو گردان به سبب آن حال مرا و دراز گردان به سبب آن عمر و زندگانی مرا و رحم کن بر من
 يَوْمَ حَشْرِي وَ وَقْتُ نَشْرِي، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ، غَفُورٌ رَحِيمٌ.

در روز محشور و هنگام برانگیخته شدن، بدرستی که تو بخشنده کریمی، آمرزنده مهربانی.



مناجات جهت مسافرت



اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُرِیدُ سَفَرًا فَخِرْ لِّیْ فِیْهِ، وَ اَوْضِیْحْ لِّیْ فِیْهِ سَبِیلَ الرَّأْیِ
 خداوند! بدرستی که من اراده نمودم سفری را نیکو گردان برای من در آن سفر و ظاهر ساز برای من در این سفر راه اراده
 وَ فَهَمْنِیْهِ، وَ افْتَحْ عَزْبِیْ بِالْاِسْتِقَامَةِ، وَ اشْمِلْنِیْ فِیْ سَفَرِیْ
 و فکد مرا و بفهمان به من آنرا و بگشای قمد مرا بر راستی و درستی و شامل بگردان به من در این سفرم
 بِالسَّلَامَةِ، وَ اَقْدِیْ فِیْهِ جَزِیلَ الْحَظِّ وَ الْكَرَامَةِ، وَ اِکْلَانِیْ بِحُسْنِ
 سلامتی را و فایده بده به من در این سفر بزرگ از بهره و کرامت را و نگاهدار مرا به نیکویی
 الْحِفْظِ وَ الْحِرَاسَةِ، وَ جَنِّبْنِیْ اللّٰهُمَّ وَ عَثَاءَ الْأَسْفَارِ، وَ سَهِّلْ لِّیْ
 از نگاهداشتنی و پاسبانی و دور گردان از من خداوند! مشقتهای سفرها را و هموار گردان برای من
 حَزُونَةَ الْأَوْعَارِ، وَ اطْوِلْ بِسَاطِ الْمَرَاجِلِ، وَ قَرِّبْ مِنِّیْ بُعْدَ نَائِیْ
 ناهمواری زمینهای ناهموار را و در هم هیچ برای من صحرای مسافت حرکت را و نزدیک گردان از برای من دوری بسیار دور
 الْمَنَاهِلِ، وَ بَاعِدْ فِی الْمَسِيرِ بَيْنَ خُطَى الرَّوَاجِلِ، حَتَّى یَقْرُبَ
 منزهلها را و دور کن در وقت حرکت مابین گامهای شتران را تا آن که نزدیک شود
 نِیَاطَ الْبَعِيدِ، وَ یَسْهَلْ وُغُورَ الشَّدِیدِ، وَ لَقِّنِیْ اللّٰهُمَّ فِی سَفَرِیْ
 دوری منزل دور و آسان و هموار شود ناهمواری بسیار سخت و برسان به من خداوند! در این سفر
 نُجْحَ طَائِرِ الْوَاقِیَةِ، وَ هَبْنِیْ فِیْهِ غَنَمَ الْعَافِیَةِ، وَ خَفِیرَ الْأَسْتِقْلَالِ،
 من ظفر یافتن به امور خیر را که نگاهدارندماند از بلاها، و ببخش به من در این سفر فایده سلامتی را، و محفوظ بودن به سر خودی و قدرتی را
 وَ دَلِیلَ مُجَاوَزَةِ الْأَهْوَالِ، وَ بَاعِثْ وُفُورَ الْكِفَايَةِ، وَ سَانِحَ خَفِیرِ
 و راهنما گذشتن و بیرون رفتن از خوفها و ترسها را و سبب بسیاری کارگذاری و محافظت را و ظاهر از حمایت کننده
 الْوَلَايَةِ، وَ اجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ سَبَبَ عَظِیمِ السَّلَامِ حَاصِلِ الْغَنَمِ، وَ
 مستولی بودن تو مرا و بگردان این سفر را خداوند! سبب از برای بزرگ از سلامتی و آن که باشد آن نفع و فایده ای، و
 اجْعَلِ اللَّیْلَ عَلَیَّ سِتْرًا مِنَ الْآفَاتِ، وَ النَّهَارَ مَانِعًا مِنَ الْهَلَكَاتِ، وَ
 بگردان شب را بر من پردمای و حاجبی از بلاها و آفتها و روز را منع کننده از هلاک کنندگان و

دعاهای امام محمد تقی علیه السلام

اقْطَعْ عَنِّي قِطْعَ لُصُوصِهِ بِقُدْرَتِكَ، وَ اخْرُسْنِي مِنْ وُحُوشِهِ

برطرف کن از من بریدن دزدان این سفر را به قدرت خود و پاسبانی کن مرا از جانوران وحشی آن

بِقُوَّتِكَ، حَتَّى تَكُونَ السَّلَامَةُ فِيهِ مُصَاحِبَتِي، وَ الْعَافِيَةُ مُقَارِنَتِي

به توانایی خود تا آنکه باشد سلامتی در این سفر همصحب من و باشد صحت و تندرستی همراه و متصل به من

وَ الْيَمْنُ سَائِقِي، وَ الْيُسْرُ مُعَانِقِي، وَ الْعُسْرُ مُفَارِقِي، وَ الْفَوْزُ

و خیر و برکت در چیزهای راننده من و آسانی کارها دست به گردن کننده من و دشواری امور جدا شونده از من و رستگاری

مُوَافِقِي، وَ الْأَمْنُ مُرَافِقِي، إِنَّكَ ذُو الطُّولِ وَ الْمَنِّ وَ الْقُوَّةِ وَ الْحَوْلِ،

همراه من و امنیت رفیق من بدرستی که تو صاحب احسان و بخشش و توانایی و قدرتی.

وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ بِعِبَادِكَ خَبِيرٌ.

و تو بر هر چیز بسیار توانایی و به بندگان خود دانا.

❁ مناجات جهت طلب رزق ❁

اَللّٰهُمَّ ارْسِلْ عَلَيَّ سَيِّدًا رَزَقَكَ مِذْرَارًا، وَ اُمْطِرْ عَلَيَّ سَحَابًا

خداوندا بفرست بر من دلوهای بختش روزی از جانب خود را در حالی که باشد ریزان، و به باران بر من ابرهای

اِفْضَالِكَ غِزَارًا، وَ اَدِمْ غَيْثَ نَيْلِكَ اِلَيَّ سَيِّدَالًا، وَ اَسْبِلْ مَزِيْدَ

احسانت را در حالی که باشد بسیار نفع دهنده و دائم بدار باران خیر خود را بسوی من ریزنده و بختنده و بریزان زیادتی

نِعْمِكَ عَلَيَّ خَلَّتِيْ اِسْبَالًا، وَ اَفْقِرْنِيْ بِجُودِكَ اِلَيْكَ، وَ اَغْنِنِيْ عَمَّنْ

نعمت خود را بر بسیاری احتیاج من ریختنی بسیار و محتاج گردان مرا به کرم خود بسوی خودت و بی نیاز گردان مرا از کسی که

يَطْلُبُ مَا لَدَيْكَ، وَ دَاوِ دَاءَ فَقْرِيْ بِدَوَاءِ فَضْلِكَ، وَ اَنْعَشْ صَرْعَةَ

طلب می کند آنچه را که در نزد توست و علاج و مداوا کن درد احتیاج مرا به دواي احسان خود و بلند گردان به خاک افتادگی از

عَيْلَتِيْ بِطَوْلِكَ، وَ تَصَدَّقْ عَلَيَّ اِقْلَابِيْ بِكَثْرَةِ عَطَائِكَ، وَ عَلَيَّ

جهت شدت احتیاج مرا به بخشش خود و تصدق کن و رحم نمای بر پریشانی و بی چیزی من به سبب بسیاری بخشش تو و بر

اِخْتِلَالِيْ بِكَرِيْمِ حَبَائِكَ، وَ سَهِّلْ رَبِّ سَبِيْلَ الرِّزْقِ اِلَيَّ، وَ ثَبِّتْ

اختلال احوال من به بزرگ و عزیز از انعام تو و آسان و هموار گردان ای پروردگار من راه روزی را بسوی من و ثابت

قَوَاعِدَهُ لَدَيَّ، وَ بَجِّسْ لِيْ عُيُوْنَ سَعَتِهِ بِرَحْمَتِكَ، وَ فَجِّرْ اَنْهَارَ

و محکم گردان اساسهای بنای روزی را در نزد من و بشکاف برای من چشمه های فراخی روزی را به رحمت خود و روان ساز نهرهای

رَغْدِ الْعَيْشِ قَبْلِيْ بِرَأْفَتِكَ، وَ اَجْدِبْ اَرْضَ فَقْرِيْ، وَ اَخْصِبْ جَدْبَ

وسیع تعیش و روزی را پیش من به شفقت خود و خشک و قحط کن زمین درویشی و بی چیزی مرا و لرزان و فراوان گردان

ضُرِّيْ، وَ اصْرِفْ عَنِّيْ فِي الرِّزْقِ الْعَوَائِقَ، وَ اَقْطَعْ عَنِّيْ مِنْ

خشکی و فحطی ضرر و آزار مرا و دور گردان از من در روزی مانعها را و ببر از من از

دعاهای امام محمد تقی علیه السلام

الضَّيِّقَ الْعَلَّائِقَ، وَ ارْزُقْنِي مِنْ سَعَةِ الرِّزْقِ اللَّهُمَّ بِأَخْصَبِ

تنگی و درویشی اسباب آنرا و بسنداز به جانب من از فراخی روزی خداوند به فراوان ترین

سببها، وَ احْبُبْنِي مِنْ رَغْدِ الْعَيْشِ بِأَكْثَرِ دَوَامِهِ، وَ اكْسِنِي اللَّهُمَّ

تیرهای آن و ببخش به من از وسیع و فراغ تعیش و زندگانی به دائمترین روزی و بهوشان به من خداوند

سَرَابِيلَ السَّعَةِ، وَ جَلَابِيبَ الدَّعَةِ، فَإِنِّي رَبِّ مُنْتَظَرٌ لِانْعَامِكَ

پیراهنهای فراخی روزی و معیشترا و جامه های رفاهیت و نعمت را بدرستی که ای پروردگار من انتظار کشنده ام سرگمت دادن ترا

بِحَذْفِ التَّضْيِيقِ، وَ لِقَطْوَلِكَ بِقَطْعِ التَّغْوِيقِ، وَ لِقَفْضِكَ بِإِزَالَةِ

به برطرف کردن تنگی معاش از من و مر احسان نمودن تو را به برطرف کردن تو منع کردن از روزی و متوقعم مرا زیادتى بخشش تو را به زایل

التَّقْتِيرِ، وَ لِيُصُولَ حَبْلِي بِكَرَمِكَ بِالتَّيْسِيرِ، وَ أَطِرِ اللَّهُمَّ عَلَيَّ

ساختن درویشی و بی چیزی را از من و مر رسیدن وسیله مرا به سبب کرم تو به مال داری و بباران خداوند بر من

سَمَاءَ رِزْقِكَ بِسِجَالِ الدِّيمِ، وَ أَغْنِنِي عَنْ خَلْقِكَ بِعَوَائِدِ النِّعَمِ، وَ

آسمان روزی از جانب خود را به بارانهای بخشش دیمه دائمی خود و بی نیاز گردان تو مرا از آفریدگان خود به عطیه های نعمتهای خود، و

ارْزَمِ مَقَاتِلَ الْأَقْتَارِ مِنِّي، وَ احْمِلْ كَشْفَ الضَّرِّ عَنِّي عَلَى مَطَايَا

دور گردان کننده های از درویشی و بی چیزی را از من و بار کن برطرف شدن آزار و مشقت را از من بر پشت

الْأَعْجَالِ، وَ اصْرِفْ عَنِّي الضَّيِّقَ بِسَيْفِ الْأَسْتِيْضَالِ، وَ أَتَحِفَّنِي

شتران شتاب کننده و بر گردان از من تنگی معاش را و به شمعیر از بیخ برنده و تحفه ای فرست به من

رَبِّ مِنْكَ بِسَعَةِ الْإِفْضَالِ، وَ امْدُدْنِي بِنُمُوِّ الْأَمْوَالِ، وَ اخْرُسِّنِي

ای پروردگار من از جانب خود فراخی و بسیاری احسان ترا و اعانت کن مرا به زیاد شدن مالهای من و پاسبانی

مِنْ ضَيْقِ الْأَقْلَالِ، وَ اقْبِضْ عَنِّي سُوءَ الْجَذْبِ، وَ ابْسُطْ بِسَاطَ

و نگهدار یکن مگر از تنگی درویشی و بی چیزی و بستان از من بدی قحطی و غلارا و بگستران برای من

الْخِصْبِ وَ اسْقِنِي مِنْ مَاءِ رِزْقِكَ غَدَقًا، وَ انْهَجْ لِي مِنْ عَمِيمِ بَذَلِكَ

فرش ارزانی و فراوانی را و سیراب گردان مرا از آب روزی از جانب خود در حال یکه باشد بسیار و قرار ده برای من از بخشش عام خود

طَرُقًا، وَ فَاجِبْنِي بِالثَّرْوَةِ وَ الْمَالِ، وَ انْعَشِّنِي بِهِ مِنَ الْأَقْلَالِ، وَ

راههای بسیار را و برسان به من بدون اطلاع من توانگری و مال را و بلند گردان مرا به سبب مالدارى از مذلت و خواری درویشی و

صَبِّحْنِي بِالْإِسْتِظْهَارِ، وَ مَسِّبْنِي بِالتَّمَكُّنِ مِنَ الْيَسَارِ، إِنَّكَ ذُو

داخل در صبح گردان مرا که متلبس باشم به اعانت و امداد توانگری و داخل در شام گردان مرا به استطاعت و قدرت از مالدارى، بدرستی که

الطَّوْلِ الْعَظِيمِ وَ الْفَضْلِ الْجَسِيمِ، وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ.

تو صاحب احسان و اتمام بزرگی و صاحب عطا و بخشش بسیار و عظیمی و تونی بخشنده صاحب کرم.

دعاهای امام محمد تقی علیه السلام



مناجات جهت پناه به خدای تعالی



اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ مُّلِمَّاتٍ نَّوَازِلِ الْبَلَاءِ، وَ اَهْوَالِ عَظَائِمِ

خداوند! بدرستی که من پناه می‌برم به تو از سختی‌های بلاها و مصیبت‌های فرود آینده و از هولهای بزرگ

الضَّرَآءِ، فَاعِذْنِیْ رَبِّ مِنْ صَرْعَةِ الْبَاسَاءِ، وَ اخْجِبْنِیْ مِنْ

آزارها و بلاها پناه ده مرا ای پروردگار من از افتادن در عذابها و ممانع شو برای من از

سَطَوَاتِ الْبَلَاءِ، وَ نَجِّنِیْ مِنْ مُّفَاجَاتِ النِّقَمِ، وَ اَجِرْنِیْ مِنْ زَوَالِ

حمله‌های بلاها و رهایی ده مرا از ناگهانی‌ها و آمدن عقوبت‌ها و پناه ده مرا از برطرف شدن

النِّعَمِ، وَ مِنْ زَلَلِ الْقَدَمِ، وَ اجْعَلْنِیْ اللّٰهُمَّ فِیْ حِمَايَةِ عِزِّكَ، وَ حِیَاطَةِ

نعمت‌ها و از لغزیدن پایی‌ها و بگردان مرا خداوند! در معافیت عزت و غلبه خود و در نگاهداشت پناه خود

حِرْزِكَ مِنْ مُّبَاغَةِ الدَّوَآئِرِ، وَ مُعَاجَلَةِ الْبَوَاقِرِ. اَللّٰهُمَّ رَبِّ وَ اَرْضِ

از غافل‌وارد شدن بدیها و آزارهای زمانه و از شتاب نمودن بلاهای پیشی گیرنده، خداوند! ای پروردگار من و زمین

الْبَلَاءِ فَاخْشِفْهَا، وَ عَرِّصَةَ الْمَحَنِ فَاَرْجِفْهَا، وَ شَمْسَ النَّوَائِبِ

بلا را برطرف کن آنرا و عرصه و فضای محنتها و مصیبت‌ها را زلزله‌انداز در آن و آفتاب حوادث‌ها را

فَاكْشِفْهَا، وَ جِبَالَ السُّوْءِ فَاَنْسِفْهَا، وَ كُرْبَ الدَّهْرِ فَاكْشِفْهَا، وَ

پس بپوشان نور آنرا و کوه‌های بد را از بیخ برکن آن‌ها را و تندوهای زمانه را برطرف و زایل گردان آن‌ها را و

عَوَاقِبَ الْأُمُورِ فَاصْرِفْهَا، وَ اَوْرِدْنِیْ حِیَاضَ السَّلَامَةِ، وَ اَحْمِلْنِیْ

مانع‌های کارهای خیر را برگردان آن‌ها را و وارد گردان مرا به حوضهای سلامتی و بار کن مرا

عَلٰی مَطَايَا الْكِرَامَةِ، وَ اَصْبِحْنِیْ بِاِقَالَةِ الْعَثَرَةِ، وَ اَشْمَلْنِیْ بِسِتْرِ

بر شتران مکرمت و داخل در صباح گردان به درگذشتن از به روی افتادن من و فراگیر مرا به پردهای که بپوشاند

الْعَوْرَةِ، وَ جُدْ عَلٰی یَارِبِ الْاَیِّكَ، وَ كَشِفْ بَلَآئِكَ، وَ دَفَعْ ضَرَّآئِكَ، وَ

قبح‌های مرا و بخشش نمای بر من ای پروردگار من به نعمت‌های خود و برطرف کردن بلاهای از جانب خود را،

ارْفَعْ عَنِّیْ کَلَاکِلَ عَذَابِكَ، وَ اصْرِفْ عَنِّیْ اَلِیْمَ عِقَابِكَ، وَ اَعِذْنِیْ مِنْ

و به دفع نمودن آزار و مرض از جانب خود را و برطرف کن از من سختی‌های عذاب خود را و دور گردان از من به درد آورنده از

بَوَاقِبِ الدُّهُورِ وَ اَنْقِذْنِیْ مِنْ سُوْءِ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ، وَ اَحْرُسْنِیْ مِنْ

عقوبت خود را و پناه بده مرا از شرها و هلاک‌کننده در زمانها و رها کن مرا از بدی عاقبت کارها، و نگاهدار مرا از

جَمِیعِ الْمَحْذُورِ وَ اصْدَعْ صَفَاءَ الْبَلَاءِ عَنْ أَمْرِیْ، وَ اَشْلُلْ يَدَهُ عَنِّیْ

همه حذر کرده‌ها و جدا ساز خالص از بلا را از کار من، شل کن دست بلا را

مُدَّةَ عُمْرِیْ، اِنَّكَ الرَّبُّ الْمَجِیدُ الْمُبْدِیُّ الْمُعِیدُ الْفَعَّالُ لِمَا تُرِیدُ.

از من در مدت زندگانی من بدرستی که تو پروردگار بزرگی و خلق‌کننده‌ای و زنده‌کننده‌ای بعد از مردن و به جای آورنده‌ای مرا آنچه را که خواهی.

دعاهای امام محمد تقی (ع)

❁ مناجات جهت قبول توبه ❁

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ قَصَدْتُ اِلَیْكَ بِاِخْلَاصٍ تَوْبَةً نَّصُوْحٍ، وَ تَثْبِیْتُ عَقْدِ

خداوندا بدرستی که من اراده نمودم و متوجه شدم به سویت به سبب خالص نمودن توبه و بازگشت خالص خود را و به سبب ثابت کردن

صَحِیْحٍ، وَ دُعَاءِ قَلْبٍ قَرِیْحٍ، وَ اِغْلَانِ قَوْلٍ صَرِیْحٍ. اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ

استغاثه درستی و دعائی که صادر شده از دلی که صاف است از حیله و دروغ و به سبب ظاهر کردن گفتاری که واضح است، خداوندا قبول کن

مِنْیْ مُخْلِصٍ التَّوْبَةِ، وَ اِقْبَالَ سَرِیْعِ الْاَوْبَةِ، وَ مَضَارِعَ تَخَشُّعِ

از من خالص گردانیده شده توبه مرا و روی آوردن تند بازگشت مرا به سویت و افتادن های مرا به خاک مذلت جهت زاری کردن

الْحَوْبَةِ، وَ قَابِلِ رَبِّ تَوْبَتِیْ بِجَزَیْلِ الثَّوَابِ، وَ كَرِیْمِ الْمَاْبِ، وَ حَطِّ

از جهت گناه خود و برابر و مقابل بگردان ای پروردگار من توبه مرا به بزرگی از ثواب و به شریف محل رجوع (یعنی به بهشت) و به

الْعِقَابِ، وَ صَرْفِ الْعَذَابِ، وَ غُنْمِ الْاِیَابِ، وَ سِتْرِ الْحِجَابِ، وَ اَمْحُ

برطرف شدن عقوبت و به برگشتن عذاب و به فایده دادن بازگشت و به پوشانیدن پرده حجاب گناهان مرا و برطرف کن

اَللّٰهُمَّ مَا ثَبَتَ مِنْ ذُنُوْبِیْ، وَ اغْسِلْ بِقَبُوْلِهَا جَمِیْعَ عُیُوْبِیْ، وَ

خداوندا آنچه را که ثبت شده است در نامه اعمال من از گناهان من و بشوی به سبب قبول کردن توبه من همه عیبهای مرا، و

اجْعَلْهَا جَالِیَةً لِّقَلْبِیْ شَاخِصَةً لِّبَصِیْرَةِ لُبِّیْ، غَاسِلَةً لِّدَرْبِیْ،

بگردن تو آن توبه را جلادهنده و روشن سازنده مر دل مرا و بلند گرداننده مر بینائی عقل مرا و شوینده مر چرک گناهان مرا

مُطَهَّرَةً لِّنَجَاسَةِ بَدَنِیْ، مُصَحِّحَةً فِیْهَا ضَمِیْرِیْ، عَاجِلَةً اِلَیْ

پاک کننده مر نجاست و کثافت بدن مرا و بگردان آنرا، درست کننده در آن توبه مر اعتقاد و قصد مرا و بگردان آنرا تمجیل کننده بسوی

الْوَفَاءِ بِهَا بِصِیْرَتِیْ، وَ اَقْبَلْ رَبِّ تَوْبَتِیْ، فَاِنَّهَا تَصْدُرُ مِنْ

وفا کردن به آن توبه مر بینائی مرا و قبول کن ای پروردگار من توبه مرا بدرستی که این توبه سر زده است از

اِخْلَاصِ نِیَّتِیْ، وَ مَحْضِ مِنْ تَصَحِّیحِ بَصِیْرَتِیْ، وَ اَحْتِفَالِ فِی

روی خالص کردن نیت خود و از محض درست کردن بینائی و قصد خود و از مبالغه در

طَوِیَّتِیْ، وَ اجْتِهَادِ فِیْ نِقَاءِ سَرِیْرَتِیْ، وَ تَثْبِیْتُ لَانَابَتِیْ، وَ

اقدام به نیت خود و از سعی نمودن در پاک کردن قصد خود و از ثابت کردن مر بازگشت خود را، و

مُسَارَعَةً اِلَیْ اَمْرِکَ بِطَاعَتِیْ، وَ اَجَلُ اللّٰهُمَّ بِالتَّوْبَةِ عَنِّیْ ظُلْمَةً

از شتاب نمودن به فرمات به اطاعت من و برطرف کن خداوندا به سبب توبه، تاریکی ملازمت و مداومت گناهان را

الْاَضْرَارِ، وَ اَمْحُ بِهَا مَا قَدَّمْتُهُ مِنَ الْاَوْزَارِ، وَ اَكْسِبْنِیْ لِبَاسَ

و محو کن از نامه اعمال من به سبب توبه آنچه را که پیش فرستادم آنرا از گناهان و بیوشان به من جامه

التَّقْوٰی، وَ جَلَابِیْبَ الْهُدٰی، فَقَدْ خَلَعْتُ رِبْقَ الْمَعَاصِیِ عَنْ جِلْدِیْ،

پیرهن کاری را و لباسهای راهنمایی را که بیرون کردن ریسمان گناهان را از بدن و بپوشیدن خود

دعاهای امام محمد تقی علیه السلام

و نَزَعْتُ سِرْبَالَ الذُّنُوبِ عَنْ جَسَدِي، مُسْتَمْسِكاً رَبِّ بِقُدْرَتِكَ،

و گنندم پیراهن گناهان را از بدن خود در حالی که دست زندهام ای پروردگار من به توانائی تو

مُسْتَعِيناً عَلَى نَفْسِي بِعِزَّتِكَ، مُسْتَوْدِعاً تَوْبَتِي مِنَ النَّكَثِ

طلب یاری کنندهام بر من نفس خود به عزت تو امانت سپارندهام توبه خود را از شکستن به محافظت و پناه تو

بِخَفَرَتِكَ، مُعْتَصِماً مِنَ الْخِذْلَانِ بِعِصْمَتِكَ، مُقَارِناً بِهِ، لَا حَوْلَ وَ

چنگ در زندهام از نبودن یاری کنندهای به نگاهداشتن تو همراه کنندهام به آن چنگ در زدن گفتن این کلمه را که نیست حرکتی و

لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ.

نه قوتی مگر به تو.



مناجات جهت طلب حج



اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَجَّ الَّذِي افْتَرَضْتَهُ عَلَيَّ مِنْ اسْتِطَاعَ اِلَيْهِ

خداوند روزی کن به من آن حجی را که واجب ساخته ای آن را بر کسی که قدرت داشته باشد به سوی آن

سَبِيلاً، وَ اجْعَلْ لِي فِيهِ هَادِياً، وَ اِلَيْهِ دَلِيلاً، وَ قَرِّبْ لِي بُعْدَ

خانه رفتن را و بگردان برای من در این حج راهنمایی و به سوی آن دلیلی و نزدیک کن برای من دوری راهها را

الْمَسَالِكِ، وَ اَعِنِّي عَلَى تَأْدِيَةِ الْمَنَاسِكِ، وَ حَرِّمْ بِإِحْرَامِي عَلَى

و یاری کن مرا بر به جای آوردن اعمال حج و حرام گردان به سبب احرام بر

النَّارِ جَسَدِي، وَ زِدْ لِسَفَرِي فِي قُوَّتِي وَ جِلْدِي، وَ ارْزُقْنِي رَبِّ

آتش، بدن مرا و زیاده گردان برای سفر کردن در توانائی من و بنیه من و روزی کن به من ای پروردگار من

الْوُقُوفَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ الْإِفَاضَةَ إِلَيْكَ، وَ أَظْفِرْنِي بِالنُّجَحِ، وَ

ایستادن در نزد تو را و کوچ کردن به سوی تو را و رسنگاری ده مرا به ظفر یافتن و

اُخْبِنِي بِوَافِرِ الرِّيحِ، وَ أَصْدِرْنِي رَبِّ مِنْ مَوْقِفِ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ إِلَى

ببخش به من بویار نسفرا و برگردان مرا ای پروردگار من از محل ایستادن و درنگ کردن در حج بزرگتر در

مُزْدَلَفَةِ الْمُشْعَرِ، وَ اجْعَلْهَا زُلْفَةً إِلَى رَحْمَتِكَ، وَ طَرِيقاً إِلَى

نواب به سوی مزدلفه ای که مشعر الحرام است و بگردان رسیدن به مزدلفه را نزدیکی به سوی رحمت خود و راهی به سوی

جَنَّتِكَ، وَ قَفْنِي مَوْقِفَ الْمُشْعَرِ الْحَرَامِ، وَ مَقَامَ وَقُوفِ الْأَحْرَامِ وَ

بهشت خود و بازدار مرا در محل وقوف مشعر الحرام و در محل ایستادن و درنگ نمودن از برای احرام بستن و

أَهْلِنِي لِتَأْدِيَةِ الْمَنَاسِكِ، وَ نَحْرِ الْهَدْيِ الْقَوَامِكِ بِدَمٍ يَتَجُّ، وَ

قابلیت ده مرا برای بجا آوردن اعمال حج و برای قربان کردن هدی چاق کوهان بزرگ را به سبب ریختن خونی که بجهد و برآمده و

أَوْدَاجٍ يَمْجُ، وَ إِزَاقَةَ الدِّمَاءِ الْمَسْفُوحَةِ، وَ الْهَدَايَا الْمَذْبُوحَةِ، وَ

به بریدن رگهائی که بریزند خون را و به ریختن خونهای ریخته شده و بیرون آمدن از رگها و به

دعاهای امام محمد تقی علیه السلام

فَرَى أَوْدَاجَهَا كَمَا أَمَرْتُ، وَ التَّنْفُلِ بِهَا كَمَا رَسَمْتُ، وَ أَحْضِرْ بِي

هدیه‌های گشته شده و به بریدن رگهای گردن آنها را به نحوی که فرموده‌ای و به مستحقینی دادن آنها همچنان که قرار داده‌ای و حاضر گردان

اللَّهُمَّ صَلَاةَ الْعَبِيدِ رَاجِئاً لِلْوَعْدِ، خَائِفاً مِنَ الْوَعِيدِ، خَالِقاً شَعَرَ

مرا خداوند به نماز عید در حالی که امیدوارم برایت وعده احسان ترا، ترسانم از وعید عذاب تو، ترا شنیده‌ام موی سر خود را

رَأْسِي، وَ مُقَصِّراً وَ مُجْتَهِداً فِي طَاعَتِكَ، مُشَقِّراً رَامِياً لِلْجَمَارِ

و کوتاه کننده‌ام موی ریش خود را و سعی کننده‌ام در فرمانبرداریت در حالی که دامن بر زننده‌ام اندازنده‌ام آن سه جمره را هر یک را

بِسَبْعٍ بَعْدَ سَبْعٍ مِنَ الْأَخْجَارِ، وَ أَدْخِلْنِي اللَّهُمَّ عَرْصَةَ بَيْتِكَ وَ

به هفت عدد سنگ بعد از هفت سنگ دیگر از سنگریزه‌های حرم و داخل گردان مرا خداوند در فضای خانه خود و

عَقْوَتَكَ، وَ مَحَلَّ أَمْنِكَ وَ كَعْبَتَكَ، وَ مُشَاكِبِكَ وَ سُؤَالَكَ وَ

در ساحت بیت خود و در مکان امان دهنده خود و در خانه شریف و بلند خود و در شکوه آورندگان به نزد تو در سؤال کنندگان از تو و

مَحَاوِجَكَ، وَ جُدْ عَلَيَّ اللَّهُمَّ بِوَافِرِ الْأَجْرِ مِنَ الْإِنْكَفَاءِ وَ النَّفْرِ، وَ

در احتیاج داشتگان به تو و بخشش نمای بر من خداوند به بسیار از مزد و ثواب از جهت رکوع کردن و کوچ نمودن من از منی، و

اخْتِمِ اللَّهُمَّ مَنَاسِكَ حَجِّي، وَ انْقِضَاءَ عَجِّي، بِقَبُولِ مِنْكَ لِي، وَ

تمام کن خداوند اعمال حج مرا و منقضی گشتن تسلیات گفتن مرا به قبول کردن از جانب خود برای من و

رَأْفَةً مِنْكَ بِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

به مهریانی نمودن از جانب خود به من ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.



مناجات جهت نابودی ظلم



اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمَ عِبَادِكَ قَدْ تَمَكَّنَ فِي بِلَادِكَ، حَتَّى أَمَاتَ الْعَدْلَ، وَ

خداوند بدرستی که ظلم و ستمکاری بندگان تو که قرار گرفته است در شهرها و تا آن که میرانده است عدالت را و

قَطَعَ السَّبِيلَ، وَ مَحَقَ الْحَقَّ، وَ أَبْطَلَ الصِّدْقَ، وَ أَخْفَى الْبِرَّ، وَ أَظْهَرَ

بریده است راه‌های شرع را و برطرف کرده است درستی را و باطل کرده است راستگویی را و پنهان کرده است نیکی را و آشکار نموده است

الشَّرَّ، وَ أَحْمَدَ التَّقْوَى، وَ أزالَ الْهُدَى، وَ أَزَاحَ الْخَيْرَ، وَ أَثْبَتَ الضَّيْرَ

شر و بدی را و خاموش ساخته است روشنی پرهیزکاری را و زایل کرده است راهنمایی را و برطرف کرده است نیکی را و ثابت نموده است ضرر را

وَ أَنْمَى الْفُسَادَ، وَ قَوَّى الْعِنَادَ، وَ بَسَطَ الْجَوْرَ، وَ عَدَى الطُّورَ،

و زیاد گردانیده فتنه و فساد را و قوت داده است دشمنی را و پهن کرده است میل از حق را و تجاوز نموده است حد را،

اللَّهُمَّ يَا رَبِّ لَا يَكْشِفُ ذَلِكَ إِلَّا سُلْطَانُكَ، وَ لَا يُجِيرُ مِنْهُ إِلَّا

خداوند ای پروردگار من برطرف نمی کند این ظلم را مگر قدرت و پادشاهیت و پناه نمی دهد از آن مگر

امْتِنَانُكَ. اللَّهُمَّ رَبِّ فَأَبْتِرِ الظُّلْمَ، وَ بُتَّ حِبَالِ الْغَشْمِ، وَ أَحْمِدُ

منت گذاردن تو به آن، خداوند ای پروردگار من قطع کن ستم را و ببر ریسمان ظلم را و فرو نشان رواج بزار

دعاهای امام محمد تقی علیه السلام

سَوْقَ الْمُنْكَرِ، وَ أَعِزَّ مَنْ عَنْهُ يَنْزَجِرُ، وَ اخْصُدْ شَافَةَ أَهْلِ الْجَوْرِ، وَ

فبیجرا و عزیز گردان کسی را که از ظلم دل‌تنگ است و قطع کن بیخ و اصل اهل ظلم و ستم را و

أَلْبِسْهُمْ الْحَوْرَ بَعْدَ الْكَوْرِ، وَ عَجِّلِ اللَّهُمَّ إِلَيْهِمُ الْبَيَاتَ، وَ أَنْزِلْ

پیوشان به ایشان برگشتن به نقصان را بعد از زیاد شدن ظلم ایشان و شتاب کن خداوند به سوی ایشان عقوبت را در شب و فرود آور

عَلَيْهِمُ الْمُثَلَّاتِ، وَ أَمِتْ حَيَاةَ الْمُنْكَرِ لِيُؤْمَنَ الْمَخُوفُ، وَ يَسْكُنَ

بر ایشان عقوبتها و هلاکتها را و بمیران زندگی امر قبیح را تا آن که ایمن شود ترسیده شده و آرام گیرد

الْمَلْهُوفُ، وَ يَشْبَعَ الْجَايِعُ، وَ يُحْفَظَ الضَّايِعُ، وَ يَأْوِي الطَّرِيدُ، وَ

ستم رسیده و تا آن که سیر گردد گرسنه و نگاهداشته شود ضایع و تا آن که برگردد بیرون رفته و

يَعُودَ الشَّرِيدُ، وَ يُغْنِيَ الْفَقِيرُ، وَ يُجَارَ الْمُسْتَجِيرُ، وَ يُوقَرَّ الْكَبِيرُ

رجوع نماید گریخته و تا آن که توانگر گردد درویش و پناه یافته شود پناه برنده و تا آن که تعظیم کرده شود مرد بزرگ

وَ يُرْحَمَ الصَّغِيرُ، وَ يَعِزَّ الْمَظْلُومُ، وَ يَذِلَّ الظَّالِمُ، وَ يُفَرَّجَ الْمَغْمُومُ،

و رحم کرده شود طفل کوچک و تا آن که عزیز شود ستم رسیده و خوار شود ستم کننده و تا آن که نجات داده شود اندوهناک

وَ يَتَفَرَّجَ الْغَمَاءُ، وَ يَسْكُنَ الدَّهْمَاءُ، وَ يَمُوتَ الْأَخْثِلَافُ، وَ يَغْلُو

و برطرف شود اندوه او و فرو نشیند حادثه و بلا و تا آن که بمیرد مخالفت شرع و حق و بلند مرتبه شود

الْعِلْمُ، وَ يَشْمَلَ السِّلْمُ، وَ يُجْمَعَ الشِّتَاتُ، وَ يَنْمُو النَّبَاتُ، وَ يُخْضِرَ

دانش و شامل شود سلامتی و امنیت و مجتمع گردد تفرق و برآید گیاه و منعقد گردد

الْمَشَاهِدُ، وَ يُعْمَرُ الْمَسَاجِدُ، وَ يُقَوَّى الْإِيمَانُ، وَ يُتْلَى الْقُرْآنُ، إِنَّكَ

مجالس حکومت و معمور شود مسجدها و تا آن که قوت داده شود ایمان و خوانده شود قرآن بدرستی که

الدَّيَّانُ الْمُنْعِمُ الْمَنَّانُ.

تو تونی جزا دهنده اعمال و انعام دهنده و بخشنده.



مناجات جهت شکر خدای تعالی



اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَرَدِّ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ، وَ تَوَالِي سُبُوغِ النِّعْمَاءِ، وَ

خداوند برای تو ستایش بر برگرداندن نازل شده‌ها از بلاها و بر پی در پی وارد شدن کامل‌ها از نعمتها و

مُلِمَّاتِ الضَّرَآءِ، وَ كَشَفِ نَوَائِبِ الْأَوَآءِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى هَبْنِي

بر نازل شونده‌های از بیماریها و آزارها و بر برطرف نمودن بلاها و حادثه‌های تنگی معیشت و برای تو ستایش بر گوارا

عَطَائِكَ، وَ مَحْمُودِ بَلَائِكَ، وَ جَلِيلِ الْآيَاتِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى

از بخشش تو و بر ستایش کرده شده از احسان تو بر بزرگ نعمتها و از برای تو ستایش بر

إِحْسَانِكَ الْكَثِيرِ، وَ خَيْرِكَ الْعَزِيزِ، وَ تَكْلِيفِكَ الْيَسِيرِ، وَ دَفْعِ

نیکونیت که بسیار است و بر احسان تو که عزیز است و بر تکلیف نمودن تو تکلیف آسان را و دفع کردن

دعاهای امام محمد تقی علیه السلام

الْعَسِيرُ، وَ لَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ عَلَى تَثْمِيرِكَ قَلِيلِ الشُّكْرِ، وَ

دشوار را و از برای تنویر ستایش ای پروردگار من بر بسیار کردن تو کمی شکرگذاری را، و

إِعْطَايَكَ وَافِرَ الْأَجْرِ، وَ حَطَّكَ مُثْقَلِ الْوِزْرِ، وَ قَبُولِكَ ضَبِيقَ الْعُذْرِ،

بر بخشش نمودن تو بسیار از مزد و ثواب را و بر طرف نمودن تو سنگینی گناهما و بر پذیرفتن تو تنگی و کوتاهی عذرها

وَ وَضْعِكَ بَاهِضِ الْأَصْرِ، وَ تَسْهِيلِكَ مَوْضِعَ الْوَعْرِ، وَ مَنَعِكَ

و بر درگذاشتن تو از تقصیر به پای دلزده گناهما و هموار نمودن تو مکان ناهموار را و بر منع کردن تو

مُقْطِعِ الْأَمْرِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْبَلَاءِ الْمَصْرُوفِ، وَ وَافِرِ

رسوائی بلا و مصیبت را و از برای تنویر ستایش بر بلای برگردیده شده و بر بسیاری

الْمَعْرُوفِ، وَ دَفْعِ الْمَخُوفِ، وَ إِذْلالِ الْعُسُوفِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ

احسان، و بر دفع کردن بلاهای ترسیده شده را و بر خوار گردانیدن تو بیراهه رونده و از برای تنویر ستایش

عَلَى قِلَّةِ التَّكْلِيفِ، وَ كَثْرَةِ التَّخْفِيفِ وَ تَقْوِيَةِ الضَّعِيفِ،

بر کمی تکلیف تو و بر بسیاری تخفیف تو گناهان را و بر قوت دادن تو ناتوانان را

وَ إِغَاثَةِ الْلَّهِيفِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى سَعَةِ إِمْهَالِكَ وَ دَوَامِ إِفْضَالِكَ،

و به فریاد رسیدن تو ستم رسیده را و از برای تنویر ستایش بر فراخی مهلت دادن تو و بر همیشه بودن زیادتی احسان تو

وَ صَرْفِ إِمْحَالِكَ، وَ حَمِيدِ أَفْعَالِكَ، وَ تَوَالِي نَوَالِكَ، وَ لَكَ

و بر برگردانیدن عذاب و عقوبت خود را و بر نیکی بودن تو و بر پی در پی بودن بخششهای تو و از برای تنویر ستایش

الْحَمْدُ عَلَى تَأْخِيرِ مُعَاجَلَةِ الْعِقَابِ، وَ تَرْكِ مُغَافَصَةِ الْعَذَابِ،

ستایش بر پس افکندن تو شتاب نمودن عقوبت را و به روا گذاشتن تو واگذاشتن مؤاخذه کردن مردمان را به عذاب

وَ تَسْهِيلِ طَرِيقِ الْمَآبِ، وَ إِنْزَالِ غَيْثِ السَّحَابِ.

و بر هموار کردن تو راه بازگشت بسوی تو را و بر فرو فرستادن تو باران را از آبر.



مناجات جهت طلب حاجتها



جَدِيرٌ مَنْ أَمَرَتْهُ بِالْدُّعَاءِ أَنْ يَدْعُوكَ، وَ مَنْ وَعَدْتَهُ بِالْإِجَابَةِ

سزاوار است کسی که فرمودهای او را به دعا کردن آن که بخواند تو را و لایق است کسی را که وعده دادهای او را به برآوردن حاجت او

أَنْ يَرْجُوكَ، وَلِيَّ اللَّهُمَّ حَاجَةٌ قَدْ عَجَزْتُ عَنْهَا جِلَّتِي، وَ كَلَّتْ فِيهَا

آن که امید داشته باشد از تو و برای من خداوند حاجتی است که عاجز شده است از آن چاره من و سست گشته است در آن

طَاقَتِي، وَ ضَعُفَ عَنْ مَرَامِهَا قُوَّتِي، وَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي الْأَمَارَةَ

قدرت من و ناتوان شده است از رسیدن و یافتن آن قوت و توانایی من و آراسته برای من نفس من که

بِالسُّوءِ، وَ عُدُوِّي الْغُرُورُ الَّذِي أَنَا مِنْهُ مُبْتَلَى أَنْ أَرْغَبَ فِيهَا إِلَى

امر کنند ما به بدی و دشمن، فریب دهنده است آنچنان دشمنی که من از جهت آن مبتلایم آن که رغبت و خواهش نمایم در آن حاجت به سوی

دعاهای حضرت امام علی نقی علیه السلام

ضَعِيفٌ مِثْلِي، فَزِدْتِ بِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ عَقْلِي، وَ صَحَّحْتَ فِي التَّامِيلِ

شخص ضعیفی مثل خود برگردانیدی به شفقت خود بر من عقل مرا و درست نمودی در طریقه خواهش نمودن

فِكْرِي، وَ شَرَحْتَ بِرَجَائِكَ صَدْرِي، حَتَّى عَوَّلْتُ فِيكَ عَلَيْهَا، وَ

فکر مرا و گشودی به امید داشتن از تو سینه مرا تا آن که اعتماد نمودم به تو در آن حاجت و

رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهَا. اللَّهُمَّ وَ أَنْجِهَا بِأَيْمَنِ النَّجَاحِ، وَ اهْدِهَا سَبِيلَ

خواهش کردم به سوی تو در آن حاجت خدوند و ظفر ده مرا به حاجت به برکت دارترین ظفری و بنمای به من بسوی آن حاجت راه

الْفَلَاحِ، وَ اشْرَحْ بِالرَّجَاءِ لِاسْغَافِكَ صَدْرِي، وَ يَسِّرْ فِي أَسْبَابِ

رسنگاری را و بگشای به امید داشتن مرا آوردن تو حجت مرا سینه مرا و آسان گردان در تهیه سببهای

الْخَيْرِ أَمْرِي، وَ صَوِّرْ إِلَيَّ الْفَوْزَ بِبُلُوغِ مَا رَجَوْتُهُ بِالْوُصُولِ إِلَيَّ

خوبی امر مرا و برسان به سوی من نجات و ظفر را رسیدن به آنچه امید دارم آن را به سبب رسیدن من به سوی

مَا أُمَلَّتُهُ، وَ وَفَّقْنِي اللَّهُمَّ فِي قَضَاءِ حَاجَتِي بِبُلُوفِ أُمْنِيَّتِي، وَ

آنچه توقع دارم آن را و توفیق ده مرا خداوند در برآمدن حاجت من به سبب رسیدن آرزوی من و به

تَصْدِيقِ رَغْبَتِي، وَ أَعِزَّنِي اللَّهُمَّ بِكَرَمِكَ مِنَ الْخَيْبَةِ وَ الْقُنُوطِ وَ

راست آمدن خواهش من و پناه ده مرا خداوند به کرم و بخشش خود از زیان مندی و ناامیدی و از پس افکندن و تاخیر نمودن و

الْإِنَاءَةِ وَ التَّثْبِيطِ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَلِيٌّ بِالْمَنَائِحِ الْجَزِيلَةِ، وَ وَفِيَّ بِهَا،

مغفرت داشتن حاجت مرا خداوند بدرستی که تو توانگری به سبب بخششهای بزرگ و انعام کنندهای آنها را به بندگان

وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ بِعِبَادِكَ خَيْرٌ بَصِيرٌ.

و تو بر همه چیز توانائی و به بندگان خود دانا و بینائی.

دعاهای حضرت امام علی نقی علیه السلام

دعای مظلوم جهت دفع ظلمِ ظالم

سید بن طاووس رحمه الله گوید: سند دعای مظلوم جهت دفع ظلمِ ظالم را در نسخه کهنه‌ای یافتیم که عبارتش این است: مرا شریف حدیث کرد ابوالحسن محمد بن محمد بن محسن بن یحیی بن رضا که دائم گرداند خدای تعالی توفیقات او را، در روز جمعه بیست و پنجم از ماه ذی حجة سنة چهارصد و چهار (۴۰۴) در مشهد مقابر قریش (یعنی در مشهد امام موسی کاظم علیه السلام) و او گفته که حدیث نمود به من پدرم علیه السلام از حفظ که حدیث نمود به من ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن صدقه در روز شنبه بیست و هفتم شهر صفر سنة سیصد و شصت و دو (۳۶۲) در همان مشهد مقابر قریش علی

دعاهای حضرت امام علی نقی علیه السلام

ساکینه السلام، و او گفت که خبر داد مارا سلامه بن محمد از دی و او گفته که خبر داد به من ابوالقاسم عبدالواحد موصلی از روی اجازه و روایت نموده است به من ابو محمد جعفر بن احمد بن عبدالله بن عقیل بن عبدالله بن عقیل بن محمد بن عبدالله بن عقیل بن ابوطالب علیه السلام و او گفته که حدیث نمود به من علی بن احمد بن محمد بن حسین بن اسحق بن جعفر بن محمد و او گفته که حدیث نمود به من ابو روح نسائی از حضرت ابوالحسن امام علی نقی علیه السلام از امام محمد تقی علیه السلام آن که آن حضرت این دعا را خواندند که بعد از این مذکور می شود از جهت دفع ضرر متوکل بعد از آن که حمد و ثناء الهی را بجای آوردند.

ایضاً سید بن طاووس رحمه الله گوید: سند این دعا را یافته ام که به روایتی دیگر منقول است و عبارت آن این است: روایت شده به سندهای معتبر از زرافه دربارن متوکل که مرد شیعه ای بود، آن که روزی متوکل فتح بن خاقان را در نزد خود حاضر نمود و او در نزد متوکل آن قدر قرب و منزلت داشت که هیچ یک از مردم و فرزندان و اهل بیت او در نزد او آن قدر منزلت نداشتند و خواست که بر مردم مرتبه او را ظاهر سازد.

پس همه اهل مملکت خود را از جماعت اعزّه اهل خود و غیر ایشان را از وزرا و امرا و ارکان دولت و لشگریان خود و سایر اعزّه ناس را امر کرد که زینت کنند و لباسها فاخر پوشند و همگی پیاده در پیش روی متوکل از شهر بیرون روند و هیچ احدی سوار نشود الا متوکل و فتح بن خاقان، پس آن دو در شهر سرّمن رای سوار شدند و همگی مردم پیاده پیشاپیش و در نزد متوکل نسبت به مرتبه های خود می رفتند تا آن که از شهر بیرون رفتند، در آن روز هوا در نهایت گرمی و شدت حرارت بود و از جمله اشراف و اعزّه حضرت امام علی نقی علیه السلام بودند (که از جهت خوف و تقیه ایشان نیز حاضر بودند) و پیاده حرکت می نمودند و شدت حرارت هوا به ایشان تأثیر نموده، در کمال تعب و زحمت بودند.

زرافه گوید: من به آن حضرت رسیدم و ایشان را به آن حال پیاده و در کمال تعب و آزار دیدم. گفتم ای سید من، قسم بخدا آنچه من از این یاغی ظالم می بینم و این مشقت و آزاری که از او به شما رسیده است، بر من بسیار گران و ناگوار است و دست ایشان را گرفتم. آن حضرت به من تکیه فرمودند و گفتند: ای زرافه ناچه صالح نزد خدای تعالی از من گرامی تر و عزیز تر نبوده.

راوی گوید: نمی دانم که به این عبارت فرمودند یا آن که فرمودند: قدر و منزلت ناچه صالح در نزد خدای تعالی بزرگتر و بیشتر از قدر و منزلت من نبود.

آن گاه من در خدمت آن حضرت می رفتم و مسئله هایی از آن حضرت پرسیدم و

دعاهای حضرت امام علی نقی علیه السلام

فراگرفتم و فایده‌مند گردیدم و همچنان صحبت داشتم تا آن که متوکل فرود آمد و همگی مردم را رخصت نمود که به شهر و به خانه‌های خود برگردند. چارپاهای مردم را پیش آوردند و همه سوار شده، به خانه‌های خود برگشتند. من استر آن حضرت را پیش بردم و ایشان را سوار نمودم و خود نیز سوار شده در خدمت آن حضرت بودم تا آن که به خانه آن حضرت رسیدیم و ایشان فرود آمد از خدمت ایشان وداع نمودم و به خانه خود رفتم.

از برای فرزندان من معلّمی شیعه از اهل دانش و فضل بود و عادت من چنان بود که در وقت طعام خوردن او را حاضر می‌نمودم و با او طعام صرف می‌نمودم. آن مرد حاضر شد و با هم طعام صرف می‌نمودیم و احوالات آن روز و افعال متوکل و سواری او و فتح بن خاقان و پیاده رفتن اعزّه‌ها در جلو ایشان و کیفیت آنچه‌ها که به آن حضرت از آزار و مشقت رسیده بود و آنچه‌ها که مشاهده نموده بودم، حکایت کردم تا آن که گفتم آنچه‌ها که از آن حضرت شنیده بودم که فرمودند: ناقة صالح در نزد خدای تعالی از من گرمی‌تر و عزیزتر نبوده، چون آن شخص معلّم، این سخن را شنید دبست از خوردن کشید و گفت قسم می‌دهم تو را به خدا که این لفظ را از آن حضرت شنیدی؟ من گفتم: بخدا قسم که این را شنیدم که آن حضرت فرمودند. آن مرد طالب علم به من گفت این را بدان که متوکل بیش از سه روز دیگر در مملکت و پادشاهی خود باقی نخواهد ماند و هلاک خواهد شد، برخیز و فکری در کار خود کن و اموال و اسباب خود را پنهان کن و تهیّه خود را ببین و مهیا باش که مبادا به سبب هلاکت متوکل به تو نیز آسیبی و بلائی رسد و اموال تو به تاراج رود.

بعد از این به آن شخص معلّم، گفتم: تو از کجا دانستی که متوکل هلاک خواهد شد. در جواب گفت: آیا تو در قرآن، در قصه صالح پیغمبر علیه السلام را نخوانده‌ای: «تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، ذَلِكَ وَغْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ». «بهره برید از زندگانی در حالی که باشید در خانه‌های خود تا سه روز این وعده‌ای است که دروغ نیست».

جایز نیست که سخن امام و معصوم باطل شود. زرافه گفت: به خدا قسم که روز سوم بود که منتصر خروج نمود و با او جماعت خارجیان و طائفه وصیف و اتراک بودند و بر متوکل هجوم نمودند و او را و فتح بن خاقان را کشتند و پاره پاره کردند که یکی از آن دو از دیگری شناخته نشدند و خدای تعالی پادشاهی و مملکت آن را برطرف نمود.

زرافه گوید: من بعد از قتل متوکل به خدمت آن حضرت رسیدم و سخنان و گفتگویی که مابین من و آن شخص معلّم گذشته بود اظهار نمودم.

آن حضرت فرمودند: آن شخص راست گفت. در آن هنگامی که به من آن مشقت

دعاهای حضرت امام علی نقی علیه السلام

رسیده بود، به گنجهای رجوع نمودم که به ما از پدران خود رسیده است که در نزد ما از قلعه ها و یراق و زر و نقره عزیزتر است، که آن دعای شخص مظلوم جهت دفع شر ظالم است. دعائی را خواندم. خدای تعالی متوکل را هلاک نمود.

زرافه گوید: من گفتم ای سید من می خواهم که به من این دعا را تعلیم کنید. آن حضرت آن دعا را تعلیم نمودند و دعا این است:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ وَ قُلَانَا عَبْدَانِ مِنْ عَبیدِكَ، نَوَاصِبِنَا بِیَدِكَ، وَ تَعْلَمُ

خداوند ایدرستی که من و فلان شخص دو بنده ایم از بندگان تو پیش سرهای ما به دست قدرت توست می دانی

مُسْتَقَرَّنَا وَ مُسْتَوْدَعُنَا، وَ تَعْلَمُ مُنْقَلَبَنَا وَ مَثْوَانَا، وَ سِرَّنَا وَ

محل قرار ما را و موضعی را که سپرده شده ایم در آن و می دانی تغییرات احوال ما را در دنیا و بازگشت ما در آخرت و

عَلَانِیَّتِنَا، وَ تَطَّلِعُ عَلٰی نِیَّاتِنَا، وَ تُحِیْطُ بِضَمَائِرِنَا، عَلِمُكَ بِمَا

امرو نهانی ما را و آشکار ما را و مطلق بر قمدهای ما و احاطه نموده ای بر پوشیده های در خاطرهای ما دانش تو

نُبْدِیهِ كَعِلْمِكَ بِمَا نُخْفِیهِ، وَ مَعْرِفَتُكَ بِمَا نُبْطِنُهُ كَمَعْرِفَتِكَ بِمَا

به آنچه ظاهر می کنیم آنرا مثل دانش توست به آنچه پنهان می گردانیم آنرا و شناخت تو به آنچه پوشیده می داریم آنرا مانند شناخت توست

نُظْهِرُهُ، وَ لَا یَنْطَوِیْ عَلَیْكَ شَیْءٌ مِنْ اُمُورِنَا، وَ لَا یَسْتَقِرُّ دُونَكَ

به آنچه آشکار می داریم آنرا و پوشیده نیست بر تو چیزی از امرهای ما و پنهان نیست در نزد تو

حَالٌ مِنْ اَحْوَالِنَا، وَ لَا لَنَا مِنْكَ مَعْقِلٌ یُحْصِنُنَا، وَ لَا حِرْزٌ یُخْرِزُنَا، وَ

حالی از حالهای ما و نیست برای ما از تقدیر تو ملجائی و قلعه ای که محافظت نماید ما را و نه پناهی که نگاهدارد ما را و

لَا مَهْرَبٌ یَفُوتُكَ بِهِ مِنَّا، وَ لَا یَمْتَنِعُ الظَّالِمُ مِنْكَ بِسُلْطَانِهِ، وَ لَا

نه گریزگاهی که برطرف کند عقوبت تو را از ما و سرپیچی نمی تواند نمود ستم کننده ای از فرمان و عذاب تو به سبب پادشاهی خود، و

یُجَاهِدُكَ عَنْهُ جُنُودُهُ، وَ لَا یُغَالِبُكَ مُغَالِبٌ بِمَنْعَةٍ، وَ لَا یُعَازُكَ

نزاع نمی کند تو را از جانب او سپاه او و غلبه نمی کند بر تو غلبه کننده ای به سبب حامیان خود و فایق نمی شود

مُتَعَزِّزٌ بِكَثْرَةِ مَعُونَةٍ، اَنْتَ مُدْرِكُهُ اَیْنَمَا سَلَكَ، وَ قَادِرٌ عَلَیْهِ اَیْنَمَا لَجَا

بر و صاحب تقوتی به سبب بسیاری معاون که عقوبت تو می رسد به او هر کجا که رفته است او و قدرت داری بر او هر کجا که پناه برده است

فَمَعَاذُ الْمَظْلُومِ مِنَّا بِكَ، وَ تَوَكَّلُ الْمُقْهُورِ مِنَّا عَلَیْكَ، وَ رُجُوعُهُ

پس پناه ستم رسیده از ما به توست و اعتماد جبر کرده شده از ما دو تا بر توست و بازگشت او

إِلَیْكَ، یَسْتَعِیْثُ بِكَ اِذَا خَذَلَهُ الْمُغِیْثُ، وَ یَسْتَضَرِّخُكَ اِذَا قَعَدَ

به سویت ست طلب فریادرس می نماید مظلوم از تو هرگاه ترک یاری نماید او را فریادرس غیر تو و آواز می کند و می طلبد و می طلبد ترا

عَنْهُ النَّصِیْرُ، وَ یُلُوْذُ بِكَ اِذَا نَفَثَ الْاَفْنِیَّةُ، وَ یَطْرُقُ بِابِكَ اِذَا

هرگاه بنشیند از اعانت او یاری کننده سویت و پناه می برد به تو هرگاه نباشد او را فضاها و آستانها و می کوبد آن مظلوم در رحمت را

دعاهای حضرت امام علی نقی (علیه السلام)

أُغْلِقَتْ دُونَهُ الْأَبْوَابُ الْمُرْتَجَّةُ، وَ يَصِلُ إِلَيْكَ إِذَا اخْتَجَبَتْ عَنْهُ

هرگاه بسته شده باشد نزد او درهای بسته شده و می رسد مظلوم به سوی هرگاه در پرده نشسته باشد از او

الْمُلُوكُ الْغَافِلَةُ، تَعْلَمُ مَا حَلَّ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَشْكُوهُ إِلَيْكَ، وَ تَعْرِفُ مَا

پادشاهان غافل، می دانی آنچه را که رسیده (یعنی از ظلم) به مظلوم پیش از آن که شکوه نماید آنرا بسویت و می شناسی آنچه را

يُصْلِحُهُ قَبْلَ أَنْ يَدْعُوكَ لَهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ سَمِيعاً بَصِيراً لَطِيفاً

که صلاح او در آن است پیش از آن که بخواند تو را از جهت آن از برای توست ستایش در حال یکه شنوایی دعای مرا و بنیایی حال مرا

قَدِيراً. اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ كَانَ فِي سَابِقِ عِلْمِكَ وَ قَضَائِكَ وَ مَاضِي

و بسیار دانایی و توانایی خداوند ابدی که ثابت است در پیش از علمت و در قدرت و در گذشته

حُكْمِكَ، وَ نَافِذِ مَشِيَّتِكَ فِي خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، سَعِيدِهِمْ وَ شَقِيهِمْ، وَ

از فرمان تو و در روان از اراده تو در شأن آفریدگان تو همگی نیکیخت ایشان و بدبخت ایشان و

بَرِّهِمْ وَ فَاجِرِهِمْ، أَنْ جَعَلْتَ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ عَلَى قُدْرَةٍ فَظَلَمَنِي

نیکوکار ایشان و بدکار ایشان آن که گردانیده ای برای فلان (ظالم) پسر فلان شخص بر من توانایی را ستم کرده است مرا

بِهَا، وَ بَغَى عَلَى لِمَكَانِهَا، وَ تَعَزَّزَ عَلَى بِسُلْطَانِهِ الَّذِي خَوَّلْتَهُ إِيَّاهُ،

به سبب آن و جور نموده است بر من از جهت بودن آن قدرت و غالب گشته است بر من به سبب پادشاهی او که بخشیده ای آنرا به او

وَ تَجَبَّرَ عَلَى بَعْلُو حَالِهِ الَّتِي جَعَلْتَهَا لَهُ، وَ غَرَّهُ إِمْلَاؤُكَ لَهُ، وَ

و تکبر نموده است او بر من به سبب بلندی حال او که گردانیده ای آنرا برای او و مغرور ساخته است او را مهلت دادن تو او را و

أَطْغَاهُ حِلْمُكَ عَنْهُ، فَقَصَدَنِي بِمَكْرُوهِ عَجَزْتُ عَنِ الصَّبْرِ عَلَيْهِ، وَ

یغی نموده است او را بردباریت از او اراده نموده است مرا به سبب که عاجز گشتم از صبر نمودن بر او و

تَعَمَّدَنِي بِشَرِّ ضَعْفَتُ عَنِ احْتِمَالِهِ، وَ لَمْ أَقْدِرْ عَلَى الْإِنْتِصَارِ مِنْهُ

قصود نموده است مرا به شری که ضعیفم از متحمل شدن او و قادر نیستم بر انتقام کشیدن او از

لِضَعْفِي، وَ الْإِنْتِصَافِ مِنْهُ لِذُلِّي، فَوَكَّلْتُهُ إِلَيْكَ، وَ تَوَكَّلْتُ فِي

جهت ناتوانی من و برگشتی حق خود از او از جهت نداشتن معاونی بازگذاشتم آن دشمن را بسویت و اعتماد نمودم در

أَمْرِهِ عَلَيْكَ، وَ تَوَعَّدْتُهُ بِعُقُوبَتِكَ، وَ حَذَرْتُهُ بِسَطْوَتِكَ، وَ خَوَّفْتُهُ

امر او بر تو و بیمناک نمودم او را به عذاب تو و تخویف کردم او را از شدت خشم و تخویف کردم او را

بِنَقْمَتِكَ، فَظَنُّ أَنْ حِلْمَكَ عَنْهُ مِنْ ضَعْفٍ، وَ حَسِبَ أَنَّ إِمْلَاؤَكَ لَهُ مِنْ

از شدت خشم و ترسانیدم او را از عقاب تو گمان کرده است آن که حلمت از او از جهت ناتوانی توست مهلت دادن تو او را از

عَجْزٍ، وَ لَمْ تَنْهَهُ وَاحِدَةً عَنْ أُخْرَى، وَ لَا أَنْزَجَرَ عَنْ ثَانِيَةٍ بِأُولَى، وَ

جهت عاجز بودن تو است و باز نداشته است او را یک گناه از گناهی دیگر و پشیمان نشده است از معصیت دوم به سبب کردن معصیت اول.

لَكِنَّهُ تَمَادَى فِي غِيهِ، وَ تَتَابَعَ فِي ظُلْمِهِ، وَ لَجَّ فِي عُذْوَانِهِ، وَ

لکن مداومت نموده است در گمراهی خود و پیایی نموده است در ستم نمودن با خود و لجاج ورزیده است در دشمنی نمودن با خود، و

دعاهای حضرت امام علی نقی علیه السلام

اسْتَشْرِي فِي طُغْيَانِهِ، جُرْأَةً عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي وَتَعَرُّضاً لِسَخْطِكَ

ایرام نموده‌است در سرکشی نمودن خود از جهت جرأت نمودن بر تو ای مولای من و از جهت متعرض شدن مر غضب تو را

الَّذِي لَا يُرَدُّ، وَ نَقَمَتِكَ الَّتِي لَا تُرَدُّ عَنِ الظَّالِمِينَ، وَ قِلَّةَ اكْتِرَاتِ

که برگردیده نمی‌شود و مر عقوبت تو را که برگردیده نمی‌شود از ستمکاران و از جهت کمی بروای

بِبَأْسِكَ الَّذِي لَا تَحْبِسُهُ عَنِ الْبَاغِينَ، وَ فَهَا أَنَا ذَا يَا سَيِّدِي

بـه عـقوبت تو که مـنـع نمی‌کنی آنرا از ظالمان اینک من ای سید من

مُسْتَضْعَفٌ فِي يَدَيْهِ، مُسْتَضَامٌ تَحْتَ سُلْطَانِهِ، مُسْتَذِلٌّ بِفِنَائِهِ،

معیف گشته‌ام در دست او ستم رسیده‌شده‌ام در زمان پادشاهی او ذلیل گشته‌ام در فضای خانه او

مَغْلُوبٌ مَبْغِيٌّ عَلَيَّ، مَغْضُوبٌ وَ جَلُّ خَائِفٌ مُرَوَّعٌ مَقْهُورٌ، قَدْ قَلَّ

معلوم ظلم رسیده‌شده‌است بر من غضب کرده‌شده‌ام ترسان و خوفناکم، من بی‌مناکم غلبه کرده‌شده‌ام بتحقیق که کم است

صَبْرِي وَ ضَاقَتْ حِيلَتِي، وَ انْغَلَقَتْ عَلَيَّ الْمَذَاهِبُ إِلَّا إِلَيْكَ، وَ

صبر من و تنگ است چاره من و بسته شده‌است بر من راهها مگر راهی که آید بسوی تو، و

انْسَدَّتْ عَلَيَّ الْجِهَاتُ إِلَّا جَهَّتُكَ، وَ التَّبَسَّتْ عَلَيَّ أُمُورِي فِي دَفْعِ

مسدود گشته‌است بر من سمتها مگر سمت تو و مشتبه گشته‌است بر من امرهای من در دفع نمودن

مَكْرُوهِهِ عَنِّي، وَ اشْتَبَهَتْ عَلَيَّ الْأَرَاءُ فِي إِزَالَةِ ظُلْمِهِ، وَ خَذَلَنِي

ناخوشی دشمن را از خود و پوشیده شده‌است بر من رایها در برطرف کردن ظلم او را و یاری نکرد مرا کسی که

مَنْ اسْتَنْصَرْتُهُ مِنْ عِبَادِكَ، وَ أَسْلَمَنِي مَنْ تَعَلَّقْتُ بِهِ مِنْ خَلْقِكَ

طلب یاری نمودم از او از بندگان تو و واگذاشت مرا به هلاکت شخصی که در آویختم به او از آفریدگان

طَرّاً، وَ اسْتَشَرْتُ نَصِيحِي فَأَشَارَ عَلَيَّ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ، وَ

تو همگی و مشورت کردم با نصیحت کنندة خودم اشاره کرد او بر من بخواهش کردن و

اسْتَرْشَدْتُ دَلِيلِي فَلَمْ يَدُلَّنِي إِلَّا عَلَيْكَ، فَرَجَعْتُ إِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ

میل نمودن بسویت و طلب راهنمایی کردم از راهنمایی خود راه نمود مرا مگر بر تو برگشتم بسویت ای مولای من

صَاغِراً رَاغِماً مُسْتَكِيناً عَالِماً أَنَّهُ لَا فَرَجَ لِي إِلَّا عِنْدَكَ، وَ لَا

در حال یکه ذلیل و خواریم و رو به خاک مالندمام و زاری کنندمام و دانایم به آن که نیست

خَلَاَصَ لِي إِلَّا بِكَ، أَتَنْجِزُ وَعْدَكَ فِي نُصْرَتِي، وَ إِجَابَةِ دُعَائِي،

گشایشی برای من مگر از نزد تو نیست نجاتی برای من مگر به سبب تو طلب می‌کنم برآمدن وعده تو را در یاری نمودن من و در برآوردن حاجت من

فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ لَا يُبَدَّلُ، وَ مَنْ بُغِيَ عَلَيْهِ

پس بدرستی که گفته‌ای و گفتارت راست است که بر نمی‌گردد و تغییر نمی‌یابد آن که و کسی ظلم رسیده شود بر او

لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ. وَ قُلْتَ جَلَّ جَلَالُكَ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ: اُدْعُونِي

هر آینه البته که یاری می‌کند او را خدا و فرموده‌ای که بزرگ است بزرگیت و منزّه و پاکیزه‌است نامهایت آن که بخوانید مرا تا

دعاهای حضرت امام علی نقی علیه السلام

أَسْتَجِبْ لَكُمْ. وَأَنَا فَاعِلٌ مَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، وَ

آن که بر آورم مطلب شمارا من کنندهام آنچه را که فرمودهای مرا بر آور حاجت مرا همچنانکه وعده نموده‌ای مرا، و

إِنِّي لَا عَلَمَ يَا سَيِّدِي إِنَّ لَكَ يَوْمًا تَنْتَقِمُ فِيهِ مِنَ الظَّالِمِ لِلْمَظْلُومِ،

بدرستی که من هر آینه می دانم ای مولای من آن که از برای توست روزی که انتقام کشی در آن روز از ستم کننده برای ستم کرده شده

وَأَتَيَقَّنُ أَنَّ لَكَ وَقْتًا تَأْخُذُ فِيهِ مِنَ الْغَاصِبِ لِلْمَغْضُوبِ، لِأَنَّكَ لَا

و یقین می دانم آن که برای توست وقتی که می ستانی در آن وقت از غصب کننده حقی که باشد برای غصب کرده شده از جهت آن که تویی که

يَسْبِقُكَ مُعَانِدٌ، وَلَا يَخْرُجُ عَنْ قَبْضَتِكَ مُنَابِدٌ، وَلَا تَخَافُ قُوَّةَ

بیشتری نمی گیرد تورادشمنی و بیرون نمی رود از دست قدرت تو نزاع کننده و نمی ترسی قوت شدن

فَأَتَيْتِ، وَلَكِنْ جَزَعِي وَهَلْعِي لَا يَبْلُغَانِ بِيَ الصَّبْرِ عَلَى أَنْتِكَ، وَ

قوت نشونده‌ای را ولیکن بیستایی من و افراط من نمی رسانند به من صبر کردن بر مدارای تورا و

اِنْتِظَارِ حِلْمِكَ، فَقَدَرْتُكَ يَا مَوْلَايَ فَوْقَ كُلِّ قُدْرَةٍ، وَ سُلْطَانِكَ غَالِبُ

صبر بر انتظار کشیدن حلم تورا قدرت تو ای مولای من بالای هر قدرتی است و پادشاهیت غلبه کننده

كُلِّ سُلْطَانٍ، وَ مَعَادُ كُلِّ أَحَدٍ إِلَيْكَ وَ إِنِّ أُمَهْلَتُهُ، وَ رُجُوعُ كُلِّ ظَالِمٍ

هر پادشاهی است و بازگشت هر احدی بسوی توست و هرچند واگذارده‌ای او را و بازگشت هر ستم کننده‌ای

إِلَيْكَ وَ إِنِّ أَنْظَرْتَهُ، وَ قَدْ أَضْرَبَنِي يَا سَيِّدِي حِلْمُكَ عَنْ فُلَانِ بْنِ

بسوی توست و اگرچه مهلت داده‌ای او را و بنحقیق که ضرر رسانیده‌است به من ای مولای من حلمت از فلان پسر

فُلَانٍ، وَ طَوَّلُ أَنْتِكَ لَهُ وَ إِمْهَالُكَ إِيَّاهُ، وَ كَادَ الْقَنُوطُ يَسْتَوِلِي

فلان و درازی مدارای برای او و مهلت دادن تو او را و نزدیک است که ناامیدی مسلط شود بر من

عَلَيَّ، لَوْ لَا الثِّقَّةُ بِكَ وَالْيَقِينُ بِوَعْدِكَ، فَإِنْ كَانَ فِي قَضَائِكَ النَّافِذِ

اگر نمی بود اعتماد من به تو و یقین داشتن من به وعده تو اگر باشد در حکمت که جاری است

وَ قُدْرَتِكَ الْمَاضِيَةِ أَنْ يُنِيبَ أَوْ يَتُوبَ أَوْ يَرْجِعَ عَنْ ظُلْمِي أَوْ

و در قدرت تو که گذشته‌است آن که بازگشت نماید دشمن یا آن که توبه نماید یا آن که برگردد از ظلم کردن بر من یا

يَكْفُ مَكْرُوهُهُ عَنِّي، وَ يَنْتَقِلَ عَظِيمُ مَا رَكِبَ مِنِّي، فَصَلِّ عَلَى

اینکه باز دارد بدی خود را از من و منتقل شود از بزرگی آنچه مرتکب شده‌است از من رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَوْقِعْ ذَلِكَ فِي قَلْبِهِ السَّاعَةَ السَّاعَةَ قَبْلَ

محمد و آل محمد و واقع ساز این توبه را در دل او در این ساعت و الحال پیش از

إِزَالَةِ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ، وَ تَكْدِيرِ بَرِّكَ وَ مَعْرِوْفِكَ

برطرف کردن نعمت تورا که انعام نموده‌ای آنرا بر من و پیش از تیره گردانیدن نیکنوی تورا و احسان تورا

الَّذِي صَنَعْتَهُ عِنْدِي، وَ إِنِّ كَانَ فِي عِلْمِكَ بِهِ غَيْرُ ذَلِكَ مِنْ مَقَامِ

که احسان کرده‌ای آنرا نزد من و اگر باشد در علمت به آن شخص ظالم غیر از این از ایستادگی نمودن او

دعاهای حضرت امام علی نقی علیه السلام

عَلَى ظُلْمِي، فَأَسْأَلُكَ يَا نَاصِرَ الْمَظْلُومِ الْمُبْغِي عَلَيْهِ إِجَابَةً

بر ظلم سؤال می‌کنم تو را ای یاری دهنده ستم رسیده‌ای که ظلم کرده‌شده بر اوست آن که برآوری

دَعْوَتِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ خُذْهُ مِنْ مَأْمَنِهِ أَخْذَ عَزِيزٍ

حاجت مرا و رحمت فرستی بر محمد و بر خاندانش و فروگیری او را از محل قرار او گرفتن غلبه کننده‌ای

مُقْتَدِرٍ، وَ افْحَاةُ فِي غَفْلَتِهِ مُفَاجَاةَ مَلِكٍ مُنْتَصِرٍ، وَ اسْلُبْهُ نِعْمَتَهُ

بسیار با قدرت و ناگهانه گیر او را در غفلتش ناگهانه گرفتن پادشاهی با قوت و برطرف نمایی از او نعمتش را

وَ سُلْطَانَهُ، وَ قُلْ عَنْهُ جُنُودُهُ وَ أَغْوَانُهُ، وَ مَزِقْ مُلْكَهُ كُلَّ مُفَرِّقٍ، وَ

و پادشاهی اش را و گویند کن از او تندی سپاهش را و مددکاران او را و برطرف کن مملکت او را نهایت برطرف کردنی و

فَرِّقْ أَنْصَارَهُ كُلَّ مُفَرِّقٍ، وَ أَغْرِهِ مِنْ نِعْمَتِكَ الَّتِي لَمْ يُقَابِلْهَا

پراکنده نمایی یاری کنندگان او را نهایت پراکندگی و برهنه نمایی او را از نعمت خود که برابر نکرده‌است آنرا

بِالشُّكْرِ، وَ انْزِعْ عَنْهُ سِرْبَالَ عِزِّكَ الَّذِي لَمْ يُجَازِهِ بِالْإِحْسَانِ، وَ

به شکرگذاری و بیرون کن از او جامه غلبه دادن تو او را که مکافات ننموده‌است او را به نیکنی و

اقْصِمُهُ يَا قَاصِمَ الْجَبَابِرَةِ، وَ أَهْلِكَ يَا مُهْلِكَ الْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، وَ

بشکن پشست او را ای شکننده پست مستکبران و برطرف کن او را ای برطرف کننده امتهای گذشته، و

أَبِرْهُ يَا مُبِيرَ الْأُمَمِ الطَّاعِيَةِ، وَ اخْذُلْهُ يَا خَاذِلَ الْفِتْنَةِ الْبَاغِيَةِ، وَ

هلاک کن او را ای هلاک سازنده قبیله‌های ستم کننده و خوار کن او را ای خوار کننده گروه فساد کنندگان و

ابْتَرْ عُمُرَهُ، وَ ابْتَرْ مُلْكَهُ، وَ عَفِّ أَثَرَهُ، وَ اقْطَعْ خَبْرَهُ، وَ أَطْفِ نَارَهُ، وَ

کوتاه کن زندگانی او را و برطرف نمایی پادشاهی او را و محو کن نشان او را و قطع کن خبر او را و خاموش کن آتش فساد او را، و

أَظْلِمْ نَهَارَهُ، وَ كَوِّرْ شَمْسَهُ، وَ أَزْهِقْ نَفْسَهُ، وَ أَهْشِمْ شِدَّتَهُ، وَ جُرِّ

سایه کن روز او را و بپوش دور گردان آفتاب دولت او را و بیرون کن جان او را و سست گردان سختی او را و ببر

سِنَامَهُ، وَ أَرْغِمْ أَنْفَهُ، وَ لَا تَدَعْ لَهُ جُنَّةً إِلَّا هَتَكَتْهَا، وَ لَا دِعَامَةً إِلَّا

کوهان رفعت او را و بر خاک مال بینی او را و مگذار برای او سپری نگاهدارنده مگر آن که پاره نموده باشی او را و نه ستونی مگر

قَصَمْتَهَا، وَ لَا كَلِمَةً مُجْتَمِعَةً إِلَّا فَرَّقْتَهَا، وَ لَا قَائِمَةً عَلُوًّا إِلَّا

آن که شکسته باشی آنرا و نه کلمه جمیع گردیده شده‌ای مگر آن که پراکنده کرده باشی آنرا و نه

وَضَعْتَهَا، وَ لَا رُكْنًا إِلَّا وَهَنْتَهُ، وَ لَا سَبَبًا إِلَّا قَطَعْتَهُ، وَ أَرِهْ أَنْصَارَهُ

بایه بلندی مگر آن که پست نموده باشی آنرا و نه قوتی مگر آن که سست نموده باشی آنرا و نه وسیله‌ای مگر آن که قطع نموده باشی آنرا

وَ جُنْدَهُ عِبَادِيَدَ بَعْدَ الْأُلْفَةِ، وَ شَتَّى بَعْدَ اجْتِمَاعِ الْكَلِمَةِ، وَ مُقْنِعِي

و بنمای به و مددکاران او را و سپاه او را پراکنده کن بعد از التیام ایشان و متفرق گردان آنها را از موافقت نمودن در سخن

الرُّؤُسِ بَعْدَ الظُّهُورِ عَلَى الْأُمَّةِ، وَ اشْفِ بِرِوَالِ أَمْرِهِ الْقُلُوبَ

و رای و بالا نگاهدارنده سرهای خود بعد از ظهور شدن بر امت و شفاده به سبب برطرف شدن دولت او دلهای

دعاهای حضرت امام علی نقی علیه السلام

الْمُنْقَلَبَةُ الْوَجِلَةَ، وَالْأَفِيدَةَ اللَّهْفَةَ، وَالْأُمَّةَ الْمُتَحِيرَةَ، وَالْبَرِيَّةَ

مستغیر و مضطرب ترسان را و قلبهای ستم رسیده دردناک را و فرقه حیران را و خلائق

الضَّائِعَةَ، وَأَدِلُّ بِبَوَارِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ، وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، وَ

مایع شده را و غالب گردان به سبب هلاکت دشمن حذای معطل را و حکمهای احمال کرده شده را و

السُّنَنَ الدَّائِرَةَ، وَالْمَعَالِمَ الْمُغَيَّرَةَ، وَالْقِلَافَاتِ الْمُتَغَيَّرَةَ، وَ

طریقه های مندرس شده را و جایهای علوم تغییر یافته شده را و قرآنهای و احادیث خوانده شده تبدیل داده شده را و

الْآيَاتِ الْمُحَرَّفَةَ، وَالْمَدَارِسَ الْمَهْجُورَةَ، وَالْمَحَارِيبَ الْمَجْفُورَةَ، وَ

آیه های تحریف و تغییر داده شده را و درس گاههای ترک کرده شده را و محرابهای دور و خالی از مردمان و

الْمَسَاجِدَ الْمَهْدُومَةَ، وَ أَرْخِ بِهِ الْأَقْدَامَ الْمُتَعَبَةَ، وَ أَشْبِعْ بِهِ

مسجدهای خراب شده را و راحت بده به سبب هلاکت دشمن قدمهای رنج کشیده شده را و سیر گردان به سبب آن شکم به

الْخِمَاصَ السَّاعِبَةَ، وَ أَرِوْ بِهِ اللَّهَوَاتِ الْأَغْبَةَ، وَالْأَكْبَادَ الظَّامِيَةَ،

اندرون رفته بسار گر سته را و سیراب گردان به سبب آن کسانی را که گوشتهای ذهن ایشان فاسد شده باشد و سیراب کن جگرهای تشنه را

وَ اطْرُقْهُ بِلَيْلَةٍ لَا أُخْتَ لَهَا، وَ سَاعَةً لَا مَتَوًى فِيهَا، وَ بِنَكْبَةٍ لَا

وارد ساز عذاب خود را به او در شبی که نباشد مثلی برای آن شب در بدی و در ساعتی که نباشد برای او آرامی و قراری در آن ساعت و برسان به او

انْتِعَاشَ مَعَهَا، وَ بَعَثَرَةَ لَا إِقَالَةَ مِنْهَا، وَ أَبِحْ حَرِيمَهُ وَ نَغْصِ

و مصیبتی را که نباشد خوشحالی با آن مصیبت و بروی افتادنی را که نباشد در گذشته از آن و مباح گردان احترام و حرمت او را و تیره نمای بر او

نَعِيمَهُ، وَ أَرِهِ بِطُشَّتِكَ الْكُبْرَى، وَ نِقْمَتِكَ الْمُثْلَى، وَ قُدْرَتِكَ الَّتِي

نعمتهای او را و بنمای به او قهر و غضب بزرگ خود را به عقوبت معیوب کننده خود را و توانانیت را که آن توانایی

هِيَ فَوْقَ كُلِّ قُدْرَةٍ، وَ سُلْطَانِكَ الَّذِي هُوَ أَعَزُّ مِنْ سُلْطَانِهِ، وَ اغْلِبْهُ

بالاتر از هر توانایی است و پادشاهیت را که آن غلبه کننده تر از پادشاهی اوست، و مغلوب گردان

بِإِيقَاتِكَ الْقَوِيَّةِ، وَ مَخَالِكَ الشَّدِيدِ، وَ امْنَعْنِي مِنْهُ بِمَنْعَتِكَ

او را برای من به قوت تو که قوی است به کید و عقوبت تو که سخت است و نگاهدار مرا به سبب منع نمودن تو

الَّتِي كُلُّ خَلْقٍ فِيهَا ذَلِيلٌ، وَ ابْتَلِهِ بِفَقْرٍ لَا تَجْبُرُهُ، وَ بِسُوءٍ لَا

که هر آفریدگاری در آن خوار است و مبتلا گردان او را به احتیاجی که غنی نگردانی او را و به بدی که پنهان نکنی

تَسْتُرُهُ، وَ كُلَّهُ إِلَى نَفْسِهِ فِيمَا يُرِيدُ، إِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ، وَ أَبْرِئُهُ

تو آن را و واگذار او را به سوی نفس خودش در آنچه اراده می نماید بدرستی که تو کننده ای مر آنچه را که می خواهی و خالی گردان

مِنْ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، وَ أَخْوِجْهُ إِلَى حَوْلِهِ وَ قُوَّتِهِ، وَ أَذِلَّ مَكْرَهُ

او را از قوت و قدرت از جانب تو و محتاج گردان او را به قدرت و توانایی خودش و خوار گردان حیله او را

بِمَكْرِكِ، وَ ادْفَعْ مَشِيَّتَهُ بِمَشِيَّتِكَ، وَ أَسْقِمْ جَسَدَهُ، وَ أَيِّتْمْ وَلَدَهُ، وَ

به مکر خود و برطرف کن اراده او را به سبب اراده خود و بیمار کن بدن او را و یتیم گردان فرزندان او را و

دعاهای حضرت امام علی نقی علیه السلام

انْقُصْ أَجَلَهُ، وَ خَيِّبْ أَمَلَهُ، وَ أزلْ دَوْلَتَهُ وَ أَطْلُ عَوْلَتَهُ، وَ اشْغَلْهُ

کوتاه کن مدت عمر او را و برنیاور آرزوی او را و زائل گردان دولت او را و بلند گردان آوازه گریه او را و مشغول گردان

فِي بَدَنِهِ، وَ لَا تَفُكَّهُ مِنْ حُزْنِهِ، وَ صَيِّرْ كَيْدَهُ فِي ضَلَالٍ، وَ أَمْرَهُ إِلَى

او را در بدن خودش و جدا مساز او را از اندوه خودش و بگردان دشمنی او را در گمراهی و امر او را بسوی

زَوَالٍ، وَ نِعْمَتَهُ إِلَى انْتِقَالٍ، وَ جَدَّهُ إِلَى سَفَالٍ، وَ سُلْطَانَهُ فِي

زائل شدن و نعمت او را به سوی برطرف شدن و بزرگی او را به سوی پستی و پادشاهی او را در

اضْمِحَالٍ، وَ عَاقِبَةَ أَمْرِهِ إِلَى شَرِّ حَالٍ، وَ أَمْتَهُ بِغَيْظِهِ إِذَا أَمَّتَهُ، وَ

مضمحل شدن و عاقبت کار او را بسوی بدی حال و بمیران او را به خشم خودش هرگاه می میرانی او را و باقی گذار او را

أَبْقِهِ لِحُزْنِهِ إِنْ أَبْقَيْتَهُ، وَ قَبِي شَرَّهُ وَ هَمَزَهُ وَ لَمَزَهُ وَ سَطَوْتَهُ وَ

در اندوه خودش اگر باقی گذاری او را و نگاهدار مرا از شر او و از غیبت کردن او و از اشاره به گوشه چشم او و از قهر او و

عَدَاوَتَهُ، وَ الْمَحَهُ لَمَحَةً تَدْمِرُ بِهَا عَلَيْهِ، فَإِنَّكَ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ

از دشمنی او و نظر کن او را به نگاه خفت که هلاک نمائی به سبب آن نگاه او را بدرستی که تو سخت تری از همه مردمان در عذاب و شدید تری

تَنْكِيلًا.

در عفویت کردن.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: این دعای سابق، از جمله قنوتهای حضرت امام موسی علیه السلام مذکور شد و در این مقام نیز به روایتی دیگر از جمله دعاهای مولای ما حضرت امام علی نقی هادی علیه السلام ذکر شد، از جهت آن که مابین آنها در عبارت اندک تفاوتی بود، دیگر آن که در این روایت شرحی و حکایتی بود چنانچه مذکور شد و در روایت سابق شرحی نبود.

❁ دعائی که رد نشود ❁

دعای دیگر از برای مولای ما حضرت امام علی نقی هادی علیه السلام مروی از محمد بن احمد بن عبیدالله منصوری، از عموی پدر خود روایت نموده: به سید و مولای ما حضرت ابوالحسن امام علی نقی هادی علیه السلام گفتم: مرا دعائی را تعلیم کنید و مرا به آن مخصوص گردانید. حضرت فرمودند: ای موسی این دعا را بخوان:

يَا عُدَّتِي دُونَ الْعَدَدِ، وَ يَا رَجَائِي وَ الْمُعْتَمِدُ، وَ يَا كَهْفِي وَ السَّنْدُ،

ای تکیه و اسباب من نزد تهیه ها و جمعیتها و ای امید من و اعتماد داشته من و ای پناه من و قوت و تکیه گاه من.

يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ، يَا مَنْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَهُ مِنْ

ای یگانه ای یکتا ای کسی که اوست خدای یگانه سؤال می کنم از تو قسم به حق آن که آفریدی آنها را از

دعاهای حضرت امام علی نقی علیه السلام

خَلِّقْ، وَلَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى جَمَاعَتِهِمْ

میان آفریدگارت و نگرداندنمای در آفریدگارت مانند ایشان کسی را، آن که رحمت فرستی بر همه ایشان

و تَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا.

و بکن به من فلان کار و فلان کار را.

به درستی که من سؤال نموده‌ام از خدای سبحانه و تعالی که ناامید نکند کسی که این دعا را بخواند.

❁ دعا جهت دفع ظلم و نجات از فقر ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: خبر داد به ما محمد بن جعفر بن هشام اصبغی و او نقل نموده از یسع بن حمزه قمی، که عمرو بن مسعده وزیر معتصم خلیفه بر سر من ریخت و مرا زندانی نمود. تا آن که من می‌ترسیدم که مبادا خون مرا بریزد و اولاد و عیال مرا پریشان نماید. عریضه‌ای به خدمت مولای خود ابی الحسن امام علی نقی علیه السلام نوشتم و به سوی ایشان شکوه نمودم از آنچه بر من وارد شده بود.

آن حضرت در جواب نوشتند: مترس تو را هیچ باک نباشد، این دعا را بخوان که خدای تعالی تو را بزودی از آنچه در آن افتاده‌ای نجات می‌دهد و تو را خلاص می‌گرداند. به درستی که آل محمد علیهم السلام این دعا را می‌خوانند هرگاه ایشان را بلائی روی نماید و یا ایشان را کسی، دشمنی نماید و در وقتی که از درویشی و دلتنگی بترسند.

یسع بن حمزه گوید: من این دعائی را که آن حضرت آن را نوشته بودند در اوّل روز خواندم، قسم بخدا که هنوز قدری از روز نرفته بود که فرستاده عمرو بن مسعده وزیر آمد و گفت که وزیر تو را می‌طلبد.

بر خواستم و بنزد او رفتم. چون مرا دید تبسمی نموده و گفت زنجیر مرا برداشتند و خلعتی از جامه‌های فاخر خود به من پوشانید و بوی خوش بر من مالید و مرا نزدیک خود طلبید و با من تکلم نموده و عذرخواهی بسیار نمود و آنچه از اموال و اسباب مرا که برده بودند، همگی را به من بازپس داد و مرا مهربانی بسیار نموده به همان شهری که حکومت داشتم فرستاد و دهات و مواضعی چند که در نزدیک آن بود آنها را نیز علاوه آن نموده، حکومت همه آنها را به من تفویض نمود و دعا این است:

يَا مَنْ تَحَلُّ بِأَسْمَائِهِ عُقْدُ الْمَكَارِهِ، وَ يَا مَنْ يُفَلُّ بِذِكْرِهِ حَدُّ

ای آن کسی که گشوده می‌شود به برکت نامهای او گره‌های ناخوشی‌ها و ای آن که گزند می‌شود به سبب یاد نمودن او تندی

دعاهای حضرت امام علی نقی علیه السلام

الشَّدَائِدِ، وَ يَا مَنْ يُدْعَى بِأَسْمَائِهِ الْعِظَامِ مِنْ ضَبِيقِ الْمَخْرَجِ إِلَى

سختیها و ای آن کسی که خوانده می شود او به نامهای بزرگ او در وقت تنگی بیرون شدن به سوی

مَحَلِّ الْفَرَجِ، ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصِّعَابُ، وَ تَسَبَّيْتُ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ،

موضع گشادگی رام شده است برای قدرت تو سر کشنده ها و سبب گردیده اند به شفقت تو سببها

وَ جَرَى بِطَاعَتِكَ الْقَضَاءُ، وَ مَضَتْ عَلَى ذِكْرِكَ الْأَشْيَاءُ، فَهِيَ

و روان شده است به سبب فرمانبرداریت حکم و جاری شده است بر ذکر تو چیزها همه چیزها به حسب

بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ، وَ بِإِرَادَتِكَ دُونَ وَحْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ،

خواست تو نبرد گفتن و امر کردن تو فرمان بردارند و بر وفق اراده تو نبرد اعلام کردن تو ممنوعند،

وَ أَنْتَ الْمَرْجُوُّ لِلْمُهْمَاتِ، وَ أَنْتَ الْمَفْرَعُ لِلْمُلِمَاتِ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا

و تویی امید داشته شده از برای کارهای بزرگ و سخت و تویی پناه در بلاهای نازل شونده دفع نمی شود از بلاها مگر

مَا دَفَعْتَ، وَ لَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ، وَ قَدْ نَزَلَ بِي مِنَ الْأَمْرِ

آنچه دفع کنی آنرا و برطرف نمی شود از بلاها مگر آنچه برطرف کنی آنرا و فرود آمده است به من از امر

مَا فَدَحَنِي ثِقَلُهُ، وَ حَلَّ بِي مِنْهُ مَا بِهِضَنِي حَمْلُهُ، وَ بِقُدْرَتِكَ

دشوار آنچه سنگینی نموده است بر من گرانی آن و وارد شده است به من از آن آنچه که دشوار کرده است مرا بر داشتن آن و به قدرت خود

أُورِدْتَ عَلَيَّ ذَلِكَ، وَ بِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ، فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أُورِدْتَ،

وارد ساخته ای بر من آن امر را و به پادشاهی خود متوجه گردانیده ای آنرا به سوی من نیست بازگرداننده ای بر آنچه را که وارد ساخته ای

وَ لَا مُيَسِّرَ لِمَا عَسَرْتَ، وَ لَا ضَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ، وَ لَا فَاتِحَ لِمَا

آنرا و نه آسان کننده ای برای آنچه دشوار نموده ای آنرا و نیست برگرداننده ای آنچه را که متوجه ساخته ای آنرا و نه گشاینده ای آنچه

أَغْلَقْتَ، وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ، وَ لَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ إِلَّا أَنْتَ، صَلِّ

را که بسته ای آنرا و نیست که ببندد آنچه را که گشود. باشی آنرا و نیست یاری کننده ای برای کسی که یاری نکنی او را مگر تو. رحمت فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ افْتَحْ لِي بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ، وَ اصْرِفْ

بر محمد و بر آل محمد و بگشای برای من در رحمترا به احسان خود و برگردان

عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَ أُنِلْنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِي مَا شَكَوْتُ، وَ

از من غلبه نمودن اندوه مرا به قوت خود و برسان به من نیکنوی دیدن را در آنچه شکوه آن کرده ام و

أَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصَّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ فَرَجًا

بچشان به من شیرینی کار را در آنچه طلب نمودم، و ببخش مرا از نزد خود خلاصی

وَ حَيًّا، وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَخْرَجًا هَيِّئًا، وَ لَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ

و راحتی را زود و بگردان برای من از نزد خود بیرون رفتنی از این بلا بی تعب و مشغول نگردان مرا به سبب اندوه

عَنْ تَعَاهُدِ فَرَائِضِكَ، وَ اسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ، فَقَدْ ضَيَّقْتُ بِمَا نَزَلَ بِي

از رعایت کردن واجب هایت و از به جا آوردن سنت هایت که دلتنگ شده ام به سبب آنچه نازل شده به من از روی ناتوانی

دعاهای حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

ذَرَعًا، وَ امْتَلَأْتُ بِحَمْدِكَ مَا حَدَّثَ عَلَيَّ جَزَعًا، وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَيَّ

و بیر شده‌ام در حال یکی متلبسم به ستایش تو آنچه را که وارد شده است بر من از بی مبری و حال آن که تو قادری بر

كَشْفِ مَا بُلِيْتُ بِهِ، وَ دَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَ إِنْ كُنْتُ

برطرف کردن آنچه را که مبتلا شده‌ام به آن و بر دفع کردن آنچه را که افتاده‌ام در آن بکن این کار را به من و اگر چه نیستم

غَيْرَ مُسْتَوْجِبِهِ مِنْكَ، يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ ذَا الْمَنْ الْكَرِيمِ،

من سزاوار آن که وارد شود از جانب تو ای صاحب عرش بزرگ و ای صاحب بخشش بسیار.

فَأَنْتَ قَادِرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

پس تویی قادر ای رحم کننده ترین رحم کنندگان مستجاب کن ای پروردگار عالمیان.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: ما در کتاب «فلاح و نجاح» در عمل هر شبانه روز و در کتاب

«زهرة الربيع» در ادعیه ایام هفته از دعاهای حضرت امام علی نقی علیه السلام ذکر نمودیم

آن قدر که کافی است از برای کسی که به آنها عمل نماید.

دعاهای حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

سید بن طاووس رحمه الله گوید: بدان که من از آن حضرت پیش از این کتاب، دعاهائی را ذکر

نموده‌ام که از برای صاحبان عقل کافی است. در کتاب «مهمات و تقمات» از آن

حضرت دعاهای شریف چندی را ذکر کرده‌ام و بدان که هر یک از سه خلیفه‌ای که در

زمان آن حضرت بودند، مکرر اراده قتل آن حضرت را نمودند. زیرا که به ایشان

رسیده بود که حضرت امام زمان محمد مهدی علیه السلام از نسل آن حضرت بوجود خواهد

آمد. لذا مکرر ایشان را حبس می نمودند و به برکت دعائی که آن حضرت می خواندند

آن خلیفه هلاک می شد و آن حضرت نجات یافتند.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: ولیکن من تا به حال بر آن دعاها مطلع نشدم. اگر بعد از این

مطلع گردم آن دعاها را به این موضع ملحق خواهم نمود. لهذا به ذکر حکایت اراده

خلفا قتل آن حضرت را اختصار نمودم. از جمله خلفائی که قتل آن حضرت را اراده

نمودند مستعین بنی عباسی بود.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: من از کتاب «وصیتهای ائمه علیهم السلام» نقل نمودم که از تألیفات

شیخ سعید علی بن محمد بن زیاد صیمیری است، از نسخه کهنه‌ای که الحال در نزد

من است که بعد از هفتاد و یکسال از تولد مولای ما امام زمان محمد مهدی علیه السلام نوشته

شده است و آن کتاب در خزانه مصنفش بعد از فوت او به سال دویست و هشتاد (۲۸۰)

یافت شده و علی بن محمد به خدمت هر یک از حضرت امام علی نقی علیه السلام و امام حسن

دعاهای حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

عسکری علیه السلام رسیده بود و نوشتجات بسیار از ایشان در نزد او بوده است.

هلاک شدن مستعین خلیفه عباسی

در آن کتاب مذکور است: چون مستعین اراده نمود که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را به قتل آورد، به سعید حاجب امر کرد که آن حضرت را به کوفه بیرون ببرد و در اثناء راه او را شهید نماید.

چون این خبر در میان شیعیان آن حضرت منتشر گردید، همگی مضطرب و اندوهناک گردیدند و این حکایت بعد از آن بود که قریب به مدت پنج سال از رحلت حضرت امام علی نقی علیه السلام گذشته بود، هر یک از محمد بن عبدالله و هیثم بن سبابه عریضه‌ای به خدمت آن حضرت نوشتند و اظهار نمودند که به ما خبری درباره شما رسیده است که بسیار غمناک و اندوهناکیم و در کمال اضطرابیم.

آن حضرت در جواب ایشان نوشتند که بعد از سه روز دیگر به شما شادی می‌رسد. راوی گوید: مستعین خلیفه در روز سوم هلاک شد و معتز به جای او نشست و خلیفه شد همچنانکه آن حضرت فرموده بودند.

همچنین صیمری در کتاب مذکور نقل نموده که محمد بن عمر کاتب، حدیث نمود از علی بن محمد بن زیاد صیمری، داماد جعفر بن محمود وزیر که دختر او ام احمد در حبالة او بود و از جمله شیعیان خالص و معتمدین بود و صاحب علم و معرفت در شعر و انشا بود. او گفته که بر ابو احمد عبیدالله بن عبدالله بن طاهر داخل شدم و حال آن که در پیش روی او رقعهای از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بود که در آن نوشته شده بود: من از خدای عز و جل طلب نمودم که به این طافی (یعنی مستعین) حادثه‌ای را نازل سازد و حال آن که او را خدای تعالی بعد از سه روز مؤاخذه می‌نماید. راوی گوید: چون روز سوم شد، مستعین هلاک شد. بدین شرح که مردم بر او هجوم نمودند و او را به واسطه گریزانیدند و در آخر مسلط بر او شده، او را کشتند.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: این است حکایت مولای ما حضرت امام حسن عسکری علیه السلام با مستعین خلیفه و دعائی که آن حضرت آن را خواندند، مذکور نشده است.

هلاک شدن معتز خلیفه عباسی

اما متعرض شدن معتز خلیفه بنی عباسی به مولای ما حضرت امام حسن

دعاهای حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

عسکری علیه السلام. آن چنان است که آن را شیخ نیکبخت ابوجعفر طوسی رحمته الله در کتاب «غیبت» از نسخه کهنه روایت نموده است که الحال نزد ماست و تاریخ کتابت آن سال چهارصد و هفتاد و یک (۴۸۱) است. در موضعی که معجزات آن حضرت را نقل نموده: که حدیث نمود به ما سعید بن عبدالله از احمد بن حسین از عمر بن یزید و او گفته که خبر داد به ما ابو هیثم بن سبّاه آن که چون او به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نامه نوشت: فدای شما گردم به ما خبری رسیده است که ما را غمگین کرده است.

هنگامی این نامه را به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نوشتند که معتز خلیفه عباسی به سعید حاجب مخصوص خود دستور داده بود که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را هلاک کند.

آن حضرت در جواب نوشتند: بعد از سه روز دیگر به شما شادی می رسد. معتز خلیفه عباسی نیز در روز سوم هلاک شد.

سید بن طاووس رحمته الله گوید: تا به حال بر دعائی مطلع نشدم که آن حضرت آن را خواندند.

هلاک شدن مهتدی خلیفه عباسی

اما معتز شدن مهتدی خلیفه عباسی به مولای ما حضرت امام حسن عسکری علیه السلام. از جماعتی روایت شده است از آن جمله علی بن محمد صمیری نقل نموده است در کتاب خود که سابقاً اشاره به آن شده، آن که سعد روایت نموده از ابی هاشم که گفت: من با حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در حبس مهتدی محبوس بودم.

آن حضرت به من فرمودند: این طاغی امشب اراده دارد که با خدای عز و جل در این شب سرکشی نماید و خدای تعالی عمر او را قطع نموده و آن را برای کسی که خلیفه شود، به جای او گردانیده است و بعد از آن فرمودند: برای من فرزندی نیست ولیکن زود باشد که خدای تعالی لطف کند و مرا فرزندی روزی نماید.

چون صبح شد جماعت ترکان بر مهتدی خلیفه هجوم نمودند و همگی مردم نیز اعانت ایشان نمودند از جهت آن که معلوم ایشان شده بود که او معتزلی مذهب بوده است. او را کشتند و معتمد را به جای او خلیفه نموده و با او بیعت کردند.

چون مهتدی در خاطر داشت که آن حضرت را به قتل رساند، خدای تعالی او را به نفس خود مشغول نمود تا آن که کشته شد و به عذاب الیم خدای تعالی گرفتار آمد.

صیمری در کتاب خود که مذکور شد و جماعتی دیگر غیر از آن حدیثی را در خبر دادن مولای ما حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به کشته شدن مهتدی خلیفه عباسی پیش

دعاهای حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

از آن که او کشته شود. حدیثی نقل کرده است که عبارت آن این است: محمد بن حسن بن شمون از شخصی روایت نموده که به او نقل نموده آن که من به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نوشتم در وقتی که آن حضرت را مهتدی خلیفه حبس نموده بود، آن که ای سید من حمد از برای خداست که مهتدی را به خودش گرفتار کرده است. به درستی که به من خبر رسیده است آن که شیعیان شمارا تهدید نموده است و می گوید: به خدا سوگند که هر آینه همگی را از روی زمین جلای وطن می فرمایم.

آن حضرت در جواب به خط مبارک خود نوشتند که عمر او از این اراده ای که دارد کوتاه تر است. از این روز که در آنی پنج روز حساب کن خلیفه در روز ششم در کمال خفت و خواری کشته می شود. راوی گوید چنان شد که آن حضرت فرمودند.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: اگر شخصی گوید که در این احادیث، مذکور نشد که آن حضرت جهت دفع خلفا دعائی خوانده باشند. جواب می دهیم که قرینه مقام و شاهد حال شهادت می دهد که آن حضرت اقدام بر دعا خواندن و تضرع نمودن کرده اند.

و اما متعرض شدن معتمد خلیفه که یکه تاز خلفاء عباسی بود با حضرت امام حسن عسکری علیه السلام. آن را جماعتی روایت نموده اند ولیکن ما روایتی را ذکر می کنیم که او را علی بن محمد صیمری رحمه الله در کتاب خود که سابقاً مذکور شد، نقل نموده است که عبارت این است: روایت کرده حمیری از حسن بن علی از ابراهیم بن مهزیار از محمد بن ابی الزعفران از مادر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که گفت: روزی از روزها آن حضرت به من گفتند که مرا در سنه دویست و شصت (۲۶۰) تعب و مشقتی خواهد رسید که می ترسم آن که از آن جهت حادثه و بلائی به من برسد. من اظهار جزع کردم و شروع در گریه و بی صبری نمودم. آن حضرت فرمودند که ناچار از واقع شدن حادثه است، جزع مکن و صبر نما.

راوی گوید: چون ماه صفر سنه دویست و شصت (۲۸۰) شد، مادر آن حضرت شروع در اضطراب بسیار نمود و می نشست و بر می خواست و از مدینه بیرون می رفت و تجسس خبرها می نمود و احوالات می پرسید. تا آن که به او خبر رسید که معتمد خلیفه آن حضرت را و جعفر برادر ایشان را حبس نموده بود و علی حرین را موکل بر ایشان نموده بود. تا آن که روزی معتمد احوالات آن حضرت را در همه اوقات از علی حرین پرسید. او در جواب گفت: به درستی که روزها روزه می گیرد و شبها به نماز مشغول است. بعد از چند روز دیگر باز احوال آن حضرت را پرسید. علی حرین همان جواب را گفت. معتمد به او گفت که الحال به خدمت آن حضرت برو و از من سلام برسان و به ایشان بگو که از حبس بیرون روید و به منزل خود رجوع نمائید. علی حرین گوید: من

دعاهای حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

به در زندان خانه رفتیم، دیدم که چهارپائی با زین ایستاده است و چون داخل شدم، آن حضرت را دیدم که نشسته بودند و چکمه خود را پوشیده و عمامه در سر و رخت پوشیده چون مرا دیدند برخواستند و من پیغام خلیفه را به ایشان دادم و ایشان سوار شدند چون سوار شدند، توقف فرمودند. من گفتم ای سید من چه خبر است که درنگ فرمودی؟

آن حضرت فرمودند: انتظار می کشم تا آن که جعفر برادرم بیاید. من عرض نمودم که من مأمورم به آن که شمارا به تنهایی رها نمایم و مرخص نیستم آن که او را رخصت نمایم.

آن حضرت فرمودند: به نزد خلیفه برو و بگو که من و او هر دو یک بار و همراه از یک خانه بیرون آمدیم و من به خانه خود نروم تا او همراه من نباشد این خلاف مروت است. علی حرّین به نزد خلیفه رفت و پیغام آن حضرت را به او رسانید و به خدمت آن حضرت برگشت و گفت خلیفه می گوید: من از برای خاطر شما آن را رها نمودم ولیکن من او را از جهت کارهای بدی که از او سر زده بود و بی ادبی که نسبت به شما کرده بود و از جهت آن که در حق شما سخنان ناشایسته می گفت، حبس نموده بودم. جعفر را نیز رها نمود و در خدمت آن حضرت به خانه خود رفتند.

ایضاً صیمری در کتاب مزبور در بیرون رفتن حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از حبس معتمد خلیفه و در باب آنچه آن حضرت آن را فرمودند در هنگام بیرون آمدن ایشان از حبس این عبارت را نقل نموده که از محمودی مروی است که گفت خط حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را دیدم که در وقت بیرون رفتن از حبس معتمد این آیه شریفه را نوشته بودند: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ، وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» یعنی اراده دارند جماعت کافرون آن که خاموش کنند و برطرف نمایند نور خدا را به سبب سخنان بد و حال آن که خدای تعالی تمام کننده است نور خود را و هرچند ناخوش دارند کافران».

❁ دعای صبح حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ❁

يَا كَبِيرَ كُلِّ كَبِيرٍ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ لَا وَزِيرَ، يَا خَالِقَ الشَّمْسِ

ای بزرگ هر بزرگ، ای کسی که او را نه شریکی و نه وزیری است. ای آفریننده خورشید

وَ الْقَمَرِ الْمُنِيرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مُطْلِقَ الْمُكْبَلِ

و ماه تابان، ای بازدارنده ترسان پناه آورنده. ای آزاد کننده

دعاهای حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

الْأَسِيرِ، يَا زَارِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَبِيرِ، يَا

اسیر در زنجیر، ای روزی دهنده کودکی خرد، ای التیام بخش استخوانهای شکسته، ای

رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ، يَا نُورَ النُّورِ، يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا بَاعِثَ مَنْ

رحم کننده بر بزرگسال بزرگ، ای نور آن نور، ای تدبیر کننده کارها، ای برانگیزنده همه

فِي الْقُبُورِ، يَا شَافِيَ الصُّدُورِ، يَا جَاعِلَ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ، يَا عَالِمًا

مردگان، ای شفا دهنده سینه ها، ای آفریننده سایه و گرمی آفتاب، ای دانا

بِذَاتِ الصُّدُورِ، يَا مُنْزِلَ الْكِتَابِ وَالنُّورِ وَالْفُرْقَانِ وَالزُّبُورِ، يَا

به اعماق سینه ها، ای فرود آورنده کتاب و نور و قرآن و زبور، ای

مَنْ يُسَبِّحُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ بِالْأُبْحَارِ وَالظُّهُورِ، يَا دَائِمَ الثَّبَاتِ، يَا

کسی که فرشتگان در بامدادان و نیم روزها او را تسبیح میگویند، ای همیشه ثابت، ای

مُخْرِجَ النَّبَاتِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ، يَا مُخَيِّ الْأَمْوَاتِ، يَا مُنْشِئَ

روباننده گیاه در صبح و शाम، ای زنده کننده مردگان، ای ساز آفریننده

الْعِظَامِ الدَّارِسَاتِ، يَا سَامِعَ الصَّوْتِ، يَا سَابِقَ الْفَوْتِ، يَا كَاسِيَ

استخوانهای از بین رفته، ای شنونده صدا، ای پیشی گیرنده بر زمان، ای پوشاننده

الْعِظَامِ الْبَالِيَةِ بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شُغْلٌ عَنْ شُغْلٍ، يَا

استخوانهای از بین رفته بعد از مرگ، ای کسی که او را کاری از کاری باز نمی دارد، ای

مَنْ لَا يَتَغَيَّرُ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ، يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى تَجَسُّمِ حَرَكَةٍ

کسی که از حالی به حال دیگر تغییر نمی کند، ای کسی که نیازمند مشقت حرکت

وَلَا انْتِقَالٍ، يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ، يَا مَنْ لَا يُحِيطُ بِهِ

و جابجانی نیست، ای کسی که مقامی او را از مقامی دیگر باز نمی دارد، ای کسی که هیچ جا و مکانی

مَوْضِعٌ وَلَا مَكَانٌ، يَا مَنْ يَرُدُّ بِالطَّفِّ الصَّدَقَةِ وَالْدُّعَاءِ عَنْ أَغْنَانِ

او را احاطه نمی کند، ای کسی که از کراته های آسمان به کوچکترین صدقه و دعا قنای حتی

السَّمَاءِ مَا حَتَمَ، وَأَبْرَمَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ، يَا مَنْ يَجْعَلُ الشِّفَاءَ

نماز واری که به امضاء رسیده است را بر می گرداند، ای کسی که شفا را

فِيمَا يَشَاءُ مِنَ الْأَشْيَاءِ، يَا مَنْ يُمَسِّكُ الرَّمَقَ مِنَ الْمُذْنِفِ الْعَمِيدِ

در هر چیزی که خواهد قرار می دهد، ای کسی که روزی و غذای اندک بیمار مردنی

الْعَلِيلِ بِمَا قَلَّ مِنَ الْغَدَاءِ، يَا مَنْ يُزِيلُ بِأَذْنَى الدَّوَاءِ مَا غَلُظَ مِنْ

بیمار اندوهکین را باز می گیرد، ای کسی که به اندک دارو بیماری بسیار شدید

الدَّاءِ، يَا مَنْ إِذَا وَعَدَ وَفَا، وَإِذَا تَوَعَّدَ عَفَا، يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ

را بر طرف می فرماید، ای کسی که اگر وعده دهد وفا کند و اگر تهدید کند چشم پوشی می فرماید، ای کسی که نیازهای درخواست کنندگان

دعاهای حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

السَّائِلِينَ، يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي ضَمِيرِ الصَّامِتِينَ، يَا عَظِيمَ الْخَطَرِ،
 در اختیار اوست، ای کسی که از ضمیر خاموشان آگاه است، ای بزرگ منزلت،
 يَا كَرِيمَ الظَّفَرِ، يَا مَنْ لَهُ وَجْهٌ لَا يَبْلَى، يَا مَنْ لَهُ مُلْكٌ لَا يَفْنَى، يَا
 ای بخشنده پیروزی، ای دارنده وجهی که فرسوده و کهنه نمی شود، ای دارنده ملکی که فناپذیر نیست، ای
 مَنْ لَهُ نُورٌ لَا يُطْفَأُ، يَا مَنْ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ أَمْرُهُ، يَا مَنْ فِي الْبَرِّ وَالْ
 دارنده نوری که خاموش نمی شود، ای کسی که فرمانش بالاتر از هر چیزی است، ای کسی که قدرتش در زمین و
 الْبَحْرِ سُلْطَانُهُ، يَا مَنْ فِي جَهَنَّمَ سَخَطُهُ، يَا مَنْ فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ،
 در است، ای کسی که خشم او در جهنم است، ای کسی که رحمتش در بهشت است
 يَا مَنْ مَوَاعِيدُهُ صَادِقَةٌ، يَا مَنْ أَيْادِيهِ فَاضِلَةٌ، يَا مَنْ رَحْمَتُهُ
 که وعده هایش راست است، ای کسی که دستیارانش با فضیلت هستند، ای کسی که رحمتش
 وَاسِعَةٌ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا
 گسترده است، ای فریادرس مودد جوانان، ای پاسخگوی دعای بیچارگان، ای
 مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، وَ خَلَقَهُ بِالْمَنْزِلِ الْأَدْنَى، يَا رَبَّ الْأَرْوَاحِ
 کسی که در جایگاهی بن بلند است و آفریدگانش در پائین ترین منزلگاه، ای خداوند روحهای
 الْفَانِيَةِ، يَا رَبَّ الْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا أَسْمَعَ
 فانی، ای خداوند بدنهای پوسیده، ای بیناترین نظاره کنندگان، ای شنواترین
 السَّامِعِينَ، يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، يَا أَرْحَمَ
 شنوندگان ای سریعترین حساب رسان، ای استوارترین حاکمان، ای رحیم ترین
 الرَّاحِمِينَ، يَا وَاهِبَ الْعَطَايَا، يَا مُطْلِقَ الْأَسَارَى، يَا رَبَّ الْعِزَّةِ، يَا
 رحیم کنندگان، ای بخشنده بخششها، ای رها کننده اسیران، ای پروردگار عزت، ای
 أَهْلَ التَّقْوَى وَ أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ، يَا مَنْ لَا يُدْرِكُ أَمْدُهُ، يَا مَنْ لَا يُحْصَى
 سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزش گناهان، ای کسی که نهایتش قابل درک نیست، ای کسی که عددش
 عَدْدُهُ، يَا مَنْ لَا يَنْقُطِعُ مَدَدُهُ، أَشْهَدُ وَ الشَّهَادَةُ لِي رِفْعَةٌ وَ عُدَّةٌ وَ
 شمارش پذیر نیست، ای کسی که یاریش قطع نمی شود، گواهی می دهم و این گواهی برایم سر بلندی و
 هِيَ مِنِّي سَمْعٌ وَ طَاعَةٌ، وَ بِهَا أَرْجُو الْمَفَازَةَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَ
 آمادگی و از جهت من گوش فرادادن و اطاعت است و با این شهادت آرزومند رستگاری در روز حسرت و
 النَّدَامَةِ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ أَنَّ
 پشیمانی هستم و (شهادت می دهم) به درستی که تو خدائی و جز تو خدائی نیست، یگانه ای و برای شریکی نیست و به درستی که
 مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنْكَ،
 محمد بنده و فرستاده توست درودهایت بر او و بر خاندانش باد و به درستی آنچه که بر او

دعاهای حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام)

وَأَدَى مَا كَانَ وَاجِباً عَلَيْهِ لَكَ، وَإِنَّكَ تُعْطِي قَائِماً وَتَرْزُقُ وَتَمْنَعُ،
 واجب بود، از سویت ابلاغ کرد و انجام داد و به درستی که تو به هر بیا ایستاده‌ای (زنده‌ای) عطا می‌کنی و روزی می‌دهی و باز می‌داری
 وَ تَرْفَعُ وَ تَضَعُ، وَ تُغْنِي وَ تُفْقِرُ، وَ تَخْذُلُ وَ تَنْصُرُ، وَ تَغْفُو وَ
 و بالا می‌بری و پائین می‌آوری و ثروتمند می‌کنی و نیازمند می‌کنی و سرفاکننده می‌کنی و پیروز می‌گردانی و می‌بخشی و
 تَرْحَمُ، وَ تَصْفَحُ وَ تَجَاوِزُ عَمَّا تَعْلَمُ، وَ لَا تَجُورُ وَ لَا تَظْلِمُ، وَ إِنَّكَ
 رحم می‌کنی و چشم‌پوشی و گذشت می‌کنی از آنچه بدان آگاهی و ستم نمی‌کنی و ظلم نمی‌نمایی و همانا تو
 يَقْبِضُ وَ تَبْسُطُ، وَ تَمْحُو وَ تُثَبِّتُ، وَ تُبْدِي وَ تُعِيدُ، وَ تُخَيِّ وَ
 گنجاده می‌داری، محو و ثابت می‌کنی، آغاز می‌کنی و باز می‌گردانی، زنده می‌کنی و
 تُمِيتُ، وَ أَنْتَ حَيٌّ لَا تَمُوتُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اهْدِنِي مِنْ
 می‌میرانی و تو زنده‌ای هستی که نمی‌میری، درود بر محمد و خاندانش باد و خودت مرا هدایت نما و از
 عِنْدِكَ، وَ أَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَ انْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ أَنْزِلْ
 فضیلت بر من سر ریز کن و از رحمت بر من بگستران و از برکات بر من فروبار
 عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ، فَطَالَ مَا عَوَّدْتَنِي الْحَسَنَ الْجَمِيلَ، وَ أُعْطَيْتَنِي
 چه بسیار بر نیکی فراوان خودت مرا عادت داده‌ای، و عطا کرده‌ای
 الْكَثِيرَ الْجَزِيلَ، وَ سَتَرْتَ عَلَيَّ الْقَبِيحَ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
 به من زیاده گستران، و زشتیهایم را پوشانده‌ای، خدایا بر محمد و
 آلِهِ، وَ عَجِّلْ فَرَجِي، وَ أَقِلْ عَثْرَتِي، وَ ارْحَمْ عِبْرَتِي، وَ ارْزُدْنِي إِلَى
 خاندانش درود فرست و بر گناهش کارهایم شتاب کن و لغزشهایم را گاهش ده و بر انکم رحم نما و بر
 أَفْضَلِ عَادَاتِكَ عِنْدِي، وَ اسْتَقْبِلْ بِي صِحَّةً مِنْ سُقْمِي، وَ سَعَةً مِنْ
 نیکوترین عاداتی که از تو دارم بازم گردان، و سلامتی از بیماریهایم به استقبال فرست و بر ناداریم فراخی
 عَدَمِي، وَ سَلَامَةً شَامِلَةً شَامِلَةً فِي بَدَنِي، وَ بَصِيرَةً نَافِذَةً فِي
 و بر بدنم سلامتی فراگیر و در دینم بصیرتی زرف عطا کن
 دِينِي، وَ مَهْدِنِي وَ أَعِنِّي عَلَى اسْتِغْفَارِكَ وَ اسْتِغْفَالِكَ قَبْلَ أَنْ
 و مرا آماده و یاری فرما برای استغفار و استغفال و دوری از گناه
 يَفْنَى الْأَجَلَ، وَ يَنْقُطِعِ الْأَمَلُ، وَ أَعِنِّي عَلَى الْمَوْتِ وَ كُرْبَتِهِ، وَ عَلَى
 بیش از پایان مهلت و مسستی آرزو، مرا بر مرگ و اندوهش،
 الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ، وَ عَلَى الْمِيزَانِ وَ خِفَّتِهِ، وَ عَلَى الصِّرَاطِ وَ زَلَّتِهِ،
 گور و وحشتش، ترازو و سنجی اعمالم، صراط و لغزش بر آن
 وَ عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ رَوْعَتِهِ، وَ أَسْأَلُكَ نَجَاحَ الْعَمَلِ قَبْلَ انْقِطَاعِ
 روز قیامت و ترسش یاری فرما و از تو تقاضای قبولی عمل پیش از به پایان رسیدن

دعاهای حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

الْأَجَلَ، وَ قُوَّةً فِي سَمْعِي وَ بَصَرِي، وَ اسْتَغْفَالَ الْعَمَلَ الصَّالِحَ

سهلتم دارم. توانایی در گوش و چشم و انجام آن عمل صالحی که مرا آموختی

مِمَّا عَلَّمْتَنِي وَ فَهَّمْتَنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الرَّبُّ الْجَبِيلُ، وَ أَنَا الْعَبْدُ

و فهماندی. دارم به درستی که تو خدای جلیل هستی و من بنده

الضَّعِيفُ، وَ شَتَّانَ مَا بَيْنَنَا يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ

ضعیف هستم و فاصله بین ما چقدر دور است ای بسیار دوست ای منت گذارنده. ای دارنده جلالت و

الْأَكْرَامِ، وَ صَلِّ عَلَى مَنْ فَهَّمْتَنَا وَ هُوَ أَقْرَبُ، وَ سَأَلْنَا إِلَيْكَ رَبَّنَا،

ببخشندگی و درود فرست بر کسی که او را با فهماندی و او وسیله (ارتباطی) نزدیکتر ما با توست ای خدای ما

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عِثْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ.

و او محمد و خاندان و عترت پاکیزگان او می باشند.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: من در کتاب «اصطفاء» چگونگی بهم خوردن شهرهای

خلفاء بنی عباس را ذکر نموده ام تا آن که ولادت حضرت امام زمان محمد مهدی علیه السلام

تمام شد و آن حضرت بوجود آمدند و این حکایت مشروحاً در جزء سوم از کتاب

«تاریخ تنوخی» در قصه فتنه ها و حادثه هایی که در ایام معتمد خلیفه حادث شدند،

مذکور است.

همچنین مفصلاً در جزء سوم از کتاب «اخبار الوریاء» تألیف محمد بن عبدوس

جهشاری در مبحث خبرها و قصه های وزراء معتمد خلیفه نیز مذکور است.

همچنین مشروحاً در کتاب «وزراء» تألیف فقی خسرو پر رستم بن هرمز در مبحث

ذکر عبدالله بن یحیی بن خاقان مذکور است.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: من این روایتها را در کتاب «اصطفاء» در خبرها و حکایتهای

پادشاهان و خلیفه ها ذکر نموده ام.

نصربن علی جهنی، که یکی از معتمدین علماء اهل سنت بوده و او را خطیب در کتاب

تاریخ خود مدح نموده است و خطیب از جمله جماعتی بوده که عداوت اهل بیت علیهم السلام

را در تصنیف خود ظاهر می نموده اند.

در حکایت ولادت ائمه علیهم السلام ذکر نموده که از جمله دلیلهای بر جلالت قدر ائمه علیهم السلام آن

حدیثی است که از امام حسن بن علی عسکری روایت شده که در وقت ولادت حضرت

امام زمان محمد مهدی فرمودند و ایشان را به «مؤمل» (یعنی: انتظار کشیده شده)

نامیدند، این را که ظالمین اراده داشتند که مرا بکشند تا آن که نسل من قطع گردد،

قدرت خدای قادر را چگونه دیدند؟

همچنین از حضرت امام علی بن نقی علیه السلام مروی است که اگر ما در سخن گفتن اذن

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

می یافتیم هر آینه شکها بر طرف می شد و خدای تعالی آنچه را که می خواست، می کرد.

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

دعای علوی مصری

سید بن طاووس رحمه الله گوید: در کتاب کهنه‌ای که نام مصنف آن مذکور بود (حسن بن علی بن هندی) و در شوال سنه سیصد و نود و شش (۳۹۶) نوشته شده بود، شرح دعای مشهور به «دعای علوی مصری» را به این عبارت یافتیم: این دعائی است که آن را سید ما حضرت امام زمان محمد مهدی مؤمل علیه السلام در خواب به مردی از شیعیان و پیروان خود تعلیم کرده است و آن شخص مظلوم بود و خدای تعالی به برکت این دعا، او را از آن ظلم خلاصی داد و دشمن او را به قتل رسانید.

به ما ابوعلی احمد بن محمد بن حسین بن اسحاق بن جعفر بن محمد علوی عریضی، در حران حدیث نمود و او گفت که حدیث نمود به من محمد بن علی علوی حسینی مصری آن که: بر من امر عظیمی و اندوه شدیدی از جانب حاکم مصر وارد شد و اراده داشت که مرا به نزد احمد بن طولون بفرستد. لذا من از مصر به قصد حج بیرون آمدم و چون از حج فارغ گشتم، متوجه به عراق شده اراده زیارت روضه مولای خود حضرت امام حسین بن علی علیه السلام را نمودم، از جهت آن که به مرقد آن حضرت پناه گیرم و التجا برم تا از شدت قهر و غضب حاکم مصر در امان باشم، چون از او سخت می ترسیدم. وقتی به کربلای معلّ رسیدم پانزده روز در حائر مقیم گشتم و پیوسته در شب و روز دعا و زاری می نمودم تا آن که بر من حضرت قائم زمان و دوست خدای رحمان در میان خواب و بیداری ظاهر شد و به من فرمودند: حضرت امام حسین علیه السلام می فرماید: ای پسر من، آیا تو از فلان شخص می ترسی؟

در جواب گفتم: بلی آقا می ترسم. زیرا که او اراده دارد آن که مرا هلاک نماید. و به خاطر همین به سوی آقای خود پناه آورده‌ام تا آن که به او شکوه نمایم از آنچه به من اراده دارد.

آن حضرت در جواب فرمودند: چرا خدای خود و خدای پدران خود را به دعائی نمی خوانی که خدا را به آن دعا، پیغمبران پیش خواندند هرگاه ایشان را محنتی و شدتی روی می نمود، خدای تعالی آن محنت را از ایشان به برکت این دعا برطرف نمود.

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

من گفتم: کدام است آن دعائی که ایشان می خواندند؟
آن حضرت فرمودند: هرگاه شب جمعه شود غسل کن و بعد از فراغ از نماز شب سجده شکر به جای آور، چون سر از سجده برداری بر دو زانوی خود بنشین و این دعا را بخوان.

محمّد بن علی علوی حسینی مصری گوید: همچنین آن حضرت را دیدم که در میان خواب و بیداری در همان وقت تا پنج شب متعاقب آمدند و بر من این دعا را تکرار نمودند تا آن که آن را حفظ نمودم و دیگر نیامدند. چون شب جعه شد من غسل کردم و جامه های پاکیزه پوشیدم و بوی خوش استعمال نمودم و نماز شب خواندم و سجده شکر بجای آوردم و به دو زانوی خود نشسته خدای عزوجل را به این دعا خواندم.
چون شب شنبه شد آن حضرت آمدند و فرمودند: به درستی که دعای تو مستجاب شد و دشمن تو وقتی که تو از خواندن دعا فارغ شدی، کشته گردید به امر همان شخص که می خواست تو را به سوی او بفرستد و او تو را به قتل رساند.

محمّد بن علی علوی حسینی مصری گوید: چون صبح شد سید و مولای خود حضرت امام حسین علیه السلام را وداع نمودم و از آنجا بیرون آمده متوجه مصر شدم. چون به ولایت اردن رسیدم که از توابع مصر است و اراده داشتم که به مصر روم. کسی از همسایگان خود را در آنجا دیدم که مردی مؤمن بود و حکایت نمود که دشمن من به امر احمد بن طولون هلاک شد. او را در صبحی یافتند که سر او را از پشت سر در شب جمعه بریده اند و امر نمود که او را به رود نیل انداختند و چون داخل مصر شدم، جماعتی از اهل بیت و برادران و دوستان من خبر دادند که دشمنت کشته شد در وقتی که من از خواندن این دعا فارغ شده بودم، همچنان که به من مولایم حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه خبر داد. بعد از آن راوی آن دعا را ذکر نمود.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: چون در این روایت که مذکور شد زیادتى و كمى نسبت به روایتى دیگر بود که بعد از این ذکر می شود، لهذا من این را نیز به روایتى دیگر ذکر می نمایم که آن این است:

دعائی است که آن را سید ما حضرت امام زمان محمد مهدى مؤمل علیه السلام در خواب به مردی از شیعیان و پیروان خود تعلیم کرده است که مشهور به «دعاء علوی مصری» از برای هر سختی و محنتی خواندن آن بسیار مجرب است.

ابوالحسن علی بن حماد مصری به جمعی خبر داده است و او گفته که خبر داد به من ابو عبدالله حسین محمد علوی و او گفته که حدیث نمود به من محمد بن علی علوی حسینی مصری: که به من اندوه شدیدی رسید و امر عظیمی از جانب مردی از اهل بلد

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

من از حکام آن ولایت رخ نمود. از آن ترسیدم چنان ترسی که خلاصی از آن را امید نداشتم. تا این که به سوی مشهد مولایم و مولای پدرانم صلوات الله علیهم اجمعین به حائر حضرت امام حسین علیه السلام متوجه شدم، از جهت آن که به ایشان التجاء کنم و به قرب ایشان پناه گیرم تا امان یابم از شدت قهر و خشم کسی که از آن می ترسیدم. چون به آنجا رسیدم، در حائر آن حضرت پانزده روز اقامت کردم و دائماً در شب و روز مشغول به خواندن دعا و زاری بودم تا آن که مرا حضرت صاحب الزمان و خلیفه الرحمن (علیه و علی آبائه افضل التحیة والسلام) ظاهر شد. آن حضرت در شبی مابین خواب و بیداری آمد و فرمودند: ای فرزند من، تو از فلان شخص ترسیده‌ای؟

در جواب گفتم: بلی آقا. چون اراده دارد که نسبت به من چنین و چنان بجای آورد. لذا به آقایان خود علیهم السلام متوسل گشتم تا مرا از این بلیه نجات دهند. آن حضرت فرمودند: چرا تو خدا و پروردگار خود و پروردگار پدران خود را به دعائی نمی خوانی که به آن دعا، پیغمبران و اجداد من صلوات الله علیهم خدا را خوانده‌اند در وقتی که در شدت و سختی بودند. و خدای تعالی از ایشان آن شدت را برطرف کرد. من عرض کردم: کدام است آن دعائی که ایشان خواندند تا آن که من نیز آن را بخوانم؟ آن حضرت فرمودند: چون شب جمعه شود غسل کن و نماز خود را بجای آور، هرگاه از سجده شکر فارغ شدی، این دعا را بخوان در حالیکه بر دو زانوی خود زاری کنان نشسته باشی.

محمد علوی مصری گوید: آن حضرت پنج شب پی در پی می آمدند و بر من این دعا را مکرر می نمودند تا آن که یاد گرفتم. چون شب جمعه شد دیگر آن حضرت نیامدند. من برخاستم و غسل کردم و جامه خود را تغییر دادم و بوی خوش استعمال نمودم و نماز شب را بجای آوردم و به دو زانو نشسته خدای عزوجل را به این دعا خواندم و چون شب شنبه شد، حضرت صاحب الامر علیه السلام آمد به همان نحوی که در شبهای قبل مابین خواب و بیداری می آمد. به من فرمودند: دعای تو ای محمد مستجاب شد و دشمن تو کشته شد و او را خدای عزوجل هلاک نمود هنگامی که از خواندن دعا فارغ شدی. محمد علوی مصری گوید: چون داخل در صبح شدم نبود اراده من به غیر آن که سروران خود را وداع نمایم و به وطن خود که از آن گریخته بودم، برگردم. چون از کربلا بیرون رفتم و به اثناء راه رسیدم، قاصدی را دیدم که از جانب اولاد من کتابتی داشت و مضمون آن این بود که مردی که شما از آن گریخته بودید، شب جمعه جماعتی را به مهمانی جمع نمود و از برای ایشان مائده تهیه نمود، خوردند و آشامیدند و بعد از آن

دعاهای حضرت صاحب الزمان (عج)

متفرق شدند و آن شخص و غلامان او خوابیدند.

چون صبح شد، یافتند که آن شخص حرکتی نمی‌کند، چون پرده‌ای را که بر روی او بود، برداشتند، دیدند که او کشته شده و سرش از قفا از بدن جدا گردیده و خون به راه افتاده است. و معلوم نشد که کدام شخص این کار را کرده است. و فرزندان من مرا طلبیده بودند که من به برگشتن به وطن تعجیل نمایم.

چون به شهر خود رسیدم، از این حکایت سؤال نمودم که در چه وقت کشته شدن او واقع شده؟ ظاهر شد که در وقت فارغ شدن من از خواندن این دعا بوده است.

رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ، وَ مَنْ ذَا الَّذِي سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ،

ای سرور دگر من کیست آن که خوانده تورا بر نیازهای حاجت اورا و کیست آن که سوال کرده از تو نداده باشی مطلب اورا

أَمْ مَنْ ذَا الَّذِي رَجَاكَ فَخَيَّبَتْهُ، أَمْ مَنْ ذَا الَّذِي تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدَتْهُ،

ایا کیست آن که امیدوار باشد به تو ناامید کرده باشی اورا، یا کیست آن که نزدیکی جسته باشد بسویت دور کرده باشی اورا،

رَبِّ هَذَا فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَانِ مَعَ عِنَادِهِ وَ كُفْرِهِ وَ عُتُوهِ وَ ادِّعَائِهِ

ای سرور دگر من آن فرعون که بود صاحب قوت با وجود دشمنی او و کفر او و سرکشی او و دعوی کردن او

الرُّبُوبِيَّةَ لِنَفْسِهِ، وَ عِلْمِكَ بِأَنَّهُ لَا يَتُوبُ وَ لَا يَرْجِعُ وَ لَا يُؤْمِنُ وَ لَا

خدائی را برای خود، و با وجود دانستن توبه اینکه او توبه نمی‌کند و بر نمی‌گردد و ایمان نمی‌آورد و

يَخْشَعُ، اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَائِهِ وَ أَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ، كَرَمًا مِنْكَ وَ جُودًا،

فروتنی نمی‌کند اجابت نمود برای او دعای او را و بخشیدی به او مطلب او را از روی کرم از جانب خود و بخشش خود و

وَ قِلَّةَ مِقْدَارِ لِمَا سَأَلَكَ عِنْدَكَ، مَعَ عِظَمِهِ عِنْدَهُ، آخِذًا بِحُجَّتِكَ عَلَيْهِ،

از جهت کمی مرتبه آنچه سوال کرده از تو در نزد تو با وجود آن که بزرگ بود آن در پیش او از جهت آن که تمام کننده باشی دلیل خود را بر او

وَ تَأْكِيدًا لَهَا حِينَ فَجَرَ وَ كَفَرَ، وَ اسْتِطَالَ عَلَى قَوْمِهِ وَ تَجَبَّرَ، وَ

و از جهت محکم نمودن حجت خود را بر و در هنگامی که ظلم نمود و کافر شد و گردن فرازی نمود بر گروه خود و بزرگی کرد و

بِكُفْرِهِ عَلَيْهِمْ افْتَحَرَ، وَ بِظُلْمِهِ لِنَفْسِهِ تَكَبَّرَ، وَ بِحِلْمِكَ عَنْهُ

به سبب کفر خود بر قوم خودش سرافرازی نمود به سبب ستم کردن او بر نفس خود گردن کشی کرد و به سبب بردباری تو

اسْتَكْبَرَ، فَكَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ جُرْأَةً مِنْهُ، أَنَّ جَزَاءَ مِثْلِهِ أَنْ يُغْرَقَ فِي

از او طلب بزرگی نمود نوشت او و حکم کرد بر نفس خودش از روی دلیری از او آن که جزای مانند او شغمی این است که غرق شود در

الْبَحْرِ، فَجَزَيْتَهُ بِمَا حَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ. إِلَهِي وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ بَنُ

دریا جزا دادی او را به آنچه لازم ساخته بود خودش بر نفس خودش ای خدای من و من بنده توام و پسر

عَبْدِكَ وَ بَنُ أُمِّكَ، مُعْتَرِفٌ لَكَ بِالْعُبُودِيَّةِ، مُقِرٌّ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا

بنده توام و پسر کنیز توام و من اعتراف کننده‌ام از برایت و به بندگی و اقرار دارم به آن که تو تویی خدا که نیست

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقِي، لَا إِلَهَ إِلَّا غَيْرُكَ، وَلَا رَبَّ إِلَّا سِوَاكَ، مُقَرَّرٌ بِأَنَّكَ

خدائی مگر تو آفریننده منی نیست خدائی برای من غیر از تو و نیست پروردگاری برای من سواى اقرار دارم به آن که تویی

رَبِّي، وَإِلَيْكَ إِيَابِي، عَالِمٌ بِأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تَفَعَّلُ مَا

پروردگار من و بسوی توست بازگشت من دانایم به آن که تو بر همه چیز توانائی می کنی آنچه را که می خواهی

تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِكَ، وَلَا رَادَّ لِقَضَائِكَ، وَأَنَّكَ

و ثابت می کنی آنچه را که اراده نمائی نیست تأخیر کننده ای مر امر تو را و نیست برگرداننده ای مر حکم تو را و دانایم به آن که تو

الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، لَمْ تَكُنْ مِنْ شَيْءٍ، وَلَمْ تَبْنِ عَنْ

اول همه چیزهائی و آخر همه اشیائی و آشکاری تو و پنهانی تو موجود نشدی از چیزی و جدا نگشتی از

شَيْءٍ، كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الْكَائِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْمُكُونُ

چیزی بوده ای پیش از هر چیز و تویی که هستی پس از هر چیز و تویی وجود دهنده برای

لِكُلِّ شَيْءٍ، خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِتَقْدِيرٍ، وَأَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، وَ

هر چیز آفریده ای هر چیزی را به اندازه ای و تویی شنوا و بینا و گواهی می دهی به آن که تو همچنین بودم و

أَشْهَدُ أَنَّكَ كَذَلِكَ كُنْتَ وَتَكُونُ، وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ

خواهی بود چنین و همیشه خواهی بود و تویی زنده بخود بر پای فرامی گیری تو را پسندگی و

لَا نَوْمٌ، وَ لَا تُوصَفُ بِالْأَوْهَامِ، وَ لَا تُدْرَكُ بِالْحَوَاسِ، وَ لَا تُقَاسُ

نه خواب و تعریف کرده نمی شوی به وهمها و درک کرده نمی شوی به حاسنها و تقدیر کرده نمی شوی تو

بِالْمِقْيَاسِ، وَ لَا تُشَبَّهُ بِالنَّاسِ، وَ أَنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ عِبِيدُكَ وَ

به اندازه و تشبیه کرده نمی شوی به آدمیان و گواهی می دهی به آن که خلائق همه ایشان بندگان تو و

إِمَاوُكَ، وَأَنْتَ الرَّبُّ وَ نَحْنُ الْمَرْبُوبُونَ، وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَ نَحْنُ

کمیتران تو و تویی پروردگار و ماانیم پرورده شدگان و تویی آفریدگار و ماانیم

الْمَخْلُوقُونَ، وَأَنْتَ الرَّازِقُ وَ نَحْنُ الْمَرْزُوقُونَ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا

آفریده شدگان و تویی روزی دهننده و ماانیم روزی داده شدگان از برای توست ستایش ای

إِلَهِي إِذْ خَلَقْتَنِي بَشَرًا سَوِيًّا، وَ جَعَلْتَنِي غَنِيًّا مَكْفِيًّا بَعْدَ مَا كُنْتُ

خداوند من چون که آفریده ای مرا آدمی مستوی الخلقه به اعتدال و گردانیده ای مرا بی نیاز نگاهداشته شده بعد از آن که بودم من

طِفْلًا صَبِيًّا، فَقَوَّيْتَنِي مِنَ الثَّدْيِ لَبَنًا سَائِغًا مَرِيًّا، وَ غَذَّيْتَنِي بَعْدَ

طغفل کبودک قوت دادی مرا از پستان شیرین گوارای کامل و غذا دادی مرا بعد از این

ذَلِكَ غِذَاءً طَيِّبًا هَبِيًّا، وَ جَعَلْتَنِي ذَكَرًا مِثْلًا سَوِيًّا، فَلَكَ الْحَمْدُ

غذائی نیکو و گوارا و گردانیدی مرا مردی درست جنه معتدل الاعضا پس از برای توست ستایش

حَمْدًا، إِنَّ عُدَّ لَمْ يُحْصَ، وَ إِنْ وُضِعَ لَمْ يَتَسِعْ لَهُ شَيْءٌ، حَمْدًا

ستایشی که اگر شمرده شود در شمار نیاید آن و اگر گذارده شود در جانی گنجایش نداشته باشد آنرا چیزی ستایشی

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

يَفُوقُ عَلَى جَمِيعِ حَمْدِ الْخَامِدِينَ، وَيَعْلُو عَلَى حَمْدِ كُلِّ شَيْءٍ، وَ

که غالب آید بر همه ستایش کنندگان و ثنائی که بلند گردد بر ثنائی هر چیزی و

يَفْخَمُ وَيَعْظُمُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَ كُلَّمَا حَمِدَ اللَّهُ شَيْءً، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

زیادتی کند و بزرگی نماید بر اینها همه و هر وقتی که ثنا گفته باشد خدا را چیزی و همه ستایش برای خداست

كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحَمَدَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ، وَ زِنَةَ مَا خَلَقَ، وَ

چنانچه دوست می دارد خدا آن که ثنا گفته شود او و همه حمد برای خداست به شماره آنچه آفریده است او را و

زِنَةَ أَجَلِ مَا خَلَقَ، وَ زِنَةَ أَخْفِ مَا خَلَقَ، وَ بِعَدَدِ أَصْغَرِ مَا خَلَقَ، وَ

به قدر آنچه آفریده و به سنگینی بزرگترین آنچه آفریده است و به وزن سبکترین آنچه آفریده است و به شماره کوچکترین آنچه آفریده است

بِعَدَدِ أَكْبَرِ مَا خَلَقَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ حَتَّى يَرْضَى رَبُّنَا وَ بَعْدَ الرِّضَا،

و به شماره بزرگترین آنچه آفریده است و همه ستایش برای خداست تا آن که راضی شود پروردگار ما و بالاتر از خوشنودی

وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ يُحَمِدَ لِي أَمْرِي وَ

و سؤال می کنم خدا را آن که رحمت فرستد بر محمد و بر آل محمد و آن که پسندیده کند برای من کار مرا و

يَتُوبَ عَلَيَّ، إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. إِلَهِي وَ إِنِّي أَدْعُوكَ وَ أَسْأَلُكَ

پذیرد و قبول نماید توبه مرا بدرستی که خدا قبول کننده توبه و مهربان است ای خداوند من و بدرستی که من می خوانم تو را و سؤال می کنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صَفْوَتُكَ أَبُونَا أَدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ هُوَ

به حق نامت که خوانده است تو را به آن نام برگزیده تو که پدر ما آدم است که بر او باد درود و حال آنکه

مُسِيءٌ ظَالِمٌ حِينَ أَصَابَ الْخَطِيئَةَ، فَغَفَرْتَ لَهُ خَطِيئَتَهُ وَ ثُبَّتْ

گناه کار و ستم کننده بود بر خود هنگامی که رسیده بود به گناه پس آمرزیدی برای او گناه او را و قبول کردی توبه

عَلَيْهِ، وَ اسْتَجَبْتَ لَهُ دَعْوَتَهُ، وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ

او را و بر آوردی برای او حاجت او را و بودی به او نزدیک ای نزدیک به همه کس آن که رحمت فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي وَ تَرْضَى عَنِّي،

بر محمد و بر آل محمد و آن که بیاموزی برای من گناه مرا و بخشود گردی از من پس اگر بخشود گردی از من

فَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فَاعْفُ عَنِّي، فَإِنِّي مُسِيءٌ ظَالِمٌ خَاطِيءٌ غَاصٌّ،

پس در گذر از گناه من بد کننده ام و ستم نماینده و گناه کار و نافرمان بر دارم

وَ قَدْ يَعْفُو السَّيِّدُ عَنْ عَبْدِهِ وَ لَيْسَ بِرَاضٍ عَنْهُ، وَ تَرْضَى عَنِّي

و در می گذرد آقا از بنده خود و حال آن که نیست خوشنود از او و آن که خوشنود گردانی از من

خَلْقَكَ وَ تَسْقُطُ عَنِّي حَقُّكَ. إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ

آفریدگانترا و ساقط کنی از من حق خود را ای خدای من و سؤال می کنم تو را به حق نام تو که خوانده است ترا

بِهِ إِذْ رِيسٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَعَلَتْهُ صِدِّيقاً نَبِيّاً، وَ رَفَعَتْهُ مَكَاناً

به آن نام ادریس که بر او باد سلام پس گرداندی او را راستگو و پیغمبر و بلند گردانیدی او را در مکانی

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

عَلِيًّا، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاةَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ

بلند و مستجاب کردم برای او دعای او را و بودی به آن نزدیک ای نزدیک به همه کس آن که رحمت فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ مَا بِي إِلَى جَنَّتِكَ، وَ مَحَلِّي فِي

تو بر محمد و بر آل محمد و آن که بگردانی بازگشت مرا به سوی بهشت خود و جای قرار مراد

رَحْمَتِكَ، وَ تُسَكِّنَنِي فِيهَا بِعَفْوِكَ، وَ تُزَوِّجَنِي مِنْ حُورِهَا بِقُدْرَتِكَ

رحمت خود و آن که ساکن گردانی مرا در بهشت به سبب درگذشتن تو و جفت گردانی مرا با حور بهشت به قدرت خود

يَا قَدِيرُ. إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ای بسیار توانای خدای من و سؤال می کنم تو را به نام تو که خوانده است تو را به نام نوح که بر او بلاد سلام

إِذْ نَادَى رَبَّهُ إِنَّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ، فَفَتَحَتْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ

در هنگامی که گفت پروردگار خود آن که من غلبه کرده شدم پس یاری کن مرا پس گشودی درهای آسمان را به آب

مُنْهَمِرٍ، وَ فَجَّرْتَ الْأَرْضَ عُيُونًا، فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ، وَ

روان و شکافتی زمین را به چشمه ها پس فراهم آمد آب بر فرمائی تقدیر کرده شده و

حَمَلَتْهُ عَلَى ذَاتِ الْوَاحِ وَ دُسُرٍ، فَاسْتَجَبْتَ دُعَاةَهُ وَ كُنْتَ مِنْهُ

سوار کردی او را بر کشتی صاحب تخته ها و میخها پس برآوردی حاجت او را و بودی به او

قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُنَجِّينِي

نزدیک ای نزدیک به همه کس آن که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و آن که خلاصی دهی مرا

مِنْ ظُلْمٍ مَنْ يُرِيدُ ظُلْمِي، وَ تَكْفٍ عَنِّي بِأَسْ مَنْ يُرِيدُ هَضْمِي، وَ

از ستم کسی که قصد کند ستم کردن مرا و آن که بازدارد از من بدی و شر کسی را که خواهد شکست مرا و

تَكْفِينِي شَرَّ كُلِّ سُلْطَانٍ جَائِرٍ، وَ عَدُوِّ قَاهِرٍ، وَ مُسْتَخِفِّ قَادِرٍ، وَ

آن که نگاهداری مرا از شر هر پادشاه ظالم و از هر دشمن غلبه کننده و خفت رساننده و توانا و

جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَ إِنْسِي شَدِيدٍ، وَ كَيْدِ كُلِّ مَكِيدٍ، يَا

منکبر و گردنکش و از شر هر شیطان رانده شده و آدمی سخت دل و از مکر هر مکر کننده ای از بردبار ای

حَلِيمُ يَا وَدُودُ. إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ

دوست ای خدای من و سؤال می کنم تو را به نام تو که خوانده است تو را به آن نام بنده تو و

نَبِيِّكَ صَالِحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْخَسْفِ وَ أَعْلَيْتَهُ عَلَى

پیغمبر تو صالح پس نجات دادی او را از بلایه و غالب گردانیدی او را بر دشمنش و برآوردی حاجت او را

عَدُوِّهِ، وَاسْتَجَبْتَ دُعَاةَهُ، وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ

و بودی به او نزدیک ای نزدیک به همه کس مردمان آن که رحمت فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَخْلِصَنِي مِنْ شَرِّ مَا يُرِيدُ بِي أَعْدَائِي،

بر محمد و بر آل محمد و آن که رهانانی مرا از شر آنچه قصد می کند به من دشمنان من

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

و يَبْغِي لِي حُسْبًا، وَ تَكْفِينِيهِمْ بِكَفَايَتِكَ، وَ تَتَوَلَّانِي بِوَلَايَتِكَ،

و آنچه می خواهند رشک برندگان و آن که نگاهداری مرا از شر ایشان به نگاهداشت و دوست داری مرا به دوستیت

وَ تَهْدِي قَلْبِي بِهَذَاكَ، وَ تُؤَيِّدُنِي بِتَقْوَاكَ، وَ تُبَصِّرُنِي بِمَا فِيهِ

و آن که راهنمایی کنی دل مرا به راه نمودن خود و آن که توفیق دهی مرا به برهیزکاری از جانب خود و بیناگردانی مرا به آنچه در آن

رِضَاكَ، وَ تُغْنِيَنِي بِغِنَاكَ يَا حَلِيمٌ. إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

است خوشنودیت و آن که به سبب آن بی نیاز گردانی خودت ای بردبار ای خدای من و سؤال می کنم تو را به نام تو که خوانده است ترا

دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ وَ خَلِيلُكَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، حِينَ

به آن نام بنده تو و پیغمبر تو و دوست تو ابراهیم که بر او باد سلام در وقتی که

أَرَادَ نَمْرُودُ الْإِقَاءَهُ فِي النَّارِ، فَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا، وَ

اراده نمود نمرود انداختن او را در آتش پس گردانیدی آتش را بر او سرد و به سلامت دارنده و

اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

اجابت کردی برای او دعای او را و بودی به او نزدیک ای نزدیک به همه کس آن که رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُبَرِّدَ عَنِّي حَرَّ نَارِكَ، وَ تُطْفِئَ عَنِّي لَهَبَهَا،

محمد و آل محمد و آن که بر رد کنی از من گرمی آتش جهنم خود را و فرو نشانی از من زبانه آن را

وَ تَكْفِينِي حَرَّهَا، وَ تَجْعَلَ نَائِرَةً أَعْدَائِي فِي شِعَارِهِمْ وَ دِثَارِهِمْ،

و نگاهداری مرا از گرمی آن و آن که بر گردانی آتش دشمنی دشمنان را در جامه یابینی ایشان و در جامه بالائی ایشان

وَ تَرُدَّ كَيْدَهُمْ فِي نُحُورِهِمْ، وَ تُبَارِكَ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِيهِ، كَمَا

و آن که برگردانی مکر ایشان را در نمودی گردن ایشان و مبارک گردانی برای من در آنچه بخشیده ای مرا همچنان که

بَارَكْتَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ. إِلَهِي وَ

مبارک گردانیدی بر ابراهیم و بر خاندانش به درستی که تو توانی بخشنده ستایش کرده شده بزرگ ای خدای من و

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَعَلْتَهُ

سؤال می کنم تو را به نام تو که خوانده است تو را به آن نام اسماعیل که بر او باد سلام پس گردانیدی او را

نَبِيًّا وَ رَسُولًا، وَ جَعَلْتَ لَهُ حَرَمَكَ مَنْسَكًا وَ مَسْكَنًا وَ مَأْوًى، وَ

پیغمبر و رسول و گردانیدی از برای او حرم خود را محل عبادت و جای سکنی و محل قرار و

اسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَ نَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ، وَ قَرَّبْتَهُ رَحْمَةً مِنْكَ وَ كُنْتَ

اجابت کردی دعای او را و خلاصی دادی او را از کشته شدن و نزدیک گردانیدی او را از جهت رحمت از خود و بودی تو

مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَفْسَحَ

به او نزدیک ای نزدیک به همه کس آن که رحمت کنی بر محمد و آل محمد و آن که گشادگی دهی

لِي قَبْرِي، وَ تَحُطَّ عَنِّي وَزْرِي، وَ تَشُدَّ لِي أَرْزِي، وَ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي،

برای من در قبر و محو کنی از من گناه مرا و محکم گردانی برای من پشت مرا و آن که بیماری برای من گناه مرا

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

وَ تَرْزُقْنِي التَّوْبَةَ بِحَطِّ السَّيِّئَاتِ، وَ تَضَاعُفِ الْحَسَنَاتِ، وَ كَشْفِ

و روزی گردانی به من توبه را به سبب برطرف کردن بدی ها و زیاد کردن نیکی ها و دور کردن

الْبَلِيَّاتِ، وَ رِبْحِ التِّجَارَاتِ، وَ دَفْعِ مَعْرَةِ السِّعَايَاتِ، إِنَّكَ مُجِيبُ

بلاها و نفع کردن تجارتها و دفع شدن بلیه ها و مکروه های عملها و کارها به درستی که تو اجابت کننده

الدَّعَوَاتِ، وَ مُنْزِلُ الْبَرَكَاتِ، وَ قَاضِي الْحَاجَاتِ، وَ مُعْطِي الْخَيْرَاتِ،

دعاهانی و فرود آورنده برکتهایی و برآورنده حاجتهایی و بخشنده خوبیهای

وَ جَبَّارُ السَّمَوَاتِ. إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ بِهِ بَنُ خَلِيلِكَ الَّذِي

و صاحب بزرگی در آسمانهای ای خداوند من و سؤال می کنم تو را به آنچه سؤال کرده است تو را به آن نام پس دوست تو که

نَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ، وَ فَدَيْتَهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ، وَ قَلَّبْتَ لَهُ الْمُشَقَّصَ

خلاص کرده ای او را از کشتن و عوض دادی او را به ذبح بزرگ و برگرداندی برای او آلت پاره پاره کردن را در

حِينَ نَاجَاكَ، مُوقِنًا بِذَبْحِهِ، رَاضِيًا بِأَمْرِ وَالِدِهِ، وَ اسْتَجَبْتَ لَهُ

هنگامی که ندا کرد تو را در حالی که یقین داشت به ذبح خود و خوشنود بود به امر پدرش و برآوردی برای او

دُعَائِهِ، وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

دعای او را و بودی به او نزدیک ای نزدیک به همه کس آن که رحمت فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُنَجِّبَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ بَلِيَّةٍ، وَ تَصْرِفَ عَنِّي كُلَّ ظُلْمَةٍ

محمد و آن که نجات دهی مرا از هر بدی و بلایی و بگردانی از من هر تاریکی غلیظ را

وَ خِيَمَةٍ، وَ تَكْفِينَنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، وَ مَا أَحَازِرُهُ

و آن که نگاهداری مرا از آنچه به اندوهم آورد مرا از امر دنیای من و آخرت من و از آنچه اجتناب می کنم از آن

وَ أَخْشَاهُ، وَ مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ بِحَقِّ آلِ يَسَّ. إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ

و می ترسم از آن شر آفریدگان تو همگی به حق آل یس و سؤال می کنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ فَنَجَّيْتَهُ وَ أَهْلَهُ مِنَ الْخَسْفِ، وَ

به نام تو که خوانده است تو را به آن نام لوط بر او باد سلام پس خلاصی دادی او را و اهل او را از بلیه و

الْمَثَلَاتِ وَ الشَّدَّةِ وَ الْجَهْدِ، فَأَخْرَجْتَهُ وَ أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ،

عقوبتها و از سختی و مشقت پس بیرون آوردی او را و اهل او را از اندوه بزرگ

وَ اسْتَجَبْتَ دُعَائِهِ وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

و برآوردی حاجت او را و بودی به او نزدیک ای نزدیک به همه مردمان آن که رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَأْذَنَ لِي بِجَمِيعِ مَا شِئْتَ مِنْ شَمْلِي، وَ تَقَرَّرَ

محمد و آل محمد و آن که اذن دهی مرا به جمع کردن آنچه پراکنده است از قوم و سرد سازی

عَيْنِي بِوَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي، وَ تُصْلِحَ لِي أُمُورِي، وَ تُبَارِكَ لِي

چشم مرا به فرزند من و اهل من و مال من و نیکی سازی برای من کارهای مرا و مبارک گردانی برای من

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي، وَتُبَلِّغْنِي فِي نَفْسِي آمَالِي، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ

در همه حالهای من و برسانی مرا در نفس من آرزوهای مرا و امان دهی مرا از آتش

وَ تَكْفِينِي شَرَّ الْأَشْرَارِ بِالْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ الْأَيِّمَةِ الْأَبْرَارِ وَ

و نگاه داری مرا از شر بدکاران به حق برگزیده شدگان نیکوکاران و بیستوایان نیکوکاران و

نُورِ الْأَنْوَارِ، مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَيِّمَةِ

روشنی همه روشنی ها که آنها محمد و آل اویند که پاکان و پاکیزگان و نیکوکاران و امان

الْمَهْدِيِّينَ، وَ الصَّفْوَةِ الْمُنْتَجَبِينَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَ

و راه یافته شدگان و برگزیدگان و برگزگانند رحمتهای خدا بر ایشان همگی و

تَرْزُقُنِي مُجَالَسَتَهُمْ، وَ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمُرَافَقَتِهِمْ، وَ تُوَفِّقَ لِي

آن که روزی کنی به من هم نشینی ایشان را و منت گذاری بر من مصاحبت ایشان را و توفیق دهی به من

صُحْبَتَهُمْ مَعَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ

مصاحبتی ایشان را با مصاحبت پیغمبران تورا که فرستاده شدگانند و با فرشتگان تو که نزدیکانند و

عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ، وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ

با بندگان تو که صالحان و نیکوکارانند و با اهل فرمانبرداری همگی و با جماعت بردارنده عرش تو و

الْكُرُوبِيِّينَ. إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ يَعْقُوبُ

ملائکه سرکردگان ای خدای من و سؤال میکنم تورا به نام تو که سؤال کرده است تورا به آن نام یعقوب

عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ قَدْ كَفَّ بَصْرُهُ، وَ شُبِّتَ شَمْلُهُ، وَ فَقَدَ قُرَّةَ عَيْنِهِ

که بر او باد سلام در حالی که بر طرف شده بود بینایی او و متفرق شده بود جمعیت او و پنهان گشته بود خنکی و سردی چشم او

ابْنُهُ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَائِهِ، وَ جَمَعْتَ شَمْلَهُ، وَ أَقْرَرْتَ عَيْنَهُ، وَ

که پسر اوست (یعنی یوسف) پس اجابت کردی برای او دعای او را و جمع نمودی پراکندگی او را و روشن ساختی چشم او را و

كَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَ كُنْتَ مِنْهُ يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

برطرف کردی آزار او را و بودی به او نزدیک ای نزدیک به همه کس رحمت کنی بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَأْذَنَ لِي بِجَمِيعِ مَا تَبَدَّدَ مِنْ أَمْرِي، وَ تُقَرِّ عَيْنِي

محمد و آن که اذن دهی مرا به جمع کردن آنچه پراکنده شده است از کار من و آن که روشن سازی چشم مرا

بِوَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي، وَ تُصْلِحَ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، وَ تُبَارِكَ لِي فِي

به فرزند من و عیال من و مال من و نیکوگردانی برای من حال مرا تمام و برکت دهی برای من در

جَمِيعِ أَحْوَالِي، وَ تُبَلِّغْنِي فِي نَفْسِي آمَالِي، وَ تُصْلِحَ أَعْمَالِي،

همه حالهای من و آن که برسانی به من در نفس من امیدهای مرا و نیکوگردانی برای من کردارهای مرا

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ تَمُنَّ عَلَيَّ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْمَعَالِي،

به رحمت خود ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان و آن که بخشش نعمتی بر من ای بخشنده و ای صاحب بلندی

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ يُوسُفُ

ای خدای من و سؤال می‌کنم تو را به نام تو که خوانده‌است تو را به آن نام بنده تو پیغمبر تو یوسف

عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَنَجَّيْتَهُ مِنْ غِيَابَةِ الْجُبِّ، وَ كَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَ كَفَيْتَهُ

که بر او باد سلام پس نجات دادی او را از ته چاه و برطرف کردی آزار او را و نگاهداشتی او را

كَيدِ إِخْوَتِهِ، وَ جَعَلْتَهُ مِنْ بَعْدِ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، وَ اسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ، وَ

از مکر برادران او و مگردانیدی او را بعد از بندگی پادشاه و اجابت کردی دعای او را و

كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ

بودی به او نزدیک ای نزدیک به همه مردمان آن که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و آنکه

تَدْفَعَ عَنِّي كَيْدَ كُلِّ كَايِدٍ، وَ شَرَّ كُلِّ حَاسِدٍ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

دور گردانی از من دشمنی هر دشمن را و بدی هر رشک برنده را به درستی که تو هر چیز بسطی توانایی را

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ مُوسَى بْنُ

ای خدای من و سؤال می‌کنم تو را به نام تو که خوانده‌است تو را به آن نام بنده تو و پیغمبر تو موسی پسر

عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ، وَ نَادَيْنَاهُ مِنْ

عمران علیه السلام در هنگامی که گفته‌ای بزرگیت و بلندیت، و ندا کردیم موسی را از

جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ، وَ قَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا، وَ ضَرَبْتَ لَهُ طَرِيقًا فِي

جانب کوه طور طرف راست آن و نزدیک ساختیم او را نجات دهنده و تغییر نمودی برای او راهی را در

الْبَحْرِ يَبَسًا، وَ نَجَّيْتَهُ وَ مَنْ تَبِعَهُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَ أَغْرَقْتَ

دریا که خشک بود و خلاصی دادی او را و کسانی را که پیروی کرده بودند او را از بنی اسرائیل و غرق کردی تو

فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا، وَ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَ كُنْتَ مِنْهُ

فرعون را و هامان و وزیر او را و سپاه ایشان را و برآوردی برای او حاجت او را و بودی به او

قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُعِيزَنِي مِنْ

نزدیک ای نزدیک به همه کس آن که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و آن که پناه دهی مرا از

شَرِّ خَلْقِكَ، وَ تُقَرِّبَنِي مِنْ عَفْوِكَ، وَ تَنْشُرَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ مَا

شر آفریدگان خود و نزدیک گردانی مرا از درگذشتن تو و بریزی بر من از زیادتای بخشش خود آنچه را

تُغْنِينِي بِهِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَ يَكُونُ لِي بَلَاغًا أَنَالُ بِهِ مَغْفِرَتَكَ

که بی‌نیاز گرداند مرا به سبب آن از جمیع آفریدگان تو و باشد برای من رساننده‌ای که برسم به سبب آن به آمرزش تو

وَ رِضْوَانِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ. إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ

و خوشنودیت ای دوستدار مؤمنان ای خدای من و سؤال می‌کنم تو را به نام تو که خوانده‌است تو را

بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَ

به آن بنده تو و پیغمبر تو داود که بر او باد سلام پس اجابت کردی برای او دعای او را و

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

سَخَّرْتَ لَهُ الْجِبَالَ يُسَبِّحُنَ مَعَهُ بِالْعَشِيِّ وَالْأُبْكَارِ، وَ الطَّيْرُ

مسخر گردانیدی برای او کوهها را که تسبیح گویند با او در وقت شب و در صبح و مرغان را

مَحْشُورَةً كُلُّ لَهُ أَوَابٍ، وَ شَدَّدْتَ مُلْكَهُ وَ آتَيْتَهُ الْحِكْمَةَ وَ فَضَلَ

جمع کرده شده همه به سوی او رجوع کنند و محکم کردی پادشاهی او را و دادی به او دانایی را و جدا ساختی

الْخِطَابِ، وَ أَلَنْتَ لَهُ الْحَدِيدَ، وَ عَلَّمْتَهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَهُمْ، وَ غَفَرْتَ

حق را از باطل و نرم گردانیدی برای او آهن را و تعلیم کردی به او کسب زره سازی را برای مردمان و آمرزیدی

ذَنْبَهُ، وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

گناه او را و ریبودی به او نزدیک ای نزدیک به همه مردمان آن که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد

وَ أَنْ تُسَخِّرَ لِي جَمِيعَ أُمُورِي، وَ تُسَهِّلَ لِي تَقْدِيرِي، وَ تَرْزُقَنِي

و آن که میسر گردانی برای من همه کارهای مرا و آسان کنی برای من آنچه را که مقدر کرده ای و روزی گردانی

مَعْرِفَتِكَ وَ عِبَادَتِكَ، وَ تَدْفَعْ عَنِّي ظُلْمَ الظَّالِمِينَ، وَ كَيْدَ الْكَائِدِينَ،

به من شناخت تو را و فرمانبرداری تو را و دور گردانی از من ستم ستم کنندگان را

وَ مَكْرَ الْمَاكِرِينَ، وَ سَطَوَاتِ الْفَرَاعِنَةِ الْجَبَّارِينَ، وَ حَسَدَ

و دشمنی دشمنان را و حیل و حیل کنندگان را و قهرهای ظالمان جبر کنندگان را و رشک

الْحَاسِدِينَ، يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ، وَ جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ وَ ثِقَةَ الْمُؤْمِنِينَ

رشک برندگان را ای امان دهنده ترسندگان و ای پناه پناه آورندگان و اعتماد مؤمنان

وَ رَجَاءَ الْمُتَوَكِّلِينَ وَ مُعْتَمَدَ الصَّالِحِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. إِلَهِي

و امید اعتماد کنندگان و محل اعتماد نیکوکاران ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان ای خدای من

وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ

و سؤال می کنم تو را خداوند ای نام تو که سؤال کرده است تو را به آن نام بنده تو و پیغمبر تو سلیمان پسر داود

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، إِذْ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكاً لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ

که بر ایشان باد سلام در هنگامی که گفت ای پروردگار من بیا مرز مرا و ببخش به من پادشاهی را که سزاوار نباشد برای احدی

مِنْ بَعْدِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَائِهِ، وَ أَطَعْتَ لَهُ

بعد از من به درستی که تویی بسیار بخشنده پس مستجاب کردی برای او دعای او را و فرمانبرداری کردی برای او

الْخَلْقَ، وَ حَمَلْتَهُ عَلَى الرِّيحِ، وَ عَلَّمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ، وَ سَخَّرْتَ لَهُ

همه آفریدگان را و حاکم ساختی او را بر باد و آموختی او را سخن مرغان و مسخر کردی برای او

الشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَاءٍ وَ غَوَاصٍ، وَ آخَرِينَ مُقَرَّبِينَ فِي الْأَصْفَادِ، هَذَا

شیطانها را که هر یک از آنها بنا نهاده و به آب فرو رونده بودند و جماعت دیگران را از دیوان که بسته شده بودند به یکدیگر در غلله های آهنین

عَطَاؤُكَ لَا عَطَاءَ غَيْرِكَ، وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ

اینها بخشش توست نیست بخشش غیر تو و بوده ای به او نزدیک ای نزدیک به همه کس آن که رحمت فرستی

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَهْدِيَ لِي قَلْبِي، وَتَجْمَعَ لِي لُبِّي، وَ
 بر محمد و بر آل محمد و آن که راهمائی کنی برای من دل مرا و جمع کنی برای من عقل مرا و
تَكْفِينِي هَمِّي، وَ تُوْمِنَ خَوْفِي، وَ تَفْكُ أَسْرِي، وَ تَشُدَّ أَرْبِي، وَ
 نگاهداری مرا از اندوه من و ایمن گردانی ترس مرا و رها کنی بند مرا و سخت گردانی پشت مرا و
تُمْهَلَنِي وَ تَنْفِسَنِي، وَ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي، وَ تَسْمَعَ نِدَائِي، وَ لَا
 مهلت دهی مرا و آرام دهی نفس مرا و برآوروی حاجت مرا و بشنوی آواز مرا و آن که نگرانی
تَجْعَلَ فِي النَّارِ مَأْوَايَ، وَ لَا الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي، وَ أَنْ تُوسِّعَ عَلَيَّ فِي
 تو در آتش جایگاه مرا و نه دنیا بزرگترین مقمود من و آن که فراخ کنی بر من
رِزْقِي، وَ تُحَسِّنَ خُلُقِي، وَ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَ
 روزی مرا و نیکو گردانی خلق مرا و آزاد کنی گردن مرا از آتش به درستی که تو ستوده منی و آقای منی و
مَوْلَايَ وَ مُؤَمِّلِي. إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ
 محل امید منی ای خدای من و سوال می کنم تو را به نام تو که خوانده است تو را به آن نام ایوب
عَلَيْهِ السَّلَامُ، لَمَّا حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ بَعْدَ الصِّحَّةِ، وَ نَزَلَ السُّقْمُ مِنْهُ
 علیه السلام در وقتی که وارد شد به او آزار و بلا بعد از تندرستی و فرود آمد بیماری به او
مَنْزِلَةَ الْعَافِيَةِ وَ الضِّيقُ بَعْدَ السَّعَةِ، فَكَشَفَتْ ضُرَّهُ وَ رَدَدَتْ
 به جای سلامتی و تنگی بعد از فراخی پس برطرف کردی آزار او را و برگردانیدی تو
عَلَيْهِ أَهْلَهُ، وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ حِينَ نَادَاكَ دَاعِيًا لَكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ،
 بر او اهل او را و مثل ایشان را که بودند با ایشان در هنگامی که آواز کرد تو را در حالی که خواننده بود تو را و رغبت کننده به سوی
رَاغِبًا لِفَضْلِكَ، شَاكِيًا إِلَيْكَ، رَبِّ ابْنِي مَسْنِي الضَّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ
 و امید زیادی احسان تو را و شکوه کننده به سوی تو و گفت ای پروردگار من به درستی که رسیده به من آزار و بلا و تو رحم کننده ترین
الرَّاحِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤُهُ، وَ كَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا
 رحم کننده گانی پس اجابت کردی دعای او را و برطرف کردی آزار و بلای او را و بودی به او نزدیک
يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَكْشِفَ ضُرِّي، وَ
 ای نزدیک به همه مردمان آن که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آن که برطرف کنی آزار و بلای مرا و
عَافِنِي فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وَلَدِي وَ إِخْوَانِي فَيْكَ، عَافِيَةً
 و سلامتی دهی در نفس من و در اهل من و مال من و فرزندان من و برادران من در خشنودیت سلامتی
بَاقِيَةً شَامِلَةً شَافِيَةً كَافِيَةً وَافِرَةً هَادِيَةً نَامِيَةً، مُسْتَغْنِيَةً عَنِ
 پاینده فراگیرنده شفا دهنده کفایت کننده بسیار و راهنمای و زیاد شونده که بی نیاز باشد از
الْأَطِبَّاءِ وَ الْأَدْوِيَةِ، وَ تَجْعَلَهَا شِعَارِي وَ دِتَارِي، وَ تُمَتِّعَنِي
 طبیبان و دواها و آن که بگردانی آن سلامتی را جامه پایینی من و جامه بالایی من و بهره دهی مرا

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

بِسْمِی وَ بَصْرِی، وَ تَجْعَلُهُمَا الْوَارِثَیْنِ مِنِّی، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ

بِه گوش من و چشم و آن که بگردانی این هر دورا و لڑنان از من به درستی که تو بر هر چیز

شَیْءٍ قَدِیرٌ. إِلَهَی وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِی دَعَاكَ بِهِ یُونُسُ بْنُ

بسیار توانائی ای خدای من و سؤال می کنم تو را به نام تو که خوانده است تو را به آن نام یونس پسر

مَتَّى عَلَیْهِ السَّلَامُ، فِی بَطْنِ الْحَوْتِ حِینَ نَادَاكَ فِی ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ

متی علیه السلام در شکم ماهی در هنگامی که ندا کرد تو را در تاریکی های سه گانه

أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ، وَ أَنْتَ أَرْحَمُ

آن که نیست خدائی مگر تو منزهی چون من بودم و هستم از جمله ستم کنندگان و تو رحم کننده ترین

الرَّاحِمِیْنَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَائِهِ، وَ أَنْبَتَ عَلَیْهِ شَجَرَةً مِنْ یَقْطِیْنِ،

رحم کنندگانی پس پسر آوردی برای او حاجت او را و رویتیدی برای او درختی از کدو

وَ أَرْسَلْتَهُ إِلَى مِائَةِ أَوْ یَزِیدُونَ، وَ كُنْتُ مِنْهُ قَرِیبًا یَا قَرِیبُ، أَنْ

و فرستادی او را به سوی صد هزار نفر یا زیاده و بودی به او نزدیک ای نزدیک به مردمان آنکه

تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَسْتَجِیْبَ لِی دُعَائِی وَ

رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و آن که اجابت کنی دعای مرا و

تُدَارِکَنِی بِعَفْوِكَ، فَقَدْ غَرِقْتُ فِی بَحْرِ الظُّلْمِ لِنَفْسِی، وَ رَكِبْتُ

برسانی به من تجاوز خود از گناه من که غرق شده ام در دریای ستم کردن بر نفس خود و غلبه کرده است

مَظَالِمُ کَثِیرَةٌ لِخَلْقِكَ عَلَیَّ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اشْتَرِنِی

مرا مظالم های بسیار برای آفریدگان تو بر من رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و خریداری کن مرا

مِنْهُمْ، وَ اُعْتِقْنِی مِنَ النَّارِ، وَ اجْعَلْنِی مِنْ عَتَقَائِكَ وَ طُلُقَائِكَ مِنَ

از ایشان و آزاد گردان مرا از آتش جهنم و بگردان مرا از آزاد کرده شده های خود و رها ساخته شده های خود از

النَّارِ فِی مَقَامِی هَذَا، بِمَنْكَ یَا مَنَّانُ. إِلَهَی وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِی

آتش در این محل که ایستاده ام در آن به سبب بغض تو ای منت گذارنده، ای خدای من و سؤال می کنم تو را به نام تو که

دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِیُّكَ عِیْسَى بْنُ مَرْیَمَ عَلَیْهِ السَّلَامُ، إِذْ أَيْدَتْهُ

خوانده است تو را به آن نام بنده تو و پیغمبر تو عیسی پسر مریم علیه السلام در وقتی که قوی گردانیدی

بِرُوحِ الْقُدُسِ، وَ أَنْطَقْتَهُ فِی الْمَهْدِ، فَأَخِیَا بِهِ الْمَوْتِی وَ أَبْرَأَ بِهِ

تو او را به روح پاک و گویا ساختی او را در گهواره پس زنده گردانید به برکت آن نام مرد مرا و خلاص کرد به سبب آن

الْأُكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ، وَ خَلَقَ مِنَ الطَّیْنِ كَهَيْئَةِ الطَّیْرِ، فَصَارَ

اسم کور مادرزاد را و پیری را به اذن تو و ساخت از گل مانند صورت مرغ پس گردید مرغ زنده به اذن تو

طِیْرًا بِإِذْنِكَ، وَ كُنْتُ مِنْهُ قَرِیبًا یَا قَرِیبُ، أَنْ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ

و بودی به او نزدیک ای نزدیک به همه چیز آن که رحمت فرستی بر محمد و

دعاهای حضرت صاحب الزمان (عج)

آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُفَرِّعَنِي لِمَا خُلِقْتُ لَهُ، وَ لَا تَشْغَلْنِي بِمَا تَكَفَّلْتَهُ لِي،

بر آل محمد و آن که فارغ سازی مرا برای آنچه آفریده شده‌ام برای آن و مشغول نگردان مرا به تحصیل آنچه ضامن شدی آنرا برای من

وَ تَجْعَلَنِي مِنْ عِبَادِكَ وَ زُهَّادِكَ فِي الدُّنْيَا، وَ مِمَّنْ خَلَقْتَهُ لِلْعَافِيَةِ،

و آن که بگردانی مرا از عبادت کنندگان خود و از پارسایان خود در دنیا و از جمله کسانی که آفریدهای آنها را برای سلامتی

وَ هِنَاتَهُ بِهَا مَعَ كَرَامَتِكَ، يَا كَرِيمُ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ. إِلَهِي وَ

و کمالاتی که با آنها زندگی دنیا را با وجود بخشش تو ای بخشندگی بلند مرتبه ای بزرگ ای خدای من و

أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَصْفُ بْنُ بَرْخِيَا، عَلَى عَرْشِ مَلِكَةِ

سؤال می‌کنم تو را به نام تو که خوانده‌است تو را به آن نام آصف پسر برخیا بر تخت پادشاهزاده

سَبَا، فَكَانَ أَقَلَّ مِنْ لَحْظِ الطَّرْفِ، حَتَّى كَانَ مُصَوَّرًا بَيْنَ يَدَيْهِ، فَلَمَّا

شهر سبا (مراد بلقیس است) پس بود کمتر از چشم بر هم زدنی تا آن که شد آن تخت حاضر در پیش روی او و چون

رَأَتْهُ قِيلَ أَهْكَذَا عَرْشُكَ، قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ، فَاسْتَجَبَتْ دُعَاءَهُ وَ كُنْتُ

دید آنرا بلقیس گفته شد به او که آیا چنین است تخت تو گفت بلقیس که گویا همان است آن پس اجابت کردی دعای او را و بودی تو

مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ كَفِّرْ عَنِّي

به او نزدیک ای نزدیک به همه مردمان رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بپوشان از من

سَيِّئَاتِي، وَ تَقَبَّلْ مِنِّي حَسَنَاتِي، وَ تَقَبَّلْ مِنِّي تَوْبَتِي وَ تَبَّ عَلَيَّ، وَ

گناهان مرا و قبول کن از من نیکوئیهای مرا و قبول کن از من توبه مرا و مگیر گناهان مرا بر من و

تُغْنِي فَقْرِي، وَ تَجْبُرَ كَسْرِي، وَ تُخَيِّ فُؤَادِي بِذِكْرِكَ، وَ تُخَيِّنِي

بی‌نیاز گردان درویشی مرا و درست کن شکستگی مرا و زنده گردان دل مرا به سبب یادآوری و زنده کن مرا

فِي عَافِيَةٍ، وَ تُمِيتَنِي فِي عَاقِبَةِ. إِلَهِي وَ أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

در سلامتی از عذاب و بمیرانی مرا در سلامتی از عقوبت ای خدای من و سؤال می‌کنم تو را به نام تو که خوانده‌است

دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ، حِينَ سَأَلَكَ دَاعِيًا

تو را به آن نام بنده تو و پیغمبر تو زکریا علیه السلام در هنگامی که سؤال کرد تو را دعا کنندگان امید دارنده

رَاجِيًا لِفَضْلِكَ، فَقَامَ فِي الْمِحْرَابِ يُنَادِي نِدَاءً خَفِيًّا، فَقَالَ رَبِّ

مرا زیادتای احسان تو را پس احسان تو را پس ایستاد در محراب و خواند تو را به ندای پنهان پس گفت ای پروردگار من

هَبْ لِي لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ، وَ اجْعَلْهُ رَبِّ

بخش به من از نزد خود فرزندی دوست که میراث برد از من و وارث برد از آل یعقوب و بگردان او را ای پروردگار من

رَضِيًّا، فَوَهَبْتَ لَهُ يَحْيَى وَ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَ كُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا

پسندیده که بخشود بانی از او پس بخشیدی به او یحیی را و اجابت کردی برای او دعای او را و بودی به او نزدیک

يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُبْقِيَ لِي أَوْلَادِي،

ای نزدیک به همه کس آن که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و آن که باقی و پاینده داری فرزندان مرا

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

وَ أَنْ تُمَتِّعَنِي بِهِمْ، وَ تَجْعَلَنِي وَ إِيَّاهُمْ مُؤْمِنِينَ لَكَ، رَاغِبِينَ فِي

و آن که بهره‌مند گردانی به سبب ایشان و بگردانی مرا و ایشان را ایمان آورندگان به تو خواهی داشتگان در

ثَوَابِكَ، خَائِفِينَ مِنْ عِقَابِكَ، رَاغِبِينَ لِمَا عِنْدَكَ، آيِسِينَ مِمَّا عِنْدَ

ثواب تو ترسندگان از عذاب تو امید دارندگان به آنچه در نزد توست مایوس و ناامید شدگان از آنچه در نزد

غَيْرِكَ، حَتَّى تُحْيِيَنَا حَيَاةً طَيِّبَةً، وَ تُمِيتَنَا مِيتَةً طَيِّبَةً، إِنَّكَ فَعَّالٌ

غیر توست تا آن که زنده داری ما را زندگانی نیکو و بمیرانی ما را مردنی نیکو به درستی که تو نیکو کننده‌ای

لِمَا تُرِيدُ. إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ امْرَأَةً فِرْعَوْنَ

بر آنچه را که خواهی از خدای من و سؤال می‌کنم تو را به آن نام که سؤال کرد تو را به آن نام زن فرعون

إِذْ قَالَتْ: رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، وَ نَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ

و بانی که گفت ای پروردگار من بنا کن برای من در نزد خود خانه‌ای را در بهشت و خلاصی ده مرا از فرعون و

عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ دُعَائَهَا وَ كُنْتَ

کـرـدار او و رـهـانی ده مـرا از گـروه سـتمکاران پس اجابت کردی دعای او را و بودی تو

مِنْهَا قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُقَرَّرَ

به او نزدیک ای نزدیک به همه مردمان آن که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و آن که روشن سازی

عَيْنِي بِالنَّظَرِ إِلَى جَنَّتِكَ وَ أَوْلِيَايِكَ وَ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَ تَفَرَّحَ حَبْنِي

چشم مرا به نگاه کردن به سوی بهشت و به سوی دوستداران تو و به ملاحظه کردن ذات تو که بخشنده است و خوشحال سازی مرا

بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تُؤْنِسَنِي بِهِ وَ بِآلِهِ وَ بِمُصَاحِبَتِهِمْ وَ مُرَافَقَتِهِمْ،

به دیدن محمد و آل او و همنشین گردانی مرا به آن حضرت و به آل او به همصحبت بودن ایشان

وَ تُمْكِّنَ لِي فِيهَا، وَ تُنَجِّنِي مِنَ النَّارِ وَ مَا أُعِدَّ لِأَهْلِهَا مِنْ

و به رفیق بودن با ایشان و جای دهی مرا در بهشت و رهانی دهی مرا از آتش و از آنچه مهیا گشته است برای اهل آن از

السَّلَاسِلِ وَ الْأَغْلَالِ وَ الشَّدَائِدِ وَ الْأَنْكَالِ، وَ أَنْوَاعِ الْعَذَابِ بِعَفْوِكَ

زنجیرها و غلله‌ها و سختیها و عیبهای رسوا و از اقسام عقوبتها به سبب در گذشتن تو از گناهان من

يَا كَرِيمُ. إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعْتُكَ بِهِ أُمْتُكَ وَ

ای بخشنده، ای خدای من و سؤال می‌کنم تو را به نام تو که خوانده است تو را به آن نام کنیز تو و

صِدِّيقَتِكَ مَرْيَمَ الْبَتُولَ وَ أُمَّ الْمَسِيحِ الرَّسُولِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، إِذْ

راست گوییت مریم بریده شده از شوهر و مادر عیسی پیغمبر که بر ایشان باد سلام در هنگامی که

قُلْتَ وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنْتَ فَرَجَهَا، فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ

فرمودی که و مریم کردیم مثل مریم دختر عمران را که نگاه داشت عورت خود را پس دمیدیم در دهن او از

رُوحِنَا، وَ صَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ، وَ كَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ،

روحی که آفریده بودیم به او، قبول نمود و اعتقاد کرد به سخنان پروردگار خود و به کتاب او و بود مریم از جمله فرمانبرداران و دعا کنندگان

دعاهای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

فَاسْتَجَبْتَ دُعَائَهَا وَ كُنْتَ مِنْهَا قَرِيباً يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

پس اجابت کردی دعای او را و بودی به او نزدیک ای نزدیک به مردمان آن که رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُحَصِّنَنِي بِحِصْنِكَ الْحَصِينِ، وَ تَحْجُبَنِي

محمد و بر آل محمد و آن که نگاه داری مرا به حصار و قلعه خود که محکم است و پنهان داری مرا

بِحِجَابِكَ الْمَنِيعِ، وَ تَحْرُزَنِي بِحِزْزِكَ الْوَثِيقِ، وَ تَكْفِينِي بِكَفَايَتِكَ

به پرده خود که منع کننده است و محافظت کنی مرا به نگاهداشتن خود که معتد است و کفایت کنی مرا

الْكَافِيَةِ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَاغٍ، وَ ظُلْمِ كُلِّ بَاغٍ، وَ مَكْرِ كُلِّ مَآكِرٍ، وَ غَدْرِ كُلِّ

به کارگذاری خود که سودمند است از شر هر سرکشی و ستم هر خروج کننده ای و حيله هر مکر کننده ای و فریب هر

غَادِرٍ، وَ سِحْرِ كُلِّ سَاحِرٍ، وَ جَوْرِ كُلِّ سُلْطَانٍ جَائِرٍ، بِمَنْعِكَ يَا

فریب دهنده ای و سحر هر سحر کننده ای و ظلم هر پادشاه ظالمی به سبب منع تو ای منع کننده ای

مَنِيعُ. إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ وَ

خدای من و سوال می کنم تو را به نام تو که خوانده است تو را به آن نام بنده تو و پیغمبر تو و

صَفِيُّكَ، وَ خَيْرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ أَمِينُكَ عَلَى وَحْيِكَ، وَ رَسُولُكَ إِلَى

برگزیده تو و انتخاب کرده شده تو از میان آفریدگان تو و امین تو بر وحیت و فرستاده تو به سوی

خَلْقِكَ، وَ بَعِيَّتُكَ إِلَى بَرِيَّتِكَ، مُحَمَّدٌ خَاصَّتُكَ وَ خَالِصَتُكَ، صَلِّ

آفریدگان تو و برانگیخته تو به سوی مخلوقات تو که محمد است مخصوص است به تو و خالص است برای رحمت

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَاسْتَجَبْتَ دُعَائَهُ، وَ أَيْدَتْهُ بِجُنُودٍ لَمْ يَرَوْهَا، وَ

خدا باد بر او و بر خاندانش پس اجابت کردی دعای او را و قوی گردانیدی او را به سپاهی از فرشتگان که نمی دیدند آنها را و

جَعَلْتَ كَلِمَتَكَ الْعُلْيَا، وَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى، وَ كُنْتَ مِنْهُ

گردانیدی سخن خود را بلند و سخن آن جماعتی را که کافر شده بودند پست و بودی به آن حضرت

قَرِيباً يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً زَاكِيَةً

نزدیک ای نزدیک آن که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد رحمتی پاکیزه

طَيِّبَةً نَامِيَةً بَاقِيَةً مُبَارَكَةً، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَبِيهِمْ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ

پاک نمو کننده که باقی و با برکت باشد همچنان که رحمت فرستاده ای بر پدر ایشان حضرت ابراهیم و بر آل

إِبْرَاهِيمَ، وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيْهِ، وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ كَمَا

ابراهیم و برکت ندای بر ایشان همچنان که برکت داده ای بر ابراهیم و درود فرست بر ایشان همچنان که

سَلَّمْتَ عَلَيْهِ، وَ زِدْهُمْ فَوْقَ ذَلِكَ كُلِّهِ زِيَادَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَ

درود فرستاده ای بر ابراهیم و زیاده بده به ایشان بالاتر از اینها همه زیادتیی که باشد از نزد تو و

اخْلُطْنِي بِهِمْ، وَ اجْعَلْنِي مِنْهُمْ، وَ اخْشُرْنِي مَعَهُمْ، وَ فِي زُمْرَتِهِمْ،

داخل گردان مرا به ایشان و بگردان مرا از ایشان و زنده گردان مرا در حشر با ایشان و در سلك ایشان

دعاهای حضرت صاحب الزمان (عج)

حَتَّى تُسْقِيَنِي مِنْ حَوْضِهِمْ، وَ تَدْخِلَنِي فِي جُمَّلَتِهِمْ، وَ تَجْمَعَنِي وَ

تا آن که آب دهی مرا از حوض ایشان و داخل کنی مرا در جرگه ایشان و جمع کنی مرا و

إِيَّاهُمْ، وَ تَقَرَّ عَيْنِي بِهِمْ، وَ تُعْطِيَنِي سُؤْلِي، وَ تُبَلِّغَنِي آمَالِي فِي

ایشان را با یکدیگر و روشن گردانی چشم مرا به ایشان و ببخشی به من به سبب ایشان مطلب مرا و برسانی به من آرزوهای مرا در

دِينِي، وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي، وَ تُبَلِّغَهُمْ سَلَامِي، وَ

دن من و دنیای من و آخرت من و زندگانی و مردن من و آن که برسانی به ایشان سلام مرا و

تَرُدَّ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامُ، وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

رد کنی بر من از جانب ایشان سلام مرا و بر ایشان باد سلام و رحمت خدا و برکتهای خدا

إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُنَادِي فِي أَنْصَافِ كُلِّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ

ای خدای من تویی آن کسی که ندا می کنی در نصف های هر شب آیا هست از سؤال کننده ای

فَاعْطِيهِ؟ أَمْ هَلْ مِنْ دَاعٍ فَأُجِيبُهُ؟ أَمْ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ؟ أَمْ

تا بخشایش نمایم او را آیا هست از دعا کننده ای تا اجابت کنم دعای او را آیا هست از طلب آمرزش کننده ای تا بیامرزم او را آیا

هَلْ مِنْ رَاجٍ فَأُبَلِّغَهُ رَجَاءَهُ؟ أَمْ هَلْ مِنْ مُؤَمِّلٍ فَأُبَلِّغَهُ أَمَلَهُ؟ هَا أَنَا

هست از امیدواری تا برسانم او را به امید او آیا هست از آرزو کننده ای پس برسانم او را به آرزوی خود اینک من

سَائِلُكَ بِفَنَائِكَ، وَ مُسْكِينُكَ بِفَنَائِكَ، وَ ضَعِيفُكَ بِبَابِكَ، وَ فَقِيرُكَ

سؤال کننده ام به در سرای و درویش طلب کننده ام به ساحت فصاحت و ناتوان ایستاده ام به در خانه تو و محتاج

بِبَابِكَ، وَ مُؤَمِّلُكَ بِبَابِكَ، أَسْأَلُكَ نَائِلَكَ، وَ أَرْجُو رَحْمَتَكَ وَ

متوسلیم به در سرای و امیدوارم از در رحمت تو سؤال می کنم از تو عطیة تو را و امید دارم رحمت تو را و

عَفْوِكَ، وَ أَلْتَمِسُ غُفْرَانَكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَعْطِنِي

سجاوز تو را از گناهان و التماس می کنم آمرزش تو را پس رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و ببخش به من

سُؤْلِي، وَ بَلِّغْنِي أَمَلِي، وَ اجْبُرْ فَقْرِي، وَ ارْحَمْ عَصِيَانِي، وَ اعْفُ

سؤال مرا و برسان به من امید مرا و بدل کن به توانگری درویشی مرا و رحم کن گناه مرا و درگذر از گناهان من و رها کن

عَنْ ذُنُوبِي، وَ فُكَّ رَقَبَتِي مِنْ مَظَالِمِ لِعِبَادِكَ قَدْ رَكِبْتَنِي، وَ قَوَّ

مگردن مرا از مظلمه های از برای بسندگانت سوار شدند مرا و قوی گردان سستی مرا و به توانگری

ضَعْفِي، وَ اعْنِ مَسْكِنَتِي، وَ ثَبِّتْ وَطْأَتِي، وَ اغْفِرْ جُرْمِي، وَ أَنْعِمْ

ببدل کن درویشی مرا و ثابت گردان قدم مرا و بیامرزم گناه مرا و نعمت ده

بَالِي، وَ أَكْثِرْ مِنَ الْحَالَالِ مَالِي، وَ خِرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي وَ

دل مرا و زیاده گردان از حلال مال مرا و خوبی ده به من در همه کارهای من و

أَفْعَالِي، وَ رَضِّنِي بِهَا، وَ ارْحَمْنِي وَ وَالِدَيَّ وَ مَا وَلَدَا مِنْ

کردارهای من و خوشنود گردان مرا به آنها و رحم کن به من و بر پدر و مادر من و بر آنچه زائیده اند او را از

دعاهای حضرت صاحب الزمان (عج)

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ

مردان مؤمن و زنان مؤمنه و مردان مسلمان و زنان مسلمه زندگان از ایشان

وَالْأَمْوَاتِ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدَّعَوَاتِ، وَ أَلْهِمْنِي مِنْ بَرِّهِمَا مَا أَسْتَحِقُّ

و مردگان ایشان به درستی که تو شنونده دعاهایی و بینداز به دل من از نیکنی کردن به والدین آنچه را که سزاوار گردم

بِهِ ثَوَابِكَ وَ الْجَنَّةِ، وَ تَقَبَّلْ حَسَنَاتِهِمَا، وَ اغْفِرْ سَيِّئَاتِهِمَا، وَ

به سبب آن ثواب تو را و بهشت تو را و قبول کن نیکنی های ایشان را و بیامرز گناهان ایشان را و

اجْزِهِمَا بِأَحْسَنِ مَا فَعَلَا بِي ثَوَابِكَ وَ الْجَنَّةِ. إِلَهِي وَ قَدْ عَلِمْتُ

عوض ده به ایشان بهتر از آنچه کرده اند ایشان با من ثواب خود را و بهشت خود را ای خدای من می دانم

يَقِينًا أَنَّكَ لَا تَأْمُرُ بِالظُّلْمِ وَ لَا تَرْضَاهُ، وَ لَا تَمِيلُ إِلَيْهِ وَ لَا تَهْوَاهُ، وَ

من به یقین آن که تو امر نمی کنی به ظلم و راضی نیستی به آن و میل نمی کنی به سوی آن و خواهش نداری آن را و

لَا تُحِبُّهُ وَ لَا تَغْشَاهُ، وَ تَعْلَمُ مَا فِيهِ هُوَ لَاءِ الْقَوْمِ مِنْ ظُلْمِ عِبَادِكَ،

دوست نمی داری آن را و نمی پوشی آن را و می دانی آنچه را که در آن هستند این گروه از ستم کردن با بندگان تو

وَ بَغْيِهِمْ عَلَيْنَا، وَ تَعْدِيهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ لَا مَعْرُوفٍ، بَلْ ظُلْمًا وَ

و ظلم نمودن ایشان بر ما و از حد بیرون رفتن ایشان به غیر حق و به غیر شرع و طریقه بلکه از روی ظلم و

عُدْوَانًا وَ زُورًا وَ بُهْتَانًا، فَإِنْ كُنْتَ جَعَلْتَ لَهُمْ مُدَّةً لَا بُدَّ مِنْ

دشمنی و دروغ و تهمت پس اگر باشی که گرداننده ای از برای ایشان مدتی را که ناچار است از

بُلُوغِهَا، أَوْ كَتَبْتَ لَهُمْ آجَالًا يَنَالُونَهَا، فَقَدْ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ وَ

رسیدن آن مدت یا آن که مقرر کرده ای برای ایشان موعدی را که برسند ایشان به آن موعد که گفته ای و گفتارت درست و

وَعْدُكَ الصِّدْقُ: يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ.

و وعده ات راست است آن که محو می کند خدا آنچه را که می خواهد و ثابت می گرداند آنچه را که می خواهد و در نزد اوست اصل کتاب

فَأَنَا أَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَا سَأَلَكَ بِهِ أَنْبِيَائُكَ وَ رُسُلُكَ الْمُرْسَلُونَ، وَ

پس من می طلبم از تو به حق هر آنچه طلب نموده اند تو را به آن پیغمبران تو و رسولان تو که فرستاده شدگانند و

أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، وَ مَلَائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ،

سؤال می کنم تو را به آنچه سؤال کرده اند تو را به آن بندگان تو که نیکوکارانند و فرشتگان تو که نزدیکانند

أَنْ تَمْحُوَ مِنْ أُمِّ الْكِتَابِ ذَلِكَ، وَ تُثَبِّتَ لَهُمُ الْأَضْمِحْلَالَ وَ الْمَحَقَّ،

آن که محو کنی از لوح محفوظ آن را و ثابت گردانی برای ایشان نابود شدن را و بر طرف شدن را

حَتَّى تَقْرَبَ أَجَالَهُمْ، وَ تَقْضِيَ مُدَّتَهُمْ، وَ تَذْهَبَ أَيَّامُهُمْ، وَ تُبْتَرَّ

تا آن که نزدیک سازی اجل های ایشان را و به سر آوری مدت ایشان را و بر طرف کنی روز های ایشان را و قطع کنی

أَعْمَارَهُمْ، وَ تَهْلِكَ فُجَّارُهُمْ، وَ تُسَلِّطَ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ، حَتَّى لَا

عمر های ایشان را و هلاک گردانی فاسقان ایشان را و غالب گردانی بعضی ایشان را بر بعضی تا آن که باقی نگذاری

دعاهای حضرت صاحب الزمان (عج)

تُبْقَى مِنْهُمْ أَحَدًا، وَ لَا تُنْجَى مِنْهُمْ أَحَدًا، وَ لَا تُخْلَصَ مِنْهُمْ أَحَدًا أَبَدًا،

تسوا از ایشان احدی را و خلاصی بسدی از ایشان کسی را و رهانکشی از ایشان یکی را هرگز

وَ تَفَرِّقَ جُمُوعَهُمْ، وَ تَكِلَ سِلَاحَهُمْ، وَ تَبَدِّدَ شَمْلَهُمْ، وَ تَقْطَعَ أَجَالَهُمْ،

و پراکنده سازی جمعیت ایشان را و کند کنی یراق جنگ ایشان را و متفرق سازی قوم ایشان را و آن که ببری مدت عمر ایشان را

وَ تَقْصِرَ أَعْمَارَهُمْ، وَ تَزْلِزَ أَقْدَامَهُمْ، وَ تَطْهِّرَ بِلَادَكَ مِنْهُمْ، وَ تَظْهَرَ

و کوتاه گردانی مدت عمر ایشان را و بلرزانی قدمهای ایشان را و پاک سازی شهرهای خود را از ایشان و آنکه

عِبَادَكَ عَلَيْهِمْ، فَقَدْ غَيَّرُوا سُنَّتَكَ، وَ نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَ هَتَكُوا

غالب گردانی بندگانت را بر ایشان که تغییر دادند روتبه و طریقه تورا و شکستند پیمان تورا و دریدند

حَرِيمَكَ، وَ أَتَوْا مَا نَهَيْتَهُمْ عَنْهُ، وَ عَتَوْا عِتْوًا كَبِيرًا، وَ ضَلُّوا ضَلَالًا

برده حرمت تورا و به جا آوردند آنچه را که منع کردی ایشان را از آن و سربچی کردند بزرگ و گمراه شدند گمراه شدن

بَعِيدًا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أذنْ لِمَجْمَعِهِمْ بِالشَّتَاتِ، وَ

دور پس رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و مقرر فرمای مگر جمعیت ایشان را به پراکندگی و

لِحَيِّهِمْ بِالْمَمَاتِ، وَ لِأَزْوَاجِهِمْ بِالنَّهْبَاتِ، وَ خَلِّصْ عِبَادَكَ مِنْ

مگر زندگانی ایشان را به مردن و مگر زنان ایشان را به غارت و اسیری و نجات ده بندگانت را از

ظُلْمِهِمْ، وَ اقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنْ هَضْمِهِمْ، وَ طَهِّرْ أَرْضَكَ مِنْهُمْ، وَ أذنْ

ستم ایشان و بگیر و کوتاه کن دست ایشان را از شکستن بندگان و پاک کن زمین خود را از کثافت ایشان و امر کن

بِحَصْدِ نَبَاتِهِمْ، وَ اسْتِنْصَالِ شَأْفَتِهِمْ، وَ شَتَاتِ شَمْلِهِمْ، وَ هَدمْ

به درویدن درخت عمر ایشان و از بیخ برکنیدن اصل زندگانی ایشان و پراکندگی جمعیت ایشان و خراب کردن

بُنْيَانِهِمْ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاَكْرَامِ، وَ أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَ إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ

بناهای زندگانی ایشان ای صاحب بزرگی و بخشش و سوال می کنم تورا ای خداوند من و خدای هر چیز و

رَبِّي وَ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدَاكَ وَ رَسُولَاكَ

پروردگار من و پروردگار هر چیز و می خوانم تورا به آنچه خوانده اند تورا به آن دو بنده تو و دو رسول تو

وَ نَبِيَّاكَ وَ صَفِيَّاكَ، مُوسَى وَ هَارُونَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حِينَ قَالَا

و دو پیغمبر تو دو برگزیده تو موسی و هارون که بر ایشان باد سلام در وقتی که گفتند در حالی که خوانند نبودند

دَاعِيَيْنِ لَكَ، رَاجِعَيْنِ لِفَضْلِكَ: رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ

تورا و امید داشتند مگر احسان تورا ای پروردگار ما به درستی که تو داده ای به فرعون و گروما و

زِينَةً وَ أَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ، رَبَّنَا

زیست و مال بسیار را در زندگانی دنیا ای پروردگار ما پس گمراه نمودند مردمان را از راه تو ای پروردگار ما

اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ، وَ اشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ، فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا

برطرف کن مالهای ایشان را و بند گذار بر دلهای ایشان پس ایمان نیاوردند تا آن که دیدند عقوبت

دعاهای حضرت صاحب الزمان (عج)

الْعَذَابِ الْأَلِيمِ. فَمَنْتَ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمَا بِالْإِجَابَةِ لَهُمَا إِلَى أَنْ

در دنیاک تو را پس منت گذاردی و انعام کردی بر موسی و هارون به اجابت کردن دعای ایشان را تا آنکه

قَرَعْتَ سَمْعَهُمَا بِأَمْرِكَ، فَقُلْتَ اللَّهُمَّ رَبِّ، قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا

کوفتی گوش ایشان را به امر فرمان خود خداوند پس گفتی ای پروردگار من که برآورده شد حاجت شما

فَاسْتَقِيمَا وَ لَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ. أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

پس راستی گیرید و پیروی مکنید راه آن جماعتی را که نمی دانند حق آن که رحمت فرمانی بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَطْمِسَ عَلَى أَمْوَالِ هَؤُلَاءِ الظَّالِمَةِ، وَ أَنْ

محَمَّد و بر آل محمد و آن که ناجیز گردانی مالهای این جماعت ستمکاران را و آنکه

تُشَدِّدَ عَلَى قُلُوبِهِمْ، وَ أَنْ تَخْسِفَ بِهِمْ بَرَكًا، وَ أَنْ تُغْرِقَهُمْ فِي

شد محکم نهی بر دلهای ایشان . آن که فروبری ایشان را در بیابان خود و آن که غرق کنی ایشان را در

بَحْرِكَ، فَإِنَّ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا فِيهِمَا لَكَ، وَ أَرِ الْخَلْقِ

دریای خود به درستی که آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست از برای توست و بنما به خلائق

قُدْرَتَكَ فِيهِمْ، وَ بَطْشَتَكَ عَلَيْهِمْ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِهِمْ وَ عَجِّلْ لَهُمْ ذَلِكَ

قدرت و توانایت را در باره ایشان و شدت قهر خود را بر ایشان پس بکن این را به ایشان و شتاب نمای این را برای ایشان

يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ خَيْرَ مَنْ دُعِيَ، وَ خَيْرَ مَنْ تَذَلَّلَتْ لَهُ الْوُجُوهُ، وَ

ای بهترین کسی که سؤال کرده شده از اوست و ای بهترین کسی که خوانده شده است او و ای بهترین کسی که خواری و

رُفِعَتْ إِلَيْهِ الْأَيْدِي، وَ دُعِيَ بِاللِّسَنِ، وَ شَخَّصَتْ إِلَيْهِ الْأَبْصَارُ، وَ

پستی نموده اند برای او رویها و برداشته شده است به سوی او دستها و خوانده شده است به زبانها و حیران مانده اند به سوی او چشمها و

أَمَّتْ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ، وَ نُقِلَتْ إِلَيْهِ الْأَقْدَامُ، وَ تُحَوِّكُم إِلَيْهِ فِي الْأَعْمَالِ.

قصدم دهاند به سوی او دلها و حرکت داده شده اند به سوی او قدمها و محاکمه و حساب کرده می شود به سوی او در کردارها

إِلَهِي فَأَنَا عَبْدُكَ، أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَبْنَاهَا، وَ كُلِّ أَسْمَائِكَ

ای خدای من پس من بنده توام و سؤال می کنم تو را از نامهایت به نیکوترین آنها و همه نامهای تو

بِهَيِّ، بَلْ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

نیکوست بلکه سؤال می کنم تو را بنامهای همه آنها آن که رحمت فرستی بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُرَكِّسَهُمْ عَلَى أَمِّ رُؤُسِهِمْ فِي زُبَيْتِهِمْ، وَ تُزِيدَهُمْ فِي

محمد و آن که سرنگون سازی دشمنان را بر مغز سر ایشان در گودالهای خودشان و آن که بیندازی ایشان را در

مَهْوَى حُفْرَتِهِمْ، وَ أَرْمِهِمْ بِحَجَرِهِمْ، وَ ذَكِّهِمْ بِمَشَاقِصِهِمْ، وَ

ته گودی که کنده اند آنرا ایشان و بزن ایشان را به سنگ خودشان و ذبح کن و بکش ایشان را به بیگانه های تیر خودشان و

اَكْبِبْهُمْ عَلَى مَنَاحِرِهِمْ، وَ اخْنُقْهُمْ بِوَتَرِهِمْ، وَ ارْدُدْ كَيْدَهُمْ فِي

به روی انداز ایشان را بر بینی های ایشان و خفه کن ایشان را به زه کمان خودشان و برگردان دشمنی ایشان را در

دعاهای حضرت صاحب الزمان (عج)

نُحَوِّرِهِمْ، وَ أُوْبِقَهُمْ بِنَدَامَتِهِمْ، حَتَّى يُسْتَخَذِلُوا وَ يَتَضَاعَلُوا بَعْدَ

گودیهای گودی‌های سینه ایشان و هلاک گردان ایشان را به پشیمانی ایشان تا آن که بی‌یار و مددگار باقی مانند و حقیر گردند بعد از

نُخُوتِهِمْ، وَ يَخْشَعُوا بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِمْ، أَذِلَاءَ مَأْسُورِينَ فِي رَبْقِ

تکبر ایشان و پست گردند بعد از گردنکشی ایشان در حالی که باشند غول و ذلیل و اسیر شدگان در ریسمان

حَبَائِلِهِمُ الَّتِي كَانُوا يُؤَمِّلُونَ أَنْ يَرَوْنَا فِيهَا، وَ تُرِينَا قُدْرَتَكَ

و حلقه دامهای خودشان که بودند آن که امید دارند که ببینند ما را در آن دامها و سوال می‌کنم تو را که بنمائی به ما توانائی خود را

فِيهِمْ، وَ سُلْطَانَكَ عَلَيْهِمْ، وَ تَأْخُذُهُمْ أَخْذَ الْقُرَى، وَ هِيَ ظَالِمَةٌ، إِنَّ

در باره ایشان و شدت قهر خود را بر ایشان و فراگیری ایشان را مثل گرفتن تو اهل شهرها را و حال آن که بودند آنها ستم کننده به درستی که

أَخْذَكَ الْأَلِيمُ الشَّدِيدُ، وَ تَأْخُذُهُمْ يَا رَبِّ أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ، فَإِنَّكَ

گرفتن تو به درد آورنده و سخت است آن که بگیرد ایشان را ای پروردگار من گرفتن شخص غلبه کننده بسیار توانا به درستی که

عَزِيزٌ شَدِيدُ الْعِقَابِ، شَدِيدُ الْمِحَالِ. اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

تو غلبه کننده‌ای بسیار قادی که سخت است عقوبت تو و سخت حیل تو (یعنی عقوبت تو) خداوند ا و رحمت فرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ، وَ عَجَلْ إِيرَادَهُمْ عَذَابَكَ الَّذِي أَعَدَدْتَهُ لِلظَّالِمِينَ مِنْ

محمد و تسجیل کن وارد ساختن دشمنان را به عقوبت خود که مهیا کرده‌ای آنرا برای ستم کنندگان از

أَمْثَالِهِمْ، وَ الطَّاغِينَ مِنْ نَظَرَائِهِمْ، وَ أَرْفَعْ حِلْمَكَ عَنْهُمْ، وَ اخْلُلْ

مانندهای ایشان و برای پادشاهان از شبیه‌های ایشان و بردار حلم خود را از ایشان و فرود آور

عَلَيْهِمْ غَضَبَكَ الَّذِي لَا يَقُومُ لَهُ شَيْءٌ، وَ أَمُرْ فِي تَعْجِيلِ ذَلِكَ

بر ایشان خشم خود را که مقاومت نمی‌کند با آن چیزی و فرمان ده در شتاب کردن این

بِأَمْرِكَ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ لَا يُؤَخَّرُ، فَإِنَّكَ شَاهِدُ كُلِّ نَجْوَى، وَ عَالِمُ كُلِّ

عقوبت به فرمان خود که بر نمی‌گردد و پس افکنده نمی‌شود به درستی که تو حاضر هر راز پنهانی و دانای هر

فَحْوَى، وَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ خَافِيَةٌ، وَ لَا يَذْهَبُ عَنْكَ مِنْ

پنهانی و پنهان نیست بر تو از کردارهای ایشان هیچ پنهانی و غایب نمی‌شود از تو از

أَفْعَالِهِمْ خَائِبَةٌ، وَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ، عَالِمٌ بِمَا فِي الضَّمَائِرِ وَ

کارهای ایشان هیچ مستور و پوشیده‌ای و تونی دانای امور پنهان و دانائی به آنچه در خاطرها و

الْقُلُوبِ. اَللّٰهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ اَللّٰهُمَّ وَ اُنَادِيكَ بِمَا نَادَاكَ بِهِ سَيِّدِي

دلهاست خداوند ا و سوال می‌کنم تو را بار خدای و می‌خوانم تو را به آنچه خوانده‌است تو را به آن مولای من

نُوحٌ، إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ: وَ لَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ

و نوح همچنانکه فرمودهای که بزرگیت و بلندیت و خوانده‌است ما را نوح پس هر آینه

الْمُجِيبُونَ. أَجَلِ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ نِعْمَ الْمُجِيبُ، وَ نِعْمَ الْمَدْعُوُّ، وَ نِعْمَ

نیکویند جواب دهندگان بلی خداوند ا تونی نیکو جواب دهنده و نیکو خوانده‌شده و نیکو